

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

برادران ناتنی عیسی سخن می‌گویند:

یعقوب و یهودا

دکتر باب آتلی

پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک

(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای تفسیری

عهد عتیق، جلد ۱ الف

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

فهرست مطالب

I	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
II	مقدمه نویسنده:
II	چگونه این تفسیر می تواند به شما کمک کند
IV	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
۱	معرفی کتاب یعقوب
۶	یعقوب ۱:۱ - ۲۷
۴۰	یعقوب ۱:۲ - ۲۶
۶۱	یعقوب ۳
۷۵	یعقوب ۴
۸۸	یعقوب ۵
۱۱۲	معرفی کتاب یهودا
۱۱۶	یهودا
۱۵۲	آشنایی با ادبیات حکمت
۱۵۵	موضوع خاص: اصطلاحات دستور زبان یونانی
۱۶۳	موضوع خاص: نقد متنی
۱۶۶	واژه نامه
۱۷۳	بیانیه عقیدتی

فهرست موضوعات خاص

۸	موضوع خاص: عدد دوازده
۱۰	موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد
۱۱	موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها
۱۲	موضوع خاص: استقامت/محافظت
۱۴	موضوع خاص: رشد مسیحی (ویژگیها)
۱۶	موضوع خاص: دعای موثر
۱۸	موضوع خاص: فخر
۱۹	موضوع خاص: ثروت
۲۳	موضوع خاص: طول عمر و شکلبندی زمین
۲۸	موضوع خاص: ”حق“ در نوشته‌های پولس
۳۰	موضوع خاص: پارسایی
۳۴	موضوع خاص: ادبیات شرقی، تضادهای انجیلی
۳۶	موضوع خاص: سخن انسان
۳۷	موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)
۳۸	موضوع خاص: پدر
۳۸	موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)
۴۱	موضوع خاص: جلال (DOXA)
۴۲	موضوع خاص: نژاد پرستی
۴۴	موضوع خاص: زنان در انجیل
۴۷	موضوع خاص: وراثت ایمانداران
۴۸	موضوع خاص: پادشاهی خدا
۵۲	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق (۸۲۶)
۵۶	موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین
۵۸	موضوع خاص: پیمان
۶۳	موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات
۶۶	موضوع خاص: آتش
۶۷	موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS)
۷۰	موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید

۷۸	موضوع خاص: دعا، نامحدود و با این حال محدود
۸۰	موضوع خاص: تسلیم/ارائه
۸۱	موضوع خاص: شیطان فردی
۸۴	موضوع خاص: داوری در عهد جدید
۸۶	موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا
۸۹	موضوع خاص: این دوران و دوران پیش رو
۹۰	موضوع خاص: توصیف خدا به مثابه یک انسان (زبان انسان شناسی)
۹۲	موضوع خاص: اسامی خدا
۱۰۰	موضوع خاص: شفا دادن
۱۰۲	موضوع خاص: تدهین در انجیل
۱۰۳	موضوع خاص: نام خداوند- (عهد جدید)
۱۰۴	موضوع خاص: اعتراف/اقرار
۱۰۵	موضوع خاص: ضرورت دعا
۱۱۷	موضوع خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی
۱۲۱	موضوع خاص: الهام
۱۲۱	موضوع خاص: مقدسین
۱۲۳	موضوع خاص: عرفان
۱۲۵	موضوع خاص: فرشته خدا
۱۲۶	موضوع خاص: تخریب (APOLLUMI)
۱۲۸	موضوع خاص: ”پسران خدا” در پیدایش ۶
۱۳۰	موضوع خاص: منشأ (ARCHĒ)
۱۳۱	موضوع خاص: همجنس‌گرایی
۱۳۵	موضوع خاص: ارتداد
۱۴۰	موضوع خاص: کاریگما
۱۴۲	موضوع خاص: تثلیث
۱۴۴	موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند
۱۴۶	موضوع خاص: تضمین مسیحیت
۱۴۸	موضوع خاص: منزّه و بی‌گناه، بدون تقصیر

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

<i>Anchor Bible Commentaries</i> ویرایش Albright William Foxwell و David Noel Freedman	AB
<i>Anchor Bible Dictionary</i> ویرایش (جلد ۶) David Noel Freedman	ABD
<i>Analytical Key to the Old Testament</i> نوشته John Joseph Owens	AKOT
<i>Ancient Near Eastern Texts</i> نویسنده: James B. Prirchard	ANET
<i>A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament</i> نویسندگان F. Brown, S. R. Driver and C. A. Briggs	BDB
<i>The Interpreter's Dictionary of the Bible</i> نویسنده (چهار جلد) George A. Buttrick	IDB
<i>International Standard Bible encyclopedia</i> ویرایش (جلد ۵)، James Orr	ISBE
Jerusalem Bible	JB
<i>The Holy Scriptures According to the Masoretic Text: A New Translation</i> (The Jewish Publication Society of America)	JPSOA
<i>The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament</i> نوشته Ludwig Koehler and Walter Baumgartner	KB
<i>The Holy Bible From Ancient Eastern Manuscripts</i> (the Peshitta) نوشته George M. Lamsa	LAM
Septuagint (Greek-English) نوشته Zondervan ۱۹۷۰	LXX
<i>A New Translation of the Bible</i> نوشته James Moffatt	MOF
Masoretic Hebrew Text	MT
New American Bible Text	NAB
New American Standard Bible	NASB
New English Bible	NEB
NET Bible: New English Translation, چاپ دوم بتا	NET
<i>New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis</i> نوشته (جلد ۵) Willem A. VanGemeren	NIDOTTE
New Revised Standard Bible	NRSV
New International Version	NIV
New Jerusalem Bible	NJB
<i>Old Testament Passing Guide</i> by Todd S. Beall, William A. Banks and Colin Smith	OTPG
Revised English Bible	REB
Revised Standard Version	RSV
The Septuagint (Greek-English) by Zondervan, 1970	SEPT
Today's English Version ، توسط اتحادیه انجمن های کتاب مقدس	TEV
Today's English Version from United Bible Societies	YLT
<i>Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia</i> (5 vols.), ed. Merrill C. Tenney	ZPBE

مقدمه نویسنده:

چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او (۳) و خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحت‌تر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقع‌گرا یا بی‌طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی‌ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS⁴) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.

۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم‌بندی پاراگراف‌های آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.

۳. نسخه جدید استاندارد بازبینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.

۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در انجیل، تقسیم بندی

پاراگراف‌ها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین‌المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS⁴ و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.

۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تأثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تأثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع‌رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوتاه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس:

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آنچه در زیر می‌خوانید، توضیح مختصری درباره فلسفه هرمنوتیک دکتر باب آتلی و روشهای مورد استفاده او در تفسیر انجیل است.

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومی در مواجهه با دنیای بی‌احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می‌کردم.

بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله وبراهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم.

اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگی‌شان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدس، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طور که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گراییهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

I. پیش فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار

می‌گیرد.

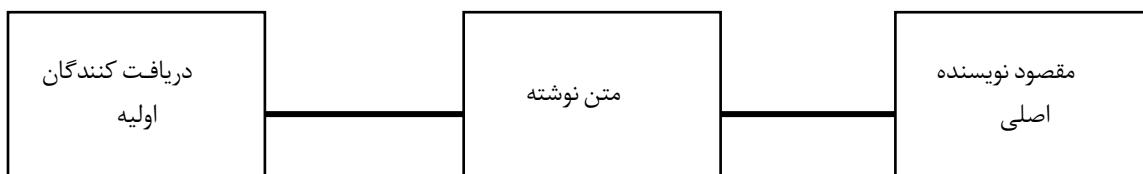
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

- (i) ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- (ii) زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- (iii) چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- (iv) طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کند
- (v) خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- (vi) واژگان انتخابی برای ارائه پیام

مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهیم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

II. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.



حداقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:

در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به منظور بررسی درستی حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه‌های اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من اهمیت دارد). راه‌های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک‌ها، پیش‌داوری‌ها، اسلوب، و کارهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم چنانچه هیچگونه مرزی، محدودیتی، شروط و موازینی برای این کار وجود نداشته باشد؟ در اینجاست که هدف نویسنده و ساختار متن، موازینی در اختیارم می‌گذارند تا بتوانم پهنه تفاسیر احتمالاً صحیح را محدودیت بخشم. در پرتو روش نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش‌هایی امکان دارد برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس وجود داشته باشد که تا اندازه‌ای هم راست آزمایی و همخوانی آن را فراهم می‌کنند؟

۱. روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد.

روش من متمرکز بر روی خواننده است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: "کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد." مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. شش مورد زیر حداقل تاییدیه مبسوطی را ارائه می‌دهد:

- ۱) زمینه تاریخی
- ۲) متون ادبی
- ۳) ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
- ۴) کاربرد واژگان معاصر
- ۵) بخشهای موازی/ مترادف و مشابه کتاب مقدس
- ۶) ژانر

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متاسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده‌اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

- a. کتاب را در یک جلسه بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است نظریه ترجمه آن متفاوت باشد:
 - i. ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)
 - ii. ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
 - iii. ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
- b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
- c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که به روشنی تم اصلی را بیان می‌کند.

d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

i. عهد عتیق

- ۱) داستانسرایی عبری
- ۲) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)
- ۳) نبوت عبری (نظم، نثر)
- ۴) قوانین در شریعت

ii. عهد جدید

- ۱) داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)
- ۲) مثالها (اناجیل)
- ۳) نامه‌ها/رساله‌ها
- ۴) ادبیات مکاشفه‌ای

۲. دوره دوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
- b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
- c. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

- a) کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
- b) موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده‌اند فهرست کنید.
 - a. نویسنده
 - b. تاریخ
 - c. دریافت کنندگان
 - d. دلیل خاص برای نوشتن
 - e. جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند
 - f. اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی
- c) طرح کلی آن بخش از کتاب مقدس را که در حال تفسیر آن هستید، به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
- d) زمینه تاریخی‌تان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

- a) «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
 - a. ترجمه کلمه به کلمه (NRSV، NASB، NKJV)
 - b. ترجمه معادل پویا (JB، TEV)
 - c. ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
- b) ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
 - a. عبارات تکرار شده، افس: ۱ و ۶ و ۱۲ و ۱۳
 - b. ساختارهای دستوری مکرر، رومیان ۸: ۳۱
 - c. مفاهیم مغایر
- c) موارد زیر را فهرست کنید
 - a. کلمات مهم
 - b. کلمات غیر معمول

- c. ساختارهای مهم دستوری
- d. کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل
- d) بخشهای مشابه مربوطه را در کتاب مقدس بیابید
- a. روشن‌ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:
۱. کتاب‌های الهیات نظام‌مند
 ۲. کتاب مقدس‌های مخصوص مراجعات
 ۳. کشف الیات
- b. در داخل موضوعتان، مفاهیم بظاهر متضاد و در واقع همخوان را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پرتنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوییم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.
- c. عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "زائر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.
- e) برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمک‌های مطالعاتی" بهره بگیرید.
- a. نسخه‌های مختلف کتاب مقدس را بخوانید
 - b. دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
 - c. پیشگفتارهای کتاب مقدس
 - d. تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگراف‌ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف‌ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه‌گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیرکردن و در کاربرد صحبت کردم. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهیم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

- ۱) برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱:۲۶ و ۱۶:۲).
- ۲) دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناهایی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۹:۱).
- ۳) برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزمور ۱۹:۷ الی ۱۴:۱؛ ۴۲:۱ به بعد؛ ۱۱۹:۱ به بعد).

۴) هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.

۵) فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابم:

۱) نوشته‌ای از James W. Sire در کتاب *Scripture Twisting* صفحات ۱۷-۱۸:

"تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه اساتید معنوی یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲) در مورد Kierkgaard، در کتاب Bernard Ramm به نام *Protestant Biblical Interpretation* صفحه ۷۵:

به گفته Kierkgaard، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خوانند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳) H.H. Rowley در کتاب *The Relvance of the Bible* صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. روش کتاب تفسیر پیش رو

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱) طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.

۲) بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

۳) در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگرافها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده اند:

(a) کتاب مقدس *The New American Standard Bible*، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)

(b) کتاب مقدس *The New King James Version* ترجمه جدید (NKJV)

(c) کتاب مقدس *The New Revised Standard Version* (NRSV)

(d) کتاب مقدس *Today's English Version* (TEV)

(e) کتاب مقدس *The New Jerusalem Bible* (JB)

تقسیم بندی پاراگرافها الهام نشده اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از نظریه‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگرافهای اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴) ترتیب یادداشت‌ها مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت‌ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

(a) ساختار ادبی

(b) بینش‌های تاریخی و فرهنگی

(c) اطلاعات دستوری

(d) مطالعات واژه‌ای

(e) بخش‌های موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

۵) در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه New American Standard Version (بروز شده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

(a) کتاب مقدس (NKJV) The New King James Version که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

(b) ترجمه جدید (NRSV) The New Revised Standard Version که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.

(c) ترجمه (TEV) The Today's English Version که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتاب مقدس آمریکا است.

(d) کتاب مقدس (JB) The New Jerusalem Bible که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

۶) برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:

(a) تفاوتها در متون خطی

(b) معانی جانشین واژگان

(c) متون و ساختار مشکل دستوری

(d) متون دارای چند معنی

اگر چه ترجمه‌های گوناگون به زبان انگلیسی نمی‌توانند برطرف کننده این مسائل باشند، ولی باعث می‌گردند تا برای مطالعه هر چه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار گرفته شوند.

۷) در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

معرفی کتاب یعقوب

کلام آغازین

- A. این باب به دلیل نقش کاربردی مسیحیت در زندگی، مورد علاقه Soren Kierkegaard در کتاب عهد جدید بود.
- B. اما مارتین لوتر علاقه زیادی به این باب نشان نمی‌داد زیرا بنظر می‌رسد که با تأکیدی که پولس بر روی "قضاوت بر مبنای ایمان" در رومیان و غلاطیان داشت، دارای تناقض بود.
- C. سبک این کتاب با سایر کتب عهد جدید متفاوت بود.
۱. زیرا بسیاری با کتاب امثال (ادبیات حکمت) که از زبان یک نبی آتشین گفته شده بود، شباهت دارد.
۲. زیرا کمی پس از مرگ مسیح بقلم تحریر در آمد و هنوز نشانه‌های کاربردی یهودیت در آن دیده می‌شود.

نویسنده

- A. نویسنده این کتاب "یعقوب" (به زبان عبری و "James" به زبان انگلیسی) بوده که برادر ناتنی عیسی محسوب می‌گردید (یکی از چهار پسر که مریم از یوسف بدنیا آورده بود؛ متی ۱۳:۵۵؛ مرقس ۶:۳). وی رهبر کلیسای اورشلیم بود (۴۸-۶۲ پس از میلاد مسیح، اعمال رسولان ۱۲:۱۷؛ ۱۳:۱۵ - ۲۱؛ ۲۱:۱۸؛ ۱۹:۱؛ ۱۲:۲).
۱. او را "یعقوب عادل" می‌نامیدند و بعدها نیز به دلیل اینکه همواره زانو زده و به دعا مشغول بود، لقب "زانوی شتر" به وی داده شد (به گفته Hegesippus، به نقل از اوسیبوس قیصری).
۲. یعقوب تا پس از قیام مسیح ایمان نیاورده بود (مرقس ۳:۲۱، ۳۱؛ یوحنا ۷:۵). عیسی شخصاً پس از قیام به وی ظاهر گردید (اول تواریخ ۷:۱۵).
۳. وی در اتاق بالا با حواریون حضور داشت (اعمال رسولان ۱:۱۴) و به احتمال قوی نیز زمانی که روح القدس بر پنطیکاست ظاهر گردید نیز حضور داشت.
۴. احتمالاً وی ازدواج کرده بود (۱ تواریخ ۹:۵).
۵. پولس از وی بعنوان یکی از ارکان رسولان یاد کرد (غلاطیان ۱:۱۹) اما وی در میان آن دوازده نفر نمی‌باشد (غلاطیان ۲:۹؛ اعمال رسولان ۱۷:۱۲؛ ۱۳:۱۵).
۶. ژوزفوس در کتاب *Antiquities of the Jews*, 20.9.1 می‌گوید که یعقوب در سال ۶۲ پس از میلاد بدستور صدوقیان سنگسار گردید، در حالیکه بر اساس مستند دیگر (نویسندگان قرن دوم، کلمنت اسکندریه یا Hegesippus) گفته می‌شود که وی از بالای معبد به پایین انداخته شد.
۷. نسل‌های متمادی پس از مرگ عیسی، یکی از خویشان وی بعنوان رهبر کلیسای اورشلیم منصوب گردیده بود.
B. A. T. Robertson در کتاب *Studies in the Epistle of James* بر نگارش این کتاب توسط وی یعقوب تأکید دارد.
وی می‌نویسد:

- "مستندات متعددی دال بر نگارش این رساله توسط سخنگوی کتاب اعمال رسولان ۱۳:۱۵ - ۲۱ وجود دارد - شباهت‌های ظریف نوع تفکر و سبک نگارش برای تقلید صرف یا نسخه‌برداری از چنین انسان هوشمند و زیرکی بعید است. نظیر همین مشابهت‌ها در میان رساله یعقوب و نامه به انطاکیه که احتمالاً توسط یعقوب نقل تحریر درآمده (اعمال رسولان ۱۵:۲۳-۲۹) دیده می‌شود. بوضوح یادداشت‌هایی درباره مراسم بر روی کوه وجود دارند که به احتمال زیاد یعقوب شخصاً شنیده و یا حداقل درباره مفاد آن به وی اطلاع داده شده بود. نظیر همین تصویر روشن را می‌توان در رساله‌ای مشاهده کرد که حاکی از ذات والای عیسی و آموزه‌های او می‌باشد" (صفحه ۲).
- در اینجا A. T. Robertson از کتاب *The Epistle of St. James* صفحات iii-iv پیروی می‌کند.
- C. در سلسله رسولان عهد جدید دو مرد دیگری نیز با نام یعقوب وجود دارند. با وجود این، یعقوب، برادر یوحنا، در اوان سال ۴۴ پس از میلاد توسط هیرودیس بقتل رسید (اعمال رسولان ۱۲:۱-۲). یعقوب دیگر، که یعقوب کوچک نامیده می‌شود و جواتر بود (مرقس ۱۵:۴۰)، هرگز از وی در خارج از فهرست رسولان نامی به میان نیامد. بوضوح نویسنده رساله‌ی ما کاملاً شناخته شده بوده است.
- D. نظریه‌های مختلفی پیرامون ارتباط خویشاوندی یعقوب با عیسی وجود دارد:
۱. جروم می‌گوید که وی پسر دایی یا پسر عموی عیسی بود (Alphaeus and Mary of Clopas). وی با مقایسه آیات متی ۲۷:۵۶ و یوحنا ۱۹:۲۵ به این استنباط رسیده است.
۲. کلیسای کاتولیک روم تصریح می‌کند که وی برادر ناتنی از ازدواج قبلی یوسف بوده است (تفسیر Origen از متی ۱۳:۵۵ و افسسیان در *Heresies* 78).

تاریخ

۳. ترتولیان (۱۶۰-۲۲۰ پس از میلاد)، هلویدیوس (۳۶۶-۳۸۴ پس از میلاد) و غالب پروتستان‌ها تصریح می‌کنند که وی برادر ناتنی حقیقی عیسی و حاصل ازدواج یوسف و مریم بوده است (متی ۱۳:۵۵؛ مرقس ۶:۳).
۴. گزینه‌های شماره یک و دو برای محافظت از دکتربن کاتولیک روم مبنی بر باکره بودن مریم در طول تاریخ شکل گرفته است.

- A. اگر مقام نویسندگی این کتاب را توسط یعقوب قبول کنیم، می‌توان دو زمان را برای آن متصور شد.
۱. آوان، پیش از شورای اورشلیم (اعمال رسولان ۱۵) در سال ۴۹ پس از میلاد (اگر این تاریخ درست باشد پس کتاب یعقوب در زمره اولین کتب عهد جدید است که تنظیم گردید).
 ۲. پسین، درست پیش از مرگ یعقوب در سال ۶۲ پس از میلاد.
- B. زمان اول منطقی‌تر بنظر می‌رسد
۱. کاربرد واژه "کنیسه" (در نسخه NASB "مجلس" نوشته شده است) در یعقوب ۲:۲
 ۲. عدم وجود سازماندهی در کلیسا
 ۳. کاربرد کلمه "مشایخ" در چارچوب یهود در یعقوب ۱۴:۵
 ۴. عدم ذکر بحث بر سر مأموریت غیریهودیان (اعمال رسولان ۱۵)
 ۵. بنظر می‌رسد که یعقوب در اوایل دوران کانونهای ایماندار یهودی به نگارش مشغول بوده و از اورشلیم بدور و احتمالاً خارج از فلسطین می‌زیست (یعقوب ۱:۱).
- C. زمان بعدی نیز معقول است
۱. عکس‌العمل یعقول (یعقوب ۲:۱۴-۲۶) نسبت نامه پولس به رومیان (یعقوب ۱:۴)، در واقع اتخاذ یک رویکرد مخالف بمنظور تصحیح استفاده نادرست از موعظه پولس یا مطالب تحریف شده توسط جاهلان و سست‌مایگان بوده است (۲ پطرس ۳:۱۵-۱۶).
 ۲. این رساله بوضوح بر روی دکتربنهای زیربنایی مسیحیت با توجه به فقدان کلی آنها از کتاب، تصریح می‌کند.

دریافت کنندگان

- A. جمله "به دوازده قبیله که در جهان پراکنده‌اند" (یعقوب ۱:۱) اشاره بزرگی برای ما محسوب می‌گردد. همچنین، مؤخره نامه در "رساله‌های کاتولیک" (نامه‌های ارجاع شده به چندین کلیسا) بازتاب ذات کلی آن است. روشن است که تنها یک کلیسا به اندازه یک گروه از اشخاص ولو بصورت پراکنده دارای برجستگی نبوده و اینگونه بنظر می‌رسد که این دوازده قبیله، مسیحیان یهودی خارج از فلسطین بوده‌اند.
- B. با وجودیکه کتاب یعقوب دارای رایحه یهودی می‌باشد، ولی خطاب به شنوندگان مسیحی مکتوب گردیده است. دلیل این امر را می‌توان اینگونه عنوان کرد:
۱. استفاده از واژه "برادر" (یعقوب ۲:۱، ۱۶، ۱۹، ۲:۱، ۵، ۱۴، ۳:۱، ۱۰، ۱۲، ۴:۱۱؛ ۵:۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۹)
 ۲. استفاده از واژه "سرور" (یعقوب ۱:۱، ۷؛ ۲:۱؛ ۴:۱۰، ۱۵؛ ۵:۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵)
 ۳. بطور مشخص ذکر عبارت ایمان به مسیح (یعقوب ۱:۲)؛
 ۴. انتظار بازگشت عیسی (یعقوب ۵:۸)
- C. سه تفسیر مختلف را می‌توان از آیه یعقوب ۱:۱ احتمال داد.
۱. یهودیان - بدلیل تکرار واژه "برادران"، عدم وجود خبر بزرگ درباره عیسی، و همچنین ذکر ایمان به مسیح در یعقوب ۱:۲، این برداشت درست و محتمل به نظر نمی‌رسد. همچنین پس از هجرت بابلیان، بسیاری از افراد آن دوازده قبیله هرگز به منزلگاه خویش باز نگشتند. مشابه همین استعاره را می‌توان در کاربرد نمادین ایمانداران در مکاشفه ۷:۴-۸ مشاهده نمود.
 ۲. مسیحیان یهودی - با توجه به عطری که از مفاهیم یهودی این کتاب به مشام می‌رسد و همچنین موقعیت رهبری یعقوب در کلیسای اورشلیم، این برداشت احتمالاً درست می‌باشد.
 ۳. کلیسا بعنوان بُعد اسرائیل - این امر بدلیل کاربرد عبارت "غریبان پراکنده" در ۱ پطرس ۱:۱ و اشاره پولس به کلیسا (ایمانداران و غیر ایمانداران یهودی) بعنوان بُعد معنوی اسرائیل (رومیان ۲:۲۸-۲۹؛ ۴:۱۶-۲۵؛ غلاطیان ۳:۷، ۲۹؛ ۶:۱۶؛ ۱ پطرس ۲:۵، ۹).

مناسبت

در این مورد دو نظریه اصلی وجود دارد.

- A. تلاش برای اعمال پیمانی جدید به طور خاص برای مسیحیان یهودی قرن اول که قوانین کافران زندگی می‌کردند.

B. برخی بر این باورند که این یهودیان ثروتمند بودند که یهودیان مسیحی تحت آزار قرار داده بودند. همچنین این امکان وجود دارد که مسیحیان اولیه در معرض سوء استفاده از مشرکان ضد یهود قرار داشته‌اند. روشن است که آن زمان، دوران نیازهای فیزیکی و آزار و شکنجه بوده است (یعقوب ۱: ۲-۴، ۱۲: ۲-۶؛ ۷: ۵؛ ۱۱-۴، ۱۳-۱۴).

سبک

A. این نامه/موعظه بازتاب‌دهنده حجم ادبی آن است. هم بلحاظ ضوابط شرعی (ایوب - غزل غزل‌ها) و هم چارچوب‌های درونی کتاب مقدس (جامعه، حدود ۱۸۰ سال پیش از میلاد مسیح). تأکید آن بر روی زندگی کاربردی و ایمان در عمل است (یعقوب ۱: ۳-۴).

B. سبک این کتاب به نوعی بسیار شبیه آموزگاران حکمت یهود و معلمان دوره گرد یونانی و رومی است (همچون پیروان مکتب رواقی). برخی نمونه‌ها عبارتند از:

۱. گسستگی ساختاری (جهیدن از یک موضوع به موضوعی دیگر)

۲. جملات دستوری متعدد (۵۴ مورد)

۳. زخم زبان و کنایه (مخالفی فرضی سوالاتی را مطرح می‌کند، یعقوب ۲: ۱۸؛ ۴: ۱۳). همین نمونه را می‌توان در ملاکی، رومیان و اول یوحنا مشاهده کرد.

C. باوجودیکه نقل قول‌های معدودی از عهد عتیق در دست است (یعقوب ۱: ۱۱؛ ۲: ۸، ۱۱، ۲۳؛ ۴: ۶)، اما همچون کتاب مکاشفه، اشارات زیادی به عهد عتیق شده است.

D. رئیس مطالب یعقوب تقریباً طولانی‌تر از خود کتاب است. این امر از دیدگاه ربی‌ها، جنبه فنی پریدن از یک موضوع به موضوعی دیگر به منظور حفظ توجه شنوندگان است. ربیان نام آن را "مرواریدهای دور یک حلقه" گذارده‌اند.

E. بنظر می‌رسد که یعقوب تلفیقی از سبک‌های مختلف است: (۱) حکیمان (معلمان حکمت) و (۲) انبیا (بیشتر شبیه عاموس یا ارمیا). وی از واقعیت‌های عهد عتیق استفاده کرده اما آنها را با موعظه عیسی بر روی کوه جلا می‌دهد. (به بخش B در قسمت بعد مراجعه کنید).

F. Richard N. Longenecker در کتاب *Biblical Exegesis in the Apostolic Period* صفحه ۶۹ می‌گوید: "همچنین می‌توان برای این رساله (یعقوب) بعنوان اینکه توسط یعقوب بقلم تحریر درآمده یا بعنوان اولین خطابه، بخش جداگانه‌ای را تشکیل داد - احتمالاً می‌شود خطابه‌های متعددی را از کتاب یعقوب بیرون آورده و تنها به شکل یک رساله جداگانه آن را قالب‌گیری کرده و به جریان انداخت."

محتوا

A. یعقوب از اشارات و کنایه‌های کلام عیسی که در اناجیل سینوپتیک دیده می‌شوند، بیش از سایر کتاب‌های عهد جدید بهره می‌برد.

B. کتاب یعقوب یادآور موعظه عیسی بر روی کوه است.

یعقوب موعظه بر روی کوه

یعقوب ۲: ۱	متی ۵: ۱-۲
یعقوب ۴: ۱	متی ۵: ۴۸
یعقوب ۵: ۱	متی ۷: ۷ (۲۶: ۲۱)
یعقوب ۱۲: ۱	متی ۵: ۳-۱۱
یعقوب ۲۰: ۱	متی ۵: ۲۲
یعقوب ۲۵-۲۲: ۱	متی ۷: ۲۴-۲۷
یعقوب ۵: ۲	متی ۳: ۵ (۳۴: ۲۵)
یعقوب ۸: ۲	متی ۵: ۴۳؛ ۷: ۱۲
یعقوب ۱۳: ۲	متی ۷: ۵ (۶: ۱۴-۱۵؛ ۱۸: ۳۲-۳۵)
یعقوب ۶: ۳	متی ۵: ۲۲، ۲۹، ۳۰
یعقوب ۱۲: ۳	متی ۷: ۱۶
یعقوب ۱۸: ۳	متی ۵: ۹؛ ۷: ۱۶-۱۷
یعقوب ۴: ۴	متی ۶: ۲۴
یعقوب ۱۲-۱۱: ۴	متی ۷: ۱
یعقوب ۱۳: ۴	متی ۶: ۳۴
یعقوب ۲: ۵	متی ۶: ۱۹-۲۰
یعقوب ۵: ۱۰-۱۱	متی ۵: ۱۱-۱۲

C. محتوای این کتاب به لحاظ الهیاتی کاملاً اعمال گردیده است (ایمان بدون عمل، مرگ است). از مجموع ۱۰۸ آیه، ۵۴ آیه دستوری و الزام آور هستند.

تشریح

- A. متن اضافه شده توسط یعقوب بعداً صورت گرفت و مشکل بود.
۱. رساله یعقوب در فهرست کتب شریعتی قرار ندارد. این فهرست که "نسخه مرتوری" نام دارد متعلق به روم در سال ۲۰۰ پس از میلاد است.
 ۲. این رساله در فهرست کتب شریعتی از شمال آفریقا (سال ۳۶۰ پس از میلاد) بنام "فهرست چلتنهام" (یا Karl Mommsen's Catalog) قرار ندارد.
 ۳. این رساله در نسخه قدیمی لاتین عهد جدید وجود ندارد.
 ۴. Eusebius این رساله را بعنوان یکی از کتابهای محل اختلاف ثبت کرده است (عبرانیان، یعقوب، ۲ پطرس، دوم و سوم یوحنا، یهودا و مکاشفه)، *Hist. Eccl. II:23:24-24; III:25:3*.
 ۵. تا قرن چهارم این کتاب مورد پذیرش کلیسای غرب قرار نگرفته و در فهرست کلیسای شرقی نیز تا زمان ترجمه سوریه باستان بنام Peshitta در قرن پنجم، درج نگردید.
 ۶. این کتاب توسط تودور مویسوئست (۳۹۲-۴۲۸ پس از میلاد)، رهبر مدرسه ترجمه و تفسیر انجیل انطاکیه مردود واقع شد (وی تمام رساله‌های کاتولیک را رد کرد).
 ۷. Erasmus همچون مارتین لوتر نسبت به آن تردید داشت. ماترین لوتر نام این کتاب را "رساله پوشالی" گذاشته بود زیرا وی احساس می‌کرد که این امر با تأکیدات کتاب‌های رومیان و غلاطیان در مورد "توجیه ایمان" در تناقض است.

B. شواهدی دال بر اصالت رساله یعقوب:

۱. به این رساله در نوشته‌های کلمنت روم (۹۵ پس از میلاد) و بعدها نیز در قرن دوم توسط Ignatius, Polycarp, Justin Martyr, Irenaeus اشاره شده است.
۲. به این رساله در یک کتاب غیرشریعتی اما محبوب مسیحی بنام *Shepherd of Hermas* که در حدود سال ۱۳۰ پس از میلاد نوشته شد، اشاره شده است.
۳. Origen (۲۴۵-۱۸۵ پس از میلاد) در تفسیر خود بر روی کتاب یوحنا در صفحه XIX:23 بطور مستقیم به این رساله اشاره کرده است.
۴. Eusebius در کتاب *Hist. Eccl. 2:23* این رساله را در زمره "کتب مورد اختلاف" ثبت کرد، اما در عین حال اضافه کرده که این رساله توسط بسیاری از کلیساها پذیرفته شده است.
۵. این رساله در نسخه مورد تجدید نظر قرار گرفته ترجمه سوری در ۴۱۲ (بنام Peshitta) پس از میلاد لحاظ گردید.
۶. اورینگن و یوحنا دمشقی در شرق و جروم و آگوستین در غرب موفق شدند تا این رساله را در شریعت جای دهند. این کتاب بطور رسمی جایگاه شرعی خود را در شورای Hippo در سال ۳۹۳ پس از میلاد، و Carthage سال ۳۹۷ پس از میلاد و دوباره در سال ۴۱۹ پس از میلاد بدست آورد.
۷. این کتاب توسط جان کریسوستوم (۳۴۵-۴۰۷) و تئودورت (۳۹۳-۴۵۷) که هر دو رهبران مدرسه ترجمه و تفسیر انجیل انطاکیه بودند، پذیرفته گردید.

مطالعه حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. هسته مرکزی تمام کتاب را با کلام خود بیان نمایید.

۱. موضوع کلیت کتاب

۲. نوع ادبیات (سبک)

مطالعه حلقه دوم (از "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کتاب مقدس را برای بار دوم در یک نشست مطالعه نمایید. رئوس مطالب موضوع اصلی را مشخص و آن را در یک جمله بیان نمایید.

۱. موضوع اولين متن مستقل
۲. موضوع دومين متن مستقل
۳. موضوع سومين متن مستقل
۴. موضوع چهارمين متن مستقل
۵. غيرہ

يعقوب ۱:۱ - ۲۷

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
سلام ۱:۱	سلام به دوازده قبیله ۱:۱	سلام ۱:۱	سلام ۱:۱	موعظه و سلام ۱:۱
ایمان و حکمت ۸-۲:۱	بهره‌وری از آزمون‌ها ۸-۲:۱	برکت آزمون‌ها ۴-۲:۱	ایمان و حکمت ۸-۲:۱	آزمون‌ها مایه افتخار هستند ۴-۲:۱
		۸-۵:۱		دعا از اعماق دل ۸-۵:۱
فقر و ثروتمندان ۱۱-۹:۱	دیدگاه غنی و فقیر ۱۱-۹:۱	۱۱-۹:۱	فقر و ثروتمندان ۱۱-۹:۱	ثروت اغنیا ۱۱-۹:۱
آزمون و وسوسه ۱۵-۱۲:۱	محبت ورزیدن به خدا تحت آزمون‌ها ۱۸-۱۲:۱	۱۶-۱۲:۱	آزمون و وسوسه ۱۵-۱۲:۱	وسوسه ۱۲:۱ ۱۵-۱۳:۱
۱۸-۱۶:۱		۱۸-۱۶:۱	۱۸-۱۶:۱	درک کلام و تمرین آن ۱۷-۱۶:۱
		۱۸-۱۷:۱		۱۸:۱
شنیدن و به جای آوردن کلام خدا ۲۱-۱۹:۱	کیفیت‌های مورد نیاز در آزمون‌ها ۲۰-۱۹:۱	پرستش واقعی ۲۱-۱۹:۱	شنیدن و به جای آوردن ۲۱-۱۹:۱	شریعت راستین ۲۱-۱۹:۱
	بجای آوردندگان - نه فقط شنوندگان ۲۷-۲۱:۱			
۲۵-۲۲:۱		۲۵-۲۲:۱	۲۵-۲۲:۱	۲۵-۲۲:۱
۲۷-۲۶:۱		۲۷-۲۶:۱	۲۷-۲۶:۱	۲۷-۲۶:۱

* پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن پاراگراف را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی، واژه‌نامه و اصطلاحات دستور زبان یونانی.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

خلاصه مطالب در فصل ۱

راه‌های گوناگونی برای نشان دادن اهم مطالب این فصل وجود دارد. یکی از این راه‌ها فهرست نمودن ویژگی‌های ایمانداران بالغ در برابر ایمانداران ضعیف است:

ضعیف	بالغ
	۱. شادی در میان آزمون (یعقوب ۲:۱)
(شاد نبودن)	۲. درخواست حکمت بمنظور تحمل آزمون‌ها (یعقوب ۵:۱)
(عدم پرسش)	۳. در هنگام دعا تردید به خود راه ندهید (یعقوب ۶:۱)
تردید	۴. جلال در راه مسیح (یعقوب ۹:۱)
جلال ثروت	۵. استقامت در برابر وسوسه (یعقوب ۱۲:۱)
تسلیم در برابر وسوسه	۶. سرعت در شنیدن، آهسته سخن گفتن، دیر خشمگین شدن (یعقوب ۹:۱)
(کاملاً برعکس)	۷. کنار گذاردن همه خصائص و اخلاقیات شیطانی (یعقوب ۲۱:۱)
(کاملاً برعکس)	۸. درک کلام خدا (یعقوب ۲۱:۱)
(کاملاً برعکس)	عمل به کلام خدا (یعقوب ۲۲:۱)
(کاملاً برعکس)	بدنبال کلام خدا و بخاطر سپردن آن (یعقوب ۲۴:۱ - ۲۵)
(کاملاً برعکس)	۹. دقت در سخنوری (یعقوب ۲۰:۱)
(کاملاً برعکس)	۱۰. کمک به نیازمندان (یعقوب ۲۷:۱)
	۱۱. دور ماندن از آرایش دنیوی (یعقوب ۲۷:۱)

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده) یعقوب ۱:۱

از یعقوب، غلام خدا و عیسی مسیح خداوند، به دوازده قبیله که در جهان پراکنده‌اند.
سلام!

۱:۱ "یعقوب" (در زبان انگلیسی "James") جیمز شکل یونانی نام عبرانی یعقوب می‌باشد. وی هم در میان یهودیان و هم مسیحیان اورشلیم به "یعقوب عادل" معروف بود. وی رهبر مورد اعتماد و احترام کلیسای اورشلیم گردید (اعمال رسولان ۱۵). برخی شواهد تاریخی نشان می‌دهند که این امر به دلیل رابطه ژنتیکی وی با عیسی بوده است. بنظر می‌رسد که همین دلیل برای نسل‌های متمادی، بافت عمده‌ای برای این کلیسا بوده باشد. یک دلیل که معتقدم این کتاب به نام مستعار نیست، اینست که یعقوب به طور خاص خودش یا رابطه خود با عیسی را مشخص نمی‌کند.

■ "غلام" این عنوان یا اشاره به (۱) حالتی از تواضع و فروتنی، و یا (۲) یک عنوان افتخارآمیز در عهد عتیق داشته باشد (موسی، داوود). روشن است که این عبارت در جهت مخالف عنوان "خداوند" ("Lord") بکار برده شده است (یهودا ۱:۱).

■ "خدا و عیسی مسیح خداوند" این حالت مالکیت خدا و خداوند را در یک حالت موازی با یکدیگر بلحاظ دستوری قرار داده تا برابری عیسی را از نقطه نظر کیفی با خدا تصریح کند (تیتوس ۲:۱۳؛ ۱ پطرس ۱:۱). همچنین می‌تواند پیوندی میان پدر و پسر در چارچوب یک عمل محسوب گردد (۱ تسالونیکیان ۳:۱۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۱۶). نویسندگان عهد جدید اغلب از عنوان "Lord" (بمعنی ارباب و سرور) بهره می‌جویند (*Kurios*) که با واژه عبری *adon* هم معنی می‌باشد، هر دو "صاحب"، "ارباب"، "شوهر" یا "سرور" ترجمه شده‌اند تا جنبه آسمانی عیسی ناصری را تصریح نمایند. این واژه سابقاً از عهد عتیق عبری به نسخه یونانی Septuagint "یهوه" ترجمه می‌شد (خروج ۳:۱۴). به موضوع خاص نام‌هایی برای خداوند در یعقوب ۴:۵ رجوع نمایید.

NASB	"به دوازده قبیله که در خارج پراکنده‌اند"
NKJV	"دوازده قبیله‌ای که در خارج پراکنده‌اند"
NRSV	"دوازده قبیله‌ی پراکنده"
TEV	"به همه اقوام پراکنده‌ی خداوند در سرتاسر جهان"
NJB	"دوازده قبیله‌ی پراکنده"

عبارت "دوازده قبیله" می‌تواند استعاره‌ای برای همه ایمانداران یهودی بوده باشد. آنها قوم جدید خداوند هستند، اسرائیل جدید (رومیان ۲:۲۸، ۲۹؛ غلاطیان ۶:۱۶؛ ۱ پطرس ۲:۵، ۹).

اولین بار واژه پراکنده (بمفهوم بذره‌های پراکنده) در نسخه LXX بکار برده شد. در این نسخه چندین توارد برای آن بکار برده شده است.

۱. بیرون بردن قوم خدا از سرزمین موعود بدلیل گناهان آنها (تثنیه ۲۷-۲۸)
 ۲. تخصیص دادن آن برای اشاره به مردمی (جامعه) که در تبعید هستند
 ۳. شیوه کاربرد آن برای اشاره به مکان یا محل تبعید یهودیان (بابل، آشور، ایران)
- از این واژه برای اشاره به یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند، استفاده می‌گردید (تکمیل استهزای یوحنا ۷:۳۵)

موضوع خاص: عدد دوازده

Special Topic: The Number Twelve

دوازده همیشه عدد نمادین برای سازمانها بوده است

A. خارج از انجیل

۱. ۱۲ نشان زودیاک
۲. دوازده ماه سال

B. در عهد عتیق (BDB 1040 و 797)

۱. پسران یعقوب (قبایل یهود)
۲. منعکس شده در موارد زیر

- a. دوازده ستون در محراب در خروج ۲۴:۴
- b. دوازده جواهر بر روی سینه لباس کاهن اعظم (که نشان از قبایل است) در خروج ۲۸:۲۱
- c. دوازده قرص نان در مکان مقدس جشن خیمه‌ها در لاویان ۲۴:۵
- d. دوازده جاسوس به کنعان اعزام شدند در اعداد ۱۳ (از هر قبیله یک نفر)
- e. دوازده عصا (استانداردهای قبایل) در شورش کورا در اعداد ۱۷:۲
- f. دوازده سنگ یوشع در یوشع ۳:۴ و ۹ و ۲۰
- g. دوازده ناحیه فرماندهی در دولت سلیمان در اول پادشاهان ۴:۷
- h. دوازده سنگ محراب الیاس برای یهوه در اول پادشاهان ۱۸:۳۱

C. در عهد جدید

۱. دوازده شاگرد منتخب

۲. دوازده سبد نان (یکی برای هر شاگرد) در انجیل متی ۱۴:۲۰
۳. دوازده تخت در عهد جدید برای نشستن شاگردان (اشاره به دوازده قبیله اسرائیل) در انجیل متی ۱۹:۲۸
۴. دوازده گروه از فرشتگان برای نجات عیسی در انجیل متی ۲۶:۵۳
۵. نمادگرایی در مکاشفه
 - a. ۲۴ ریش سفید بر ۲۴ تخت در ۴:۴
 - b. ۱۴۴۰۰۰ (۱۲x۱۲۰۰۰) در ۷:۴، ۱۴:۱ و ۳
 - c. دوازده ستاره بر تاج زنان در ۱۲:۱
 - d. دوازده دروازه، دوازده فرشته منعکس کننده دوازده قبیله در ۲۱:۱۲
 - e. دوازده سنگ زیرین اورشلیم جدید و بر روی هر یک نام یکی از شاگردان در ۲۱:۱۴
 - f. دوازده هزار محله در ۲۱:۱۶ (اندازه شهر جدید، اورشلیم جدید)
 - g. دیوارها ۱۴۴ ذراع هستند در ۲۱:۱۷
 - h. دوازده دروازه مروارید در ۲۱:۲۱
 - i. درختان در اورشلیم جدید با دوازده نوع میوه (یکی برای هر ماه) در ۲۲:۲

□ "سلام" مرسوم است که از این واژه برای شروع (*charin*) یک نامه در زبان یونانی استفاده می‌کردند، اما در نامه‌های عهد جدید استفاده از این واژه امری نادر محسوب می‌گردد. معنی آن "شادی کردن" یا "به وجد آمدن" است. یعقوب همچون اعمال رسولان ۲۳:۱۵ از همین "سلام" گویی بهره می‌جوید. پولس با تغییری جزعی، "سلام را به "رحمت" تغییر داد (*charis*).

متن NASB (بروز شده) یعقوب ۲:۱-۴

آی برادران من، هر گاه با آزمایشهای گوناگون روبه‌رو می‌شوید، آن را کمال شادی بینگارید! زیرا می‌دانید گذشتن ایمان شما از بوتۀ آزمایشها، پایداری به بار می‌آورد. اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید.

۲:۱ "بینگارید" این یک حالت دستوری در دستور زبان آئوریستی است. نسخه TEV این عبارت را "در نظر گیرید" ترجمه کرده است. ترجمه عهد جدید Williams آن را "باید بیانگارید" ترجمه کرده است. یعقوب همه ایمانداران را فرا می‌خواند تا هنگام رو در رو شدن با موقعیت‌های مختلف در زندگی خود، چگونه تصمیم‌های قطعی اتخاذ کنند. آنها باید بدانند که عیسی همه چیز را تغییر می‌دهد (فیلیپیان ۳:۷-۸)! همه چیز را بمفهوم واقعی کلمه "همه چیز را به بالا" می‌آورد! در دنیای باستان، همچون در فرهنگ کنونی آمریکا، جمع اعداد در بالا و نه در پایین نوشته می‌شد.

□ "کمال شادی" در نسخه یونانی واژه "کمال" در ابتدای متن و بمنظور تأکید قرار داده شده است. در کتاب یعقوب آزمونها شادی بخش نیستند، اما حاصل آنها می‌تواند دارای چنین نتیجه‌ای بوده باشد (متی ۵:۱۰-۱۲؛ لوقا ۶:۲۲-۲۳؛ اعمال رسولان ۵:۴۱؛ رومیان ۵:۳؛ ۱ پطرس ۱:۶). عیسی رنج دید و ما نیز باید این تجربه را که ماحصل آن رسیدن به بلوغ است، تجربه نماییم (اعمال رسولان ۱۴:۲۲؛ رومیان ۸:۱۷؛ ۲ قرنتیان ۱:۵، ۷؛ فیلیپیان ۱:۲۹؛ ۱۰:۳؛ عبرانیان ۵:۸-۹؛ و بویژه ۱ پطرس ۲:۲؛ ۳:۱۴-۱۷؛ ۴:۱۲-۱۶).

□ "ای برادران من" یعقوب از عبارت "برادران" (*adelphos/adelphoi*) برای این موارد بهره می‌برد: (۱) معرفی یک موضوع جدید (همچون پولس) و (۲) برای معزز جلوه دادن خود نزد شنونده‌گان، که بدلیل سبک کوبنده کلامی که داشت، امری لازم می‌نمود. یعقوب از این فن بیان اغلب استفاده کرده است (یعقوب ۱:۲، ۱۶، ۱۹؛ ۲:۱۴، ۵، ۱۴؛ ۳:۱، ۱۰، ۱۲، ۱۹).
 واژه یونانی این عبارت از مفهوم عبری آن با توجه با رابطه فامیلی و خونی، خویشاوندی نزدیک، همسایگی و یا شریک پیمانی گرفته شده است. واژه یونانی تلفیقی از واژه "رَجم" (*delphys*) و "a" (آنهايي که از رجم یک مادر دنیا آمده باشند) بوجود آمده است. قوم خدا خود را فرزندان خدا می‌دانند. این امر منجر به بکار رفتن استعاره‌های فامیلی متعددی در عهد جدید گردید: (۱) فرزند/فرزندان؛ (۲) دوباره زاده شدن/زاده شدن از سوی آسمان؛ (۳) بفرزند خواندگی پذیرفته شدن؛ و (۴) برادر/برادران.

"هرگاه مواجه می‌شوید"	NASB
"هرگاه می‌افتید"	NKJV
"هرگاه روبرو می‌شوید"	NRSV
"هرگاه ... در راه شما قرار می‌گیرد"	TEV
"هرگاه بر شما نازل می‌شود"	NJB

این عبارت یک وجه شرطی معلوم در دستور زبان آئوریستی از عبارات تلفیقی "افتادن" و "دور و بر" می‌باشد. وجه شرطی سخن از احتمال وقوع عملی در آینده با درصدی از تردید و شک می‌دهد. این ایمانداران مشکلاتی را تجربه می‌کردند، اما بوضوح همه آنها دچار این وضعیت نبودند. آزمون‌ها و مشکلات در این جهان رو به انحطاط، برای ایمانداران امری رایج محسوب می‌گردد.

□ "آزمایشهای گوناگون" مفهوم اصلی این عبارت "رنگ‌های گوناگون" یا "رنگین کمان" می‌باشد (۱ پطرس ۱: ۶). در پطرس ۴: ۱۰ مشابه همین ریشه توسط نسخه NASB "گوناگون" ترجمه گردید و برای تعریف از فیض خداوند بکار برده شد. ما در مواجهه با هرگونه آزمون، یک فیض همتراز از سوی خداوند دریافت خواهیم کرد! در بخش اول از آیه ۱: ۳، آزمون‌ها باعث خلوص ایمان می‌گردند، در قسمت دوم آیه ۱: ۳ مؤلّد بردباری بود و در آیه ۱: ۴ انسان را به بلوغ می‌رسانند. مشکلات همواره وجود خواهند داشت! اما نحوه رو در رویی ایمانداران با این مشکلات حائز اهمیت است! کلمه "آزمون‌ها" (*periasmos*، یعقوب ۱: ۱۲) حکایت از تلاش برای نابودی دارد (یعقوب ۱: ۱۳، ۱۴). به موضوع خاص پیش رو توجه نمایید. در یعقوب ۱: ۳ کلمه دیگر با دلالت ضمنی، "فریفتن"، "متن" و یا "تلاش" (*dokimion*، ۱ پطرس ۱: ۷) بکار برده شده است. این کلمه اغلب دلالت بر "آزمون بمنتظر قوی شدن" دارد.

۳: ۱ "بوتۀ آزمایشها" واژه یونانی *dokimos* برای فلزات و بمنتظر نشان دادن اصالت آنها بکار می‌رفته است (امثال ۲۷: ۲۱ در نسخه Septuagint). بعدها این واژه تبدیل شد برای دلالت بر "آزمون بمنتظر تأیید" بکار رفت (یعقوب ۱: ۱۲؛ ۱ پطرس ۱: ۷). خداوند فرزندان خود را می‌آزماید (پیدایش ۲۲: ۱؛ خروج ۱۵: ۲۵؛ ۴: ۶؛ ۲۰: ۲۰؛ تثنیه ۸: ۲، ۱۶؛ ۱۳: ۳؛ داوران ۲: ۲۲؛ ۳: ۱، ۴؛ تواریخ ۳۲: ۳۱؛ متی ۱: ۴؛ ۱ پطرس ۴: ۱۲-۱۶)، اما این آزمون‌ها همیشه بمنتظر توانمندتر شدن ما هستند و نه تخریب ما. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

□ "ایمان" در اینجا، کلمه *pistis* در حالت اعتماد فردی به خداوند از طریق عیسی و نه دکترین مسیحیت، آنگونه که در یهودا ۱: ۳، ۲۰ بکار برده شده است.

کلمه یونانی *pistis* ممکن است در زبان انگلیسی بصورت "اعتماد"، "باور" و یا "ایمان" ترجمه شده باشد. این واژه دو جنبه‌ی رابطه ما را با خداوند می‌رساند: (۱) ما اعتماد خود را در گرو قابل اعتماد بودن وعده‌های خداوند و کار بی‌پایان رسیده عیسی می‌نهیم، و (۲) ما پیام درباره خداوند، انسان، گناه، مسیح، رستگاری و غیره را باور داریم. از این رو این کلمه می‌تواند در اشاره به پیام انجیل یا باور ما به انجیل بکار رفته باشد. انجیل یک فرد است که ما به او خوش آمد گفته‌ایم، یک پیام است که آن را باور داریم و یک زندگی است که ما در آن قدم گذارده‌ایم.

موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد

Special Topic: Faith, Believe, Or Trust

A. این یک اصطلاح بسیار مهم در انجیل است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۱ و ۶). موضوع نخستین موعظه‌های عیسی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵). حداقل دو پیش نیاز دیگر پیمان جدید هم در پیمان جدید وجود دارند: توبه و ایمان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱).

B. ریشه واژه

۱. اصطلاح "ایمان" در عهد عتیق به معنای وفاداری یا اعتماد به نفس و توصیف ماهیت خدا است، نه ما.

۲. این از اصطلاح عبری (*BDB 53, emunah, emun*، یعنی، حبقوق ۲: ۴) می‌آید، که در اصل به معنای "مطمئن بودن یا

پایدار بودن" بود. صرفه جویی در ایمان یعنی

a. خوش آمد گفتن به یک نفر (اعتماد، ایمان فردی، مراجعه شود به E1 در پائین)

b. باور داشتن حقایق در مورد آن فرد (کتاب مقدس، مراجعه شود به E5 در پائین)

c. همانند آن شخص زندگی کردن (همانند مسیح)

C. کاربرد آن در عهد عتیق

باید تأکید کرد که ایمان ابراهیم در مسیحی که در آینده می‌آمد، نبود، بلکه در وعده خدا بود که او فرزند و فرزندان خود را خواهد داشت (انجیل متی ۱۲: ۲، ۱۵: ۲-۵، ۱۷: ۴-۸؛ ۱۸: ۱۴؛ رومیان ۴: ۱-۵). ابراهیم با اعتماد به خدا به این وعده پاسخ داد (مراجعه شود به موضوع ویژه: اعتقاد، اعتماد، ایمان و اعتماد در عهد عتیق) و کلام او. شک و تردید او در مورد این وعده که تحقق آن سیزده سال طول کشید، در طی این مدت همچنان ادامه داشت. با این حال، ایمان نافذ او، توسط خدا پذیرفته شد. خدا مایل است انسانهای ناقص به ایمان و وعده‌های او پاسخ دهند، حتی اگر اندازه دانه خردل باشد (متی ۱۷: ۲۰) یا ایمانشان ترکیبی باشد (به عبارتی انجیل مرقس ۹:

۲۲ الی ۲۴)

D. کاربرد آن در عهد جدید

اصطلاح «باور» از فعل یونانی *pisteuō* یا اسم *pistis* است که در زبان انگلیسی به «اعتقاد»، «ایمان» یا «اعتماد» ترجمه شده است. به عنوان مثال، حالت اسمی در انجیل یوحنا دیده نمی‌شود، اما حالت فعل آن اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲: ۲۳-۲۵، عدم اطمینان در مورد یقین تعهد جمعیت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. مثالهای دیگر این استفاده سطحی اصطلاح «باور» در انجیل یوحنا ۸: ۳۱-۵۹ و اعمال رسولان ۱۳: ۸، ۱۸-۲۴ است. ایمان انجیلی واقعی فراتر از یک پاسخ اولیه است. باید به دنبال فرایند شاگردی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰-۳۱، ۲۳-۳۲، ۲۸: ۱۹-۲۰).

E. کاربرد آن به عنوان حرف اضافه

۱. *eis* یعنی «درون»، «بر»، «در». این ساختار منحصر به فرد بر این تأکید دارد که مومنین به عیسی اعتماد میکنند

a. به نام او (انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۵: ۱۳)

b. در او (انجیل یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۱۵ و ۱۸، ۴: ۳۹، ۶: ۴۰، ۷: ۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵ و ۴۸،

۱۲: ۳۷ و ۴۲، انجیل متی ۱۸: ۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۳، فیلمون ۱: ۲۹، اول پطرس ۱: ۸)

c. بر من، (انجیل یوحنا ۶: ۳۵، ۷: ۳۸، ۱۱: ۲۵ و ۲۶، ۱۲: ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲، ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰)

d. بر پسر، (انجیل یوحنا ۳: ۳۶، ۹: ۳۵، اول یوحنا ۵: ۱۰)

e. بر عیسی، (انجیل یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال رسولان ۱۹: ۴، غلاطیان ۲: ۱۶)

f. در نور، (انجیل یوحنا ۱۲: ۳۶)

g. بر خدا (انجیل یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *ev* یعنی «در» همانند انجیل یوحنا ۳: ۱۵، انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۵: ۱۴

۳. *epi* یعنی «در» یا «بر» همانند انجیل متی ۲۷: ۴۲، اعمال رسولان ۹: ۴۲، ۱۱: ۱۷، ۱۶: ۳۱، ۲۲: ۱۹، رومیان ۴: ۵ و ۲۴، ۹: ۳۳، ۱۰: ۱۱، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، اول پطرس ۲: ۶

۴. حالت زمانی بدون حرف اضافه همانند انجیل یوحنا ۴: ۵۰، غلاطیان ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۸: ۸، ۲۷: ۲۵، اول یوحنا ۳: ۲۳،

۵: ۱۰

۵. *hoti*، که به معنی «باور داشتن» که «به متن این را میدهد که به چه چیز باید باور داشت

a. عیسی آن مقدس خدا است (انجیل یوحنا ۶: ۶۹)

b. عیسی همان «من هستم» است (انجیل یوحنا ۸: ۲۴)

c. عیسی در پدر است و پدر در پسر (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸)

d. عیسی همان مسیح است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)

e. عیسی پسر خدا است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)

f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (انجیل یوحنا ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۸ و ۲۱)

g. عیسی با پدر یکی است (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۰ الی ۱۱)

h. عیسی از جانب پدر آمد (انجیل یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰)

i. عیسی خود را در نام پیمان پدر معرفی کرد، «من هستم»، (انجیل یوحنا ۸: ۲۴ و ۱۳: ۱۹)

j. ما با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)

k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴)

▣ «به بار می‌آورد» این یک فعل اخباری حال حاضر است. این فعل سخن از عملی در حال اجرا داشته، اما تأکید آن بر روی نتیجه‌ای آنی است. زنجیره

مشابهی از مراحل رو به رشد در کتاب رومیان ۵: ۳-۴؛ کولسیان ۱: ۱۱-۱۲؛ ۱ پطرس ۶: ۷-۶ نیز دیده می‌شود. رستگاری یک هدیه الهی بوده و رسیدن

به آن نیازمند مراحل خاص می‌باشد!

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها Special Topic: Greek Terms for Testing And their Connotations

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم «آزمودن کسی برای هدفی» هستند.

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می‌دهد و مواد خارجی را می‌سوزاند (یعنی خالص می‌کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا و یا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می‌شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می‌آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

(a) گاوها، انجیل لوقا ۱۹:۱۴

(b) خودمان، اول قرنتیان ۱۱:۲۸

(c) ایمان ما، یعقوب ۱:۳

(d) حتی خدا، عبرانیان ۳:۹

تصور می‌شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲:۱۸، ۱۴:۲۲، ۱۶:۱۰، دوم قرنتیان ۱۸:۱۰، ۱۳:۳ و ۷، فیلیپیان ۲:۲۷، اول پطرس ۱:۷)، بنابراین اصطلاح در بردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می‌شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. از رشمند است

e. قابل احترام است

۲. Peirazō, Peirasmus

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. در بردارنده تلاش برای به دام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱، ۱۶:۱، ۱۹:۳، ۱۸:۲۲ و ۳۵، انجیل مرقس ۱۳:۱۳، انجیل لوقا ۴:۲، عبرانیان ۲:۱۸)

b. این اصطلاح (Peirazōn) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴:۳، اول تسالونیکیان ۳:۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

۱. توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را مورد آزمون قرار ندهند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۷، انجیل لوقا ۴:۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰:۹])

۲. همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱:۲۹)

۳. در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷:۵، ۱۰:۹ و ۱۳، غلاطیان ۱:۶، اول تسالونیکیان ۳:۵، عبرانیان ۲:۱۸، یعقوب ۲:۲ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴:۱۲، دوم پطرس ۲:۹)

□ "پایداری" این واژه یونانی بمعنی عملی "داوطلبانه، فعال، راسخ و تحمل با شکیبایی" است. این عبارت در کتاب یعقوب بارها تکرار شده است (یعقوب ۳:۱، ۴:۱۲، ۱۱:۵).

موضوع خاص: استقامت/محافظة

SPECIAL TOPIC: PRESERVANCE

توضیح دکتربین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس‌های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر میرسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

A. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟

B. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟

C. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟

در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می‌شود:

A. متون در ارتباط با اطمینان

۱. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۶:۳۷، ۲۸:۱۰ الی ۲۹)
۲. اظهارات پولس (رومیان ۸:۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱:۱۳، ۵:۲، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱:۶، ۱۳:۲، دوم تسالونیکیان ۳:۳، دوم تیموتائوس ۱:۱۲، ۴:۱۸)
۳. اظهارات پطرس (اول پطرس ۱:۴ الی ۵)

B. متونی که میگویند استقامت نیاز است

۱. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۱۰:۲۲، ۱۳:۱، ۹ الی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳:۱۳)
۲. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸:۳۱، ۴:۱۵ الی ۱۰)
۳. اظهارات پولس (رومیان ۱۱:۲۲، اول قرنتیان ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۵:۱۳، غلاطیان ۱:۶، ۳:۴، ۵:۴، ۶:۹، فیلیپیان ۲:۱۲، ۳:۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱:۲۳، دوم تیموتائوس ۳:۲)
۴. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲:۱، ۳:۶ و ۱۴، ۴:۱۴، ۶:۱۱)
۵. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲:۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۱:۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی‌تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۴ و ۶:۵). الهیت ابتدا می‌آید و دستور کار را تعیین می‌کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می‌کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی! رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می‌خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. Dale Moody, The Word of Truth, Eerdmans, چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. Kept by the Power of God از انتشارات Bethany Fellowship, اثر Howard Marshall, چاپ ۱۹۶۹

۳. Life in the Son, انتشارات Westcott, اثر Robert Shank, چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بی‌ثمر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت میکند و سیستم‌های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا میکنند. برخی مسیحیان نامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

یک جدل الهیاتی تاریخی میان آگوستین در مقابل پلاگیوس و کالوین و در مقابل آرمینیوس (نیمه پلاگیان‌ها) وجود دارد. این بحث شامل این سوال در مورد رستگاری است: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا باید در ایمان و مفید بودن محکم باشد؟

کالوینیست‌ها در پشت آیاتی صف می‌بندند که بر پادشاهی خدا و حفظ قدرت (انجیل یوحنا ۱۰:۲۷ الی ۳۰، رومیان ۸:۳۱ الی ۳۹، اول یوحنا ۱۳:۵ و ۱۸، اول پطرس ۱:۳ الی ۵) و زمانهای فعال و مصدر کامل مجهول افسسیان ۲: و ۸ تصریح دارد.

ارامنه پشت متونی که به ایمانداران هشدار می‌دهد صبر کنید، دست نگاهدارید یا ادامه دهید صف بسته‌اند (انجیل متی ۱۰:۲۲، ۲۴:۹ الی ۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳، انجیل یوحنا ۱۵:۴ الی ۶، اول قرنتیان ۱۵:۲، ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۵:۳ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۱:۷). من به شخصه باور ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ مصداق داشته باشند، ولی بسیاری از ارامنه از آن به عنوان هشدار علی‌ه ارتداد استفاده می‌کنند. تمثیل بذر در انجیل متی ۱۳ و مرقس ۴ بر ایمان بدیهی تصریح دارند، همانند انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹ چنین تصریح می‌کند. کالوینیست‌ها میگویند که افعال زمان کامل برای توصیف رستگاری استفاده شده است، و ارامنه عبارتهای با زمانهای حال کامل را نقل می‌کنند مانند اول قرنتیان ۱:۱۸، ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۱۵:۲.

این یک مثال کامل است از اینکه چطور سیستم‌های الهیاتی با روشهای تفسیری اثبات از صحت متون سو استفاده می‌کنند. معمولا اصول راهنما یا متن اصلی استفاده می‌شود تا یک شبکه الهیاتی برپا شود که توسط آن به تمامی دیگر متون نگاه شود. مراقب این چهارچوبها از هر منبعی باشید. آنها از منطق غربی می‌آیند نه از مکاشفه. انجیل یک کتاب شرقی است. حقیقت را در شرایط پر از تنش ارائه می‌دهد، ظاهرا به صورت دو پارادوکس. مسیحیان باید هر دو را بپذیرند و قبول کنند و در این تنش زندگی کنند. عهد جدید هم امنیت به ایمان آورنده ارائه می‌دهد و هم تقاضا بر تداوم ایمان و در کنار خدا بودن را دارد. مسیحیت پاسخ اولیه توبه و ایمان است که در پی آن باید تداوم پاسخ به توبه و ایمان باشد. رستگاری یک

محصول نیست (یک بلیط به بهشت یا بیمه آتش سوزی)، بلکه یک رابطه است. یک تصمیم و شاگردی است. در عهد جدید با تمامی زمانهای افعال توصیف شده است.

- آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵:۱۱، رومیان ۸:۲۴، دوم تیموتائوس ۱:۹، تیتوس ۳:۵
- کامل (عمل کامل شده و نتایج آن ادامه دارد)، افسسیان ۲:۵ و ۸
- حال (عمل در حال انجام)، اول قرنتیان ۱:۱۸، ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۲:۱۵
- آینده (رخدادهای آتی یا رخدادهای قطعی)، رومیان ۵:۸ و ۱۰:۹، اول قرنتیان ۳:۱۵، فیلیپیان ۱:۲۸، اول تسالونیکیان ۵:۸ الی ۹، عبرانیان ۱:۱۴، ۹:۲۸

۴:۱ "اما بگذارید پایداری" این یک جمله دستوری حال کامل است. از ۱۰۸ آیه‌ای که در کتاب یعقوب وجود دارند، ۵۴ آیه دستوری هستند. این کتاب مجموعه‌ای از اندرزها برای زندگی کاربردی است.

■ "کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید" واژه یونانی "کمال" (*teleios*) دو بار استفاده شده است، یعقوب ۱:۱۷، ۲۵:۳؛ ۲:۳ که بمعنی "کاملاً تجهیز شده"، "بالغ"، و یا "میوه رسیده" است. در نسخه Septuagint پیدایش ۹:۶ همین واژه برای تعریف از نوح بکار برده شده است. اینگونه بنظر می‌رسد که این واژه بار دلالت بر رشد ایمانی که مربوط به وفاداری و عشق به خدمت است، داشته باشد. معنای آن "واحد" یا "بی‌گناهی" را نمی‌رساند. این واژه ممکن است که مرجع اسکاتولوژیک باشد. یعقوب اغلب بدنبال حد نهایی امید در مسیحیت است (یعقوب ۱:۸-۹، ۱۲:۵؛ ۷:۵، ۸). دومین واژه "کامل" (*holoklēria*) برای سلامتی و کلیت بدن (اعمال رسولان ۳:۱۶) و در رابطه با سلامت جسمی نوع بشر بصورت استعاره هم از جنبه فیزیکی و هم روحانی بکار برده شده است (۱ تسالونیکیان ۵:۲۳ و در یک حالت اسکاتولوژیک).

■ "چیزی کم نداشته باشید" توجه داشته باشید که یک مسیحی بالغ به سه شیوه تعریف می‌گردد.

۱. کاملاً رسیده و تکمیل (*telos*)

۲. بی‌عیب یا کامل (*holoklēros*) ۱ تسالونیکیان ۵:۲۳

۳. چیزی کم نداشتن (در نسخه NJB "به هر شکل ممکن ناکارا" ترجمه شده است)

آزمون‌ها خواست خداوند برای رسیدن به بلوغ بوجود آمده‌اند (عبرانیان ۵:۸-۹). بلوغ تنها یک دیدگاه الهیاتی نیست، بلکه وفادار بودن به پایداری روزانه است! بلوغ نشاندهنده ذات درونی ما است، نه دانشی که از بهره می‌بریم! حاصل آن در طول بحران‌هایی که با آنها مواجه می‌شویم بوجود می‌آیند.

موضوع خاص: رشد مسیحی (ویژگیها) Special Topic: Christian Growth

دوم پطرس ۱: ۵ الی ۷ اعمال دائمی	یعقوب ۳: ۱ الی ۴ حاصل آزمایشات	غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳ ثمره روح القدس	رومیان ۵: ۳ الی ۴ دلایل رنج و عذاب
• برتری اخلاقی	• تحمل	• عشق	• استقامت
• شناخت	• بلوغ	• لذت	• شخصیت اثبات شده
• خویشتن داری	۱. استقامت	• آرامش	• امید (مراجعه شود به آیه ۲)
• استقامت	۲. کامل بودن	• صبوری	
• خدایی بودن		• صبر	
• محبت برادرانه		• محبت	
(<i>philadelphia</i>)		• نیکی	
• محبت مسیحی (<i>agapē</i>)		• وفاداری	
		• نرمی	
		• خویشتن داری	

اگر از شما کسی بی بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا می کند، و به وی عطا خواهد شد. اما با ایمان درخواست کند و هیچ تردید به خود راه ندهد، زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش باد به هر سو رانده می شود.^۷ چنین کس نپندارد که از خداوند چیزی خواهد یافت،^۸ زیرا شخصی است دو دل و در تمامی رفتار خویش ناپایدار.

۵:۱ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که کاربرد آن با توجه به دیدگاه نویسنده نسبت به مقاصد ادبی که دنبال کرده، درست بنظر می رسد. ایمانداران برای ادامه زندگی در این دنیای فانی نیازمند حکمت هستند. یعقوب می دانست که این آزمون ها گاه بعنوان نشانه ای از عدم خوشنودی خداوند محسوب می گردیدند، اما در عین حال علت وجود آنها را دقیقاً رضایت خداوند و با اهداف الهی تلقی می کرد (ایوب و مزمو ۷۳).

■ "از شما کسی بی بهره از حکمت است" در اینجا میان آیه ۱: ۴ و قسمت اول آیه ۵ با کلمات بازی شده است. در نسخه NASB اینگونه برداشت شده است: "...بی بهره از هر چیزی است. اما اگر هر یک از شما از حکمت بهره نبرده..." . این مضمون در آیات ۳: ۱۳-۱۸ ادامه یافته است. به آنچه که حکمت برای همگان بیان می دارد توجه کنید "اگر هر یک از شما..." . حکمت خداوند در دسترس فرزندان است، اما آنها باید نیاز به آن را حس کرده و از خداوند طلب آن را نموده تا بدست آورند. حکمت، همچون بلوغ، بصورت خودکار بدست نمی آید.

■ "حکمت" در عهد عتیق حکمت/دانش معرف دو جنبه هستند: (۱) روشنفکری و (۲) کاربردی (امثال ۱: ۱-۶). در این متن از جنبه دیدگاه روزمره بصورت کاربردی از سوی خداوند مطرح گردیده که از قوم ستمدیده خود حمایت می کند. هدیهی حکمت از سوی خداوند، بواسطه دعا، مشروط به ایمان بدون قید و شرط است، یعقوب ۱: ۵-۸. هم دعای ایمانداران و هم حکمت خداوند سلاح روحانی ما در آزمون ها و وسوسه هایی است که با آنها روبرو می شویم (افسیان ۶: ۱۰-۸).

■ "درخواست کند از خدایی که" این جمله حال کامل دستوری است که دقیقاً بمعنی "بگذارید از خدا بخواهد" است (متی ۷: ۷-۸؛ لوقا ۱۱: ۹). نظیر همین فرم افعال در یعقوب ۱: ۶ با اضافه کردن عبارت "در ایمان" تکرار شده است (متی ۱۷: ۲۰؛ ۲۱: ۲۱). در کتاب متی این خداوند است که "چیزهای نیک" می دهد؛ در لوقا این خداوند است که "روح القدس" را تقدیم می کند؛ و در یعقوب باز این خداوند است که "حکمت" را در پیش روی ما می گذارد. حکمت می تواند جنبه شخصی نیز داشته باشد، همانطور که در امثال ۸: ۲۲-۳۱ دیده می شود. در یوحنا ۱: ۱ حکمت خداوند اشاره به عیسی دارد (the Logos).

■ "به همه عطا می کند" این وعده ایست که خداوند به همه فرزندان خود داده است. توجه داشته باشید که کلام خدا چگونه این مضمون جهانی را بسط می دهد: "اگر کسی درخواست کند"، "سخاوتمندانه به همه عطا می شود"، "بدون هیچ ملامتی"، "عطا خواهد شد". اما، شروطی وجود دارد: "با ایمان راسخ بخواهید"، "تردید نداشته باشید". به موضوع خاص در یعقوب ۴: ۳ مراجعه نمایید. میزان دسترس پذیری این حکمت برای ایمانداران که بدانند چگونه به شیوه ای زندگی کنند که مقبول خداوند باشد، حقیقتی شگفت انگیز است، بویژه در زمان آزمون ها. حتی ممکن است که خداوند بخشاینده پاسخ دعای انسان گمراهی که از اعماق وجود درخواست حکمت می کند را نیز اجابت نماید (اعمال رسولان ۱۰، Cornelius)، حکمتی که به رستگاری منتهی می گردد (تیموتائوس ۳: ۱۵).

NASB, NRSV

TEV, NJB "سخاوتمندانه"

NKJV "با نظر بلندی"

این حالت از واژه *heplōs* فقط اینجا در عهد جدید دیده می شود. ریشه این واژه (*haploos*) بمعنی "واحد" یا "انگیزه یا ذهن تفکیک نشده" است (متی ۲۲: ۲۲ برای ارتباط احتمالی با موعظه ی روی کوه).

این واژه (*haplotēs*) برای نشان دادن صداقت، اصالت یا خلوص در انگیزه ی کاری (رومیان ۸: ۱۲؛ ۲۱: ۱۲؛ ۱۱: ۳؛ افسسیان ۶: ۵؛ کولسیان ۳: ۲۲) یا بخشاینده گی (۲۱: ۲۲؛ ۱۱: ۹؛ ۱۳) بصورت استعاره مورد استفاده قرار می گرفت. عیسی از این واژه برای تشریح حکمت اعطایی از سوی خداوند برای آنان که آن را با ایمان قلبی می طلبند، استفاده می کرد.

■ "و بدون ملامت" خداوند فردی منضبط کننده ی خشن و تنگ چشم نیست! وی همچون پدری دلسوز است که آرزوی بهترین ها را برای فرزندان خود دارد! برای او هیچکس برتری نسبت به دیگری ندارد.

۶:۱ "با ایمان درخواست کند" این شرطی برای همه هدایای روحانی و هر آنچه که خداوند برای انسان تدارک دیده می باشد. این امر مربوط به تردیدهایی که ما نسبت به قابلیت های خود داریم نیست، بلکه تردید نسبت به توانایی خداوند و میزان علاقه ی او به عطای آنچه که وعده داده می باشد (یعقوب ۵: ۱۵)؛

عبرانیان (۱۱). ایمان به خداوند موجبات همنشینی با او را فراهم می‌کند؛ اما تردید منجر به از بین رفتن این فرصت همنشینی می‌گردد! خداوند خود را محدود به اجابتِ دعا‌های از روی ایمان/صداقت/باور فرزندان خود کرده است! مفهوم دعای "بی‌پاسخ" باز در یعقوب ۴:۱-۳ توضیح داده شده است.

■ "هیچ تردید به خود راه ندهد" در متن یونانی واژه "تردید" مصدر حال حاضر نوشته شده است. این مصدر دو بار تکرار شده است. واژه "diakainō" معمولاً بمعنی "تشخیص چیزی بوسیله بوجد آوردن تمایزات در میان چند چیز" است (یعقوب ۲:۴)، اما در چندین آیه دیگر به بررسی تزلزل میان تشخیص دو تصمیم یا نظر پرداخته، که حکایت از عدم تصمیم‌گیری یا عدم وجود ایمان کامل دارد (متی ۲۱:۲۱؛ مرقس ۱۱:۲۳؛ رومیان ۴:۲۰؛ ۱۴:۲۳). این موضوع تداوم چالش‌هایی را ترسیم می‌کند: (۱) مسیحیان مردود و یا (۲) مسیحیانی که تعهد دو جانبه دارند (خداوند و خودشان).

۷:۱ "کسی که" این یک اصطلاح از زبان سامی است که مفهوم تحقیر کردن را در خود دارد. هم‌تراز با این عبارات را می‌توان در یعقوب ۱:۶ دید.

■ "چنین کس نپندارد که از خداوند چیزی خواهد یافت"

موضوع خاص: دعای موثر Special Topic: Effective Prayer

A. مرتبط با رابطه فردی با تثلیث خدا

۱. در رابطه با اراده پدر

a. انجیل متی ۱۰:۶

b. اول یوحنا ۳:۲۲

c. اول یوحنا ۱۴:۵ الی ۱۵

۲. پایداری در عیسی

a. انجیل یوحنا ۷:۱۵

۳. دعا بنام عیسی

a. انجیل یوحنا ۱۳:۱۴ و ۱۴

b. انجیل یوحنا ۱۶:۱۵

c. انجیل یوحنا ۲۳:۱۶ الی ۲۴

۴. دعا در روح

a. افسسیان ۶:۱۸

b. یهودا ۱:۲۰

B. در رابطه با انگیزه‌های فردی

۱. تردید نداشتن

a. انجیل متی ۲۱:۲۲

b. یعقوب ۶:۱ و ۷

۲. تقاضای بیمورد داشتن

a. یعقوب ۳:۴

۳. از روی خودخواهی درخواست کردن

a. یعقوب ۲:۴ و ۳

C. در رابطه با گزینه‌های فردی

۱. استقامت

a. انجیل لوقا ۱۸:۱ الی ۸

b. کولسیان ۲:۴

c. یعقوب ۱۶:۵

۲. اختلاف نظر

a. اول پطرس ۷:۳

۳. گناه

a. مزبور ۱۸:۶۶

b. اشعیا ۱:۵۹ الی ۲

c. اشعیا ۷:۶۴

به دعاها پاسخ داده می‌شود، ولی همه دعاها برآورده نمی‌شوند. دعا یک رابطه دو طرفه است. بدترین کاری که خدا می‌تواند انجام دهد برآورده کردن درخواستهای نامناسب است.

۸:۱

"فردی که دارای دو نظر گوناگون است"	NASB
"او فردیست که دو نظر گوناگون دارد"	NKJV
"فرد دو نظر"	NRSV
"توانید تصمیم خود را بگیرید"	TEV
"در هر کاری متناقض عمل می‌کنید"	NJB

این عبارت بمفهوم واقعی کلمه یعنی "کسی که دارای دو روح باشد" است (فقط در اینجا و یعقوب ۴:۸). این واژه برای کتاب یعقوب در عهد جدید و ادبیات یونانی کاملاً منحصر بفرد است. بسیاری از مفسرین بر این باورند که یعقوب این واژه را به نام خود ثبت کرده است. این واژه احتمالاً از واژه "دو دل" در عهد عتیق سر رشته گرفته است (۱ تواریخ ۱۲:۳۳؛ مزبور ۱۲:۲). تصویری که از مفهوم این واژه در عهد عتیق می‌توان متصور شد، داوود است (با قلبی سرشار در مقابل بیهوش) در برابر سلیمان (کسی که نیمی از قلب خود را عطا کرده بود). این واژه پیشتر و اغلب توسط کلیسای اولیه مورد استفاده قرار گرفته بود، ابتدا توسط کلمنت روم در حدود سال ۹۶ پس از میلاد مسیح. احتمالاً می‌توان این امر را مدرکی دال بر قدمت زمانی این رساله دانست. در کتاب *Pilgrim's Progress* نوشته Paul Bunyan این مفهوم را می‌توان در جمله "آقای دو دوزه‌باز" مشاهده کرد. وی در یعقوب ۱:۶ بعنوان اقیانوس ناآرام و در یعقوب ۸:۱ بعنوان فردی که دو نظر متفاوت داشته یا انسان متزلزلی است، معرفی گردیده است. آیات ۶ تا ۸ فردی را تعریف می‌کنند که مدعی بود خدا را شناخته و عضوی از جامعه با ایمان بوده است. این امکان وجود دارد که یعقوب ۱:۶ به موضوع فردی مردد و یعقوب ۱:۷-۸ به فردی که یکی به نعل می‌زند و یکی میخ می‌پردازند. این آیات بازتاب دهنده ضرب‌المثل "دو راه" یا مثل عبری "دو نیت" بوده باشند (*Yetzers*). تثنیه ۳۰:۱۵-۲۰؛ یا ۴:۱۰-۱۹؛ متی ۷:۱۳-۱۴).

رابطه میان آیات ۷-۸ و ۹-۱۱

- A. ترکیب عطفی بکار رفته در آیه ۱:۹ (*de*) به خواننده علامت می‌دهد که این آیات به نوعی با آنچه که در پیش خواننده مرتبط هستند. با اینحال، این ارتباط مشخص نگردیده است. روشن است که مبحث آزمون‌ها، که در یعقوب ۱:۲ به آن پرداخته شد، در یعقوب ۱:۱۲ نیز دوباره آغاز می‌گردد.
- B. ارتباط به لحاظ متنی مشخص نیست. برخی معتقدند:
۱. عبارت "کمال شادی" در یعقوب ۱:۲ با عبارت "شاد باشند" در آیه ۱:۹ مرتبط است.
 ۲. آزمون‌ها در یعقوب ۱:۲ با مبحث آزمون‌های فقر و ثروت در ۹:۱-۱۱ مرتبط می‌باشد.
 ۳. غالب مفسران یعقوب ۱:۹-۱۱ را به مبحث "آزمون‌ها" در یعقوب ۱:۲ ربط می‌دهند.
 ۴. بخاطر داشته باشید که این یک موعظه از نوع یهودی می‌باشد و می‌توان آن را گلچین ادبی از میان موعظه‌ها قلمداد کرد.

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. این نامه خطاب به چه کسی نگاشته شده است؟
 ۲. با توجه به آیات ۱:۳ و ۴، علت این آزمون‌ها چه می‌باشد؟
 ۳. تردید چیست؟ تردید چه تأثیری بر روی دعای ایمانداران می‌گذارد؟
 ۴. آیا در کتاب یعقوب آیات ۱:۶-۸ درباره دو گروه از مردم سخن گفته شده یا فقط یک گروه؟

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۱:۹-۱۱

۹:۱ "برادر" با وجود اینکه از رساله‌ی یعقوب بوی یهودیت استشمام می‌شود، اما خطاب به جماعت مسیحی بیان شده است. موارد زیر مؤید این امر هستند:

۱. استفاده از واژه "برادر" (یعقوب ۱: ۲، ۱۶، ۱۹: ۲: ۱، ۵، ۱۴: ۳: ۱، ۱۰، ۱۲: ۴: ۱۱: ۵: ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۹)
۲. استفاده از واژه "خداوند" (یعقوب ۱: ۱، ۷، ۱۲: ۲: ۱: ۴: ۱۰، ۱۵: ۵: ۴، ۷، ۸، ۱۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵)
۳. ذکر عبارت ایمان به مسیح بطور اخص (یعقوب ۲: ۱)
۴. انتظار بازگشت عیسی (یعقوب ۵: ۸)

NASB "شرایط محقر"

NKJV "متواضعانه"

NRSV "که متواضع است"

TEV "که حقیر است"

NJB "در شرایطی حقیرانه"

این لغت می‌تواند به فقر فردی هم اشاره داشته باشد (موعظه لوقا بر روی مکانی هموار، لوقا ۶: ۲۰)، اما به موازات موعظه بر روی کوه در کتاب متی، اشاره به "فقر معنوی" دارد (متی ۵: ۳). این لغت دوباره در یعقوب ۴: ۶ دیده شده که "فروتن" ترجمه شده است (رومیان ۱۲: ۱۶؛ ۲ قرن‌تبیان ۱۰: ۱).

NASB "برای جلال"

NKJV "جلال"

NRSV "فخر"

TEV "باید خوشحال باشد"

NJB "باید جلال یابد"

این یک جمله دستوری حال حاضر است (*kauchaomai*) که در مزمو ۳۲: ۱۱ نسخه Septuagint و فیلیپیان عهد جدید ۳: ۳ دیده می‌شود. این یک واژه بسیار غنی یونانی بوده که باید "بوجود آمدن" ترجمه گردد (رومیان ۵: ۲، ۳، ۱۱).

موضوع خاص: فخر

Special Topic: Boasting

این اصطلاحات یونانی، *kauchēma*، *kauchaomai* و *kauchēsis* توسط پولس ۲۳ بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند و فقط دو بار در بقیه عهد جدید (هر دو در یعقوب) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استفاده عمده آن در اول و دوم قرن‌تبیان است. دو حقیقت اصلی در رابطه با فخر وجود دارند:

- A. هیچ گوشتی نباید در برابر خدا به خود ببالد/جلال یابد (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱: ۲۹، افسسیان ۲: ۹)
- B. مومنین باید در سرورمان جلال یابند (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱: ۳۱، دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱۷، که اشاره ای است به ارمیا ۹: ۲۳ الی ۲۴) بنابراین فخر/جلال یافتن مناسب و نامناسب وجود دارد (یعنی غرور)

A. مناسب

۱. به امید جلال (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲)
۲. به خدا از طریق سرورمان عیسی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۱)
۳. بر صلیب سرورمان عیسی مسیح (یعنی موضوع اصلی نوشته‌های پولس، مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱: ۱۷ الی ۱۸، غلاطیان ۶: ۱۴)
۴. پولس به اینها میبald
 - a. بشارتش بدون دستمزد (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۹: ۱۵ و ۱۶)
 - b. اقتدار او از مسیح (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۸ و ۱۲)
 - c. نفخر به کارهای دیگران (آنطور که برخی در قرنتس کردند، مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱۵)

d. میراث نژادی او (همانطور که دیگران در قرنتس انجام دادند، مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱۱: ۱۷؛ ۱۲: ۱، ۵، ۶)
e. کلیسایسایش

۱) قرنتس (دوم قرن‌تبیان ۷: ۴ و ۱۴، ۸، ۲۴: ۹، ۲، ۱۱: ۱۰)

۲) تسالونیکیان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۱: ۴)

۳) اعتماد به نفس او در آسایش و رستگاری خداوند (دوم قرن‌تبیان ۱: ۱۲)

B. نامناسب

۱. در رابطه با میراث یهودی (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۷ الی ۲۳، ۳: ۲۷، غلاطیان ۶: ۱۳)

۲. برخی در کلیسای قرنتس به خود میبالند

a. به مردان (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۳: ۲۱)

b. به خرد (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۴: ۷)

c. به آزادی (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۵: ۶)

۳. معلمین دروغین تلاش میکردند در کلیسای قرنتس فخر فروشی کنند (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱۱: ۱۲)

■ "به منزلت والای خود" این عبارت اشاره به سربلندی شخص بعنوان یک مسیحی دارد (ارمیا ۹: ۲۳-۲۴). در زیر نور این کلام، مرزهای دنیوی و آزمون‌ها محو شده و بی‌معنی می‌گردند.

۱۰:۱ "ثروتمند به حقارت خود" هدف دقیق از این قیاس مشخص نیست، اما چنانچه هر دو را ایماندار متصور شویم، مفهوم آن نمود پیدا می‌کند. عهد جدید تأکید می‌کند که نداشتن حقارت در فرد منجر به نشان دادن عکس‌العمل از سوی خدا می‌گردد (متی ۲۳: ۱۲؛ لوقا ۱۴: ۱۱؛ ۱۴: ۱۸). با اینحال، واژه "برادر" در یعقوب ۱: ۱۰ تکرار نمی‌شود. این آیات می‌تواند در تضاد با ایمانداران فقیر و کافران غنی، همچون ۵: ۱-۶ و غزل عیسی در لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ باشد.

موضوع خاص: ثروت Special Topic: Wealth

I. چشم انداز عهد عتیق در عنوان کل

A. خدا مالک همه چیز است

۱. پیدایش ۱ الی ۲

۲. اول تواریخ ۱۱: ۲۹

۳. مزمو ۱: ۲۴، ۱۲: ۵۰، ۱۱: ۸۹

۴. اشعیا ۲: ۶۶

B. انسانها ناظرین ثروت برای اهداف خدا هستند

۱. تثنیه ۱۱: ۸ الی ۲۰

۲. لایوان ۹: ۱۹ الی ۱۸

۳. یعقوب ۱۶: ۳۱ الی ۳۳

۴. اشعیا ۶: ۵۸ الی ۱۰

C. ثروت بخشی از عبادت است

۱. دو عشر

a. اعداد ۲۱: ۱۸ الی ۲۹، تثنیه ۶: ۱۲ الی ۷، ۲۲: ۱۴ الی ۲۷

b. تثنیه ۱۰: ۳، ۲۰: ۸ الی ۲۱، ۲۲: ۱۰، ۱۵: ۶

۲. امثال ۹: ۳

D. ثروت به عنوان هدیه ای از جانب خدا برای وفاداران به پیمان

۱. تثنیه ۲۷ الی ۲۸

۲. امثال ۱۰: ۳، ۲۰: ۸ الی ۲۱، ۲۲: ۱۰، ۱۵: ۶

E. هشدار در برابر ثروت به قیمت دیگران

۱. امثال ۶: ۲۱

۲. ارمیا ۲۶:۵ الی ۲۹

۳. یوشع ۶:۱۲ الی ۸

۴. میکاه ۹:۶ الی ۱۲

F. ثروت به خودی خود گناه نیست مگر اینکه اولویت داشته باشد

۱. مزمو ۷:۵۲، ۱۰:۶۲، ۳:۷۳ الی ۹

۲. امثال ۲۸:۲۰، ۲۷:۲۴، ۵:۲۳، ۴:۱۱، ۲۳:۴ الی ۵

۳. یعقوب ۲۴:۲۱ الی ۲۸

II. چشم انداز منحصر به فرد امثال

A. ثروت حاصل تلاش فردی است

۱. سستی و تنبلی محکوم است، امثال ۶:۶ الی ۱۱، ۴:۱۰ الی ۵ و ۲۶:۲۴، ۱۲:۲۷ و ۲۷:۴، ۱۳:۱۹، ۱۵:۱۹، ۱۸:۱۹، ۱۹:۱۵ و ۲۴:۲۴.

۲:۲۰ و ۱۳:۲۵، ۲۱:۲۲، ۳۰:۲۴ الی ۳۴، ۱۳:۲۶ الی ۱۶

۲. سخت کار کردن تشویق شده است - امثال ۱۲:۱۱، ۱۴، ۱۱:۱۳

B. از فقر در برابر ثروت برای به تصویر کشیدن ضعف در برابر پارسایی استفاده شده است - امثال ۱:۱۰، ۱۱:۲۷ الی ۲۸، ۷:۱۳، ۱۶:۱۵

الی ۱۷، ۶:۲۸ و ۱۹ الی ۲۰

C. خرد (شناختن خدا و کلامش و زندگی با این آگاهی) بهتر از ثروت است - امثال ۳:۱۳ الی ۱۵، ۹:۸ الی ۱۱ و ۱۸ الی ۲۱، ۱۸:۱۳

D. هشدارها و نصایح

۱. هشدارها

a. موقع تضمین وام همسایه مراقب باشید - امثال ۱:۶ الی ۵، ۱۱:۱۵، ۱۷:۱۸، ۱۶:۲۰، ۲۶:۲۲ الی ۲۷، ۱۳:۲۷

b. مراقب باشید که از راه های شیطانی ثروتمند نشوید - امثال ۱:۱۹، ۲:۱۰ و ۱۵، ۱:۱۱، ۱۱:۱۳، ۱۱:۱۶، ۱۰:۲۰ و ۲۳:۲۳.

۶:۲۱، ۱۶:۲۲ و ۲۲:۸

c. موقع قرض گرفتن مراقب باشید، امثال ۷:۲۲

d. حواستان باشد که ثروت کوتاه مدت است، امثال ۴:۲۳ الی ۵

e. ثروت در روز داوری کمک نخواهد کرد - امثال ۴:۱۱

f. ثروت "دوستان" زیادی دارد - امثال ۲۰:۱۴، ۴:۱۹

۲. نصایح

a. سخاوتمندی تشویق می شود - امثال ۱۱:۲۴ الی ۲۶، ۳۱:۱۴، ۵:۱۷، ۱۷:۱۹، ۹:۲۲ و ۲۲ الی ۲۳، ۱۰:۲۳ الی ۱۱، ۲۸:۲۷

b. پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۸:۱۶، ۶:۲۸ و ۸ و ۲۰ الی ۲۲

c. دعا برای نیاز است نه فراوانی - امثال ۷:۳۰ الی ۹

d. به فقیر کمک کردن همانند کمک کردن به خدا است - امثال ۳۱:۱۴

III. چشم انداز عهد جدید

A. عیسی

۱. ثروت یک وسوسه منحصر به فرد برای اعتماد به خود و منابع خود به جای خدا و منابع او است

a. انجیل متی ۶:۲۴، ۱۳:۲۲، ۱۹:۲۳

b. انجیل مرقس ۱۰:۲۳ الی ۳۱

c. انجیل لوقا ۱۵:۱۲ الی ۲۱ و ۳۳ الی ۳۴

d. مکاشفه ۱۷:۳ الی ۱۹

۲. خدا نیازهای فیزیکی ما را تامین می کند

a. انجیل متی ۶:۱۹ الی ۳۴

b. انجیل لوقا ۱۲:۲۹ الی ۳۲

۳. هر آنچه بکاری، حاصل همان را برداشت می کنی

- a. انجیل مرقس ۴:۲۴
- b. انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۸
- c. انجیل متی ۱۴:۶، ۱۸:۳۵
۴. توبه بر ثروت تاثیر می گذارد
- a. انجیل لوقا ۱۹:۲ الی ۱۰
- b. لاویان ۵:۱۶
۵. سو استفاده اقتصادی محکوم است
- a. انجیل متی ۲۳:۲۵
- b. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰
۶. داوری پایان زمان با استفاده ما از ثروت رابطه دارد - انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶

B. پولس

۱. نگاه عملی همانند امثال
- a. افسسیان ۴:۲۸
- b. اول تسالونیکیان ۴:۱۱ الی ۱۲
- c. دوم تسالونیکیان ۳:۸ و ۱۱ الی ۱۲
- d. اول تیموتائوس ۵:۸
۲. نگاه معنوی همانند عیسی (همه چیز کوتاه مدت است)
- a. اول تیموتائوس ۶:۶ الی ۱۰ (قناعت)
- b. فیلیپیان، ۴:۱۱ الی ۱۲ (قناعت)
- c. عبرانیان ۱۳:۵ (قناعت)
- d. اول تیموتائوس ۶:۱۷ الی ۱۹ (سخت‌مندی و اعتماد به خدا، نه ثروت)
- e. اول قرنتیان ۷:۳۰ الی ۳۱

IV. جمع بندی

- A. هیچ الهیات انجیلی سیستماتیکی در مورد ثروت وجود ندارد
- B. هیچ عبارت قطعی و مشخصی در این مورد وجود ندارد، بنابراین بینشها باید بسوی عبارتهای متفاوت باشند. مراقب باشید که در میان متون بدنبال عقیده خود نباشید.
- C. امثال، که توسط افراد خردمند نوشته شده، نگرش متفاوتی از سایر انواع ژانرهای انجیلی دارد. امثال عملی بوده و بر افراد تمرکز دارد. برقرار کننده توازن است و باید میان بقیه کتاب مقدس توازن برقرار کند (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸)
- D. روزگار ما باید نگرش خود و تجربیاتش در رابطه با ثروت را در نور انجیل تحلیل کند. اگر فقط سرمایه داری یا کمونیسیم تنها راهنمای ما باشند، اولویتهای جابجا می شوند. چرا و چگونه یک نفر موفق می شود سوالات مهمتری هستند تا اینکه چقدر اندوخته است.
- E. انباشتن ثروت باید در توازن با عبادت و خدمتگزاری مسئولانه باشد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸ الی ۹).

□ "همچون گل صحرا در گذر است" این استعاره اشاره به طبیعت ناپایدار و فانی همه عناصر مادی دارد (۲قرنتیان ۴:۱۸). این لغات در یعقوب ۱:۱۰-۱۱ کنایه‌ای هستند به اشعیا ۴۰:۶-۸ یا مزمو ۱۰۳:۱۵-۱۶ (۱پطرس ۱:۲۴-۲۵). فقیر نیازمند حس با ارزش شمرده شدن است و غنی نیز نیازمند احساس حقارت. برتریهای زمینی فقط در راه مسیح بی معنی شده و از بین رفته (۱قرنتیان ۱۲:۱۳؛ غلاطیان ۳:۲۵؛ کولسیان ۳:۱۱) و در نهایت روزی با بوجود آمدن پادشاهی خدا بطور کامل از میان خواهند رفت.

۱۱:۱ "همان گونه که خورشید با گرمای سوزان خود طلوع کرده" (در نسخه انگلیسی "با وزش بادی سوزان" نوشته شده) این عبارت اشاره به گردبار صحرايي دارد. علف (و بشریت) نازک و ناپایدار است.

□ "زیبایی اش" مفهوم این کلمه در واقع "صورت ظاهری" بوده که بصورت یک حالت خاص بکار برده شده است (متی ۳:۱۶).

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۱۲:۱-۱۸

^{۱۲} خوشا به حال آن که در آزمایشها پایداری نشان می‌دهد، زیرا چون از بوتهٔ آزمایش سربلند بیرون آید، آن تاج حیات را خواهد یافت که خدا به دوستداران خویش وعده فرموده است.

^{۱۳} هیچ‌کس چون وسوسه می‌شود، نگویید: «خداست که مرا وسوسه می‌کند»، زیرا خدا با هیچ بدی وسوسه نمی‌شود، و کسی را نیز وسوسه نمی‌کند. ^{۱۴} هنگامی که کسی وسوسه می‌شود، هوای نفس خود اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند. ^{۱۵} هوای نفس که آبستن شود، گناه می‌زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می‌آورد.

^{۱۶} برادران عزیز من، فریفته مشوید! ^{۱۷} هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست، نازل شده از پدر نورها که در او نه تغییری است و نه سایهٔ ناشی از دگرگونی. ^{۱۸} او چنین اراده فرمود که ما را با کلام حق تولید کند تا همچون نوبر آفریده‌های او باشیم.

۱۲:۱ "خوشا" این جمله بدون فعل شگفت‌آور، منعکس‌کننده اصطلاحات زبانی سامی رایج در عهد عتیق است. دو فعل عبری که در اینجا بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند (BDB 80, BDB 138)، که هر دو "خوشا بحال" ترجمه شده‌اند، بطور مکرر به همین شیوه در همه سبک‌های عهد عتیق تکرار گردیده‌اند. نظیر همین اصطلاح در موعظه عیسی بر روی کوه (متی ۵-۷) و موعظه بر روی مکان مسطح (لوقا ۶-۷) دیده می‌شود، اما در انجیل یوحنا فقط یکبار بکار برده شده است. با این وجود، هفت بار در کتاب مکاشفه ظاهر می‌گردد (مکاشفه ۱:۳؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷؛ ۱۴). این عبارت از فردی می‌گوید که در ارتباط خود با خداوند در راه مسیح وفاداری و پایداری از خود نشان می‌دهد. این امر یک آسایش درونی بوده که تحت تأثیر شرایط محیطی یا دردهای فیزیکی قرار نمی‌گیرد!

■ "آن که در آزمایشها پایداری نشان می‌دهد" این یک جمله حال حاضر است که معنی دوام آوردن زیر بار آزمایش‌های الهی می‌باشد (یعقوب ۳:۱). ایمانداران بواسطه آزمون خداوند مورد برکت وی قرار نمی‌گیرند، بلکه این پایداری و ایمان است که مولد رشد معنوی در آنها می‌گردد.

■ "چون ... سربلند بیرون آید" در اینجا واژه یونانی *dokimos* بمعنی "آزمون" بکار برده شده است (یعقوب ۳:۱). این واژه غالباً مفهوم "آزمودن با دیدگاه پذیرفتن چیزی یا کسی" می‌رساند. این سربلندی فقط بواسطه آزمون بوجود می‌آید. در زبان یونانی از این واژه برای پزشک‌هایی که آخرین امتحانات پیش از فارغ‌التحصیلی خود را می‌گذرانند، بکار برده می‌شود.

■ "تاج حیات" واژه یونانی که برای این عبارت بکار رفته *stephanos* که حلقه‌ای از گل بود که بعنوان نماد نظامی یا پیروزی در مسابقات ورزشی بر روی سر قرار می‌دادند. نام استفان (Stephen) در زبان انگلیسی نیز از این کلمه گرفته شده است. در عهد جدید به تاج‌های متعددی اشاره شده که ایمانداران وفادار از خداوند دریافت می‌کنند.

۱. "تاج پارسایی" (۲ تیموتائوس ۴:۸)

۲. "تاج حیات" (مکاشفه ۲:۱۰؛ ۳:۱۱)

۳. "تاج جلال" (۱ پطرس ۵:۴)

۴. "تاج غیر فانی" (۱ قرنتیان ۹:۲۵)

بدلیل ریشه‌ی یهودی یعقوب، احتمالاً این عبارت اشاره به حلقه گل برای پیروزی در مسابقات ورزشی نداشته، بلکه پیرو نسخه Septuagint و در جایی که واژه‌ی *stephanos* بکار رفته، سخن از یک تاج سلطنتی یا کاهنی می‌گوید.

■ "که خدا... وعده فرموده است" این یک جمله اخباری آئوریستی به‌مراه یک موضوع بیان نشده است (MSS P²³, A, B). نسخه‌های NASB, NKJV, NRSV, NJB از واژه "the Lord" در رابطه با عیسی مسیح استفاده کرده، در حالیکه نسخه‌های TEV و NIV از واژه "God" استفاده نموده‌اند. همین امر بعدها منجر به تغییرات کتابتی در نسخه اصل یونانی گردید. کاتبان سعی در مشخص کردن متن تا جای ممکن داشته تا از هرگونه ابهام یا بدعت احتمالی در ترجمه جلوگیری نمایند. همچنین ممکن است که یعقوب دنباله‌رو سنت یهودیان در شیوه نگارش بوده که بدین شیوه احتمال داده شود که خواننده واژه "خدا" در جای مناسب قرار دهد (*A Textual Commentary of the Greek NT*) نوشته Bruce Metzger صفحه ۶۷۹).

همچنین توجه داشته باشید که این تاج (۱) توسط خداوند وعده داده شده، اما (۲) بواسطه‌ی پیروزی ایمانداران در آزمون‌ها و وسوسه‌هایی که در پیش روی آنان قرار می‌گیرد، بدست می‌آید. مثل همیشه خداوند با روش "اگر... سپس" با نوع بشر کنار می‌آید. خداوند مهیا کننده نیازهای ما، آغاز کننده ارتباط با ما، و نیرو بخش به ما می‌باشد، اما ما باید به همه اینها پاسخ در خور داده و به اطاعت از او، ایمان به او، تسلیم در برابر او، خدمت به او و استقامت در راه او ادامه دهیم.

■ "به دوستداران خویش" این دوست داشتن با سرسپردگی در برابر خداوند بدست می‌آید (یعقوب ۲:۵؛ خروج ۲۰:۵-۶؛ تثنیه ۵:۱۰؛ ۷:۹). هیچ غدزی برای عدم اطاعت از خداوند پذیرفته نخواهد بود (لوقا ۶:۴۶).

۱۳:۱ "هیچ کس ... نگوید" این یک جمله دستوری به‌همراه بار منفی بوده که بمعنی "سخن نگویند" می‌باشد. اینگونه برداشت می‌گردد که برخی ایمانداران چنین سخنانی را بر زبان رانده و یا به احتمال قوی، این عبارات تکنیک ادبی بوده که زخم زبان نام دارد، و اغلب توسط یعقوب بکار برده می‌گردید.

■ "چون وسوسه می‌شود" در متن اینگونه گفته می‌شود که کسی سخن از وسوسه شدن سوی خداوند گفته و گناه آن را بر دوش خداوند می‌گذارد. کلمه وسوسه (*periasmois*) در آیه ۱:۲ کتاب یعقوب به شکل خارج از آزمونها بکار رفته، اما در اینجا فرم فعل به حالت وسوسه شدن بکار برده شده است. خداوند وسوسه را بوجود می‌آورد، یا اجازه می‌دهد که وجود داشته باشد، اما امتحان می‌کند که آیا ما در دام می‌افتیم یا خیر (متی ۴:۱)، اما شیطان آن کار را انجام می‌دهد (ایوب ۱-۲). "وسوسه شده" (*peirazō*) وجه وصفی مجهول بوده (بعنوان مثال می‌گوییم که "وی در حال وسوسه شدن است")، که اغلب معنی "آزمون با دیدگاه تخریبی" را در خود دارد. این واژه معنی در جهت مخالف "آزمون" (*dokimazō*) که در یعقوب ۱:۳، ۱۲ بکار رفته دارد. به موضوع خاص واژه‌گان برای آزمایش در یعقوب ۱:۳ توجه نمایید.

■ "خداست که مرا وسوسه می‌کند" خداوند سرمنشأ شرارت نیست (جامعه ۱۱:۱۵، ۱۵، ۲۰).

■ "زیرا خدا با هیچ بدی وسوسه نمی‌شود" این عبارت دو معنی می‌تواند داشته باشد؛ (۱) وسوسه شدنی نیست و یا (۲) "با شرارت و بدی آشنایی ندارد"، که بدین مفهوم است که خدا هیچ ارتباط یا تجربه‌ای در ارتباط با بدی ندارد.

■ "کسی را نیز وسوسه نمی‌کند" با اینحال، انجیل موارد متعددی را از آزمایش‌های خداوند ثبت کرده است: ابراهیم، پیدایش ۲۲:۱؛ اسرائیل، تثنیه ۸:۲؛ عیسی، متی ۴:۱؛ و ایمانداران، متی ۶:۱۳. بنظر می‌رسد که این اظهارات در چارچوب معنای متفاوتی میان دو واژه "وسوسه" (*peirazō*)، یعقوب ۱:۱۳، و "آزمون" (*dokimazō*)، یعقوب ۱:۳، ۱۲ شکل گرفته باشد. خداوند کسی را وسوسه نمی‌کند تا جایی را نابود سازد، بلکه او انسان را می‌آزماید تا قوی گردد.

۱۴:۱ "هوای نفس خود اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند" از دو فعل برای به دام انداختن و به تله افکندن حیوانات استفاده می‌گردید. انسان همیشه دیگران را بخاطر گناه خود مقصر قلمداد می‌کند. ما خدا، شیطان، والدین، جامعه، تحصیلات و خلاصه هر چیز دیگری را مقصر می‌دانیم. بزرگترین دشمن ما، خود ما هستیم (۱ پطرس ۱:۱۴؛ ۲ پطرس ۲:۱۸). انجیل سخن از سه دشمن برای بشریت می‌گوید: دنیا، هوای نفس، شریر (یعقوب ۴:۷-۱؛ افسسیان ۲:۱-۳). در این متن، "هوای نفس"، یا ذات انسانی ما، مقصر است (جامعه ۱۵:۱۴-۱۵). توجه داشته باشید که شیطان در این بخش از گناهکاری بشر حتی معرفی هم نمی‌گردد. در بخش پولس هم کتاب رومیان در ارتباط با گناه بشر از او ذکری به میان نمی‌آید (فصلهای ۱-۳). اغواگر اصلی شیطان است، اما او نمی‌تواند انسان را وادار به گناه نماید، و لذا، هیچ غدزی برای افت اخلاقی پذیرفته نخواهد بود.

۱۵:۱ "هوای نفس که آبتن شود، گناه می‌زاید" گناه مشخص گردیده و بعنوان آنچه که در ابتدا به ذهن خطور می‌کند به آن پرداخته شده است. ربیان وسوسه و گناه را در چارچوب استعاره‌های کشاورزی تعریف نموده‌اند. ما به هر آنچه که فکر نموده و آن را در ذهن خود بی‌روانیم، همان را نیز انجام خواهیم داد! از ذهن خود مراقبت کنید! در اینجا استعاره. کنایه از به دام انداختن حیوانات به "به زاییدن" و در یک حس منفی تغییر کرده، در حالیکه در یعقوب ۱۸:۱ این استعاره به صورت مثبت بکار برده شده بود.

■ "مرگ" کتاب مقدس از سه نوع مرگ سخن می‌گوید: (۱) مرگ روحانی (پیدایش ۲:۱۷؛ رومیان ۶:۲۳؛ افسسیان ۲:۱)؛ (۲) مرگ فیزیکی (پیدایش ۵)؛ (۳) مرگ ابدی (مکاشفه ۲:۱۱؛ ۲۰:۶، ۱۴). همچون کتاب حزقیال ۴:۱۶، اغلب دو مورد اول با یکدیگر ادغام هستند.

مرگ در مباحث انجیلی بر روی زمین جوان (۳۰۰۰۰ سال تا ۱۰۰۰۰ سال) در برابر زمین قدیمی (میلیاردها سال) به یک مشکل الهیاتی مبدل گردیده است. آیا مرگ فیزیکی (انقراض برخی گونه‌ها) سیر طبیعی خلقت است، یا نتیجه گناه و سرکشی نوع بشر؟ به اینگونه سوالات به طور مشخص در انجیل پرداخته نمی‌شود. انسان پیشرفته‌ی امروزی بوسیله علم، انجیل، و یا تلفیق این دو، سعی در یافتن پاسخ به سوالاتی از این دست را دارد. انجیل درباره خداوند و احیای بشر اطلاعات واضحی برای ما فراهم نموده، اما نه برای هر گونه تحقیق یا سوالی. چنانچه انسان به علم نوین استناد کند، نظریه‌ها تغییر خواهند کرد؛ اگر به مفسران استناد کنند، علم الهیات اغلب محدود یا از دیدگاه دینی و مذهبی به موضوع می‌پردازد. برای مطالعه بیشتر به کتاب *The Lost World of Genesis One* نوشته John L. Walton مراجعه نمایید.

موضوع خاص: طول عمر و شکل‌بندی زمین

Special Topic: The Age And Formation of The Earth

- I. این بخش از مطالعه به دلیل فرضیه‌هایی که باید برای همتراز کردن تفکرات منطقی پیرامون موضوع مطرح شود، حساس است. تمرکز این فرضیه‌ها باید بر روی ارزیابی نظرات مختلفی که کیهان‌شناسان، زمین‌شناسان و علوم مرتبط با آن در قیاس با درک و تفسیر الهیاتی بیان شده، قرار گیرد.
- II. برای علم، فرضیه‌های عیان عبارتند از:
- A. نرخ تغییرات (فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی) که امروزه بر روی زمین سنجیده و ثبت می‌شوند، در گذشته ثابت بوده‌اند (تئوری Uniformitarianism، "حال، کلیدی به گذشته است")
- B. تاریخ‌گذاری رادیومتری (تاریخ‌گذاری دقیق)، که کلید وقایع زمانی برای ثبت زمان تاریخ بر روی زمین و رویدادهای کیهانی است که بدنبال چندین فرضیه دیگر مطرح شده است:
۱. ترکیب‌بندی اصلی صخره‌ها (مثل المان‌های رابطه خانواده و دختر با المان‌های بی‌ثبات ذرات اتم می‌باشد)
 ۲. نیمه دقیق تمام این المان‌ها
 ۳. درجه حرارت همچنین بر روی درصدهای والدین با دختر در یک نمونه آزمایشی تاثیر می‌گذارد (زمان شکل‌گیری و/یا مواد گداخته دهانه‌های آتشفشانی)
 ۴. منبع اصلی و زمان آفرینش المان‌های رادیواکتیو مشخص نیست. بر اساس تئوری‌های کنونی، المان‌های سنگین‌تر بوسیله فعل و انفعالات اتمی در نسل دوم و سوم ستارگان بوجود آمده و توسط سوپرنواها پخش شده‌اند.
- C. تاثیر شش فرض اولیه قوانین زمین‌شناسی (بنام تاریخ‌گذاری نسبی) بر علم دیرینه‌شناسی:
۱. اصل توزیع، توالی دست نخورده از سنگ‌های رسوبی، لایه بستر بالایی جوان‌تر و لایه‌های زیرین قدیمی‌تر هستند.
 ۲. منشا اصلی لایه‌هایی که محور افقی سنگ‌های قدیمی
 ۳. اصل روابط متقابل، زمانی که سنگ‌ها توسط یک گسل، بریده شده یا انحراف پیدا کرده و از گسل بزرگتر باشند.
 ۴. اصل ادغام توده‌های سنگی مجاور در یکدیگر، معمولاً یک قطعه از پایین‌تر در لایه فوقانی قرار گرفته که در اینصورت فرضیه شماره یک را تایید می‌کند.
 ۵. اصل همبستگی آرایش سنگ‌های شبیه به هم اما از مناطق مختلف باید هماهنگ شوند، زمانی که این کار میسر نباشد، از فسیل‌های مشابه برای نشان دادن زمان شکل‌گیری استفاده می‌شود.
 ۶. اصل جایگزینی فسیل-ارگانسیم فسیل جایگزین شده با دیگری در یک دوره قطعی و قابل تعیین:
 - a. گستره فسیل‌ها
 - b. طول دوره زمانی محدود یا کوتاه دوره زمین‌شناسی
- III. توضیحاتی توسط دانشمندان
- A. بیشتر دانشمندان بر این باورند که علم، روشی تحقیقاتی است که بدنبال مرتبط کردن تمام وقایع و ناهنجاری‌های شناخته شده به یک نظریه صرفاً قابل آزمایش است. برخی چیزها به واسطه طبیعت آنها قابل آزمایش نیستند.
- B. برخی نظرات از دانشمندان درباره فرضیه‌های علمی در این حوزه
۱. از دکتربین Uniformitarianism نباید برداشت مفهومی شود. گفته می‌شود فرایند زمین‌شناسی در گذشته همچون امروز بوده است، ولی به این مفهوم نیست که آنها همیشه اهمیتی نسبی داشته و دقیقاً با یک سرعت عملیاتی می‌شوند (کتاب *Earth Science* نوشته Tarbuck and Lutgens، چاپ ششم ص. ۲۶۲).
 ۲. "درک این موضوع مهم است که یک تاریخ دقیق رادیومتری تنها در صورتی می‌تواند بدست آید که چنانچه مواد معدنی در یک سیستم بسته در طول دوره تشکیل آن باقی بمانند؛ بدین معنی که تاریخ صحیح ممکن نیست، مگر اینکه ایزوتوپهای والد یا دختر نه کم شده باشد و نه زیاد" (*Earth Science*، چاپ ششم ص ۲۷۶). 229.
 ۳. "ما اصرار داریم که بگوییم این یکنواختی فرضیه ما درباره طبیعت است، اما بیشتر دکتربین است تا یک قانون ثابت شده برپایه منطقی" (کتاب *Evolution of the Earth* نوشته Dott و Balten، چاپ چهارم ص. ۴۴).
 ۴. فروپاشی اجرام ثابت هستند که نرخ ناپایداری را در رادیواکتیو مشخص کرده، و رابطه بین داده‌های ایزوتوپ و علائم آن را تعیین می‌کنند بدرستی مشخص نیست. در نتیجه، دقت برخی از دقیق‌ترین روش‌های تعیین تاریخ مانند روشهای $^{40}\text{Ar}/^{39}\text{Ar}$

ممکن است بدلیل مقیاس بزرگ و یا بیش از هر چیز، بدتر از درستی آنها (کتاب "Progress and Challenges in Geochronology" نوشته Renne, Ludwig and Karner در نشریه *Science Progress* (۲۰۰۰)، ۸۳ (۱)، ۱۰۷).

۵. افراد فاقد آموزش‌های تخصصی در علم ممکن است درک نکنند که هر روش سنجش تاریخی رادیومتری، فقط برای نمونه‌هایی قابل اعتماد هستند که طول عمری نزدیک به نیمه عمر عنصر مورد نظر داشته باشند (از مقاله تخصصی *Reasons to Believe* نوشته Hugh Ross).

IV.

فرضیه‌ها برای جامعه علمی منحصر بفرد نیستند اما بوضوح در جوامع دینی رایج هستند
A. انسان‌ها مجذوب اصولی متحدالشکل یا مدلی هستند تا بتوانند تجربیات حسی خود را با یکدیگر مرتبط کنند و یک ثبات حسی برقرار کنند. در علم این اصل یکپارچگی مبدل به "تکامل" شده است.

۱. *Changing Man* Theodosius Dobzhansky در کتاب "*Science*" (ص ۱۵۵، ۴۰۹-۴۱۵) می‌گوید "تکامل فرایندی است که از هیچ حیات ساخت، انسان را از حیوان به جلو آورد، و احتمالاً همین روند را در آینده نیز ادامه خواهد داد."

۲. Sandra M. Alters و Brian J. Alters در صفحه ۱۰۴ کتاب *Defining Evolution* می‌نویسند "تکامل زمینه اصلی تمام شاخه‌های علم زیست‌شناسی است... تکامل بدنه روشنگر نظریه‌ای واحد است. در مطالعه زیست‌شناسی امری ضروری محسوب گردیده، همانطور که نظریه اتمی در مطالعات شیمی لازم می‌باشد."

B. برای بسیاری از مسیحیان محافظه‌کار، نظریه اتحاد (تفسیر) تبدیل به تفسیر مفهومی پیدایش ۱-۳ شده است. متفکران جدید باور دارند که (انجمن *Creation Research Society* عمر زمین را ۱۰۰۰۰ سال تخمین زده‌اند) و متفکران قدیمی (*Reasons to Believe*) عمر زمین را در علم زمین‌شناسی مدرن ۴.۶ میلیارد سال تخمین زده‌اند) می‌باشد. تفسیر کتاب مقدس توسط یک نفر تبدیل به ذره بینی برای دیگران شده تا بتوانند آن را مشاهده و ارزیابی کنند. کسی نمی‌تواند فرضیه‌ای ذهنی را نقض کند زیرا تمام دانش انسان در سطح پیشفرض‌ها است. با اینحال، ارزیابی یک پیشفرض برای ارزیابی صحیح نظرات قطعی دیگران بسیار "مهم" است.

C. زمانی که مرکزیت مشکل، یک روش هرمنوتیک باشد، مسیحیت بنیادین تلاش خواهد کرد تا خود را با استدلال‌های علمی ملبس کند. این بدان معنی نیست که "علم پیشرفته تکامل" پیشفرض نیست و یا نتیجه‌گیری‌های آن به واسطه دیدگاه‌های دینی قدیمی شکل نمی‌گیرد. ما در رابطه با هر دو باید محطاط و تحلیلی‌گرایانه عمل کنیم. بنظر می‌رسد که شواهدی برای هر دو سو وجود داشته باشد. من باید با خود این سوال را مطرح کنم که به کدام نگرش به لحاظ طبیعی، احساسی یا آموزشی گرایش دارم (فرضیه خودسرانه)؟

V.

جمع‌بندی شخصی

A. از آنجاییکه من یک متکلم هستم نه دانشمند، برای من اهمیت وافر داشت که علوم مدرن و یکپارچه را مطالعه کنم. شخصاً برخلاف "نظریه تکامل"، که از "طبیعت‌گرایان" منقلب می‌گردم (Carl Sagan معروف یکی از همین افراد است که می‌گوید "جهان هستی همین بوده، همین هست و همین نیز خواهد بود").

متوجه هستم که این نظر از روی تعصب است اما باید اذعان دارم که نظریه من بر اساس فلسفه علوم ماورالطبیعه پایه‌گذاری شده ولی انکار هم نمی‌کنم که هیچ احساس تهدیدی از جانب نظریه تکامل نمی‌کنم. دیدگاه ابتدایی من اینست که خدایی وجود دارد که به دلیل خاصی، فرایند تکامل را کلید زده و هدایت می‌کند! برای من "طرح هوشمندانه" نظریه‌ای معقول است (cf. M. J. Behe, *Darwin's Black Box* and William A. Demski, ed. *Mere*

Creation: Science, Faith and Intelligent Design). این "تصادفی بودن" تکامل و "بی‌عملی" طبیعت‌گرایی است

که برایم دردناک و مایه سردرگمی می‌گردد. فرایند تکامل، بخش جدانشدنی زندگی است. من باید اطمینان حاصل کنم که چیزی را بدون ارزیابی نپذیرم. سعی کردم دلایل خود را مشخص کنم:

۱. نویسنده اصلی پیدایش ۱-۳ (و در همین رابطه، بیشتر کتاب مکاشفه)، قصد نداشتند که خوانندگان برداشت تحت‌اللفظی از مکتوبشان نمایند. در ژانر ادبی، "چگونه آغاز شد" و "چگونه همه چیز پایان خواهد یافت" روشن است (و باید هم برای انسان گناهکار روشن باشد).

۲. تکامل در برخی مراحل قطعیت دارد ("تکامل افقی"، "تکامل ذره‌ای"، "تکامل میان موجودات زنده") ولی فاکتور اصلی برای زندگی بر روی این سیاره و یا بسط کهکشان‌ها نیست. در این میان رازی نهفته است! شخصاً با انجیل احساس آرامش می‌کنم (مکاشفه خاص) که به من می‌گوید "چه کسی" و "چرا" و طبیعت (مکاشفه طبیعی)، عبارتی، علوم تحقیقاتی مدرن به من می‌گوید که "چگونه" و "چه وقت" بر اساس مدل‌ها و نظریه‌های توسعه‌گرایانه می‌باشند.

۳. حتی نهایت واقعیت "نظریه تکامل از دیدگاه خداشناسی" من را وادار نمی کند تا هیچکدام از پیشفرض های ایمانی خود را انکار نمایم. به کتاب *Coming to Peace with Science: Bridging the Worlds Between Faith and Biology* نوشته Darrel R. Falk و کتاب *Language of God* نوشته Francis S. Collins مراجعه نمایید. من هم چون شما ایمانم دارای پیشفرض هایی است! جهانی بینی من مبتنی بر مسیحیت انجیلی می باشد. تصویری که از جهان متصور هستم در حال رشد و در کم در حال تغییر می باشد.

B. در الهیات من، عمر "واقعی" زمین دچار نقص نیست، به جز:

۱. مفهوم ظاهری "نظریه انفجار بزرگ" (Big Bang) در مورد نظام جهانی ماده که به آغاز جهان نیز شهرت دارد، فرصت های نامحدود زمانی را برای توسعه تکامل محدود می سازد (طبیعت گرایی).
۲. شروع و توقف در لایه های فسیلی ممکن است نه فقط لزوما تنها تغییر تدریجی در طول زمان بوده باشند، بلکه بیانگر یک "تعادل علامتگذاری شده" باشند که احتمالا باعث بوجود آمدن تکامل در اسپورانته ها شده باشد (احتمالا از کارهای خلاقانه خداوند).
۳. علم نه دشمن من است و نه منجی! زندگی در عصری که دانش بصورت روزافزون سیر سعودی دارد، هیجان انگیز است! و بسیار آرامش بخش است که فردی با ایمان باشیم. تلفیق ایمان و برهان، یا انجیل و علم، امکانی خارق العاده است.

VI. پیشفرض های حال حاضر بعنوان طول عمر زمین

- A. تاریخ گذاری رادیومتری از سنگ های کره ماه و شهاب سنگ ها، قدمت ۴.۶ میلیارد سال را ثبت کرده اند. آنها دارای المان هایی از سیارات این مجموعه خورشیدی هستند که نشان می دهند خورشید و سیارات وابسته به آن و شهاب سنگ ها در طول این دوران شکل گرفته اند. قدیمی ترین سنگ های زمینی که بوسیله روش رادیومتری تاریخ گذاری شده اند، قدمت ۳.۸ میلیارد سال دارند.
- B. تخمین قدمت آفرینش اولین زوج انسانی امری بسیار دشوار است اما میانگین درجه ده ها هزار و شاید ۴۰۰۰۰ داشته باشد. به کتاب *Who Was Adam* نوشته Hugh Ross and Fazale Rana مراجعه نمایید.

زمان تنها برای ما که در طول یک دوره زمانی متوالی آفریده شدیم، مسئله ساز است. خداوند تحت تاثیر زمان نیست. من اعتقاد دارم که زمین و محیط آن به مرور زمان و فراهم آوردن محیطی برای خداوند و پرستش وی به همراه والاترین مخلوقش ایجاد شده بود. مخلوقی که بوسیله او و در تصور خداوند به تصویر کشیده شد. تنها منبع این اعتقادات، کتاب مقدس است. من با توسل به آن به علم نوین این اجازه را می دهم تا درک مرا از جنبه های فیزیک امور خلاقانه خداوند، افزایش دهد.

VII. کتاب هایی که به من در درک پیدایش ۱-۱۱ کمک کردند عبارتند از:

- A. Derek Kidner, Genesis, Tyndale OT Commentaries, vol. 1
- B. Hugh Ross' books
- C. John H. Walton's books
- D. Phillip E. Johnson's books
- E. R. K. Harrison's books
- F. Bernard Ramm's books

این نویسندگان پاسخ دعا های من در جستجوی تفکر بودند. دیدگاه ها و تفسیرهای آنان من را به آرامش رساندند. هرگز نمی توانم از میان آنان فقط یک نویسنده را برگزینم. اگر علاقمند به فراگیری بیشتر درباره ریشه کتاب پیدایش، اخترشناسی یا اصالت آن هستید، شما را به خواندن این کتابها تشویق می کنم.

۱۶:۱ "فریفته مشوید" این یک جمله دستوری مجهول با بار منفی بوده که در اینجا بمعنی "توقف عملی که در حال گسترش است"، با مفهوم ادامه عمل خارج از وسوسه، می باشد. این یک اصطلاح پرمعنا است که برای نشان دادن یک حقیقت بزرگ بکار برده شده است (۱ قرن تیان ۶:۹؛ ۱۵:۳۳؛ غلاطیان ۶:۷؛ و ۱ پیدایش ۳:۷). خداوند هدایای خوبی به ما عطا نموده، اما وسوسه های شیطانی در میان آنها نیست.

▣ "برادران عزیز من" به یادداشت یعقوب ۱:۲ و ۱:۹ مراجعه نمایید.

۱۷:۱ "هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست" این جمله در تضاد با یعقوب ۱:۱۳-۱۶ است. در اینجا دو کلمه متفاوت بکار برده شده که به موازات یکدیگر ظاهر شده اند. این دو اگر هم معنی نباشند، پس اولی بر روی عمل بخشش و دومی آنچه که عطا شده تأکید دارند. خداوند همیشه می خواهد که هر آنچه که نیک است را به ما عطا کند. او بی میل نیست، اما اغلب ایمانداران حاضر به دریافت و بهره بردن از هدایای او نیستند. کتاب مقدس فهرستی از برخی چیزهایی را که خداوند به عطا کرده، ثبت کرده است.

۱. عیسی (یوحنا ۳:۱۶؛ ۲قرننتیان ۹:۱۵)
۲. روح القدس (لوقا ۱۱:۱۳)
۳. پادشاهی خدا (لوقا ۱۲:۳۲)
۴. رستگاری (یوحنا ۱:۱۲؛ افسسیان ۲:۸)
۵. حیات ابدی (یوحنا ۵:۱۱)
۶. صلح و آرامش (یوحنا ۱۴:۲۷)
۷. حکمت (یعقوب ۱:۵)

□ **نازل شده** عبارتی این چنینی اینگونه القا می‌کنند که بهشت در بالای زمین قرار دارد. از این عبارت اغلب برای بی‌اعتبار کردن انجیل استفاده می‌کنند. انجیل به زبانی ماورای درک طبیعی بشر نوشته شده است. زبان شرح جزئیات بوسیله حواس پنجگانه. یا متمرکز بر جزئیات و یا زمین-محور. این زبان بمفهوم واقعی کلمه راهی برای بیان ارجحیت مخلوق بزرگ خداوند، یعنی نوع بشر است. انجیل یک کتاب علمی نیست، بلکه جنبه الهیاتی دارد. در عین حال در برابر علم نیز قرار نگرفته، بلکه مقدمه علم است. به این ترتیب با تمامی فرهنگ‌ها در طول زمان مرتبط می‌گردد.

□ **پدر نورها** نور استعاره‌ی انجیلی برای نشان دادن نیکی، سلامتی، بصیرت، حقیقت و یا خلوص است. این استعاره بار اول در کتاب پیدایش ۱ در جایی که یهوه نور را بوجود آورد، بکار برده شد (یعقوب ۱:۳). وی همچنین تاریکی را نام نهاد (پیدایش ۱:۴-۵) که نشان دهنده کنترل خداوند بر هر دوی این موارد است. نور اشاره به خورشید ندارد، زیرا تا روز چهارم بوجود نیامده بود (پیدایش ۱:۱۴-۱۹؛ مزمور ۱۳۶:۷). معمولاً نور به خداوند (مزمور ۱۰۴:۲؛ دانیال ۹:۷؛ ۱ تیموتائوس ۶:۱۶؛ ۱ پطرس ۲:۹؛ یوحنا ۱:۵) و یا مسیح (یوحنا ۱:۴-۵؛ ۸:۱۲؛ ۹:۵؛ ۱۲:۴۶) متصل می‌گردد. سرنوشت بشر تحت تأثیر فرشتگان یا شیاطین قرار نداشته بلکه در چرخه‌ی نورهای بهشتی رقم می‌خورد. خداوند خالق است (پیدایش ۱:۱۴-۱۸) و کنترل کننده‌ی همه بدن‌های آسمانی است (مزمور ۱۴۷:۴؛ اشعیا ۴۰:۲۶). وی همیشه هر آنچه که نیک است را به فرزندانش می‌دهد؛ حتی آزمون‌ها دارای مقاصد و ماحصل مثبت هستند که همانا بلوغ و ایمان و اعتماد به او است (شبیبه به مسیح بودن، رومیان ۸:۲۸-۲۹).

NASB	"با او نه تغییری است و یا دگرگونی سایه"
NKJV	"با او نه تغییری است و یا چرخش سایه"
NRSV	"با او نه تغییری است یا سایه‌ی حاصل از تغییر"
TEV	"او که تاریکی را بوسیله چرخش نه مسبب است و نه تغییردهنده"
NJB	"در او نه تغییری است و نه سایه ناشی از دگرگونی"

این عبارات منعکس کننده بوجود آمدن و محو شدن اجسام آسمانی نورانی یا حتی حرکت صور فلکی بوده که بر طبق تفکر باستان، بر زندگی آنان اثرگذار بوده است. خداوند همچون آنان نیست. او (مزمور ۱۰۲:۲۶-۲۷؛ ملاکی ۳:۶)، همچون مسیح (عبرانیان ۱:۱۱-۱۲؛ ۱۳:۸) تغییر ناپذیر است. این امر بمعنی سرسختی وی یا عدم همسوی وی با نیازهای انسانی نیست (خروج ۱۲:۳۲، ۱۴؛ مزمور ۱۰۶:۴۴-۴۵؛ ارمیا ۱۸:۶-۱۰)، بلکه ذات او، عشق و همدردی وی در برابر نوع بشر تغییر ناپذیر است. ایمانداران می‌توانند به وعده‌هایی که او داده اطمینان داشته باشند زیرا ذات وی تغییر ناپذیر و پایدار است. ابهام در این عبارت سبب شده که کاتبان به اشکال مختلف نسبت به این متن هشدار دهند. برای مطالعه مبحث کامل‌تر به کتاب Bruce Metzger بنام *A Textual Commentary on the Greek New Testament* صفحه ۶۷۹-۶۸۰ مراجعه نمایید.

۱۸:۱ **"او چنین اراده فرمود"** خداوند همواره آغازگر است (وجه وصفی مجهول آنوریستی) عمل برای رساندن نوع بشر به پارسایی و رستگاری است (یوحنا ۴:۴۴، ۶۵؛ رومیان ۹؛ افسسیان ۱:۴؛ ۲:۸؛ ۱ پطرس ۱:۳).

□ **"ما را با کلام حق تولید کند"** این یک استعاره مرسوم در خانواده انجیل در رابطه با نجات و رستگاری فرزندان خداوند در یک تولد معنوی است (یعقوب ۱۳-۱۲؛ یوحنا ۳:۳؛ اعمال رسولان ۱۷:۲۹؛ عبرانیان ۹:۵-۱۲؛ ۱ پطرس ۱:۳، ۲۳؛ یوحنا ۲:۲۹؛ ۳:۹؛ ۴:۷؛ ۵:۱، ۴، ۱۸). این عبارت می‌تواند اشاره به شروع آفرینش آدم و هوا در کتاب پیدایش (پیدایش ۱:۲۶؛ ۵:۱، ۳؛ ۹:۶) و احیای کامل بشر بواسطه ایمان به عیسی مسیح باشد.

با اینحال، در متن بنظر می‌رسد که اشاره به مسیحی شدن داشته باشد زیرا خداوند کلام حق است و اینگونه می‌توان فهمید که نجات و رستگاری فقط از طریق خبر خوش مسیح بدست می‌آید و نه آفرینش. بخشی از ابهام در ترجمه به این دلیل است که عبارت "پدر" به شیوه‌های مختلفی در انجیل بکار برده شده است.

۱. آفریننده همه چیز
۲. بوجود آورنده و نگه‌دارنده اسرائیل (و پادشاه اسرائیل)

۳. بوجود آورنده و نگه‌دارنده روح اسرائیل (کلیسا)

۴. ارتباط از طریق تثلیث (پدر - پسر)

□ "کلام حق" این عبارت در کتاب‌های افسسیان ۱:۱۳؛ کولسیان ۱:۵؛ و ۲ تیموتائوس ۲:۱۵ هم‌معنی با "خبر خوش" نوشته شده است. این کلام در اول پطرس ۱:۲۳-۲۵ شرح داده شده است.

موضوع خاص: "حق" در نوشته‌های پولس

SPECIAL TOPIC: "TRUTH" IN PAUL'S WRITINGS

کاربرد این واژه و حالات مختلف آن توسط پولس از معادل عهد عتیق آن، *emet* بمعنی قابل اعتماد بودن یا وفادار نشأت می‌گیرد (BDB 53)؛ بموضوع خاص: باور، ایمان، اعتماد، وفاداری در عهد عتیق مراجعه نمایید). در نوشته‌های دو عهد از این واژه برای حقیقت در تضاد با دروغ استفاده شده است. ممکن است نزدیکترین معادل آن در طومارهای دریای مرده یافت شود، "سرودهای شکرگزاری"، در جاییکه از آموزه‌های آشکار استفاده می‌شود. اعضای جامعه Essene "شاهدان حقیقت" می‌گردند.

پولس از این واژه برای اشاره به انجیل عیسی مسیح استفاده می‌کند.

۱. رومیان ۱:۱۸، ۲:۵، ۸:۲، ۲۰:۳؛ ۷:۱۵؛ ۸:۱۵

۲. اول قرنتیان ۱۳:۶

۳. دوم قرنتیان ۴:۲؛ ۷:۶؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۸

۴. غلاطیان ۲:۵، ۱۴:۷

۵. افسسیان ۱:۱۳؛ ۶:۱۴

۶. کولسیان ۱:۵، ۶

۷. ۲ تسالونیکیان ۲:۱۰، ۱۲، ۱۳

۸. ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۳؛ ۶:۵

۹. ۲ تیموتائوس ۲:۱۵، ۱۸، ۲۵؛ ۳:۷، ۸؛ ۴:۴

۱۰. تیتوس ۱:۱، ۱۴

پولس همچنین از این واژه بعنوان راهی برای نشان دادن صداقت/حقیقت در سخنان خود استفاده می‌کند

۱. اعمال ۲۶:۲۵

۲. رومیان ۹:۱

۳. دوم قرنتیان ۷:۱۴؛ ۱۲:۶

۴. افسسیان ۴:۲۵

۵. فیلیپیان ۱:۱۸

۶. ۱ تیموتائوس ۲:۷

او همچنین از این واژه برای تشریح انگیزه‌های خود در اول قرنتیان ۵:۸، و سبک زندگی (همچنین برای همه مسیحیان) در افسسیان ۴:۲۴؛ ۹:۵؛ فیلیپیان ۴:۸ استفاده کرده است. او گاهی این واژه را در ارتباط با مردم نیز بکار می‌برد.

۱. خدا، رومیان ۴:۳ (یوحنا ۳:۳۳؛ ۱۷:۱۷)

۲. عیسی، افسسیان ۴:۲۱ (شبیبه به یوحنا ۱۴:۶)

۳. شاهدان رسولی، تیتوس ۱:۱۳

۴. پولس، دوم قرنتیان ۶:۸

پولس از این واژه بصورت فعل (*alētheuō*) فقط در غلاطیان ۴:۱۶ و افسسیان ۴:۱۵، در جاییکه به انجیل اشاره کرده استفاده می‌کند. برای مطالعه بیشتر به کتاب *The New International Dictionary of New Testament Theology* نوشته Colin Brown (ed)، جلد ۳ صفحات ۷۸۴-۹۰۲ مراجعه نمایید.

□ "نوبر" این واژه دارای معانی گوناگونی است

۱. در حالت زمان، آنگونه که در عهد عتیق و در جاییکه اولین سری از محصولات به ثمر نشست و بمنظور نشان دادن حق مالکیت یهوه بر تمامی محصولات، تقدیم وی گردید (خروج ۲۳:۱۹؛ ۲۲:۳۴، ۲۶؛ لاویان ۲۳:۱۰)
 ۲. در حالت استعاره بعنوان اولین چیز برجسته و دارای اولویت
 ۳. برای نشان دادن اولین ایماندارانی که به کلام خدا و خبر خوش او ایمان آوردند (یهودیان)
- این عبارت بدین مفهوم نیست که خداوند ایمانداران را بیشتر از سایرین دوست دارد، بلکه منظور اینست که او قصد دارد با استفاده از آنها و تغییر آنان در زندگی ایمانی، به سایرین دست یابد.

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. آیات ۱-۹-۱۱ از کتاب یعقوب چه ارتباطی با مبحث فصل ۱ دارند؟
 ۲. آیا مرد ثروتمند در یعقوب ۱۰:۱ مسیحی بود؟
 ۳. اگر خداوند آنگونه که در یعقوب ۱:۱۳ گفته شده، وسوسه نمی‌کند، پس متی ۶:۱۳ چه معنایی دارد؟
 ۴. ارتباط شیطان با وسوسه چه می‌باشد؟
 ۵. فهرستی از آزمونهای فصل یک را بنویسید.
 ۶. سه دشمنی را که فرزندان آدم را تهدید می‌کند با زبان خود توضیح دهید.

دیدگاه‌های متنی نسبت به آیات ۱-۱۹-۲۷

- A. در این متن بر روی "کلام" تأکید صورت پذیرفته است.
۱. تولد روحانی که بواسطه کلام خدا بوجود می‌آید (یعقوب ۱:۱۸)
 ۲. شنیدن کلام خدا (یعقوب ۱:۲۱)
 ۳. درک کلام خدا (یعقوب ۱:۲)
 ۴. عملکرد کلام خدا به مثابه آینه‌ای برای خواست او (یعقوب ۱:۲۴)
 ۵. کلام خدا شریعت عصر جدید است (یعقوب ۱:۲۵)
- B. سه دستور کلیدی مطرح شده که نشان دهنده مسیر پیشرفت الهیاتی، شبیه آنچه که در عزا ۷:۱۰ گفته شده می‌باشند:
۱. شنیدن (یعقوب ۱:۱۹)
 ۲. درک کردن (یعقوب ۱:۲۱)
 ۳. عمل کردن (یعقوب ۱:۲۲؛ این قسمت موضوع اصلی رساله‌ی یعقوب است).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۱-۱۹-۲۵

^{۱۹}برادران عزیز من، توجه کنید: هر کس باید در شنیدن تند باشد، در گفتن کند و در خشم آهسته! ^{۲۰}زیرا خشم آدمی پارسایی مطلوب خدا را به بار نمی‌آورد. ^{۲۱}پس هر گونه پلیدی و هر فزونی بدخواهی را از خود دور کنید و با حلم، کلامی را که در شما نشانده شده و می‌تواند جانهای شما را نجات بخشد، بپذیرید.

^{۲۲}به‌جای آورنده کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید! ^{۲۳}زیرا هر کس که کلام را می‌شنود اما به آن عمل نمی‌کند، به کسی ماند که در آینه به چهره خود می‌نگرد ^{۲۴}و خود را در آن می‌بیند، اما تا از برابر آن دور می‌شود، از یاد می‌برد که چگونه سیمایی داشته است. ^{۲۵}اما آن که به شریعت کامل که شریعت آزادی است چشم دوخته، آن را از نظر دور نمی‌دارد، و شنونده فراموشکار نیست بلکه به‌جای آورنده است، او در عمل خویش خجسته خواهد بود.

۱۹:۱ "توجه کنید" این یک جمله دستوری حال حاضر است. با وجود اینکه می‌توان آن را بصورت حالت اخباری نیز در نظر گرفت (تحولات لغوی زبان یونانی)، اما دیباچه‌های اخباری رساله یعقوب ۱:۱۶ و ۲:۵ به ما این نشانه را می‌دهند که این عبارت، دستوری در ارتباط با درک ما از کلام انجیل است (۱ یوحنا ۲:۲۱). لغت "توجه" (در نسخه انگلیسی "بدانید" نوشته شده) در زبان عبری برای بیان "ارتباط شخصی با شخص یا اشخاص" و در زبان یونانی برای بیان "حقیقی درباره موضوعی" بکار برده می‌شود. هر دوی این موارد جنبه‌های حیاتی انجیل بوده که عبارتند از (۱) شخصی که باید به او خوش آمد گفت؛

بنابراین، پارسایی یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصا و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۲:۸ الی ۹). این مفهوم در اناجیل فاش می‌شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح *dikaioisunē* در مفهوم عبری کلمه *tsaddiq* که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می‌کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته‌های یونانی این کلمه به کسی گفته می‌شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می‌کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). بیهوده خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می‌خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می‌شود (مراجعه شود به دوم قرن‌تیاں ۱۷:۵، غلاطیان ۶:۱۵). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خدایسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۷، غلاطیان ۲۲:۵ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "پارسا" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می‌شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می‌شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. Justification یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خدایسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی انجیل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می‌کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می‌شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می‌یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازیابی می‌شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می‌باشد)

a. رومیان ۳:۲۶

b. دوم تسالونیکیان ۱:۵ الی ۶

c. تیموتائوس ۸:۴

d. مکاشفه ۵:۱۶

۲. عیسی صادق است

a. اعمال رسولان ۱۴:۳، ۵۲:۷، ۱۴:۲۲ (عنوان مسیح)

b. انجیل متی ۱۹:۲۷

c. اول یوحنا ۱:۲۹، ۷:۳

۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است

a. لایویان ۲:۱۹

b. انجیل متی ۴:۸ (مراجعه شود به ۱۷:۵ الی ۲۰)

۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت

a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱

b. رومیان ۴

c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴

d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱

۵. داده شده توسط خدا

a. رومیان ۳:۲۴، ۲۳:۶

b. اول قرن‌تیاں ۳:۱۰

- c. افسسیان ۲:۸ الی ۹
۶. دریافت با ایمان
- a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲ و ۴:۲۶ و ۵:۱۳ و ۹:۳۰، ۱۰:۴ و ۱۰:۶ و ۱۰
- b. دوم قرنیتیان ۷:۵ و ۲۱
۷. توسط کارهای پسر
- a. رومیان ۵:۲۱
- b. دوم قرنیتیان ۵:۲۱
- c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱
۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند
- a. انجیل متی ۵:۳ الی ۴۸، ۷:۲۴ الی ۲۷
- b. رومیان ۲:۱۳، ۵:۱ الی ۵، ۶:۱ الی ۲۳
- c. افسسیان ۱:۴، ۲:۱۰
- d. اول تیموتائوس ۶:۱۱
- e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۳:۱۶
- f. اول یوحنا ۳:۷
- g. اول پطرس ۲:۲۴
۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند
- a. اعمال رسولان ۱۷:۳۱
- b. دوم تیموتائوس ۴:۸
- صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می‌دهد.

۱. یک حکم خدا
۲. هدیه‌ای از خدا
۳. یک کار مسیح
۴. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می‌شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۳) در زمان مرگ انجام می‌شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته . از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می‌دارم :

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. انجیل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)
۲. انجیل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)
۳. انجیل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به انجیل ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

۲۱:۱ " هر گونه پلیدی ... را از خود دور کنید" این یک وجه وصفی معلوم در زبان اُتوریستی بوده که همچون جمله دستوری عمل می‌کند. این عبارات مؤید ظرفیت‌های ارادی و مسئولیت‌های ما بعنوان ایمانداران خداوند می‌باشد. عبارت دور کردن اغلب بعنوان یک استعاره‌ی انجیلی برای نشان دادن

ویژگیهای روحانی بکار برده می‌شود (رومان ۱۳:۱۲؛ غلاطیان ۳:۲۷؛ افسسیان ۴:۲۲-۲۴، ۲۵-۳۱؛ کولسیان ۳:۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴؛ ۱ پطرس ۲:۱). پوشش الهی یک استعاره در عهد عتیق بود که اغلب برای "گناه" بکار برده می‌گردید (اشعیا ۶۴:۶؛ زکریا ۴:۳).

■ "هر گونه پلیدی" (در نسخه انگلیسی "هر گونه نجاست و کثیفی" نوشته شده) این عبارت برای "ترکیبات کثیفی که در گوش بوجود می‌آیند" بکار برده می‌شود.

۱. می‌تواند اشاره به زندگی نامقدس داشته که منجر به نشنیدن کلام خداوند می‌گردد.
۲. می‌تواند همان معنای اصلی، یعنی "کثیفی" همچون کثیف بودن لباس را داشته باشد (یعقوب ۲:۲).
۳. "عوام‌گرایی" یکی دیگر از احتمالات کاربرد این واژه بوده که ممکن است اشاره به سخن و خطاب‌های فرد ایماندار داشته باشد.

NASB	"هر آنچه که از شرارت باقی مانده"
NKJV	"شرارت لبریز شده"
NRSV	"درجه رشد شرارت"
TEV	"تمام ضعف بوجود آمده"
NJB	"بقیای بجا مانده از شریر"

این واژه در عهد جدید برای "آنچه که از چیزی باقیمانده" یا "وفران چیزی" بکار برده شده است (رومان ۵:۱۷؛ ۲ قرنتیان ۸:۲؛ ۱۰:۱۵). در اینجا ظاهراً بمعنی "خود را در چارچوب آنچه که خداوند به ما عطا کرده قرار دادن" بکار برده شده است. این واژه را می‌توان "بدجنسی یا بد اندیشی" (NEB) و یا "سخن نادرست از روی طینت بد" ترجمه نمود که به ادامه تأکیدات یعقوب بر کلام به زبان رانده شده دارد.

■ "با حلم" این واژه یونانی و حالات ترکیبی آن بمعنای "ملایمت"، "خونسردی و مهربانی" و "مراعات" است. این واژه معنی کاملاً متضاد با خشونت، کارهایی که از روی خودخواهی انجام شده و همه اعمالی که در یعقوب ۱:۲۱ بدان اشاره شده دارد.

افلاطون از خانواده همین واژگان برای "مفهوم طلایی" بهره برد، که توازن کلی در زندگی بوده که توسط کنترل هوای نفس در فرد بوجود می‌آورد. ایمانداران به دلیل ارتباطی که با مسیح و رخنه کردن روح القدس در بدن خود دارند، قادر به از میان برداشتن شریر (مرد پیر) و جایگزین کردن آن با نیکی (مرد جوان) هستند. حلم و فروتنی کلمه‌ایست که ذات مسیح را به تصویر می‌کشد (متی ۱۱:۲۹؛ ۵:۲۱) و خواست خدا برای هر ایماندار نیز چنین است (متی ۵:۵؛ ۱ پطرس ۳:۴). به یادداشت یعقوب ۳:۱۳ مراجعه نمایید.

■ "پذیرید" این جمله دستوری در دستور زبان آئورستی می‌باشد. کلام خداوند، انجیل عیسی مسیح، باید پذیرفته گردد (یوحنا ۱:۱۲؛ اعمال رسولان ۱۷:۱۱؛ رومیان ۹:۱۰-۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۱۳). این پذیرش هم در شروع بوجود می‌آید و هم در توبه، ایمان به نجات و تداوم توبه، ایمان به خداوند و شبیه شدن به مسیح. آنچه که درباره ایمان شنیده می‌گردد باید در زندگی ایمانی نیز لحاظ گردد (یعقوب ۲:۱۴-۲۶)!

■ "کلامی را که در شما نشانده شده" این یک استعاره از کاشتن است (متی ۱۳:۸؛ ۲ پطرس ۱:۴). متن یونانی اینگونه می‌گوید که بشر، کلامی را که باید بواسطه ایمان دریافت نماید را از پیش در خود نشانده و درک نموده است. این امر می‌تواند در اشاره به ریشه آفرینش بشریت باشد، آنگونه که در یعقوب ۱:۱۸ عنوان گردیده است. اگر چنین باشد، در اینصورت به تصویر خداوند در انسان‌ها اشاره داشته (پیدایش ۱:۲۶-۲۷)، که بواسطه اخراج از بهشت خدشه‌دار گردید (پیدایش ۳)، اما بوسیله ایمان به مسیح دوباره احیا شد. سه استعاره برای به تصویر کشیدن "کلام حق" بکار برده شده است: یک بذر (یعقوب ۱:۲۱)؛ یک آینه (یعقوب ۱:۲۳)؛ و یک شریعت (یعقوب ۱:۲۵). انجیل باید در ابتدا پذیرفته شده و سپس مطابق آن زندگی کرد. آیه ۲۱ شامل پیش‌نیازهای نجات در عهد جدید است؛ توبه (کنار گذاردن) و ایمان (دریافت و پذیرش، مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱). نجات نیازمند یک "دوری از" (توبه) و یک "چرخش بسوی" (ایمان) می‌باشد.

■ "و می‌تواند جانهای شما را نجات بخشد" نهادینه شدن کلام در انسان، استعاره‌ی بسیار پرمعنایی از رابطه جدید فرد ایماندار با خداوند است. واژه "روح" سخن از کلیت انسان دارد. بشر خود روح است (پیدایش ۲:۷)؛ آنان یک روح ندارند (اصطلاحی یونانی). به لحاظ الهیاتی، جان (*psuchē*) و روح (*pneuma*) برای کلیت انسان دارای یک معنی می‌باشند.

واژه "نجات" در عهد عتیق بمعنای "رستگاری فیزیکی" (*yasha*) و در عهد جدید بمعنی "رستگاری ابدی" (*sōzō*) است. کاربرد این واژه را در عهد عتیق می‌توان در یعقوب ۵:۱۵، ۲۰ مشاهده کرد. اما در اینجا، در یعقوب ۲:۱۴؛ ۴:۱۲ معنای عهد جدید آن بهتر می‌گنجد.

بحث فعلی پیرامون "نجات رایگان" در برابر "نجات خداگونه" مثال خوبیست درباره اینکه چگونه مفسران و مترجمان امروزی بخشی از متن را (یا مجموعه‌ای از پاراگراف‌ها را) بدون در نظر گرفتن سایر قسمت‌ها و متعاقب آن، برداشت دگم‌گونه، سیستماتیک و با جهت‌دهی خاص الهیاتی خود ویرایش می‌کنند. با اینحال، عصر جدید، همچون همه ادبیات شرق باستان، بسیار تمثیلی بوده و اغلب در بیان حقیقت در میان تنش میان دو طرف،

دوگانه عمل می‌کند. در این متن ما بوسیله کلام خدا نجات می‌یابیم (حیات ابدی)، اما باید همچنان بر اساس کلام خدا هر روز نیز عمل نماییم (نجات در عهد عتیق یا پذیرش). این تلفیق ایمان و عمل پیام اصلی در رساله یعقوب است. ایمان به‌مراه عمل! اینها دو قلوهای پیمان خداوند هستند!

موضوع خاص: ادبیات شرقی، تضادهای انجیلی Special Topic: Eastern Literature, Biblical Paradoxes

A. این نگرش (یعنی انجیل یک کتاب شرقی است، نه یک کتاب غربی) خیلی به شخص من به عنوان کسی که عاشق انجیل است و به آن به عنوان کلام خدا اعتماد دارد، کمک کرد. در تلاش برای اینکه انجیل را جدی بگیرم، وقتی که متون مختلف را با شیوه‌های انتخابی و نه سیستماتیک امتحان کردم، حقیقت آشکار شد. یک متن نمی‌تواند متن دیگری را باطل نماید و یا خدشه‌دار سازد! حقیقت زمانی آشکار می‌شود که تمام کتاب مقدس را بدانیم (تمام کتاب مقدس، نه فقط برخی، مطالب الهام برانگیز، رجوع شود به تیموتائوس ۱۶: ۳ و ۱۷)، و نه نقل قول یک بخش (اثبات پیام)!

B. اکثر حقایق انجیلی (ادبیات شرقی)، بیشتر به صورت گویشی یا پارادوکس ارائه می‌شوند (بخاطر داشته باشید که نویسندگان عهد جدید به غیر از لوقا، تفکر عبری داشتند، که به زبان عامیانه یونانی می‌نوشتند. ادبیات عرفانی و شاعرانه حقیقت را در خطوط موازی ارائه می‌دهند. تناقضات موازی همانند پارادوکس عمل می‌کنند. موازی‌گرایی ترکیبی همانند متون موازی عمل می‌کنند). به نوعی هر دو یکسان و درست هستند! این پارادوکس‌ها برای سنتهای مذهبی و ساده مقدس ما دردناک هستند!

۱. تقدیر از پیش تعیین شده در مقابل اراده آزاد
۲. امنیت مومنین در مقابل نیاز به محافظه‌کاری (به موضوع خاص: محافظه‌کاری رجوع کنید)
۳. گناه ذاتی در مقابل گناه ارادی
۴. عیسی به عنوان خدا در مقابل عیسی به عنوان انسان
۵. عیسی به عنوان برابر با خدا در مقابل عیسی به عنوان زیرمجموعه‌ی خدا
۶. انجیل به عنوان کلام خدا در مقابل نگارش انسانی
۷. معصومیت (کامل بودن، رجوع شود به رومیان ۶) در مقابل کمتر گناه کردن
۸. داوری سریع و فوری و تقدس در مقابل تقدس مترقی (رجوع شود به موضوع خاص: تقدس)
۹. قضاوت از روی ایمان (رجوع شود به رومیان ۴) در مقابل قضاوت بر اساس اعمال (رجوع شود به یعقوب ۱۴: ۲ الی ۲۶)
۱۰. آزادی مسیحی (رجوع شود به رومیان ۱: ۱۴ الی ۲۳، اول قرن‌تینان ۸: ۱ الی ۱۳، ۲۳: ۱۰ الی ۳۳) در مقابل مسئولیت مسیحی (رجوع شود به غلاطیان ۵: ۱۶ الی ۲۱، افسسیان ۴: ۱)
۱۱. تعالی خدا در مقابل بودن خدا در مخلوق
۱۲. خدا به عنوان نهایت ناشناختگی در مقابل قابل شناخت در کتاب مقدس و مسیح.
استعاره‌های پولس در مورد رستگاری
 - a. قبول
 - b. تقدس
 - c. عدالت
 - d. رستگاری
 - e. شکوه
 - f. تقدیر
 - g. مصالحه، آشتی
۱۳. پادشاهی خدا به عنوان هدیه در مقابل نتیجه‌گیری آینده
۱۴. توبه به عنوان هدیه خدا (رجوع شود به اعمال رسولان ۱۸: ۱۱، رومیان ۲: ۴، دوم تیموتائوس ۲: ۲۵) در مقابل توبه به عنوان پاسخ مجاز برای رستگاری (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۲۱: ۲۰)
۱۵. عهد عتیق جاودانیست در مقابل دوره عهد عتیق گذشته و اینک پوچ و توخالی است (رجوع شود به انجیل متی ۱۷: ۳ الی ۱۹ در مقابل انجیل متی ۵: ۲۱ الی ۴۸، رومیان ۷ در مقابل غلاطیان ۳)
۱۶. مومنین خادم/برده هستند در مقابل فرزندان/وارثین

۲۲:۱ "به جای آورنده کلام باشید" این یک جمله دستوری است. این آیه هسته مرکزی پیام در سرتاسر کتاب است (یعقوب ۱: ۲۲، ۲۳، ۲۵). مسیحیت یک تصمیم ارادی نسبت به رابطه با عیسی مسیح است که در یک زندگی مسیح‌وار شکل می‌گیرد. این امکان وجود دارد که این عبارات راهی غیرمستقیم در اشاره به تعبد در عهد عتیق است، آنگونه که در ده فرمان آمده بود (تلفیق یعقوب ۱: ۱۲ با خروج ۲۰: ۶ و تثنیه ۵: ۱۰).

□ "نه فقط شنونده آن" این کلمات در ادبیات یونان باستان برای کسانی بکار برده می‌شد که در سخنرانی‌ها شرکت می‌کردند، اما هرگز در گروه‌ها حضور نمی‌یافتند. شنیدن حقیقت کافی نیست، ایمانداران باید به آنچه که می‌شنوند نیز بصورت روزانه عمل نمایند (یعقوب ۲: ۱۴-۲۶؛ متی ۷: ۲۱، ۲۴-۲۷؛ لوقا ۸: ۲۱؛ یوحنا ۱۳: ۱۷؛ رومیان ۲: ۱۳).

□ "خود را فریب مدهید" این جمله وجه وصفی است (این فعل فقط در اینجا و کولسیان ۴: ۲ دیده می‌شود). بار گناه بر دوش مسیحیت امروزیست که فرض می‌کند حضور در کلیسا یا مسئولیت‌های مدنی با خدمات کلیسایی مترادف است. تفکیک فرهنگی در جوامع سکولار و یا تقدیس شده فقط خودفریفتگی را همراه خواهد داشت. آیات ۲۳-۲۵ نمونه‌هایی از چنین خودفریفتگی می‌باشند. زندگی متعلق به خداوند بوده و هر یک از ما با توجه به نحوه زندگی خود به خداوند حساب پس خواهیم داد.

۲۳:۱ "اگر" (در نسخه فارسی نوشته نشده) این یک جمله شرطی نوع اول بوده که با توجه به دیدگاه یا مقاصد ادبی نگارنده آن، بکار بردن آن درست بنظر می‌نمایند. ایمانداران امروزی اغلب در کلاس‌هایی که در روز یکشنبه برگزار می‌گردد و یا برای شنیدن موعظه حضور بهم می‌رسانند، اما هر آنچه که می‌شنوند در زندگی روزمره آنان هیچ اثری نشان داده نمی‌شود. به نوعی می‌توان این موضوع را یک بی‌دینی کاربردی یا بی‌ارتباط بودن با خداوند تلقی نمود! مسیحیت نه یک ساختمان است و نه یک عقیده و مرام، بلکه یک ارتباط ایمانی با خداوند است که بواسطه مسیح بوجود آمده که هر روزه بر روی همه جنبه‌های زندگی ما اثر می‌گذارد!

NASB, NKJV "چهره طبیعی"

NRSV "چهره‌ای که در زمان تولد داشت"

(margin) "خود را ببینند"

TEV "آنگونه که هست خود را می‌بیند"

NJB

این استعاره، "چهره در زمان تولد"، برای نشان دادن حالتی استفاده شده که شخص خود را می‌بیند. همه هدف از کتاب یعقوب ۱: ۲۳-۲۴ اینست که ایمانداران باید کاری بیش از فقط شنیدن کلام حق یا دانستن درباره حق انجام دهند. ما باید بدان عمل هم بکنیم!

□ "آینه" آینه در دوران باستان از فلزات جلا داده شده ساخته می‌گردید. این آینه‌ها بسیار گران قیمت بوده و فقط تصاویر کج و بهم ریخته را منعکس می‌کردند (اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲). کلام خداوند بمثابة آینه معنوی بوده که وضوح کامل را منعکس می‌نماید.

۲۴:۱ به مسائل واقعی خود در زندگی مملو از فریب و طغیانی که در آن قرار داریم، نگاهی سریع و سطحی افکنید!

۲۵:۱ "می‌نگرد" دو واژه یونانی در کتاب یعقوب ۱: ۲۳-۲۵ برای "نگاه کردن" یا "نگریستن" بکار برده شده است. واژه اول *katanoō*، که در یعقوب ۱: ۲۳ و ۲۴ بکار رفته و واژه دوم، در اینجا، که واژه‌ای قویتری نیز هست، *parakuptō*، "به چیزی یا کسی با عزم راسخ نگریستن" یا "چیزی را از نزدیک مورد آزمایش قرار دادن" معنا دارد (۱ پطرس ۱: ۱۲).

ایمانداران باید خود را در زیر نور کلام خود بنگرند، سپس باید به دقت و با عزمی راسخ به "شریعت کامل، شریعت آزادی"، یعنی انجیل عیسی مسیح خیره گردند. آنچه از خود بدانیم سودمند است، اما آنچه که از خدا بدانیم، برای ابدیت ما کفایت دارد.

NASB "شریعت کامل، شریعت آزادی"

NKJV "شریعت کامل آزادی"

NRSV "شریعت کامل، شریعت آزادی"

TEV "شریعت کاملی که مردم را رهایی می‌بخشد"

NJB "شریعت کامل آزادی"

این عبارات به موازات "شریعت شاهانه" در یعقوب ۲: ۸ و "شریعت آزادی" در یعقوب ۲: ۱۲ بکار برده شده است (همچنین به یوحنا ۸: ۳۲، ۳۶؛ رومیان ۸: ۲ توجه نمایید). این آزادی تازه در رومیان ۱: ۱۴ - ۱۳: ۱۵؛ اول قرن‌تین ۸: ۱۰-۲۳-۳۳ به تصویر کشیده شده است. کلام خدا محدودیتی برای آزادی ما بوجود نمی‌آورد، بلکه رهایی کاملی از ذات گناهکار ما است. ایمانداران اکنون آزاد هستند تا به او خدمت کنند (رومیان ۶).

□ "او در عمل خویش خجسته خواهد بود" به ضوابطی که برای برکت گرفتن در نظر گرفته شده توجه نمایید: (۱) به دقت به شریعت کامل نگرستن؛ (۲) خود را با آن وفق دادن؛ (۳) و در نهایت کسی باشیم که بگونه‌ای تأثیرگذار آن اعمال را انجام دهیم. زمان آینده این جمله اشاره به برکتی غیرروحانی و دنیوی دارد، اما با توجه به موقعیت اسکاتولوژیک رساله یعقوب (آیات ۱: ۸-۹، ۱۲: ۵-۷-۸) به احتمال زیاد منظور برکات روز رستاخیز و داوری در پایان دنیا می‌باشد.

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۱: ۲۶-۲۷

آن که خود را دیندار بداند، اما مه‌ار زبان خود را نداشته باشد، خویشتن را می‌فریبید و دیانتش باطل است. ۲۷ دینداری پاک و بی‌لکه در نظر پدر ما خدا، آن است که یتیمان و بیوه‌زنان را به وقت مصیبت دستگیری کنیم و خود را از آلاش این دنیا دور بداریم.

۱: ۲۶ "آن که خود را دیندار بداند" (در نسخه انگلیسی: "اگر کسی خود را دیندار بداند" نوشته شده است) این یک جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده و یا مقاصد ادبی وی، کاربرد آن در اینجا درست به نظر می‌رسد. نسخه King James کتاب مقدس به این جمله عبارت "بنظر می‌رسد که" را نیز اضافه نموده اما این جمله اشاره به خود فریبی و هوای نفس دارد و نه ملاحظه و ارزیابی دیگران. ایمانداران اغلب کارائی‌های قوائد و رسوم انسانی را جایگزین زندگی روزانه‌ی در راه مسیح می‌کنند. آیات ۲۵-۲۶ مرجعی برای ریاکاران دینی نیستند بلکه در ارتباط با دینداری بی‌ثمر، ناآگاه، دارای نقص اما صادق می‌باشد! واژه "دیندار" یعنی "کسی که با وسواس زیاد خود را وقف جزئیات می‌کند". یعقوب را می‌توان کسی دانست که در رویای (۱) ایمانداران متشرعی که پایبند قواعد بودند، و یا (۲) ایمانداران عارفی که به حکمت ایمان داشتند بود، اما هیچکدام از اینان در راه خداوند زندگی نمی‌کردند.

□ "مه‌ار زبان خود را نداشته باشد، ... و دیانتش باطل است" سخن آدمی از مسائل مهمی است که در رساله یعقوب بدان پرداخته شده (یعقوب ۱: ۱۹؛ ۱۲-۳: ۲). کنترل هوای نفس و زبان یکی از نشانه‌های بلوغ در مسیحیت است (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). متأسفانه اورتودکسی بدون اورتوپراکسی در میان اقوام خداوند کاملاً رواج یافته است (اورتوپراکسی نقطه مقابل اورتودکسی که ایمان صحیح و اجرای درست رسوم است، می‌باشد). این یک نمایش بی‌محتواس است (اشعیا ۲۹: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۲۳-۲۵؛ تیموتائوس ۲: ۵). مذهب نیز می‌تواند به مانعی برای خداوند تبدیل گردد (رومیان ۳۰: ۹-۳۲).

موضوع خاص: سخن انسان

Special Topic: Human Speech

I. تفکرات آغازین در مورد تمثیله‌ها

- A. زبان بخشی از تصویر خدا در نوع بشر است (یعنی خلقت با گفتن آغاز شد و خدا با انسان مخلوقش صحبت کرد). این بخشی حیاتی از فردیت ما است
- B. سخن گفتن ما را قادر می‌سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم و درباره اینکه چه احساسی نسبت به زندگی داریم حرف بزنیم. بنابراین، مشخص می‌کند که ما واقعا چه هستیم (امثال ۲: ۱۸، ۲۳: ۴، ۲۰ الی ۲۷). سخن گفتن آزمون انسان است (امثال ۷: ۲۳).
- C. ما موجودات اجتماعی هستیم. ما نیازمند پذیرش و تأیید هستیم. ما از جانب و خدا و نیز از جانب هم‌نوعان خود به آن نیاز داریم. کلمات این قدرت را دارند تا این نیاز را تأمین کنند، هم به صورت مثبت (امثال ۱۰: ۱۷) و هم منفی (امثال ۱۸: ۱۲).
- D. قدرت وحشتناکی در کلام انسان وجود دارد (امثال ۱۸: ۲۰ الی ۲۱) - قدرت برکت دادن و شفا بخشیدن (امثال ۱۱: ۱۰ و ۲۱) و قدرت نفرین و تخریب (امثال ۹: ۱۱).
- E. هرگونه که رفتار کنیم به همان صورت هم حاصلش به ما باز می‌گردد (امثال ۱۴: ۱۲).

II. اصول تمثیله‌ها

A. پتانسیل منفی و مخرب کلام انسانی

۱. کلام انسان پلید (۱: ۱۱ الی ۱۹، ۱۰: ۶، ۱۱: ۹ و ۱۱ و ۱۲: ۲ الی ۶)
۲. حرفهای زناکارانه (۵: ۲ الی ۵، ۶: ۲۴ الی ۳۵، ۷: ۵، ۹: ۱۳ الی ۱۸، ۱۴: ۲۲)
۳. دروغ (۶: ۱۲ الی ۱۵ و ۱۹، ۱۰: ۱۸، ۱۲: ۱۷ الی ۱۹ و ۲۲، ۱۴: ۵ و ۲۵، ۱۷: ۴، ۱۹: ۵ و ۹ و ۲۸، ۲۱: ۲۸، ۲۴: ۲۸، ۲۵: ۱۸، ۲۶: ۲۳ الی ۲۸)
۴. حرفهای احمقانه (۱۰: ۱۰ و ۱۴، ۱۴: ۳، ۱۵: ۱۴، ۱۸: ۶ الی ۸)
۵. شهادت دروغ (۶: ۱۹، ۱۲: ۱۷، ۱۹: ۵ و ۹ و ۲۸، ۲۱: ۲۸، ۲۴: ۲۸، ۲۵: ۱۸)
۶. شایعه پراکنی (۶: ۱۴ و ۱۹، ۱۱: ۱۳، ۱۶: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۱۹، ۲۵: ۲۳، ۲۶: ۲۰)
۷. حرف بیجا زدن (۶: ۱ الی ۵، ۱۲: ۱۸، ۲۰: ۲۵، ۲۹: ۲۰)

۸. تملق و حرفهای فریبنده (۲۵:۹)
۹. زیادی حرف زدن (۱۴:۱۰ و ۱۹ و ۲۳، ۱۱:۱۳، ۱۳:۳ و ۱۶ و ۲۳:۱۴، ۱۵:۲، ۱۷:۲۷ الی ۲۸، ۲:۱۸، ۲۳:۲۱، ۲۰:۲۹)
۱۰. حرفهای منحرفانه (۱۷:۲۰، ۱۹:۱)
- B. پتانسیل مثبت، شفا دهنده و سازنده کلام انسانی
۱. حرفهای صادقانه (۱۱:۱۰ و ۲۰ الی ۳۱، ۲۱ الی ۳۲، ۱۴:۱۲، ۲:۱۳، ۱۵:۲۳، ۱۶:۱۳، ۱۸:۲۰)
۲. سخنان سنجیده (۱۰:۱۳، ۱۱:۱۲)
۳. سخنان خردمندانه (۱:۱۵ و ۴ و ۷ و ۸، ۱۵:۲۰)
۴. حرفهای شفادهنده (۱۵:۴)
۵. پاسخهای مهربانانه (۱:۱۵ و ۴ و ۱۸ و ۲۳، ۱:۱۶، ۱۵:۲۵)
۶. پاسخهای دلپذیر (۱۲:۲۵، ۱۵:۲۶ و ۳۰، ۱۶:۲۴)
۷. حرفهای قانونمندانانه و شریعت (۱۷:۲۲ الی ۲۱)

III. الگوی عهد عتیق در عهد جدید ادامه دارد

- A. سخن گفتن ما را قادر می سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم و درباره اینکه چه احساسی نسبت به زندگی داریم حرف بزنیم. بنابراین، مشخص می کند که ما واقعا چه هستیم (انجیل متی ۱۲:۳۳ الی ۳۷، ۱:۱۵ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷:۲ الی ۲۳)
- B. ما موجودات اجتماعی هستیم. ما نیازمند پذیرش و تأیید هستیم. ما از جانب و خدا و نیز از جانب هموعان خود به آن نیاز داریم. کلمات این قدرت را دارند تا این نیاز را تأمین کنند، هم به صورت مثبت (دوم تیموتائوس ۳:۱۵ الی ۱۷) و هم منفی (یعقوب ۳:۲ الی ۱۲).
- C. قدرت وحشتناکی در کلام انسان وجود دارد، قدرت برکت دادن و شفا بخشیدن (افسیان ۴:۲۹) و قدرت نفرین و تخریب (یعقوب ۳:۹). ما مسئول هر آنچه که می گوئیم، هستیم (انجیل متی ۱۲:۳۶ الی ۳۷، یعقوب ۳:۲ الی ۱۲)
- D. بر اساس گفته‌های خود مورد داوری قرار خواهیم گرفت (انجیل متی ۱۲:۳۳ الی ۳۷، انجیل لوقا ۶:۳۹ الی ۴۵) و همچنین بر اساس اعمال خود (انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶). هرگونه که رفتار کنیم به همان صورت هم حاصلش به ما باز می گردد

□ "قلب" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)

SPECIAL TOPIC: THE HEART (NT)

اصطلاح یونانی *kardia* که در نسخه Septuagint و عهد جدید استفاده شده است منعکس کننده اصطلاح یونانی *lēb* (BDB 523, KB) است. به شیوه‌های مختلفی این اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon* اثر Bauer, Arndt, Gingrich and Danker چاپ دوم، صفحات ۴۰۴ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی فیزیکی، استعاره‌ای برای یک فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴:۱۷، دوم قرنتیان ۳:۲ الی ۳، یعقوب ۵:۵)
۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاقی)
 - a. خدا دل را می شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶:۱۵، رومیان ۸:۲۷، اول قرنتیان ۱۴:۲۵، اول تسالونیکیان ۲:۴، مکاشفه ۲:۲۳)
 - b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵:۱۸ الی ۱۹، ۱۸:۳۵، رومیان ۶:۱۷، اول تیموتائوس ۱:۵، دوم تیموتائوس ۲:۲۲، اول پطرس ۱:۲۲)
۳. مرکز زندگی فکری (یعنی فکر، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۱۵، ۲۴:۴۸، اعمال رسولان ۷:۲۳، ۱۶:۱۴، ۲۸:۲۷، رومیان ۱:۲۱، ۱۰:۱۶، ۱۶:۱۸، دوم قرنتیان ۴:۶، افسسیان ۱:۱۸، ۴:۱۸، یعقوب ۱:۲۶، دوم پطرس ۱:۱۹، مکاشفه ۱۸:۷، در دوم قرنتیان ۳:۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴:۷ قلب مترادف با ذهن است)
۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵:۴، ۱۱:۲۳، اول قرنتیان ۴:۵، ۷:۳۷، دوم قرنتیان ۹:۷)
۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۲۸، اعمال رسولان ۲:۲۶ و ۳۷، ۷:۵۴، ۲۱:۱۳، رومیان ۱:۲۴، دوم قرنتیان ۲:۴، ۷:۷، ۳، افسسیان ۶:۲۲، فیلیپیان ۱:۷)

۶. مکان منحصر به فرد فعالیت‌های معنوی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۵، دوم قرن‌تینان ۱: ۲۲، غلاطیان ۴: ۶، [مسیح در قلب ما است، افسسیان ۳: ۱۷])
۷. قلب استعاره‌ای است برای اشاره یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۳۷، نقل از تثنیه ۶: ۵). افکار، انگیزه‌ها و اعمال منتسب به قلب کاملاً نوع فرد را مشخص می‌سازند. عهد عتیق برخی استفاده خاص از این اصطلاح دارد.
- a. پیدایش، ۶: ۶، ۸: ۲۱، "خدا تا قلبش ناراحت شد"، همچنین به یوشع ۱۱: ۸ الی ۹ مراجعه کنید
- b. تثنیه ۴: ۲۹، ۶: ۵، ۱۰: ۱۲، "با تمام قلب و با تمام روح خود"
- c. تثنیه ۱۰: ۱۰، ارمیا ۹: ۲۶، "قلب غیر یهودی"
- d. حزقیال ۱۸: ۳۱ الی ۳۲، "قبل جدید"
- e. حزقیال ۳۶: ۲۶، "دل جدید" در مقابل "دلی از سنگ"، (حزقیال ۱۱: ۱۹، زکریا ۷: ۱۲)

۲۷:۱ "دینداری پاک و بی لکه در نظر پدر ما خدا، آن است" این گفتار، بیان کننده مذهب راستین در قالب واژگان خدمتی می‌باشد، همانگونه که در کتاب تثنیه و متی ۲۵: ۳۱-۴۶ ذکر گردیده است. همچنین برای درک بهتر مفهوم مذهب راستین به میکاه ۶: ۶-۸ مراجعه نمایید. آیه مذکور، صدقه در یهودیت را منعکس کرده (متی ۶: ۱) که از آن بعنوان مدرکی برای ارتباط با خداوند یاد می‌گردید. تقدس جدایی رادیکال از جامعه محسوب نمی‌گردد، بلکه درگیر شدن با نیازهای ضعیفان و افرادی که از حقوق اجتماعی خود محروم گردیده‌اند، می‌باشد (یعقوب ۲: ۱۵-۱۷).

موضوع خاص: پدر

SPECIAL TOPIC: FATHER

عهد عتیق به صورت استعاره رابطه صمیمی با خدا را تحت عنوان پدر معرفی می‌کند (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه شود):

۱. قوم اسرائیل اغلب به عنوان فرزند "پسر" یهوه توصیف می‌شوند
۲. حتی کمی قبل‌تر در تثنیه از خدا به عنوان پدر یاد شده است
۳. در تثنیه ۳۲ از اسرائیل به عنوان "فرزندان او" و خدا به عنوان "پدر" شما یاد شده است
۴. این الهام در مزمو ۱۳: ۱۰۳ مطرح شده و در مزمو ۵: ۶۸ (به صورت پدر یتیمان) بسط یافته است
۵. در میان پیامبران متداول بود (رجوع شود به اشعیا ۲: ۱، ۸: ۶۳، اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۱۶: ۶۳، ۸: ۶۴، ارمیا ۴: ۳ و ۱۹، ۳۱: ۹)

عیسی به زبان آرامی صحبت می‌کرد که بدین معنی است که بسیاری از جاهایی که "پدر" به کار رفته است، کلمه یونانی آن "Pater" است، و می‌تواند منعکس کننده کلمه *abba* در زبان آرامی باشد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). این کلمه شبیه "بابا" (Daddy) یا "پاپا" (Papa) منعکس کننده صمیمت با پدر است، و افشا کردن آن برای پیروانش رابطه صمیمی ما با پدر را تشویق می‌کند. کلمه "پدر" به سختی برای یهوه در عهد عتیق استفاده شده است، ولی عیسی اغلب و به صورت فراگیر از آن استفاده می‌کند. این یک مدرک بزرگ رابطه با خدا از طریق مسیح برای پیروان است (رجوع شود به انجیل متی ۹: ۶).

- "یتیمان و بیوه‌زنان را به وقت مصیبت دستگیری کنیم" این آیه به طرد شدگان و بطور کلی قشر آسیب‌پذیر در جامعه اشاره دارد (تثنیه ۲۷: ۱۹؛ مزمو ۶۸: ۵؛ متی ۲۵: ۳۱). انجیل راستین که همواره زندگی بشر را دچار تغییرات شگرف می‌سازد، همیشه به فعالیت‌ها و دغدغه‌های اجتماعی می‌پردازد. حکمت راستین از خداوند باید در خدمت به دیگران بکار گرفته شده تا تصویر راستین او بوجود آورده گردد.
- "خود را از آرایش این دنیا دور بداریم" این یک مصدر حال حاضر است (۱ تیموتائوس ۵: ۲۲). این واژه با حیواناتی که برای قربانی کردن اهدا می‌گردیدند، ارتباط مستقیم دارد. ایمان دارای دو جنبه عملی است: فعالیت‌های اجتماعی و اصول اخلاقی فردی (متی ۲۵: ۳۱-۴۶).
- "این دنیا" بخاطر داشته باشید که در حالیکه ما بعنوان ایمانداران، در این دنیا زندگی می‌کنیم (یعقوب ۴: ۴؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۵-۱۷)؛ عدم دخالت و یا زیاد از حد دخیل شدن در مسائل دنیوی، غیر مقتضی می‌باشد.

موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)

Special Topic: Paul's Use of Kosmos (World)

پولس از کلمه کاسموس یا جهان به شیوه‌های مختلفی استفاده کرده است

۱. تمام نظم خلق شده (رجوع شود به رومیان ۱:۲۰، افسسیان ۱:۴، اول قرنتیان ۳:۲۲، ۴:۸ و ۵)
۲. این سیاره (رجوع شود به دوم قرنتیان ۱:۱۲، افسسیان ۱:۱۰، کولسیان ۱:۲۰، اول تیموتائوس ۱:۱۵، ۳:۱۶، ۳:۷)
۳. انسانها (رجوع شود به رومیان ۳:۶ و ۱۹، ۱۱:۱۵، اول قرنتیان ۱:۲۷ و ۲۸، ۴:۹ و ۱۳، دوم قرنتیان ۵:۱۹، کولسیان ۱:۶)
۴. انسانهایی که بدور از خدا سازماندهی شده و عمل می‌کنند (رجوع شود به اول قرنتیان ۱:۲۰ و ۲۱، ۲:۱۲، ۳:۱۹، ۱۱:۳۲، غلاطیان ۳:۳، افسسیان ۲:۲ و ۱۲، فیلیپیان ۲:۱۵، کولسیان ۲:۸ و ۲۰ الی ۲۳). بسیار شبیه کاربرد یوحنا است (یعنی اول یوحنا ۲:۱۵ الی ۱۷)
۵. ساختار فعلی جهان (رجوع شود به اول قرنتیان ۷:۲۹ الی ۳۱، غلاتیان ۶:۱۴، مشابه فیلیپیان ۳:۴ الی ۹، جایی که پولس ساختارهای یهودی را توضیح می‌دهد)

از برخی لحاظ، اینها یکدیگر را همپوشانی می‌کنند و سخت می‌توان هر یک از کاربردها را طبقه‌بندی کرد. این کلمه، همانند بسیاری دیگر در تفکر پولس باید در مفهوم متن تعریف شوند نه بر اساس یک تعریف از قبل تعیین شده. واژگان پولس سیال هستند (رجوع شود به A Man in Christ نوشته جیمز استوارت). او سعی در برقراری ادبیات مذهبی ندارد بلکه صرفاً می‌خواهد مسیح را معرفی نماید.

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. ما از کتاب یعقوب آیه ۱:۱۹ چه چیزی فهمیدیم؟
 ۲. فهرستی از مواردی را که می‌توانند به مشکلات پرستش در میان اجتماع ارتباط داشته باشند را تهیه نمایید.
 ۳. دو عنصر ویژه نجات و رستگاری را که در یعقوب ۱:۲۱ به آن پرداخته شد را توضیح دهید.
 ۴. انسانهای مذهبی چگونه خود را فریب می‌دهند؟
 ۵. چرا در رساله یعقوب به سخن فرد ایماندار زیاد پرداخته شده است (۱:۱۹، ۲۱، ۲۶؛ ۱:۳)؟
 ۶. مفهومی را که یعقوب درباره مذهب راستین در آیات ۱:۲۶-۲۷ بدان پرداخت را توضیح دهید. تأکید وی بر کدام موارد بوده است؟

یعقوب ۱:۲ - ۲۶

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
هشدار درباره اعمال جانبدارانه ۴-۱:۲ ۱۳-۵:۲	هشدار درباره استثنا قائل شدن برای افراد ۱۳-۱:۲	تکریم در برابر مستمندان ۷-۱:۲ ۱۳-۸:۲	هشدار از پیش داوری ۷-۱:۲ ۱۳-۸:۲	تکریم فقرا ۴-۱:۲ ۹-۵:۲ ۱۳-۱۰:۲
ایمان و کارها ۱۷-۱۴:۲ ۲۶-۱۸:۲	ایمان بدون رفتار و کردار ۲۶-۱۴:۲	ایمان و کارها ۱۷-۱۴:۲ ۲۶-۱۸:۲	ایمان و اعمال ۱۷-۱۴:۲ ۲۴-۱۸:۲ ۲۵:۲ ۲۶:۲	ایمان و کردار ۱۷-۱۴:۲ ۲۳-۱۸:۲ ۲۶-۲۴:۲

* پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن پاراگراف را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی، واژه‌نامه و اصطلاحات دستور زبان یونانی.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

- A. یعقوب ۱:۲-۱۳ جزء اضافه شده به مبحث درباره روابط میان فقرا و ثروتمندان در رساله یعقوب ۱:۹-۱۱، ۲۷ است.
- B. مشخص نیست که ثروتمندان اشاره شده در یعقوب ۱:۱۰-۱۱؛ ۲:۶ یا ۵:۱-۶ ایمانداران بوده باشند. احتمالاً این افراد از ممولان یهودی بودند، کسانی که مسیحیان اولیه را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.
- C. مکنت و ثروت در عهد عتیق نشانه رضایت خداوند بود (لاویان ۲۶؛ تثنیه ۲۷)، اما آموزه‌های بعد، لزوم برقراری توازن را در این مفهوم با خود به همراه آوردند (ایوب، مزمور ۷۳؛ متی ۵-۷). حتی فقر تبدیل به استعاره‌ای برای عطش معنوی گردید (متی ۵:۳؛ لوقا ۶:۲۰).
- D. این بخش دو موضوع مرتبط را شکل می‌دهد:
 ۱. شیوه‌های این عصر (یعقوب ۱:۲-۷)

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۱: ۲-۷

۱ برادران من، ایمان شما به عیسی مسیح، خداوند پر جلال‌مان، با تبعیض همراه نباشد. ۲ اگر کسی با انگشتی زرین و جامه فاخر به مجلس شما درآید و فقیری نیز با جامه زنده وارد شود، ۳ و شما به آن که جامه فاخر در بر دارد توجه خاص نشان دهید و به او بگویید: «در این جای نیکو بنشین»، اما فقیر را بگویید: «همان جا بایست!» و یا: «اینجا پیش پاهای من بر زمین بنشین»، ۴ آیا در میان خود تبعیض قائل نشده و با اندیشه بد قضاوت نکرده‌اید؟
 ۵ برادران عزیز، گوش فرا دهید! مگر خدا فقیران این جهان را برنگزیده تا در ایمان دولتمند باشند و پادشاهی‌ای را به میراث یابند که او به دوستداران خود وعده فرموده است؟ ۶ اما شما به فقیر بی حرمتی روا داشته‌اید. آیا دولتمندان نیستند که بر شما ستم روا می‌دارند و شما را به محکمه می‌کشند؟ ۷ آیا ایشان نیستند که به آن نام شریف که بر شما نهاده شده، کفر می‌گویند؟

۱: ۲ "برادران من" به یادداشت یعقوب ۱: ۲ و ۹: ۱ مراجعه نمایید.

■ "همراه نباشد" این یک جمله دستوری حال کامل با بار منفی بوده که معمولاً بمعنی توقف عملی در حال انجام است. ترجمه کتاب مقدس نسخه ویلیامز جمله "دیگر تلاش نکنید..." را ثبت کرده است. این امر بدین مفهوم است که مردمانی که اینگونه عمل می‌کردند، ایمانداران گمراه شده‌ای بودند.

NASB	"ایمان شما"
NKJV	"ایمان"
NRSV	"باور راستین"
TEV	"همچون ایمانداران"

انگونه که در آیات اعمال رسولان ۷: ۶؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۷؛ یهودا ۳ و ۲۰ ذکر گردیده، چنین چیزی بعنوان یک دکترین، ایمان محسوب نمی‌گردد، بلکه باور شخصی به مسیح می‌باشد (مضاف‌الیه مفعولی).

■ "به عیسی مسیح، خداوند پر جلال‌مان" این حالت مضاف‌الیه، "جلال" به مفهوم واقعی کلمه بوده و عطف بیانی به عبارت مضاف‌الیه "خداوندمان" می‌باشد. این یک عنوان برای ذات خدایی در انجیل می‌باشد (مزمور ۲۹: ۱-۹؛ اعمال رسولان ۷: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۷). ربیان از عبارت "جلال شکیناه" (*Shekinah*) خود به زبان عبری به معنی جلال است) برای گفتگوی یهوه با قوم بنی‌اسرائیل استفاده می‌کردند (خروج ۱۶: ۱۰؛ ۲۳: ۱-۷).

در این متن، همه عبارات عیسی مسیح را به تصویر می‌کشند (لوقا ۲: ۳۲؛ یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱۷: ۵؛ ۱ تواتر ۲: ۸؛ عبرانیان ۱: ۳). توجه داشته باشید که عیسی (۱) مسایح (مسیح در زبان یونانی)؛ (۲) ارباب (ترجمه یونانی از کلمه یهوه با استفاده از حذف واژه *Adonai*)؛ (۳) "جلال" عنوانی منحصر بفرد برای یهوه) نامیده می‌گردید. این عناوین تکنیک ادبی برای نسبت دادن ویژگیهای شخصیت و ذات یهوه به عیسی ناصری می‌باشد.

موضوع خاص: جلال (*doxa*)

SPECIAL TOPIC: GLORY (*doxa*)

مفهوم انجیلی جلال را به سختی می‌توان توصیف کرد. نسخه LXX از *doxa* برای ترجمه بیش از بیست کلمه عبری استفاده کرده است. به دفعات زیاد و به شیوه‌های متفاوت در عهد عتیق از این کلمه استفاده شده است. این کلمه بر خدا، عیسی، انسانها، و پادشاهی مسیحی دلالت دارد. در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "جلال" (*kabod*, BDB 458, KB 455-458) اساساً یک اصطلاح تجاری در ارتباط با مقیاس و اندازه‌گیری بود ("سنگین بودن"، KB 455). آن چیزی که سنگین بود با ارزش بود و یا ارزش چشمگیری داشت. اغلب مفهوم روشنایی به آن اضافه می‌شد تا عظمت خدا را بیان کند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶: ۱۹ الی ۱۸، ۱۷: ۲۴، ۱۸: ۳۳، اشعیا ۱: ۶۰ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است (رجوع شود به مزمور ۷: ۲۴ الی ۱۰، ۲: ۶۶، ۹: ۷۹). او درخشانتر از آن است که انسان کم ارزش بتواند او را ببیند، بنابراین او خود را در ابر، دست و یا دود می‌پوشاند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶: ۷ و ۱۰، ۱۷: ۳۳ الی ۲۳، اشعیا ۶: ۵). یهوه را تنها و بطور درست می‌توان توسط مسیح شناخت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۱: ۲۴، ۱: ۲۶، ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۸ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۵، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۳، اول یوحنا ۱۲: ۴).

برای یک بحث کامل در مورد *kabod* به موضوع خاص: جلال (عهد عتیق) مراجعه کنید. جلال مومنین این است که آنها انجیل و جلال خدا را درک می کنند، نه اینکه خودش را (رجوع شود به اول قرنیتیان ۱:۲۹ الی ۳۱، ارمیا ۹:۲۳ و ۲۴). برای بحث دقیقتر به NIDOTTE، جلد دوم، صفحه ۵۷۷ الی ۵۷۸ مراجعه کنید.

▣ "خداوند" واژه *Kurios* فقط یکبار در این متن دیده می شود. اما در نسخه های RSV, NKJV, TEV و NJB دو بار تکرار شده است.

"با نگاه تبعیض آمیز شخصی"	NASB
"با جانبداری"	NKJV
"با رفتار تبعیض آمیز"	NRSV
"شما نباید هرگز با مردم رفتار متفاوتی مبتنی بر ظاهر آنان داشته باشید"	TEV
"اجازه ندهید فاصله طبقاتی بر رفتار شما اثر گذارد"	NJB

این عبارت منعکس کننده یک اصطلاح عهد عتیق است؛ "رونمایی". خداوند جانبداری هیچکس را نمی کند (تثنیه ۱۰:۱۷)، داوران اسرائیل نیز نباید هرگز چنین کاری را انجام دهند (لاویان ۱۹:۱۵؛ تثنیه ۱۷:۱؛ ۱۹:۱۶؛ ۱۷:۲۴). نقطه مقابل عدم جانبداری خداوند را در عهد جدید میتوان در کتاب اعمال رسولان ۳۴:۱۰؛ رومیان ۱۱:۲؛ غلاطیان ۲:۶؛ افسسیان ۶:۹ و ۱ پطرس ۱:۱۷ دید. ایمانداران باید مرزبندی های دنیوی باشند. آنها همچنین باید از جانبداری پرهیز کنند. خداوند (در راه مسیح)، هر مرز و مانعی را از میان برداشت تا انسان بتواند به سایر نوع بشر دست یابد؛ فقیر یا غنی؛ یهودی یا غیریهودی؛ برده یا آزاد؛ و مرد یا زن (۱ قرنیتیان ۱۲:۱۳؛ غلاطیان ۳:۲۸؛ کولسیان ۳:۱۱).
به لحاظ ساختار دستوری زبان، آیه ۱ یا یک خطابه محسوب می گردد یا یک سوال که در آن انتظار پاسخ منفی "نه" می رود (NRSV). اکثر ترجمه های موجود این آیه را بصورت خطابه ثبت کرده اند (NASB, NKJV, TEV, NJB, NIV).

موضوع خاص: نژاد پرستی Special Topic: Racism

I. مقدمه

- A. این نگرش برتری یک بیان جهانی بشر گمراه است. این ضمیر بشر است، که از خود در پشت سر دیگران حمایت کند. نژادپرستی از بسیاری جهات یک پدیده مدرن است، در حالی که ناسیونالیسم (یا قبیله گرایی) یک مسئله باستانی است.
- B. ملی گرایی در بابل آغاز شد (پیدایش ۱۱) و در ابتدا مربوط به سه پسران نوح بود که به اصطلاح نژادها از آنها توسعه یافتند (پیدایش ۱۰). با این حال، از کتاب مقدس روشن است که بشریت از یک منبع است (مراجعه شود به پیدایش ۱-۳؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۶).
- C. نژادپرستی فقط یکی از انواع تعصب است. برخی دیگر از تعصبات عبارتند از:
۱. فخر فروشی به خاطر تحصیلات
 ۲. غرور اقتصادی-اجتماعی
 ۳. خود-پارسا بینی و قانونگرایی مذهبی
 ۴. تعصبات کور سیاسی

II. مفاد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. پیدایش ۱: ۲۷ - نوع بشر، مرد و زن، در تصویر و همانند خدا ساخته شدند، که آنها را منحصر به فرد میکند. همچنین ارزش و وقار فردی را نشان میدهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶).
۲. پیدایش ۱: ۱۱ الی ۲۵ - این عبارت را ده مرتبه ثبت کرده است "... در پی نوع خود...". از این عبارت برای حمایت از تبعیض نژادی استفاده میشود. با این حال، از زمینه متن مشخص است که این به حیوانات و گیاهان و نه به بشریت، اشاره دارد.
۳. پیدایش ۹: ۱۸ الی ۲۷ - از این عبارت برای حمایت از تسلط نژادی استفاده شده است. باید به یاد داشته باشید که خدا کنعان را لعنت نکرد. نوح، پدر بزرگش، پس از بیداری از مستی، لعنتش کرد (به خاطر پدرش، گناه حام). کتاب مقدس هیچ سابقه ای که خدا این سوگند / لعنت را تایید کرده باشد را ثبت نکرده است. حتی اگر او این کار را انجام دهد، این امر در مورد نژاد سیاه و

سفید تاثیر نمی‌گذارد. کنعان پدر کسانی بود که در فلسطین ساکن بودند و هنر دیوار مصری نشان می‌دهد که آنها سیاه نیستند.

۴. اعداد ۱۲: ۱ - موسی با یک زن سیاه پوست ازدواج کرد.
۵. یوشع ۹: ۲۳ - این عبارت برای اثبات اینکه یک نژاد باید به نژادی دیگر خدمت کند، استفاده میشود. با این وجود، در متن، جبعونیان از همان نژادی هستند که یهودیان میباشند.
۶. عزرا ۹ الی ۱۰ و نحمیا ۱۳ - اینها اغلب در مفهوم نژادی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما متن نشان می‌دهد که ازدواج‌ها، نه به دلیل نژادی (آنها از یک پسر نوح بودند، پیدایش ۱۰)، بلکه به دلایل مذهبی محکوم شده‌اند.

B. عهد جدید

۱. اناجیل

a. عیسی در چندین مورد از نفرت بین یهودیان و سامری‌ها استفاده کرد، تا نشان دهد که نفرت نژادی نامناسب است.

- ۱) تمثیل سامری خوب (انجیل لوقا ۱۰: ۲۵ الی ۳۷)
- ۲) زن کنار چشمه (انجیل یوحنا ۴)
- ۳) جذامی شکرگزار (انجیل لوقا ۱۷: ۱۱ الی ۱۹)

b. انجیل برای همه بشریت است

- ۱) انجیل یوحنا ۳: ۱۶
- ۲) انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷
- ۳) عبرانیان ۲: ۹
- ۴) مکاشفه ۱۴: ۶

c. پادشاهی برای همه بشریت است

- ۱) انجیل لوقا ۱۳: ۲۹
- ۲) مکاشفه ۵

۲. اعمال رسولان

- a. اعمال رسولان ۱۰ قطعا در مورد عشق جهانی خداوند و پیام جهانی انجیل است.
- b. به پطرس به خاطر کارهایش در اعمال رسولان ۱۱ حمله شد و این مسئله تا شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ برگزار و راه‌حلی برای آن پیدا نشد، حل نگردید. تنش میان یهودیان و غیر یهودیان قرن اول بسیار شدید بود.

۳. پولس

a. هیچ مانعی در راه مسیح وجود ندارد

- ۱) غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۸
- ۲) افسسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲
- ۳) کولسیان ۳: ۱۱

b. خدا بین افراد تبعیض نمیگذارد

- ۱) رومیان ۲: ۱۱
- ۲) افسسیان ۶: ۹

۴. پطرس و یعقوب

- a. خدا بین افراد تبعیض نمیگذارد، اول پطرس ۱: ۱۷
 - b. چون خدا تعصبی نشان نمیدهد، پس مردم او نیز نباید چنین کنند، یعقوب ۲: ۱
۵. یوحنا

a. یکی از قویترین گفته‌ها در مورد مسئولیت مومنین در اول یوحنا ۴: ۲۰ یافت میشود.

III. جمع بندی

A. نژاد پرستی، و یا در این مورد، تعصب از هر نوع، برای فرزندان خدا کاملا نامناسب است. در اینجا یک نقل قول از Henlee

Barnette است که در انجمنی در Glorieta، نیومکزیکو، برای کمیته زندگی مسیحی در سال ۱۹۶۴ سخنرانی کرد.

"نژادپرستی کفر است زیرا غیر انجیلی و غیر مسیحی است، لازم به یادآوری نیست که غیر علمی هم هست".

- B. این مسئله به مسیحیان فرصتی برای نشان دادن عشق، بخشش و درک متقابل خود به یک جهان گمشده و گمراه می‌دهد. نژاد پرستی مسیحی نشان دهنده عدم بلوغ است و فرصتی برای یک شخص بد برای ایجاد مانع برای ایمان، اطمینان و رشد مؤمن به وجود می‌آورد. این همچنین به عنوان یک مانع برای افراد گمشده جهت رسیدن و روی آوردن به مسیح خواهد بود.
- C. چه کاری میتوانم انجام دهم؟ (این بخش از تراکت کمیته زندگی مسیحی تحت عنوان "مسابقه روابط" برگرفته شده است)
- "در سطح فردی"

- مسئولیت خود را در حل مسائل مربوط به نژاد بپذیرید
 - از طریق دعا، مطالعه انجیل، و دوستی با دیگر نژادها تلاش کنید تعصبات زندگی نژادی را از خود دور کنید
 - اعتقادات خود را نسبت به نژاد بیان کنید، به ویژه آنهایی که نزاع نژادی را متلاشی می‌کنند
- "در زندگی خانوادگی"

- اهمیت نفوذ خانواده در توسعه نگرش نسبت به سایر نژادها را درک کنید.
 - سعی کنید با صحبت کردن در مورد آنچه که کودکان و والدین در مورد نژادها در خارج از منزل می‌شنوند، نگرشهای مسیحی را توسعه دهید.
 - والدین باید در برابر ارائه یک مثال مسیحی در ارتباط با افراد نژادهای دیگر مراقب باشند.
 - به دنبال فرصتهایی برای ایجاد دوستی خانوادگی با دیگر نژادها باشید
- "در کلیسای خود"

- با موعظه و تعلیم حقیقت کتاب مقدس در رابطه با نژاد، جماعت حاضر در کلیسا می‌توانند الگو و سرمشقی برای کل جامعه باشند.
 - اطمینان حاصل کنید که عبادت، مشارکت و خدمت از طریق کلیسا برای همه باز باشد، حتی به عنوان کلیساهای عهد جدید، هیچ مانع نژادی وجود نداشته باشد (افسیسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲، غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۹).
- "در زندگی روزمره"

- کمک به غلبه بر هرگونه تبعیض نژادی در محیط کار.
- از طریق انواع سازمانهای اجتماعی از حقوق و فرصتهای برابر محافظت کنید، به یاد داشته باشید که مسئله نژاد است که باید مورد حمله قرار گیرد نه افراد. هدف این است که فهمیدن را ترویج دهیم، نه اینکه تلخی ایجاد کنیم.
- اگر به نظر عاقلانه باشد، کمیته ویژه‌ای از شهروندان برای ایجاد خطوط ارتباطی در جامعه برای آموزش عموم و اقدامات خاص در بهبود روابط نژادی سازماندهی کند.
- از قوانین و قانون گذاران در تصویب قوانین ترویج عدالت نژادی حمایت کنید و با کسانی که از تعصب برای منافع سیاسی استفاده می‌کنند، مخالفت کنید.
- از مقامات اجرایی قانون برای تحقق قوانین بدون تبعیض تشکر کنید.
- خشونت را کنار بگذارید و احترام به قانون را ارتقا دهید، هر کاری که ممکن است به عنوان یک شهروند مسیحی باید انجام داد، انجام دهید، اطمینان حاصل کنید که ساختارهای حقوقی ابزار دست کسانی که تبعیض را افزایش میدهند، نخواهد بود.
- روح و ذهن مسیح را در تمام روابط انسانی به صورت الگو و نمونه بیان کنید.

موضوع خاص: زنان در انجیل

Special Topic: Women in The Bible

I. عهد عتیق

- A. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می‌شدند
۱. در لیست اموال ثبت می‌شدند (خروج ۱۷: ۲۰)
 ۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۷ الی ۱۱)
 ۳. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
 ۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۰ الی ۱۴، ۲۱: ۱۰ الی ۱۴)

B. همدلی عملا وجود داشت

۱. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷)
۲. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۱۲:۲۰، تثنیه ۱۶:۵)
۳. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۳:۱۹، ۹:۲۰)
۴. زنان و مردان می‌توانند ناصری باشند (اعداد ۱:۶ الی ۲)
۵. دختران حق ارث دارند (اعداد ۱:۲۷ الی ۱۱)
۶. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۱۰:۲۹ الی ۱۲)
۷. مشاهده تعالیم پدر و مادر (امثال ۸:۱ و ۶:۲۰)
۸. پسران و دختران Heman (خانواده لای) موسیقی معبد را رهبری می‌کردند (اول تواریخ ۵:۲۵ الی ۶)
۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می‌کنند (یوئیل ۲:۲۸ الی ۲۹)

C. زنان نقش رهبری داشتند

۱. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۱۵:۲۰ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۶:۴ توجه کنید)
۲. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه‌های جشن خیمه‌ها را ببافند (خروج ۳۵:۲۵ الی ۲۶)
۳. یک زن متاهل، بنام دبورا، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴:۴) و تمامی قبایل را رهبری می‌کرد (داوران ۴:۴ الی ۵، ۷:۵)
۴. هلدا پیامبره‌ای بود که شاه یوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۱۴:۲۲، دوم تواریخ ۲۲:۲۲ الی ۲۷)
۵. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

II. عهد جدید

A. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می‌شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)

B. زنان نقش رهبری داشتند

۱. الیزابت و مریم الهه‌هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)
۲. آنا، الهه، در معبد خدمت می‌کرد
۳. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۴:۱۶ و ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند
۵. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱:۱۶)
۶. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۲۶:۱۸، رومیان ۳:۱۶)
۷. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهان نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۶:۱۶ الی ۱۶)
۸. جونیا (KJV) احتمالا یک زن شاگرد بود (رومیان ۷:۱۶)
۹. ائودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۲:۴ الی ۳)

III.

A. چگونه فرد می‌تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی مومنین تمام عصرها؟

۱. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.
۲. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته‌اند سروکار داشته باشیم.
 - a. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی‌ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)
 - b. یهودیت قرن اول
 - c. اظهارات پولس در اول قرن‌تین که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است
 - ۱) سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تین ۶)
 - ۲) برده باقی ماندن (اول قرن‌تین ۲۰:۷ الی ۲۴)
 - ۳) امتناع از ازدواج (اول قرن‌تین ۱:۷ الی ۳۵)

۴) باکره‌ها (اول قرن‌تینان ۷:۳۶ الی ۳۶)

۵) قربانی کردن غذا برای بت (اول قرن‌تینان ۸، ۲۳: ۱۰ الی ۳۳)

۶) کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تینان ۱۱)

۳. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم، ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص خطاب شد.

B. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از شبانهایی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا مبشرین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تینان ۱۴:۳۴ الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲:۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعا‌های عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرف‌های پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تینان ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تینان ۵:۱۱ به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴:۳۴ الی ۳۵ از آنان می‌خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۶) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹:۲۱) وجود داشته‌اند. این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود) محدود به قرن‌تس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه شود به Bruce Winter, *After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد.

روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری زنان آیا خدا مفتخر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به کندی داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیت‌های فرهنگی به اینها ریشخند بزند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌تس یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کاریزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

C. منابعی برای مطالعات بیشتر

۱. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77)

۲. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee

۳. Hard Sayings of the Bible by Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce, and Manfred T.

Branch (pp. 613-616; 665-667)

۲:۲ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که اشاره به احتمال وقوع عملی می‌دهد. این عبارت اشاره به هر کدام از موارد زیر می‌تواند داشته باشد: (۱) بازدیدکنندگان ثروتمند فرضی بوده که به یک جلسه پرستشی یهودی، مسیحی می‌آمدند یا (۲) دادگاهی مسیحی اما شبیه به وضعیت کنیسه.

□ "به مجلس شما" این عبارت دقیقاً اشاره به "کنیسه" داشته، که بمعنی "مکان گردهمایی" است. استفاده از این واژه منحصر بفرد یهودی (که فقط در عهد جدید دیده می‌شود) منعکس کننده (۱) تاریخ اولیه نامه بوده، در زمانی که مسیحیان و یهودیان همراه با یکدیگر به عبادت می‌پرداختند (عبرانیان ۱۰:۲۵ یا ۲) اوایل دوران مراسم یهودی مسیحی که از بافت و ساختار کنیسه شکل گرفته بود. وجود عبارت "صدر مجلس" و "چهارپایه" در کنیسه‌ی

یهودیان (متی ۲۳: ۶) این تفسیر را تکمیل می‌کند (یعقوب ۲: ۳). به باور من مجلس محلی برای نیایش یا پرستش نبوده بلکه دادگاهی مسیحی، شبیه به آنچه که در کنیسه برگزار می‌کردند، می‌باشد (مرقس ۱۳: ۹؛ لوقا ۲۱: ۱۲). در اینصورت، دو بازدید کننده (طرفین دعوی) بخشی از یک دعوی حقوقی هستند. این موضوع می‌تواند (۱) عدم آشنایی آنان با محل نشستن و (۲) مرجعی برای "به محکمه کشاندن" در یعقوب ۲: ۶ را به خوبی توضیح دهد (لاویان ۱۹: ۱۵).

■ **"انگشتری زرین"** این انگشتر یکی از نشانه‌های تمّول افراد قلمداد می‌گردید؛ اغلب در فرهنگ یونانی-رومی افراد متمول ده‌ها انگشتر در انگشتان خود داشتند.

NASB, NRSV "مردی فقیر در جامه ناپاک"

NKJV "فقیری در لباسی کثیف"

TEV "مردی با لباس‌های زنده"

NJB "مردی مستمند... در لباس‌هایی نخ‌نما و کهنه"

این عبارات نشان‌دهنده فقر نیستند، بلکه درباره یک گدا سخن می‌گویند، نقطه کاملاً مقابل مردانی با لباس‌های فاخر.

۴:۲ "آیا در میان خود تبعیض قائل نشده" آیات ۴ و ۵ سؤالاتی هستند که انتظار پاسخ مثبت "بله" را دارند. ایمانداران در تبعیض قائل شدن و جانبداری از افراد خاص، گناهکار بوده و هستند (شبیه کلیسای قرن‌تس، فصل ۱۱). "تبعیض" در زبان یونانی یک واژه ترکیبی بوده، که از دو کلمه *dia* (در میان) و *krina* (داور یا قاضی) تشکیل شده است.

۵:۲ "گوش فرا دهید" این یک جمله دستوری آنوریستی بوده که از ضرورت اجرای کاری سخن می‌گوید. بخاطر داشته باشید که تأکید یعقوب بر کلام خداوند است!

■ **"برادران عزیز"** به یادداشت یعقوب ۲: ۱ و ۹: ۱ مراجعه نمایید.

■ **"مگر خدا فقیران این جهان را برنگزیده"** "برگزیدن" یک فعل اخباری در دستور زبان آنوریست است (افسسیان ۱۴). در زبان انگلیسی کلمه "elect" (انتخاب کردن و برگزیدن) از همین واژه یونانی گرفته شده است. توجه داشته باشید که چگونه واژه‌ی انتخاب با یک گروه اجتماعی-اقتصادی ارتباط برقرار کرده، نه یک ملیت (اسرائیل، رومیان ۹) و نه اشخاص بطور اخص. راه‌های خداوند بسیار با آنچه که ما در این دنیا تجربه می‌کنیم متفاوت می‌باشند (اشعیا ۵۵: ۶-۱۳).

"عبارت این جهان را" به مفهوم متاع دنیوی این جهان می‌باشد. نکته شگفت‌انگیز اینست که خواست خداوند، برکت گرفتن فقرا و قشر آسیب‌پذیر می‌باشد. خداوند آنها را انتخاب نموده و بوسیله ایمان آنان را غنی و وارث پادشاهی نموده است، اما رهبران گروه‌های پرستشی محلی جانب افراد ثروتمند و توانمند را می‌گرفتند. اینها کسانی بودند که ایمانداران اولیه را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. کلام انجیل که برای فقرا موعظه می‌شد، نشانه‌ای از عصر جدید بود (اشعیا ۶۱: ۱۱؛ لوقا ۱: ۵۱-۵۳؛ ۴: ۱۸؛ ۷: ۲۲).

طبقه فقیر جامعه همواره در برابر مذهب "رسمی" احساس آسیب‌پذیری می‌کرد، اما آنها توسط عیسی مسیح پذیرفته شده و در آغوش گرفته شدند. مستمندان با کمال میل و خوشحالی مسیح را پذیرفتند، درحالیکه ثروتمندان بنا را بر این داشتند تا کماکان به منابع پیشین خود متصل بمانند (متی ۲۶-۱۹: ۲۳). البته این امر بدین مفهوم نیست که هر مستمند و فقیری نجات یافته، ولی آنان همواره می‌توانند که به مسیح گرایش یابند. بیشتر کلیساهای اولیه از اقشار مستمند جامعه شکل گرفته بود.

■ **"میراث"** به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱)

Special Topic: Believers Inheritance

در عهد عتیق هر قبیله به غیر از لاویان زمینی را به ارث بردند (مراجعه شود به یوشع ۱۴ الی ۲۲). به لاویان به عنوان کشیشان، خادمان معبد و آموزگاران محلی با دید اینکه بیهو را دارند و وارث او هستند، دیده می‌شد (مراجعه شود به مزمور ۵: ۱۶، ۲۳: ۷۳، الی ۲۶، ۵۷: ۱۱۹، ۵: ۱۴۲، مراثی ارمیا ۳: ۲۴). نگارندگان عهد جدید اغلب حقوق و امتیازات لاویان را از آنان سلب کرده و آنها را به تمامی مومنین اطلاق می‌کردند. این شیوه آنان در تصریح این بود که پیروان عیسی مردمان راستین خدا بودند و اینکه، هم اکنون تمامی مومنین برای خدمت به عنوان کشیشان خدا به خدمت فرا خوانده شده‌اند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ الی ۹، مکاشفه ۶: ۱)، همانطور که عهد عتیق در مورد تمامی اسرائیل این امر را تصریح می‌کند (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۱۹ الی ۶). تأکید عهد جدید برای کشیش بودن هر فرد با امتیازات و مزایای خاص نیست، بلکه بر این حقیقت است که تمامی مومنین کشیشانی

هستند که باید به صورت گروهی و جمعی خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲:۷). به مردم عهد جدید خدا وظیفه بشارت دادن جهانی داده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲:۳، کتاب خروج ۱۹:۵ ب، انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۸:۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری جهانی بیهوه را مطالعه کنید).

این است مفهوم کار عیسی به عنوان مالک خلقت زیرا او نماینده پدر در خلقت بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۳ و ۱۰، اول قرن‌تینان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۱:۲ الی ۳). ما شرکای این میراث هستیم زیرا او وارث است (مراجعه شود به رومیان ۸:۱۷، غلاطیان ۴:۷، کولسیان ۳:۲۴). کتاب مقدس درباره مومنین که چیزهای بسیاری را به واسطه رابطه خانوادگی با عیسی که وارث همه چیز است (مراجعه شود به عبرانیان ۱:۲) به ارث (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳۲:۲۰، ۱۸:۲۶، افسسیان ۱:۴، کولسیان ۱:۱۲، ۳:۲۴) می‌برند، صحبت می‌کند. بنابراین در به ارث بردن اینها شریک هستند (مراجعه شود به رومیان ۸:۱۷، غلاطیان ۴:۷):

۱. پادشاهی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵:۳۴، اول قرن‌تینان ۶:۹ الی ۱۰، ۱۵:۵۰، افسسیان ۵:۵)
۲. زندگی جاویدان (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹:۲۹، عبرانیان ۹:۱۵)
۳. وعده‌های خدا (مراجعه شود به عبرانیان ۶:۱۲)
۴. تعهد خدا بر وعده‌هایش (مراجعه شود به اول پطرس ۱:۴ الی ۵)

■ "پادشاهی" این یک عبارت کلیدی در اناجیل سینوپتیک است. اولین و آخرین موعظه مسیح، و اکثر تمثیل‌های او به این موضوع پرداخته شده است. این عبارت ارتباط با جهت‌دهی اسکاتولوژیک (آخر زمانی) آموزه‌های عیسی دارد (که یعقوب از آن پیروی می‌کرد). ذکر عبارت "پیش از این،... ولی هنوز نه" پارادوکسی الهیاتی در ارتباط با مفهوم دو عصر در یهودیت می‌باشد (به موضوع خاص در یعقوب ۲-۵:۳ مراجعه نمایید)، عصر شیطانی کنونی و عصر رستگاری پیش رو، که توسط روح و بواسطه مسایح بر پا خواهد گردید. یهودیان در انتظار فقط یک نفر بودند که رهبری نظامی و نیرو گرفته از سوی روح بود (همچون داوران در عهد عتیق). دو مرحله آمدن عیسی مسیح منجر به پوشانده شدن دو عصر توسط یکدیگر گردید. پادشاهی خداوند با تجسم در بیت‌لحم در تاریخ بشر در هم شکست. با اینحال، عیسی در مرحله اول بصورت فاتح جنگی مکاشفه ۱۹ ظاهر نگردید، بلکه در قالب خدمتگذار رنج دیده (اشعیا ۵۳) و رهبری فروتن و متواضع به میان ما آمد (زکریا ۹:۹).

موضوع خاص: پادشاهی خدا

Special Topic: The Kingdom Of God

در عهد عتیق بیهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸:۷، مزمور ۱۰:۱۶، ۷:۲۴ الی ۹، ۱۰:۲۹، ۴:۴۴، ۱۸:۸۹، ۳:۹۵، اشعیا ۱۵:۴۳، ۶:۴۴) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌آل معرفی می‌گشت (مراجعه شود به مزمور ۲:۶، اشعیا ۹:۶ الی ۷، ۱۱:۱ الی ۵). با تولد عیسی در بیت‌لحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۲، انجیل مرقس ۱:۱۵).
۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱۷ و ۲۳، ۷:۱۰، ۱۲:۲۸، انجیل لوقا ۹:۱۰ و ۱۱، ۱۱:۲۰، ۱۷:۲۱، ۲۱:۳۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۲۸، ۱۴:۲۴، ۲۶:۲۹، انجیل مرقس ۹:۱، انجیل لوقا ۲۱:۳۱، ۲۲:۱۶ و ۱۸).

در همسوهای سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶:۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیل‌هایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت‌انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیل‌های عیسی نیابوده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، دآوری‌کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹:۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص:

این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas *Stuart's How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

■ **۶:۲** "که او به دوستداران خود وعده فرموده است" به یادداشت یعقوب ۱۲:۱ مراجعه نمایید.

۶:۲ "اما شما" این یک تقابل (همچون عبرانیان ۹:۶) با آنچه که خداوند برای فقرا، مستمندان و اقشار آسیب‌پذیر در یعقوب ۵:۲ انجام داده می‌باشد.

■ **دولتمندان** "دولتمردان و ثرتمندان همچون شخصیتهایی به تصویر کشیده شده‌اند که (۱) شما را سرکوب می‌کنند؛ (۲) شما را به دادگاه می‌کشاند؛ و (۳) درباره خداوندی که شما را فراخوانده کُفر می‌گویند. آیا این طبقه مرفه می‌تواند ایماندار باشند؟ به باور من خیر! به یادداشت یعقوب ۲:۲ مراجعه کنید.

۷:۲

"به آن نام زیبا که بر شما نهاده شده، کفر می‌گویند"	NASB
"به آن نام شریف که بر شما نهاده شده، کفر می‌گویند"	NKJV
"به آن نام فوق‌العاده‌ای که برای شما دعا شده، کفر می‌گویند"	NRSV
"به آن نام نیکی که بر شما نهاده شده، سخنان شرارت‌بار می‌گویند"	TEV
"به آن نام محترمی که بر شما صدا می‌زنند، توهین می‌کنند"	NJB

معنای اصلی این واژه "نامی را در گوش کسی خواندن" است. این امر به لحاظ فرهنگی می‌تواند اشاره به معانی زیر داشته باشد:

۱. نوعی برکت دادن در خانواده‌های پدرسالار (پیدایش ۱۶:۴۸)
 ۲. راهی برای تمیز دادن قوم یهوه (۲تواریخ ۷:۱۴؛ ارمیا ۹:۱۴؛ دانیال ۹:۹؛ عاموس ۹:۱۲ [نقل قول شده از اعمال رسولان ۱۷:۱۵])
 ۳. زنی که نام خانوادگی شوهرش را می‌گیرد (اشعیا ۴:۱)
 ۴. برده‌ای که جزو مایملک همیشگی شخصی درمی‌آید
 ۵. نوعی فرمول برای تعمید (متی ۱۹:۲۸؛ اعمال رسولان ۱:۲۱، ۳۸)
 ۶. عنوانی در عهد عتیق برای قوم خداوند در آن عهد (تثنیه ۲۹:۱۰؛ ۲تواریخ ۶:۳۳؛ ۱۴:۷)
 ۷. عنوان "مسیحی" (مسیحیان کوچک)، اولین بار برای تمسخر به ایمانداران عنطاکیه سوریه اطلاق گردید (اعمال رسولان ۱۱:۲۶).
- در این متن شماره ۵ بهترین گزینه محسوب می‌گردد.

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۲:۸-۱۳

اگر براستی شریعت شاهانه را مطابق با این گفته کتاب به جای آورید که می‌فرماید: «همسایهات را همچون خویشتن محبت کن»، کار نیکو کرده‌اید. ^۱ اما اگر تبعیض قائل شوید، گناه کرده‌اید و شریعت، شما را چون افرادی قانون‌شکن، محکوم می‌کند. ^۲ زیرا اگر کسی تمام شریعت را نگاه دارد اما در یک مورد بلغزد، مجرم به شکستن تمام شریعت است. ^۱ چه، او که گفت: «زنا مکن»، همچنین گفته است: «قتل مکن». پس هرچند زنا نکنی، اما اگر قتل کنی، شریعت را شکسته‌ای.

^۲ پس همچون کسانی سخن گویند و عمل کنید که می‌دانند بر پایه شریعت آزادی، بر آنها داوری خواهد شد، ^۳ زیرا داوری نسبت به آن که رحم نکرده باشد، بی‌رحم خواهد بود. اما رحم بر داوری پیروز خواهد شد!

۸:۲ "اگر" هر دو آیات ۸ و ۹ با جملات شرطی نوع اول آغاز می‌گردند که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی وی، کاربرد آنها درست به نظر می‌رسند. شنوندگان و خوانندگان او اگر دوست داشتند به درستی از شریعت شاهانه تبعیت می‌کردند.

■ **شریعت شاهانه** این مفهوم چندین نام داشته است. (یعقوب ۱:۲۵؛ ۲:۱۲؛ رومیان ۸:۲؛ غلاطیان ۲:۶). این عبارت به روشنی اشاره به ده فرمان داشته (یعقوب ۲:۱۱) اما به سرآغاز عصر جدید آموزه‌های عیسی می‌رسد؛ راه جدیدی برای رفتار خداوند و شرکای پیمانی ما می‌باشد (موعظه عیسی بر روی کوه، متی ۵-۷).

■ **"مطابق با این گفته کتاب"** این عبارات نقل قولی از لایوان ۱۹:۱۸ ولی با نیم‌نگاهی به لایوان ۱۹:۱۵ می‌باشند (نباید تبعیض قائل شوید).

□ **«همسایهات را همچون خویشان محبت کن»** دوست داشتن خویش بصورتی معقول، در چارچوب مسیحیت، برای محبت کردن به دیگران ضروری می‌نماید (متی ۱۹:۱۹؛ مرقس ۱۲:۳۱؛ لوقا ۱۰:۲۷؛ رومیان ۱۳:۹). عیسی اغلب از لایوان ۱۸:۱۹ در کنار تثنیه ۴:۶-۵، بعنوان خلاصه کل شریعت بهره می‌برد (متی ۱۲:۷؛ ۲۲:۴۰).

۹:۲ **«اگر تبعیض قائل شوید»** همچون یعقوب ۸:۲، این جمله نیز شرطی از نوع اول است. اینها کلامی بسیار مؤثر برای کلیسای امروزی هستند. ما هرگز نباید جرأت تبعیض قائل شدن در قبال کسانی کنیم که مسیح بخاطر آنان خود را فدا کرد (رومیان ۱۴:۱۵، ۲۰؛ یوحنا ۲:۹-۱۱؛ ۳:۹-۱۸).

□ **«گناه کرده‌اید»** در یک متن یونانی، «گناه» عبارتست که با قوت و شدت بیان شده است. تبعیض قائل شدن نسبت به افراد، به زیر پای گذاردن عهد موسی و شریعت محبت تلقی می‌گردید (شریعت شاهانه).

□ **«شما را چون افرادی قانون شکن، محکوم می‌کند»** قانون شکنی به معنی «تخطی و عبور از مرزهای شناخته شده و قانونی» بوده و یکی از مفاهیم گناه در عهد عتیق شمرده می‌شود. توجه داشته باشید که این جهل نیست، بلکه عملی از روی عمد در برابر خواست آشکار خداوند است.

۱۰:۲ **«اگر کسی تمام شریعت را نگاه دارد اما در یک مورد بلغزد، مجرم به شکستن تمام شریعت است»** این آیه در کمک به توضیح دشواری الهیاتی رستگاری توسط بشر و مقصود اصلی شریعت موسی، اهمیت بسزایی دارد (غلاطیان ۳:۱۵-۲۹). تمکین بصورت جانبدارانه یا حتی مقطعی، هرگز برای پذیرفته شدن توسط خداوند در پیمان موسی کافی نبوده است (متی ۵:۱۹؛ غلاطیان ۳:۵). اینگونه بیانات مختصر ولی مفید درباره نگاه‌داری تمام شریعت (پسران از سن ۱۳ سالگی مکلف به حفظ آن هستند) و (دختران یهودی از سن ۱۲ سالگی مکلف به حفظ آن هستند) مبنای الهیاتی نقل قولهای عهد عتیقی پولس و خلاصه‌ای از آنچه که از بشر گناهکار در رومیان ۳:۹-۲۳ بیان شده می‌باشد.

۱۱:۲ این آیه ترتیب ده فرمان در نسخه Septuagint است (که نشان‌دهنده احساسات اولیه یعقوب مبتنی بر یهودیت می‌باشد)، که ترجمه یونانی عهد عتیق بود که در حدود سال ۲۵۰ پیش از میلاد آغاز گردید و توسط اکثر نویسندگان عهد جدید بصورت نقل قول بکار برده شد.

۱۲:۲ **«سخن گویند و عمل نکنند»** هر دوی این عبارات دستوری حال کامل هستند. کلام و زندگی ایمانداران باید با هم یکسان باشد. ما باید به آنچه که می‌گوییم و وعظ می‌کنیم، عمل کنیم (متی ۷). این موضوع اصلی کتاب است!

□ **«آنها داوری خواهد شد»** همه انسانها مورد داوری قرار خواهند گرفت (متی ۲۵:۳۱-۴۶؛ اعمال رسولان ۱۷:۳۱؛ رومیان ۲:۶، ۱۶؛ ۳:۶؛ مکاشفه ۱۵-۲۰:۱۱). حتی مسیحیان مورد داوری قرار خواهند گرفت (رومیان ۱۴:۱۰؛ ۲۱:۲۱-۲۲؛ ۱۰:۵)، اما روشن است که این داوری بخاطر گناهان آنها نخواهد بود، بلکه بخاطر کردار و رفتار آنها و شیوه بکارگیری هدایای روحانی و معنوی خواهد بود.

۱۳:۲ **«داوری نسبت به آن که رحم نکرده باشد، بی‌رحم خواهد بود»** این یک قاعده روحانیست که انسانها هر آنچه را که می‌کارند، درو خواهند کرد (متی ۶:۱۴-۱۵؛ ۷:۵؛ ۱۸:۲۲-۳۵؛ غلاطیان ۶:۷). این تمثیل پر فلسطین بسیار شناخته شده بود. در متی ۵:۷ بخشی از اظهارات منفی عیسی محسوب می‌گردد. این موضوع در جهت نجات و رستگاری نیست، بلکه بخشی از ویژگیهای شخصیتی خداوند بوده که باید در زندگی فرزندان او مشهود گردد (متی ۷:۱۳-۲۷؛ ۱۳:۱۳).
سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. امروزه ما در کلیساهای خود چگونه مورد تبعیض قرار می‌گیریم؟
۲. چرا خداوند فقرا و مستمندان را برای رستگاری و نجات برگزیده است؟ چرا برای دولتمردان و توانمندان، ایمان آوردن امری دشوار محسوب می‌گردد؟ چرا این موضوع باعث شگفت‌زدگی یهودیان دوران عیسی گردید؟
۳. چرا رساله یعقوب آیه ۲:۱۰ از اهمیت زیادی برخوردار است؟
۴. چگونه فرامین عهد عتیق به «شریعت آزادی» ارتباط می‌یابد؟
۵. آیات ۱۲-۱۳ چه ارتباطی با مورد قضاوت قرار گرفتن بوسیله ایمان دارند؟

دیدگاه‌های متنی نسبت به رساله یعقوب آیات ۲: ۱۴-۲۶

- A. این بخش از رساله یعقوب جدلهای الهیاتی زیادی را سبب گردیده است. این مشکل از متن یا درک کلام نشأت نگرفته، بلکه از پیش‌پندارهای الهیاتی ما و سیستم دگم‌اندیشانه‌ی ویرایش متن و الهیات غربی سرچشمه می‌گیرد.
- B. یعقوب و پولس تناقض و تضادی با یکدیگر ندارند، بلکه مکمل یکدیگر هستند. این تضاد ظاهری از سؤ برداشت نسبت به موارد پیش رو نشأت می‌گیرد: (۱ هدف؛ ۲ دریافت کنندگان و شنوندگان کلام؛ و ۳) معنی کلمات کلیدی (ایمان، عمل) کتاب‌های عهد جدید رومیان و یعقوب.
۱. پولس برای یهودیانی می‌نویسد که مطابق با (۱) نژاد (ملیت خود) و (۲) حفظ شریعت موسی (تشریح) در کنار خداوند قرار دارند. پولس درباره ورود به زندگی مسیحی سخن می‌گوید. وی از زندگی ابراهیم بعنوان مثالی از با خداوند بودن پیش از ختنه و پیش از شریعت موسی (پیدایش ۱۵: ۶)، بر مبنای شروع فیض خداوند و اجابت مناسب به ایمان، بهره می‌برد (رومیان ۳: ۴؛ غلاطیان ۳: ۶).
 ۲. یعقوب خطاب به مردم حاضر در کلیسا می‌نویسد. مردمی که مسیحیت را بجای مدل و سبک زندگی، مبدل به یک عقیده و مرام کرده‌اند (Antinomianism) یا دیدگاهی که شرع و تشریح را انکار می‌کند، و روشنفکران، یهودیان گنوستیک). این مردمان اورتدکس را بعنوان مبنا و تضمین رستگاری و نجات خویش می‌دانند. رساله یعقوب و اول یوحنا تصریح می‌کنند که محبت روزانه در عمل برای مسیحیان گزینه مطلوب محسوب نمی‌گردد، بلکه شاهد و مدرکی دال بر مسیحی بودن آنان است. برای یعقوب، "کردار" از قواعد یهودیت محسوب نشده بلکه محبت کردن عملی در زمره این قواعد است (اول قرنتیان ۱۳).
 ۳. پولس و یعقوب از نجات دو طرفه سخن نگفته، بلکه دو جنبه از یک نجات را مطرح می‌کنند. پولس از اولین قدم‌های ابراهیم در راه ایمان سخن می‌گوید (پیدایش ۱۵)، و یعقوب از ادامه و تداوم آن ویژگیها می‌گوید (تولد اسحاق در برابر فدا کردن وی، پیدایش ۲۲).
 ۴. صحبت از "ایمان یا کار و عمل" نیست، بلکه بحث هر دوی این موارد با هم است: "ایمان و عمل". ایمان بدون عمل نه تنها بیهوده است، بلکه عمل بدون ایمان نیز هیچ حاصلی ندارد (متی ۷: ۲۱-۲۳؛ یوحنا ۱۵: ۱-۶). می‌توان یک مسیحی ضعیف، شهوانی و کودک بود (۱ قرنتیان ۳-۱۰، ۱۵-۱۰؛ عبرانیان ۵: ۱۱-۱۴)، اما این فقط یک استثنا خواهد بود و امری عادی محسوب نمی‌گردد.
 ۵. John Calvin می‌گوید "ایمان را به تنهایی می‌توان توجیه کرد، ولی آن ایمانی که توجیه می‌کند را نمی‌توان رها کرد".
- C. این بخش مثابه نیروی محرکه و تشویق‌کننده‌ای برای ایمان عملی و فعال کارایی دارد. به نوعی این فرازها یک تضمین هستند - نه تضمین بعنوان یک دکترین، بلکه تضمین بعنوان روش و شیوه زندگی. این ضمانت قطعاً یکی از حقایق انجیلی است، اما فقط در ارتباط با زندگی شبیه به مسیح، نه یک الهیات سیستماتیک! ما نجات یافته‌ایم تا خدمت کنیم. خدمت گواهی برای نجات و رستگاری است. مقصود اصلی مفاهیم نیست، بلکه هدف و حاصل کار حائز اهمیت است (افسیسیان ۲: ۸-۹ و ۱۰). این حقیقت در روزگار ما لازمه‌ی (۱) راحت باوری و (۲) ضمانت بعنوان اصول کلامی الهیات است (معمولاً در شروع زندگی در راه مسیح در قالب یک اظهار نظر دگم‌اندیشانه ارائه می‌گردد).
- D. سرتاسر رساله‌ی یعقوب به مشکلات کاربردی ایمانداران و چگونگی بکارگیری منابعی که از سوی پادشاهی خدا در اختیارشان قرار گرفته می‌پردازد (منابع فیزیکی و معنوی).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۲: ۱۴-۱۷

^{۱۴}برادران من، چه سود اگر کسی ادعا کند ایمان دارد، اما عمل نداشته باشد؟ آیا چنین ایمانی می‌تواند او را نجات بخشد؟^{۱۵} اگر برادر یا خواهری نیازمند پوشاک و خوراک روزانه باشد^{۱۶} و کسی از شما بدیشان گوید: «بروید به سلامت، و گرم و سیر شوید»، اما برای رفع نیازهای جسمی ایشان کاری انجام ندهد، چه سود؟^{۱۷} پس ایمان به تنهایی و بدون عمل، مرده است.

۱۴:۲

NASB "چه سود"

NKJV "چه نفعی دارد"

NRSV, TEV "چه حُسنی دارد"

NJB "چه کمکی می‌کند"

بلحاظ ساختار دستوری، این سوال انتظار پاسخ منفی "خیر" را دارد. باور بدون عمل هیچ فایده‌ای و سودی ندارد.

▣ "برادران من" به یادداشت یعقوب ۱: ۲ و ۹: ۱ مراجعه نمایید.

□ "اگر کسی ادعا کند" این یک جمله شرطی نوع سوم است، "کسی ممکن است که بگوید". ساختار این جمله بشکل انتقاد از (یک مخالف فرضی) یعقوب ۱: ۲۶ تعریف گردیده است.

□ "ایمان دارد" ایمان و باور انجیلی (*distis*) جنبه‌های گوناگونی دارد: ۱) دکترین (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۴-۶؛ یهودا ۳: ۲۰؛ ۲) ارتباط شخصی و تعهد به عیسی (مراجعه شود به کتاب یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۹-۱۳)؛ و ۳) سبک زندگی خداپسندانه (مراجعه شود به رساله یعقوب و اول یوحنا). هر سه جنبه از اصالت و باور به بلوغ رسیده برخوردار هستند.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق (۸۷۶)

SPECIAL TOPIC: Believe, Trust, Faith, And Faithfulness In The Old Testament (۸۷۶)

۱. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می‌کند

a. فرد و جامعه

b. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحتتر می‌توان زندگی یک مرید مومن توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات). ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

a. ابراهیم و فرزندان

b. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می‌کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می‌یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعفها و قوتها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

۲. استفاده از ریشه اصلی

a. אָמֵן (آمین) (BDB 52, KB 63)

i. فعل

۱. ریشه *qal* - پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱: ۱۰ و ۵، استر ۷: ۲، کاربرد غیر دینی)

۲. ریشه *Niphal* - اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار یا قابل اعتماد بودن

a. انسانها، اشعیا ۲: ۸، ۱: ۵۳، ارمیا ۱۴: ۴۰

b. چیزها، اشعیا ۲۳: ۲۲

c. خدا، تثنیه ۹: ۷، اشعیا ۷: ۴۹، ارمیا ۵: ۴۲

۳. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن

a. ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵: ۶

b. اسرائیلیها در مصر ایمان آوردند، خروج ۴: ۳۱، ۱۴: ۳۱ (در تثنیه ۱: ۳۲ نفی شده)

c. اسرائیلیها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، خروج ۹: ۱۹، مزامیز ۱۲: ۱۰۶ و ۲۴

d. آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۹: ۷

e. هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۱۶: ۲۸

f. حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۱۰: ۴۳ الی ۱۲

ii. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۲۰: ۳۲، اشعیا ۱: ۲۵ و ۲۶: ۲)

iii. قید - صادقانه، به راستی، موافق، شاید اینطور باشد (رجوع شود به تثنیه ۱۵: ۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۳۶: ۱، اول قرن‌تبان

۱۶: ۳۶، اشعیا ۱۶: ۶۵، ارمیا ۵: ۱۱ و ۲۸: ۶). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.

b. אֱמֵן (حقیقت) (BDB 54, KB 68) - اسم مونث، سختی، وفاداری، حقیقت

۱. انسانها (اشعیا ۲۰: ۱۰، ۳: ۴۲، ۱: ۴۸)

۲. خدا - خروج ۶:۳۴، مزامیر ۲:۱۱۷، اشعیا ۱۸:۳۸ و ۱۹:۸، ۶۱:۸
۳. حقیقت - تثنیه ۴:۳۲، اول پادشاهان ۱۶:۲۲، مزامیر ۴:۳۳، ۳:۹۸، ۵:۱۰۰، ۳۰:۱۱۹، ارمیا ۵:۹، زکریا ۱۶:۸
- c. אִמָּן (ایمان)، (BDB 53, KB 62) - سختی، استقامت، وفاداری
۱. دستان - خروج ۱۲:۱۷
 ۲. زمان - اشعیا ۶:۳۳
 ۳. انسانها - ارمیا ۳:۵، ۷:۲۸، ۹:۲
 ۴. خدا - مزامیر ۱۱:۴۰، ۱۱:۸۸، ۱:۸۹ و ۲ و ۵ و ۸، ۱۳۸:۱۱۹
۳. استفاده پولس از این مفهوم عهد عتیق
- A. پولس مبنای درک جدید خود از یهوه و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۱:۹ الی ۱۹، ۲۲:۱۶ الی ۲۶:۹)
 - B. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه אִמָּן (آمین) استفاده می‌کردند
 - i. پیدایش ۶:۱۵ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۲۲-۱۲). پولس به این در رومیان ۴ و گالیسیان ۳ اشاره دارد
 - ii. اشعیا ۱۶:۲۸ - آنان که ایمان می‌آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز
 ۱. رومیان ۳۳:۹ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد
 ۲. رومیان ۱۱:۱۰: همانند بالا
 - iii. حقوق ۴:۲ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می‌کنند (رجوع شود به ارمیا ۲۸:۷). پولس از این متن در رومیان ۱۷:۱ و غلاطیان ۳:۱۱ استفاده می‌کند (همچنین به عبرانیان ۳۸:۱۰ توجه کنید).
۴. استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق
- a. پطرس اینها را ادغام می‌کند
 - i. اشعیا ۱۴:۸ - اول پطرس ۲:۸ (سنگ لغزان)
 - ii. اشعیا ۱۶:۲۸ - اول پطرس ۲:۶ (سنگ بنا)
 - iii. مزامیر ۲۲:۱۱۸ - اول پطرس ۲:۷ (سنگی که رد کردند)
 - b. او از زبان خاصی استفاده می‌کند که اسرائیل را توصیف کند، "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت خاص خدا" در
 - i. تثنیه ۱۵:۱۰، اشعیا ۴۳:۲۱
 - ii. مزامیر ۶:۶۱، ۲۱:۶۶
 - iii. خروج ۶:۱۹، تثنیه ۶:۷
۵. استفاده یوحنا از مفهوم
۱. استفاده در عهد جدید

کلمه "ایمان" از کلمه یونانی *pisteuō* می‌آید که همچنین می‌تواند به "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجیل یوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲:۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثالها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۳۱:۸ الی ۵۹، و اعمال ۱۳:۸ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ایمان واقعی انجیلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجیل متی ۲۰:۱۳ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

 - a. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تأکید بر این دارد که مومنین باید به عیسی اعتماد/ایمان داشته باشند.
 - i. در نام او (یوحنا ۱:۱۲، ۲:۲۳، ۳:۱۸، اول یوحنا ۱:۳)
 - ii. در او (یوحنا ۲:۱۱، ۲:۱۵، ۳:۱۸، ۴:۳۹، ۴:۴۰، ۶:۵، ۷:۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸:۳۰، ۹:۳۶، ۱۰:۴۲، ۱۱:۴۵ الی ۴۸، ۱۲:۳۷، متی ۶:۱۸، اعمال ۴۳:۱۰، فیلیپینان ۱:۲۹، اول پطرس ۱:۸)
 - iii. در من (یوحنا ۶:۳۵، ۷:۳۸، ۷:۲۵ و ۱۱:۲۵، ۲۶ و ۱۲:۴۴، ۱۴:۱، ۱۲:۹، ۱۶:۹، ۱۷:۲۰)

- iv. در پسر (یوحنا ۳:۳۶، ۹:۳۵، اول یوحنا ۵:۱۰)
- v. در عیسی (یوحنا ۱۲:۱۱، اعمال ۱۹:۴، غلاطیان ۲:۱۶)
- vi. در نور (یوحنا ۱۲:۳۶)
- vii. در خدا (یوحنا ۱:۱۴)
- b. *ev* یعنی "به" آنطور که در یوحنا ۳:۱۵، مرقس ۱:۱۵ و اعمال ۵:۱۴ آمده است
- c. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷:۴۲، اعمال ۱۷:۱۱، ۹:۴۲، ۱۶:۳۱ و ۲۲:۱۹، رومیان ۴:۵ و ۲۴، ۹:۳۳، ۱۰:۱۱، اول تیموتائوس ۱:۱۶، اول پطرس ۲:۶
- d. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳:۶، اعمال ۸:۱۸، ۲۷:۱۵، اول یوحنا ۳:۲۳ و ۵:۱۰
- e. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد
 - i. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶:۶۹)
 - ii. عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸:۲۴)
 - iii. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۳:۳۸)
 - iv. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۳۱:۲۰)
 - v. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۳۱:۲۰)
 - vi. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱:۴۲، ۱۷:۸ و ۲۱)
 - vii. عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴:۱۰ الی ۱۱)
 - viii. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶:۲۷ و ۳۰)
 - ix. عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸:۲۴ و ۱۳:۱۹)
 - x. با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۸:۶)
 - xi. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالوکیان ۴:۱۴)

۶. جمع بندی

۱. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی‌دارد (یعنی انجیل یوحنا ۶:۴۴ و ۶:۶۵)، ولی بخشی از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).
 - a. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)
 - b. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)
 - c. اطاعت
 - d. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)
۲. ایمان انجیلی
 - a. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)
 - b. تائید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)
 - c. پاسخ بصورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)

ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می‌شود (پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می‌دهند. (یعنی تقدس، لاویان ۲:۱۹، متی ۵:۴۸، اول پطرس ۱:۱۵ و ۱:۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تاثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۲۷:۳۶ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می‌سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!

هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگیمان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!
۳. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت

خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۸: ۲ و ۹ و ۱۰)!

خداوند وفادار به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی‌ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

■ **آیا چنین ایمانی می‌تواند او را نجات بخشد؟** این جمله در یک حالت اسکاتولوژیک بیان شده است. داوری بر مبنای چنین مواردی خواهد بود: (۱) رفتار و کردار (متی ۲۵: ۳؛ رومیان ۲: ۶؛ ۲ تواتریخ ۵: ۱۰؛ غلاطیان ۶: ۷-۹) و (۲) ایمان (رومیان ۴: ۱؛ تواتریخ ۳: ۱۰-۱۵؛ غلاطیان ۳). این دومین سوال در آیه ۱۴ است. این سوال نیز انتظار پاسخ منفی را دارد.

۱۵: ۲ **اگر** این یک جمله شرطی نوع سوم بوده که نمونه‌ای از آنچه که ایمانداران نباید انجام دهند، بویژه در برابر سایر ایمانداران است.

۱۶: ۲ **بروید به سلامت** این عبارت حال ساده دستوری است. "گرم شوید" حال دستوری (deponent) و "سیر شوید" نیز حال ساده دستوری است. این یک دعای پیچیده به منظور برآوردن نیازها توسط خداوند است. این عبارت در عهد عتیق اصطلاحی برای تدارکات خداوند بوده است (مراجعه شود به داوران ۱۸: ۶؛ ۱ سموئیل ۱: ۱۷؛ ۲ سموئیل ۲۰: ۴۲؛ ۲ سموئیل ۱۵: ۹). این دعا منعکس‌کننده‌ی پاسخی گستاخانه و کم‌سطح است، شبیه زمانی که ما بصورت غیرصمیمی و ریاکارانه به کسی می‌گوییم "من برایت دعا می‌کنم" (۱ یوحنا ۳: ۱۷-۱۸). یک چیز قطعی است؛ کسی که چنین داعی را برای دیگران می‌کند، هیچ تلاشی برای کمک کردن بخرج نمی‌دهد!

۱۷: ۲ **اگر** این نیز جمله شرطی دیگری از نوع سوم است. یعقوب از این ساختار ادبی استفاده کرده تا شرایطی برای نشان دادن تفاوت بین ایمان واقعی و ایمان جعلی بوجود آورده و یا احتمالاً ایمان رشد یافته و بالغ را در برابر ایمان ضعیف نشان دهد.

چنین اظهارات مختصر و مفیدی به لحاظ الهیاتی بسیار مهم هستند (یعقوب ۲: ۲۰ و ۲۶). Curtis Vaughan در کتاب خود بنام *Study Guide Commentary on James* این سه نکته را شاکله‌ی اصلی رئوس مطالب می‌داند: (۱) ایمان اصیل از یک بیان توخالی نشأت نمی‌گیرد (یعقوب ۲: ۱۴-۱۷)؛ (۲) ایمان اصیل صرفاً پذیرش یک عقیده نیست؛ و (۳) ایمان اصیل ایمانیست که یک زندگی توأم با فرمانبرداری بوجود می‌آورد (یعقوب ۲: ۲۱-۲۶، صفحه ۵۶).

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۲: ۱۸-۲۶

۱۸ حال کسی ممکن است بگوید: «تو ایمان داری و من هم اعمال دارم!» اما تو ایمانت را بدون اعمال به من بنما و من ایمانم را با اعمالم به تو خواهم نمود. ۱۹ تو ایمان داری که خدا یکی است. نیکو می‌کنی! حتی دیوها نیز این‌گونه ایمان دارند و از ترس به خود می‌لرزند! ۲۰ ای نادان، می‌خواهی بدانی چرا ایمان بدون عمل بی‌ثمر است؟ ۲۱ آیا جَد ما ابراهیم به اعمال پارسا شمرده نشد، آنگاه که پسر خود اسحاق را بر مذبح تقدیم نمود؟ ۲۲ می‌بینی که ایمان و اعمال او با هم عمل می‌کردند، و ایمان او با اعمالش کامل شد. ۲۳ و آن نوشته تحققی یافت که می‌گوید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد،» و او دوست خدا خوانده شد. ۲۴ پس می‌بینید به اعمال است که انسان پارسا شمرده می‌شود، نه با ایمان تنها. ۲۵ همچنین آیا راحابِ روسپی به اعمال پارسا شمرده نشد، آنگاه که به فرستادگان پناه داد و ایشان را از راهی دیگر روانه کرد؟ ۲۶ آری، همان‌گونه که بدن بدون روح مرده است، ایمان نیز بدون عمل مرده است.

۱۸: ۲ - ۲۰ از لحاظ دستور زبان، این آیات همچون نشانه‌گذاری‌ها و ضمائر بکار برده شده، بسیار مبهم هستند. در اینجا مشخص نیست که آیا (۱) یک حامی از موقعیت کنونی یعقوب وجود دارد؛ (۲) یک مخالف با این موقعیت؛ (۳) یک مخالف و موافق؛ (۴) دو مخالف فرضی که یعقوب به آنها اشاره می‌کند. مشخص نیست که آیا نقل قولها در آیه ۱۸: ۲ (NKJV, NRSV, NIV) باتمام می‌رسند یا ۱۸ (NASB, TEV) یا تا آیه ۱۹: ۲ ادامه می‌یابند.

احتمالاً مخالف فرضی یعقوب مدعیست که مسیحیان هدایای روحانی متفاوتی داشته‌اند، برخی ایمان و برخی اعمال. یعقوب می‌گوید که ایمان یک هدیه و نعمت از سوی خداوند نیست، بلکه رابطه‌ای مستحکم از باور به مسیح است. برای اینکه مسیح را بشناسیم باید مقلد او باشیم؛ همچون او زندگی کنیم؛ همچون او محبت ورزیم؛ و همچون او خود را وقف دیگران نماییم (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶).

نعمت الهی و معنوی تنزل مسئولیت‌پذیری در مسیحیت نیست، بلکه توانمندی برای انجام مؤثر مأموریت‌های محوله است (مرتبط با دیگر ایمانداران).

■ **تو ایمانت را بدون اعمال به من بنما** این یک جمله امری در دستور زبان آئوریست است. این جمله را می‌توان مشابه تمثیل بذر در متی ۱۳ دانست. به بار نشستن میوه، و نه اجابت دعوت، اصالت را اثبات می‌نماید (تیتوس ۱: ۱۶؛ ۱ یوحنا ۴: ۲). اگر ریشه‌ای وجود نداشته باشد، حاصلی هم در کار نخواهد بود!

۱۹:۲ "تو ایمان داری که خدا یکی است" این حقیقت (باورمندی به یک خدا) اولین آزمون اورتدکسی برای یهودیت بود (تثنیه ۴:۳۵، ۳۹:۴-۵؛ مرقس ۱۲:۲۹). با اینحال حتی دیوها و نیروهای شریر نیز به این امر باور دارند (متی ۴:۳؛ مرقس ۵:۷).

مسیحیت فقط از یک دکترین صحیح تشکیل نشده، بلکه ارتباط دکترین با محبت است. اورتدکس به تنهایی، بودن اورتدکسی، بی‌معنا است (رجوع شود به اول قرن‌تبیان ۱۳). التزام الهیاتی و هوشمندانه به خدامحوری (رومیان ۳:۳۰؛ ۱ قرن‌تبیان ۸:۴، ۶؛ افسسیان ۴:۶؛ ۱ تیموتائوس ۲:۵) کسی را برای خداوند موجه جلوه نمی‌دهد. اعتقاد صرف منجر به نجات نمی‌شود، زیرا چه کسی در میان بشر رانده شده از بهشت دارای یک الهیات کامل و صحیح است؟ رستگاری بواسطه مسیح بر روی سر (دکترین)، قلب (اعتقاد قلبی به مسیح)، و دستان (زندگی همچون مسیح) تأثیر می‌گذارد.

□ "حتی دیوها نیز این‌گونه ایمان دارند" دیوها می‌دانند که عیسی کیست! دیوها نیز به تک‌خدایی اعتقاد دارند!

موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین

Special Topic: Angels And Demons

A. مردم قدیم تصورگرا بودند. آنها شخصیت انسان را با نیروهای طبیعت، حیوانات و اشیا طبیعی توصیف می‌کردند. زندگی با تعامل میان این هویت‌های معنوی با انسان توصیف می‌شد.

B. این شخصیت‌سازها به مرور پلی‌تئیسم (*polytheism*) یا چند خدایی را به وجود آورد. معمولا شیطان (*genii*) خدای پائین‌تر یا کوچکتر بود و (نیکی در مقابل اهریمنی قرار داشت) که بر زندگی انسانها تأثیر می‌گذاشتند.

۱. بین‌النهرین، شورش و تقابل

۲. مصر، نظم و عملکرد

۳. کنعان، به *Archaeology and the Religion of Israel* نوشته W. F. Albright جلد پنجم، صفحه ۶۷ الی ۹۲ مراجعه شود.

C. عهد عتیق با موضوع خدایان کوچکتر، فرشتگان یا شیاطین صحبتی نمی‌کند، احتمالا به خاطر یکتاپرستی شدید (به موضوع خاص:

یکتاپرستی مراجعه کنید، کتاب خروج ۸:۱۰، ۹:۱۴، ۱۵:۱۱، تثنیه ۴:۳۵ و ۳۹:۴، ۶:۲۶، ۳۳:۲۶، مزور ۱۰:۳۵، ۱۹:۷۱، ۸:۸۶، اشعیا

۹:۴۶، ۱۰:۶، ۷:۱۸، میکاه ۷:۱۸). به خدایان دروغین مردم کافر اشاره می‌کند (*Shedim*، BDB 993، مراجعه شود به تثنیه

۳۲:۱۷، مزور ۳۷:۱۰۶) و از برخی از آنها حتی اسم می‌برد.

۱. *Se'im* (موجود نیمه‌انسان نیمه بز یا شیطان پشمالو، BDB 972 III، KB 1341 III، مراجعه شود به لاویان ۷:۱۷، دوم تواریخ ۱۱:۱۵، اشعیا ۲۱:۱۳، ۱۴:۳۴)

۲. *Lilith* (مونث، شیطان متجاوز شبها، BDB 539، KB 528، مراجعه شود به اشعیا ۱۴:۳۴)

۳. *Mavet* (اصطلاح عبری برای مرگ که برای خدای زیر زمینی کنعانیان استفاده می‌شد، Mot، BDB 560، KB560، مراجعه شود به اشعیا ۱۵:۲۸ و ۱۸، ۹:۲۱، و احتمالا تثنیه ۲۲:۲۸)

۴. *Resheph* (بلا، آتش، نگرگ، BDB 958، KB 958، مراجعه شود به تثنیه ۲۴:۳۲، مزور ۴۸:۷۸، حبقوق ۳:۵)

۵. *Dever* (بلا، BDB 184، مراجعه شود به مزور ۹۱:۵ الی ۶، حبقوق ۳:۵)

۶. *Az'azel* (معنی این اسم مشخص نیست، ولی احتمالا شیطان صحرا و یا نام مکانی است، BDB 736، KB 736، مراجعه شود به لاویان ۱۶:۸ و ۱۰ و ۲۶)

(این مثالها از *Encyclopaedia Judaica* جلد ۵، صفحه ۱۵۲۳ اقتباس شده‌اند.)

با این وجود، هیچ دوالیسم یا جدایی فرشتگان از یهوه در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان خدمتگزار یهوه است (مراجعه شود به ایوب ۱

الی ۲، زکریا ۳)، نه یک دشمن مستقل و خود رای (مراجعه شود به *A Theology of the Old Testament* نوشته A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶).

D. یهودیت در طول دوران تبعید در بابل توسعه یافت (۵۸۶ تا ۵۳۸ قبل از میلاد). از نگاه الهیاتی، از دوالیسم دین زرتشت ایران تحت تأثیر قرار

گرفت، یک خدای نیک و والا بنام مزدا یا اهورامزدا و شیطان در مقابلش بنام اهریمن. در دوران بعد از تبعید یهود این شخصیت بخشیدن دوالیسم میان یهوه و فرشتگانش و شیطان و فرشتگانش و شیاطین شکل گرفت.

شخصیت بخشیدن به شیطان در الهیات یهود به خوبی در کتاب *The Life and Times of Jesus the Messiah* نوشته Alfred

Edersheim، جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۹ الی ۸۶۳ توصیف شده است. یهودیسم شیطان را به سه شیوه شخصیت داد:

۱. شیطان یا سمائل

۲. نیت شیطانی انسان (*yetzer hara*)

۳. فرشته مرگ

ادرسهایم (*Edersheim*) اینها را به شیوه زیر مشخص می کند

۱. متهم کننده

۲. وسوسه کننده

۳. تنبیه کننده (جلد ۲ صفحه ۷۵۶)

یک تمایز مشخص الهیاتی میان یهودیت بعد از تبعید و عهد جدید در معرفی شیطان وجود دارد.

E. عهد جدید بخصوص اناجیل وجود و مقابله روح شیطانی انسانها با یهوه را تصریح می کنند (در یهودیت، شیطان دشمن انسانها است، نه دشمن خدا). آنها مخالف اراده، حکومت و پادشاهی خدا هستند.

عیسی با این اهریمنان مقابله کرده و آنها را از وجود انسانها خارج می کند، به آنها (۱) روح ناپاک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۳۶، ۴:۱۸) یا روح های شیطانی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷:۲۱، ۸:۲) گفته می شود. به وضوح عیسی تمایزی میان بیماری (فیزیکی و ذهنی) و اهریمن قائل می شود. او قدرت و بیش خود را با تشخیص دادن آنها و بیرون راندن این ارواح شیطانی به نمایش می گذارد. آنها اغلب او را شناخته و بر او شهادت می دهند ولی عیسی شهادت آنها را رد کرده و ساکت کرده و خارج می سازد. بیرون کردن شیطان، نشانه شکست پادشاهی شیطان است.

در نامه های شاگردان در عهد جدید هیچ گونه اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد. بیرون راندن شیطان هرگز به عنوان یک برکت معنوی فهرست نشده و هیچ روش یا فرایندی برای نسلهای بعد برای بشارت دهندگان یا مومنین ارائه نشده است.

F. شیطان واقعی است، شیطان شخصی است، شیطان حضور دارد. نه مبدا او و نه هدفش فاش نشده است. انجیل واقعی بودن او را تصریح کرده و شدیداً با نفوذ او مقابله می کند. در واقعیت نهایت دوالیسمی وجود ندارد. همه چیز تحت کنترل کامل خدا است، شیطان شکست می خورد، قضاوت می شود و از مخلوقات بیرون رانده می شود.

G. مردم خدا باید در مقابل شیطان مقاومت کنند. (مراجعه شود به جیمز ۷:۴). نمی توانند توسط او کنترل شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵:۱۸)، ولی می توانند وسوسه شوند و شهادت و نفوذ آنها آسیب ببیند (مراجعه شود به افسسیان ۶:۱۰ الی ۱۸) / شیطان یک بخش افشا شده در جهان بینی مسیحیان است. مسیحیان مدرن هیچ حقی ندارند که شیطان را دوباره تعریف کنند (تفسیر Rudolf Baltmann). شیطان را بدون شخصیت کنند (ساختارهای اجتماعی پل تیلیچ)، نه سعی کنند تا او را با اصطلاحات روانشناسی توصیف کنند (زیگموند فروید). نفوذ او فراگیر است، ولی شکست می خورد. مومنین باید در مسیر پیروزی مسیح گام بردارند.

□ "و از ترس به خود می لرزند" این موضوع احتمالاً مربوط به مراسم جن گیری به نام یهوه می باشد. این واژه به این صورت اغلب در نسخه های جادویی پاپیروس که در مصر یافت گردید دیده می شود.

۲۰:۲

NASB "ایمان بدون عمل بی ثمر است"

NKJV "ایمان بدون کلام خدا مرده است"

NRSV "ایمان جدا از عمل بی ثمر است"

NJB "ایمان بدون کردار بی ثمر است"

از بیشتر ترجمه های نسخه های خطی یونانی سه ترجمه نزدیکتر به اصل متن بنظر می رسند:

۱. A, C², A, "مرده" را ثبت کرده اند

۲. B و C^A کلمه "ثمر" را ثبت کرده اند

۳. P⁷⁴ که به پاپیروس Bodmer معروف است، کلمه "عبث" را ثبت کرده است (در نسخه ی اولیه یعقوب ۲:۲۰ بکار برده شده بود)

نسخه UBS4 به مورد شماره ۲ رتبه "B" (تقریباً مطمئن) را داده است.

۲۱:۲ سؤال مطرح شده در این آیه انتظار پاسخ "مثبت" را دارد.

□ "ابراهیم" این نام هم توسط پولس (پیدایش ۱۵ نقل شده در رومیان ۴) و هم یعقوب (نقل قول های کتاب پیدایش ۲۲) برای اثبات نکات الهیاتی آنان بکار برده شده است، اما هر کدام رویدادهای متفاوتی را در زندگی او بکار برده اند. پولس سخن از شروع زمان فراخوانده شدن و وعده ها می دهد (تولد اسحاق)، اما یعقوب از تحلیل رفتن ایمان خود در طول سال های آتی می گوید (تقدیم کردن اسحاق به مذبح).

□ "پدر ما" ظاهراً این واژه منعکس کننده ایمان آورندگان یهودی مسیحی می‌باشد (متی ۳:۹؛ یوحنا ۸:۳۹). با اینحال، پولس از مفهوم مشابهی برای غیریهودیان استفاده می‌کند (رومیان ۲:۲۸-۲۹؛ ۴:۱۱-۱۲، ۱۶؛ غلاطیان ۳:۷؛ ۶:۱۶).

□ "به اعمال پارسا شمرده نشد" فعل یونانی بکار برده شده، *dikaioō* می‌باشد. دامنه معنای این واژه خیلی جالب است (مفاهیم و موارد ممکن):
I. کتاب *A Greek-English Lexicon of the New Testament* نوشته Bauer, Arndt, Gingrich and Danker (صفحات ۱۹۶-۱۹۷)

- A. "انصاف بخرج دادن" یا "نسبت به کسی عادل بودن"
- B. "توجیه کردن، دفاع کردن، با عدالت برخورد کردن"
- C. پولس از واژگانی برای نشان دادن عدالت خداوند استفاده می‌کند
 ۱. در برابر مردان
 ۲. در برابر کارهای خداوند - "درستکاری"
 ۳. "چیزی را خالص کردن" (معلوم) یا "خالص شدن" (مجهول)
 ۴. "خدا ثابت کرده که حق است"

II. کتاب *Greek-English Lexicon of the New Testament Based on Semantic Domains* نوشته Louw and Nida (جلد ۲، ص. ۶۴)

- A. "مشکلی را با کسی حل کردن" (جلد ۱، ۳۴:۴۶، ص. ۴۵۲)
- B. "نشان دادن حقانیت" (جلد ۱، ۸۶:۱۶، ص. ۷۴۴)
- C. "برائت کردن" (جلد ۱، ۵۶:۳۴، ص. ۵۵۷)
- D. "رها کردن" (جلد ۱، ۳۷:۱۳۸، ص. ۴۸۹)
- E. "از دستورات حق اطاعت کردن" (جلد ۱، ۳۶:۲۲، ص. ۴۶۸).

هنگامی که کسی این کاربردهای لغوی را مقایسه می‌کند، روشن می‌گردد که پولس چگونه از این واژه (تبدیل واژه به صورتی که در جدل استفاده می‌شود "پارسایی شمرده شد") و در حالتی دیگر یعقوب (بوسیله نشان دادن چگونه در راه خداوند زندگی کردن) استفاده کرده است. این واژه بقدری انعطاف دارد که در هر دو حالت می‌توان استفاده کرد. اما لطفاً بخاطر داشته باشید که این یک موقعیت "هر دو / و" می‌باشد، نه "یا این یا آن". همچنین باید مراقب مفاهیم الهیاتی این واژه نیز (یا هر واژه دیگری) که بعداً در هنگام خواندن کلام خدا بکار برده می‌شود، باشیم. این لغات فقط در متن کلام خداوند معنی می‌یابند! به موضوع خاص: پارسایی در یعقوب ۱:۲۰ مراجعه نمایید.

□ "اسحاق را بر مذبح تقدیم نمود" تقدیم اسحال به مذبح (پیدایش ۲۲) زمینه ایمان ابراهیم نبود (پیدایش ۱۲، ۱۵)، بلکه نتیجه و حاصل عیان آن بود. یعقوب از واژه "اعمال" به شیوه‌های متفاوتی نسبت به پولس بهره می‌برد. یعقوب سخن از مدل زندگی ایمانی مسیحی می‌گوید (مراجعه شود به اول یوحنا)، در حالیکه پولس از اعمال پارسایی یهودیان (یهودی‌سازی غلاطیان) بعنوان مبنای پذیرفته شدن توسط خداوند، سخن می‌گوید (رومیان ۱۰:۲-۲۳).

۲۲:۲ "ایمان و اعمال او با هم عمل می‌کردند" این یک جمله ناقص مجهول خبری بوده که از تداوم عملی در گذشته سخن می‌گوید. در اینجا میان "عمل کردن با" (*syn + ergon*) و "اعمال" (*ergon*) بازی با لغات صورت پذیرفته است. کلمه "عمل" یازده مرتبه در رساله یعقوب ۲:۱۴-۲۶ و فقط سه مرتبه در بقیه رساله بکار برده شده است.

□ "ایمان او با اعمالش کامل شد" این یک جمله خبری در زبان ائورسیت است. ایمان توسط خداوند آغاز گردیده و به تکامل رسیده است، اما انتخاب و خواست قلبی ایمانداران و اعمال آنها نیز بخشی از این توازن محسوب می‌گردند. واژه "کامل شد" یعنی "به بلوغ رسید"، "برای انجام مأموریت محوله مجهز گردید"، "کامل شد". مفهوم بکار برده شده انجیلی در عهد خداوند با اراده آزاد بشریت، قرارداد یا توافقنامه‌ای را بوجود آورده که هم دارای منفعت است و هم گنگ و مبهم، هدیه‌ی داده شده از سوی خداوند و از ملزومات زندگی.

موضوع خاص: پیمان

Special Topic: Covenant

اصطلاح عهد عتیقی berith (KB157, BDB 136) به معنی "پیمان" را نمی‌توان به راحتی ترجمه کرد. هیچ فعلی که با این اصطلاح همخوانی داشته باشد در زبان عبری وجود ندارد. تمامی تلاشها برای مشتق و استخراج کردن و تعریف یک مفهوم ایدئولوژیک یا معنی دار نامتقاعد کننده بوده

اند. احتمالا بهترین حدس "قطع کردن" باشد (BDB 144) که دلالت بر حیوان قربانی باشد که همراه پیمان است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۰: ۱۷). با این حال، محور اصلی این مفهوم استاتید را وادار کرد تا کاربرد واژه را مورد بررسی قرار دهند و تلاش کنند معنی عملی آن را دریابند. پیمان ابزاری است که توسط آن یک خدای واقعی (موضوع خاص: یکتا پرستی را مطالعه کنید) با مخلوقات انسانی سر و کار دارد. مفهوم پیمان، عهد، یا موافقتنامه در درک مکاشفه انجیلی بسیار حساس است. تنش میان سلطه خدا و اراده آزاد انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می‌شود. برخی از پیمانها انحصارا بر اساس شخصیت و اعمال خدا هستند.

۱. خود خلقت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲)

۲. مقاومت و وعده به نوح (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶ الی ۹)

۳. فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲)

۴. پیمان با ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵)

با این وجود، ماهیت طبیعی خود پیمان نیازمند پاسخ به آن است.

۱. با ایمان آدم باید از خدا اطاعت کند و میوه وسط عدن نخورد.

۲. با ایمان نوح باید یک کشتی عظیم دور از دریا بسازد و حیوانات را گردآوری کند

۳. با ایمان ابراهیم باید خانواده خود را ترک کند، از خدا پیروی کند، و به وارثین آینده اعتماد کند.

۴. با ایمان موسی باید اسرائیلیان را از مصر بیرون برده به کوه سینا ببرد و راهنماییهای خاص برای زندگی دینی و اجتماعی با وعده نعمت و

لعن دریافت کند (مراجعه شود به لاویان ۲۶، کتاب تثنیه ۲۷ ای ۲۸).

مشابه همین تنش در مورد رابطه خدا با انسان در پیمان جدید مطرح شده است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، عبرانیان ۷: ۲۲، ۸: ۶ و ۸ و ۱۳، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴). این تنش را به راحتی می‌توان با مقایسه حزقیال ۱۸: ۳۱ با حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸ دید (اعمال یهوه). آیا پیمان بر اساس اعمال ناشی از لطف خدا است یا پاسخ اجباری انسان؟ این یک نکته داغ میان پیمان قدیم و پیمان جدید است. اهداف هر دو یکی هستند:

۱. احیا رابطه با یهوه که در کتاب پیدایش ۳ از بین رفت

۲. ایجاد مردمی پارسا که منعکس کننده شخصیت خدا هستند.

پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ این تنش را با حذف عملکرد انسان به عنوان ابزاری برای مقبول شدن برطرف می‌کند. قانون خدا به جای کدی برونی قانونی تبدیل به میل درونی می‌شود. هدف مردم خداپرست و پارسا تغییر نمی‌کند، بلکه روش‌ها تغییر می‌کنند. انسان گمراه اثبات کرد که نمی‌تواند انعکاس مناسبی از تصویر خدا باشد. مسئله پیمان خدا نبود، بلکه ضعف و گناهکاری انسان بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳، رومیان ۷، غلاطیان ۳).

تنش مشابهی میان پیمان مشروط و غیر مشروط عهد عتیق همچنان در عهد جدید باقی می‌ماند. رستگاری مطلقا با کار خاتمه یافته عیسی مسیح رایگان است، ولی نیازمند توبه و ایمان است (هم در آغاز و هم اینکه باید استمرار داشته باشد، موضوع خاص: ایمان به عهد جدید را مطالعه کنید). عیسی رابطه جدید خود با مومنین را "یک پیمان جدید" می‌نامد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۲۸، انجیل مرقس ۱۴: ۲۴، انجیل لوقا ۲۲: ۲۰، اول قرنیتیان ۱۱: ۲۵). این یک اعلامیه رسمی و قانونی و یک فراخواندن به همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنیتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵)، یک اعلام خبری از پذیرش (رومیان ۴) و امر به مقدس بودن (انجیل متی ۵: ۴۸)! مومنین با عملکرد خود نجات پیدا نمی‌کنند، بلکه با اطاعت (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰، دوم قرنیتیان ۳: ۵ الی ۶). زندگی خداپسندانه تبدیل به شاهدهی برای رستگاری می‌شود، نه ابزاری برای رستگاری (یعنی یعقوب و اول یوحنا). با این حال، زندگی جاویدان مشخصه‌های قابل مشاهده ای دارد! این تنش به وضوح به عنوان هشدار در عهد جدید دیده می‌شود (به موضوع خاص: ارتداد مراجعه کنید).

۲: ۲۳ "آن نوشته" این عبارت اشاره، همچون رومیان ۳: ۴ و غلاطیان ۳: ۶، به کتاب پیدایش ۱۵: ۶ دارد. یعقوب معتقد است که محتوای این آیه توسط کارهایی که بعداً ابراهیم بواسطه تبعیت از دستور خداوند برای تقدیم اسحاق، فرزندی که وعده داده شد، بعنوان یک قربانی بر روی کوه موریا (پیدایش ۲۲) به مذبح انجام داد، کامل گردیده است.

▣ "دوست خدا" در عهد عتیق ابراهیم دو بار با این عنوان خوانده شده است (۲ تواریخ ۷: ۲۰؛ اشعیا ۱۴: ۸)

۲: ۲۴ "می‌بینید" این عبارت جمع بسته شده است. یعقوب اکنون شنوندگان یا خوانندگان خود را مورد خطاب قرار داده است.

▣ "به اعمال است" به یادداشت یعقوب ۲: ۲۱ مراجعه نمایید.

۲:۲۵ "راحابِ روسپی" وی نشان دهنده بالاترین سطح بخش خداوند و نیروی توبه در یهودیت بود (روسپی کنعانی، یوشع ۲). وی در عین حال از نوادگان عیسی محسوب می‌گردد (متی ۱۴). عیسی برای نشان دادن و اثبات منظور خود از دو نفر که حد اعلای گناه را داشتند، یعنی ابراهیم و راحاب استفاده کرده است.

۲:۲۶ محبت فعال در حقیقت همچون کاربرد نفس کشیدن در بدن انسان است. ما می‌توانیم آنچه را که یعقوب از ایمان بدون روح و مرده بعنوان (۱) دیو سیرت، یعقوب ۲: ۱۹؛ ۲) پوچ و بی‌محتوا، یعقوب ۲: ۲۰؛ و ۳) مرگ، یعقوب ۲: ۲۶ یاد کرده، خلاصه نماییم.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. ایمان چیست؟
۲. حداقل ملزومات انجیلی برای نجات و رستگاری را تعریف کنید.
۳. آیا پولس و یعقوب با یکدیگر تضاد داشتند؟ چرا بلی و چرا خیر؟
۴. چرا پول هر دو از ابراهیم بعنوان مثال استفاده کردند؟
۵. راه‌هایی را که راحاب نقطه‌ی مقابل ابراهیم بوده فهرست‌وار بیان کنید.
۶. "کارهای" الزامی یعقوب چگونه با نفس مسیحیان ارتباط می‌یابد؟

يعقوب ۳

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
آن زبان ۵-۱:۳	زبان غیرقابل توصیف ۱۲-۱:۳	حکمت راستین ۵-۱:۳	آن زبان ۵-۱:۳	زبان مهار نشده ۲-۱:۳ ۱۲-۲:۳
۱۲-۵:۳	حکمت آسمانی در برابر حکمت دیوان	۱۲-۵:۳	۱۲-۵:۳	حکمت راستین و نقطه مقابل آن
حکمتی از آسمان ۱۸-۱۳:۳	۱۸-۱۳:۳	۱۸-۱۳:۳	۱۸-۱۳:۳	۱۸-۱۳:۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به آیات ۱:۳-۱۲

A. کلام انسانی موضوع تکراری در رساله یعقوب است (یعقوب ۱:۱۹، ۲۶؛ ۲:۱۴؛ ۳:۱۲-۱۱؛ ۴:۱۱، ۱۲؛ ۵:۱۲). وی تقریباً در هر فصل، از زوایای متفاوتی به این موضوع می‌پردازد. سخنگویی بخشی از تصویربست که خداوند از بشر دارد (یعقوب ۳:۹).

B. کلام یک فرد، همچون اعمال وی که در یعقوب ۲:۱۴-۲۶ به موضوع آن پرداخته شد، جهت‌دهی روحانی وی را مشخص می‌نماید (متی ۱۲:۳۷).

C. زبان انسان می‌تواند برکت بزرگی برای وی باشد، اما اگر مهار شده و توسط خداوند نیرو گیرد. اما در عین حال اگر در دستان شیطان قرار گیرد می‌تواند تبدیل به نیروی مهلکی گردد.

D. فزاینده‌ای از کتاب امثال درباره نیروی کلامی بشر

۱. قوه سخنگویی در انسان به ما کمک می‌کند تا درباره چگونگی احساس خود نسبت به زندگی با دیگران ارتباط برقرار نماییم. لذا، در واقع این قوه شخصیت ما را عیان می‌سازد (امثال ۱۸:۲؛ ۴:۲۳، ۲۰-۲۷). سخن بشر همچون آزمایش اسید بر روی بدن فرد است (امثال ۷:۲۳).

۲. ما مخلوقات اجتماعی خداوند هستیم. دغدغه ما پذیرفته و تأیید شدن توسط دیگر افراد جامعه است. ما چنین چیزی را هم از خداوند و هم سایر انسان‌ها می‌طلبیم. کلام انسان نیروی رساندن ما به این نیازها را بوجود می‌آورد، هم از راه‌های مثبت (امثال ۱۷:۱۰) و هم از راه‌های منفی (امثال ۱۲:۱۸).

۳. در کلام انسان نیروی شگفت‌انگیز و در عین حال مهیبی نهفته است (امثال ۱۹:۲۰-۲۱). این زبان توان برکت و شفا دادن (امثال ۱۰:۱۱، ۱۲) و توان نفرین و نابود کردن را دارد (امثال ۹:۱۱).

۴. ما هر آنچه را که بکاریم، درو خواهیم کرد (امثال ۱۲:۱۴).

قوانندی از کتاب امثال پیرامون کلام انسان

۱. عامل بالقوه نیروی تخریبی و منفی کلام انسانی

a. کلام انسانهای شریر (امثال ۱۱:۱-۱۹؛ ۱۰:۶؛ ۱۱:۹؛ ۱۱:۱۲-۵)

b. کلام انسانهای زناکار (امثال ۵:۲-۵؛ ۶:۲۴-۳۵؛ ۷:۵؛ ۹:۱۳-۱۸؛ ۲۲:۱۴)

- c. کلام انسانهای دروغگو و ریاکار (امثال ۶:۱۲-۱۵، ۱۷، ۱۹؛ ۱۰:۱۸؛ ۱۲:۱۷-۱۹، ۲۲؛ ۱۴:۵، ۲۵؛ ۷:۴؛ ۱۹:۵، ۹، ۲۸؛ ۲۱:۲۸؛ ۲۴:۲۸؛ ۲۵:۱۸؛ ۲۶:۲۳-۲۸)
- d. کلام انسانهای احمق (امثال ۱۰:۱۰؛ ۱۴:۱۴؛ ۳:۱۴؛ ۱۵:۱۴؛ ۱۸:۶-۸)
- e. کلام شاهدان دروغین (امثال ۶:۱۹؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۹:۵، ۹، ۲۸؛ ۲۱:۸؛ ۲۴:۲۸؛ ۲۵:۱۸)
- f. کلام یک شایعه‌پراکن (امثال ۶:۱۴، ۱۹؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۶:۲۷-۲۸؛ ۲۰:۱۹؛ ۲۵:۲۳؛ ۲۶:۲۰)
- g. کلامی که بدون فکر و سرعت از دهان خارج گردد (امثال ۶:۱-۵؛ ۱۲:۱۸؛ ۲۰:۲۵؛ ۲۹:۲۰)
- h. کلام انسانهای متملق و چاپلوس (امثال ۲۹:۵)
- i. زیاده سخن گفتن (امثال ۱۰:۱۴، ۱۹؛ ۲۳:۱۱؛ ۱۳:۱۱؛ ۱۶:۳؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۲۳؛ ۵:۲؛ ۱۷:۲۷-۲۸؛ ۱۸:۲؛ ۲۱:۲۳؛ ۲۹:۲۰)
- j. کلام انحرافی (امثال ۱۷:۲۰؛ ۱۹:۱)
۲. عامل بالقوه نیروی شفا بخش تقدیس کننده کلام انسانی
- a. کلام حق (امثال ۱۰:۱۱، ۲۰-۲۱، ۳۱-۳۲؛ ۱۲:۱۴؛ ۱۳:۲؛ ۱۵:۲۳؛ ۱۶:۱۳؛ ۱۸:۲۰)
- b. کلامی که منجر به تشخیص و تمیز دادن گردد (امثال ۱۰:۱۳؛ ۱۱:۱۲)
- c. کلام حکمت (امثال ۱:۱۵، ۴، ۷، ۸؛ ۲۰:۱۵)
- d. کلام شفا بخش (امثال ۱۵:۴)
- e. کلامی که از یک پاسخ ملایم نشأت می‌گیرد (امثال ۱:۱۵، ۴، ۱۸، ۲۳؛ ۱۰:۱۶؛ ۱۵:۲۵)
- f. کلامی که از یک پاسخ لذت بخش نشأت می‌گیرد (امثال ۱۲:۲۵؛ ۱۵:۲۶؛ ۳۰:۱۶؛ ۲۴)
- g. کلام قانونی (امثال ۱۷:۲۱-۲۲)
- قوائد عهد جدید پیرامون کلام انسانی
۱. کلام انسان ما را قادر می‌سازد تا درباره چگونگی احساس خود نسبت به زندگی با دیگران ارتباط برقرار کنیم، لذا، این نیرو شخصیت واقعی ما را عیان می‌سازد (متی ۱:۱۵-۲۰؛ مرقس ۷:۲-۲۳)
۲. ما انسانهای اجتماعی هستیم. دغدغه ما پذیرفته و تأیید شدن توسط سایرین است. ما این را هم از خدا و هم از اطرفیان خود می‌طلبیم. کلام ما این توان را دارد که به این نیازها دست یابیم، هم از راه‌های مثبت (۲ تیموتائوس ۳:۱۵-۱۷) و هم از راه‌های منفی (یعقوب ۳:۲-۱۲).
۳. در کلام بشر نیروی شگفت‌انگیز و در عین حال مهلکی نهفته است؛ این نیرو می‌تواند برکت دهد (افسیان ۴:۲۹) و می‌تواند نفرین کند (یعقوب ۳:۹). ما نسبت به هر آنچه که بر زبان می‌آوریم، مسئول هستیم (یعقوب ۳:۲-۱۲).
۴. ما بواسطه آنچه که بر زبان می‌آوریم مورد داوری قرار خواهیم گرفت (متی ۱۲:۳۳-۳۷؛ لوقا ۶:۳۹-۴۵) همانطور که بواسطه رفتار و کردار خود داوری خواهیم شد (متی ۲۵:۳۱-۴۶). ما هر آنچه را که بکاریم، درو خواهیم کرد (غلاطیان ۶:۷).
- E. در این رابطه می‌توانید بحث جالبی را پیرامون "مطالعه بر روی زبان از زاویه‌ی کتاب مقدس" در کتاب *Foundations of Contemporary Interpretation*، ویرایش Moises Silva صفحات ۲۰۴-۲۱۷ دنبال نمایید.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۳:۱-۵ (قسمت اول)

۱ برادران من، مباد که بسیاری از شما در پی معلم شدن باشند، زیرا می‌دانید که بر ما معلمان، داوری سخت‌تر خواهد شد. ^۲ اما همه بسیار می‌لغزیم. اگر کسی در گفتار خود نلغزد، انسانی کامل است و می‌تواند تمامی وجود خود را مهار کند.

۳ ^۳ ما با لگام نهادن بر دهان اسب، آن را مطیع خود می‌سازیم و بدین وسیله می‌توانیم تمامی بدن حیوان را به هر سو هدایت کنیم.

۴ ^۴ همچنین سگانی کوچک می‌توانند کشتی بزرگی را که فقط بادهای نیرومند آن را به حرکت درمی‌آورد، به هر سمتی که ناخدا بخواهد هدایت کند. ^۵ به همین‌سان، زبان نیز عضوی کوچک است، اما ادعاهای بزرگ دارد.

۱:۳ "بسیاری از شما" این عبارت نشان‌دهنده گرایش بخش بزرگی از کلیسا به تقاضا برای صحبت کردن در طول برگزاری جلسات گروهی است (۱ قرن‌تبار ۴۰-۱۴:۲۶). برنامه‌های پرستشی در کلیسای اولیه پویا و بدون ساختار بود.

□ "معلم شدن" این یک جمله دستوری حال کامل (deponent) با بار منفی بوده که بمعنی توقف عملی در حال اجرا است. این بخش از سخنان یعقوب با مسئولیت رهبران مسیحی آغاز می‌گردد اما براحتمی به مسئولیت در ارتباط با کلام برای همه مسیحیان تبدیل می‌گردد.

■ **«معلمان»** به نظر می‌رسد که در اینجا منعکس کننده (۱) برنامه‌های نیایش در کلیسای اولیه بوده باشد، این برنامه‌ها جایی برای شرکت‌کنندگان بودند تا سخن گویند؛ و یا (۲) مکان ارج نهادن به ربی در جامعه یهودیان. آموزش دادن بعنوان یکی از هدایای روحانی عطا شده از سوی خداوند در اول قرن‌تین ۲۸:۱۲ و ۲۶:۱۴ ثبت گردیده است. همچنین یکی از نمادهای کاربردی برای یک واعظ محسوب گردیده است (۱ تیموتائوس ۳:۱-۲؛ افسسیان ۴:۱۱). در کتاب اعمال رسولان ۱:۱۳، تعلیم دادن با انبیا ارتباط داده شده است. اما در اینجا بعنوان یکی از گزینه‌ها برای همه ایمانداران دیده می‌شود.

باور الهیاتی من اینگونه است که همه ایمانداران در برخی مراحل کاربردی از این هدایا سهیم هستند. مطمئناً ما نخواهیم پذیرفت که یک مسیحی بگوید

۱. من از نعمت دعا کردن بهره نبرده‌ام، پس دعا نمی‌کنم

۲. من از نعمت بخشیدن بهره نبرده‌ام، پس دستی برای بخشش ندارم

۳. من از نعمت بشارت کلام خدا بهره نبرده‌ام، لذا شاهد نخواهم بود

ما می‌توانیم اذعان داریم که این فعالیت‌ها مختص همه ایمانداران است. خداوند برخی از نعمات خود را برای خدمات و برنامه‌های تأثیرگذار در این حوزه‌ها عطا کرده، ولی همه ایمانداران در این حوزه‌ها دارای مسئولیت هستند.

■ **«برادران من»** به یادداشت یعقوب ۲:۱ و ۹:۱ مراجعه نمایید.

■ **«بر ما»** یعقوب خود را در این گروه‌ها دخیل می‌داند. پولس خود را یک واعظ، رسول و معلم خطاب می‌کند (۲ تیموتائوس ۱:۱۱). همه ایمانداران حداقل دارای یک نعمت روحانی عطا شده از سوی خداوند هستند (۱ قرن‌تین ۱۲)، اما برخی بیشتر دریافت کرده‌اند.

■ **«بر ما، داورِ سخت‌تر خواهد شد»** دانش و رهبری مسئولیت‌بزرگتری به‌همراه خود دارند (لوقا ۱۲:۴۸؛ ۱ قرن‌تین ۳:۱۰-۱۵). من معتقدم که عهد جدید درجاتی از برکت و مجازات را آموزش می‌دهد.

موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات

Special Topic: Degrees Of Rewards And Punishment

A. پاسخ مناسب یا نامناسب به خدا بر اساس سطح دانش فرد است. هر اندازه میزان دانش فرد کمتر باشد، مسئولیت او نیز کمتر است. بر خلاف

این امر هم درست است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲:۴۵)

B. دانش در مورد خدا از دو شیوه ابتدایی حاصل میشود

۱. خلقت (مراجعه شود به مزمور ۱۹، رومیان ۱ الی ۲)

۲. کتاب مقدس (مراجعه شود به مزمور ۱۹، ۱۱۹، عیسی آنطور که در عهد عتیق آشکار شد)

C. شواهد عهد عتیق

۱. پاداشها

a. کتاب پیدایش ۱:۱۵ (معمولاً همراه با پاداش زمینی، زمین و پسران همراه است)

b. لاویان ۱:۲۶ الی ۱۳، کتاب تثنیه ۱:۲۸ الی ۱۴ و ۵۸ الی ۶۸ (اطاعت از پیمان نعمت همراه دارد)

c. دانیال ۳:۱۲

۲. مجازاتها - لاویان ۲۶:۱۴ الی ۳۹، تثنیه ۲۷:۱۵ الی ۲۶، ۲۸:۱۵ الی ۳۷ (نافرمانی از پیمان لعن و نفرین همراه دارد)

۳. الگوی عهد عتیقی پاداش برای فرد پارسای تحت پیمان به واسطه گناه انسانی تغییر یافته است. این تغییر در یعقوب و مزمور ۷۳ (یعنی

"آن دو شیوه"، مراجعه شود به تثنیه ۳۰:۱۵ و ۱۹، مزمور ۱) دیده میشود. عهد جدید تمرکز را از عمل به فکر منتقل می‌کند (مراجعه شود به مؤتظه کوه، انجیل متی ۵ الی ۷).

D. شواهد عهد جدید

۱. پاداشها (فراسوی رستگاری)

a. انجیل مرقس ۹:۴۱

b. انجیل متی ۵:۱۲ و ۴۶، ۱:۶ الی ۴، ۵ الی ۶، ۶ الی ۱۸، ۱۰:۴۱ الی ۴۲، ۱۶:۲۷، ۱۴:۲۵ الی ۲۳

c. انجیل لوقا ۲۳:۶ و ۳۵، ۱۹:۱۱ الی ۱۹، ۲۵ الی ۲۶

۲. مجازاتها

a. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰

b. انجیل لوقا ۱۰:۱۲، ۱۲:۴۷، ۱۲:۴۸، ۱۹:۲۰ الی ۲۴، ۲۴:۴۷

c. انجیل متی ۵:۲۲ و ۲۹ و ۳۰، ۷:۱۹، ۱۰:۱۵، ۲۸، ۱۱:۲۲ الی ۲۴، ۱۳:۴۹ الی ۵۰، ۱۸:۶، ۱۴:۲۵ الی ۳۰

d. یعقوب ۳:۱

E. از نظر من تنها قیاسی که معنی می‌دهد، از اپرا است. من در برنامه های اپرا شرکت نمیکنم بنابراین آن را درک نمیکنم. هر قدر بیشتر در مورد سختی و پیچیدگی موسیقی و رقص می‌فهمیدم، بیشتر اجرا را تحسین می‌کرد. من باور دارم که بهشت جام های ما را لبریز می‌کند، ولی فکر می‌کنم خدمت زمینی ما اندازه جام را تعیین می‌کند.

بنابراین، دانش و آگاهی و پاسخ بر مبنای آن آگاهی منتهی به پاداش و مجازات میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۷، انجیل لوقا ۱۲:۴۸، اول قرنتیان ۳:۸ و ۱۴، ۹:۱۷ و ۱۸، غلاطیان ۶:۷، دوم تیموتائوس ۱۴:۴۳). یک اصل معنوی هم وجود دارد - ما هر آنچه را که بکاریم درو خواهیم کرد! کمی بیشتر کاشتن و دروی بیشتر (مراجعه شود به انجیل متی ۸:۱۳ و ۲۳).

F. "تاج پارسایی" کار عیسی مسیح است که ما آن را پایان دادیم (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴:۸)، ولی توجه کنید که "تاج زندگی" به

استقامت در طی محاکمه بستگی دارد (مراجعه شود به یعقوب ۱:۱۲، مکاشفه ۲:۱۰، ۳:۱۰ الی ۱۱). "تاج جلال" برای رهبران مسیحی مرتبط با شیوه زندگی آنان است (مراجعه شود به اول پطرس ۵:۱ الی ۴). پولس میداند که او یک تاج همیشگی دارد، ولی شدیداً خود را کنترل میکرد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹:۲۴ الی ۲۷).

راز زندگی مسیحی این است که از کار خاتمه یافته مسیح آزاد است، ولی از آنجا که ما باید از طریق مسیح به پیام خدا پاسخ دهیم، ما همچنین باید به اقتدار زندگی مسیحی وار پاسخ دهیم. زندگی مسیح گونه به همان اندازه رستگاری ماورا الطبیعی است، با این حال ما باید آن را دریافت کرده و حفظ کنیم. پارادوکس رایگان ولی با هزینه هر چیزی راز پاداشها و کاشت/برداشت است. ما با کارهای خوب نجات نمی‌یابیم، بلکه به خاطر کارهای خوب نجات می‌یابیم (مراجعه شود به افسسیان ۲:۸ الی ۱۰). کارهای خوب شاهدهی هستند که ما او را دیده ایم (مراجعه شود به انجیل متی ۷). سزاواری انسان در زمینه رستگاری به تخریب منتهی می‌شود، ولی به زندگی خدا پسندانه پاداش داده می‌شود.

۳:۲

"ما همه بگونه‌های مختلف می‌لغزیم"	NASB
"ما همه در بسیاری چیزها می‌لغزیم"	NKJV
"همه ما زیاد اشتباه می‌کنیم"	NRSV
"همه ما اغلب اشتباه می‌کنیم"	TEV
"همه ما مرتکب اشتباهاتی می‌شویم"	NJB

این یک جمله حال اخباری کامل بوده که خبر از تداوم همیشگی عملی می‌دهد. "لغزیدن" در قالب گناه به روش‌های گوناگون تعریف گردیده است. انجیل به ما می‌آموزد که همه مردم گناهکارند (پیدایش ۶:۵، ۱۱-۱۲، ۱۳، ۸:۲۱؛ پادشاهان ۸:۴۶؛ ۳ تواریخ ۶:۳۶؛ ایوب ۴:۱۷؛ ۹:۲؛ ۱۵:۱۴-۱۶؛ ۲۵:۴؛ مزمور ۱۴-۱۱؛ ۵۳:۱-۴؛ ۱۳۰:۳؛ ۱۴۳:۲؛ امثال ۹:۲۰؛ جامعه ۷:۲۰؛ رومیان ۳:۱۰-۱۸، ۱۹، ۲۹، ۲۳؛ غلاطیان ۳:۲۲؛ ایوحنا ۱-۸؛ ۱۰). این موضوع می‌تواند کتاب غیرشریعتی حکمت یهود، جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (یعقوب ۵:۱۳-۱۴؛ ۱:۱۴؛ ۱۶:۱۹؛ ۲۲:۲۲؛ ۲۸:۱۳-۲۶). ده‌ها اشاره در رساله یعقوب به این کتاب حکمت که در حدود سال ۱۸۰ پیش از میلاد نوشته شده، گردیده است. به نوعی می‌توان گفت که رساله یعقوب، ادبیات حکمت در عهد جدید محسوب می‌گردد.

▣ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است؛ همه انسان‌ها دچار لغزش می‌شوند.

▣ "کسی" یعقوب در رساله یعقوب ۲:۱۴-۲۶ به دغدغه خود پیرامون ایمان بدون عمل می‌پردازد. این بخش نشان می‌دهد که کلام فرد، به نوعی، عیان‌کننده شخصیت روحانی راستین او است. انجیل اهمیت سخنان ما را که بر زبان می‌آوریم، تصریح می‌کند (به دیدگاه‌های متنی بخش D مراجعه نمایید). ما بواسطه‌ی کلام خود شناخته شده و مورد داوری قرار می‌گیریم زیرا کلام ما شخصیت ما را نشان می‌دهد.

□ "انسانی کامل است" این عبارت، "کامل"، بمعنی "کاملاً مجهز شده"، "کاملاً رشد یافته"، "تکمیل شده"، یا "بالغ" بوده و بمعنی بی گناه نیست (رومیان ۷). یعقوب بدلیل تأکیدی که همواره بر ایمان عملی داشته، اغلب از این عبارت استفاده می کند (یعقوب ۱: ۴، ۱۷، ۲۵؛ ۲: ۲۲؛ ۳: ۲). عدم امکان تفکیک ایمان از سرسپردگی (¹Gnosticism) همواره از معضلات بوده است!

□ "می تواند تمامی وجود خود را مهار کند" قدرت مهار زبان نشانه ای از بلوغ به مثابه مسیح و دارا بودن مهار هوای نفس است (یعقوب ۱: ۲۶؛ غلاطیان ۲۳-۵: ۲۲).

۳: ۳ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است؛ اسبها رام و مطیع گشته اند.

۳: ۳-۵ در اینجا مثل خوبی عنوان گردیده تا بدانیم چگونه یک مورد کوچک می تواند اثری بزرگ از خود بجای گذارد: افسار/اسب، سکان/کشتی و جرقه/آتش. در نسخه های پاپیروس به زبان یونانی کوین که در مصر کشف شده، از اسب و کشتی بعنوان استعاره برای نشان دادن عوامل مهار کننده استفاده شده است.

۴: ۳ "کشتی بزرگ" رومیان یونانی دارای کشتی های بسیار بزرگی بودند. پولس سوار بر کشتی غله ای بود که علاوه بر محصولات بار زده شده، ۲۷۶ مسافر را نیز حمل می کرد. ژوزفوس می گوید که وی مسافر کشتی حامل ۶۰۰ مسافر بود. او ابعاد این کشتی را ۱۸۰x۶۵x۴۴ توصیف می کند.

۵: ۳ "ادعاهای بزرگ" در اینجا یعقوب یا به نیروی انسانی و یا "غرور" اشاره می کند.

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۵: ۳ قسمت دوم - ۱۲

جرقه ای کوچک می تواند جنگلی بزرگ را به آتش کشد. زبان نیز آتش است؛ دنیایی است از نادرستی در میان اعضای بدن ما که همه وجود انسان را آلوده می کند و دایره کائنات را به آتش می کشد - آتشی که جهنم آن را فروخته است!

^۲ انسان همه گونه حیوان و پرنده و خزنده و جاندار دریایی را رام می کند و کرده است، ^۸ اما هیچ انسانی قادر به رام کردن زبان نیست. زبان شرارتی است سرکش و پر از زهر کشنده!

^۹ با زبان خود خداوند و پدر را متبارک می خوانیم و با همان زبان انسانهایی را که به شباهت خدا آفریده شده اند، لعن می کنیم. ^{۱۰} از یک دهان، هم ستایش بیرون می آید، هم نفرین! ای برادران من، شایسته نیست چنین باشد. ^{۱۱} آیا می شود از چشمه ای هم آب شیرین روان باشد، هم آب شور؟ ^{۱۲} برادران من، آیا ممکن است درخت انجیر، زیتون بار آورد؟ یا درخت مو، انجیر بر دهد؟ به همین سان نیز چشمه شور نمی تواند آب شیرین روان سازد.

۵: ۳ (قسمت دوم) "جنگلی بزرگ" این عبارت را می توان به دو گونه ترجمه کرد: (۱) جنگل و یا (۲) "چوب و تخته انباشته شده". استعاره جرقه حکایت از نظر یعقوب پیرامون طبیعت مخرب و غیرقابل مهار شدن زبان دارد (یعقوب ۳: ۶-۸).

۶: ۳

NASB "دنیایی از شرارت و بی انصافی"

NKJV, NRSV "دنیای بی انصاف"

TEV "دنیای نادرست"

NJB "دنیایی نابکار"

بنظر می رسد که این عبارت بدین معناست که زبان بشر معرف اعمال ناصالح در دنیا است؛ این نکته غالباً شرارت پنهان قلب انسان را آشکار می کند. زبان می تواند همه چیز را آلوده کند. یعقوب از واژه "دنیا" (*Kosmos*) بصورت منفی در یعقوب ۱: ۲۷ و ۴: ۴ استفاده کرده است. به موضوع خاص *Kosmos* در یعقوب ۱: ۲۷ مراجعه نمایید.

NASB "زندگی ما را به آتش می کشد"

NKJV "طبیعت را به آتش می کشد"

¹ گنوستیسیم نامیست که امروزه به مجموعه اندیشه ها و آیینهای رازورانه و جهان گریز مذهبی برخاسته از اندیشه های دوگانه انگارانه ایرانی و یهودیت هیلنیستی و مسیحیت یهودی که از سده نخست و دوم میلادی در روم توسعه یافت، اطلاق می گردد.

این عبارت دقیقاً بمعنی "چرخه تولد" است. برای مطالعه این واژه نادر، به کتاب *World Studies in the New Testament*، نوشته M. R. Vincent جلد اول صفحات ۳۵۶-۳۵۷ مراجعه نمایید. بنظر می رسد که این عبارت بمعنی زندگی انسان از زمان تولد تا مرگ را تعریف می کند که می تواند حتی بر روی نسل های آینده نیز اثر گذارد. هر دوی این عبارات در یعقوب ۳:۶ قابلیت مخرب و افراطی کلام انسان را نشان می دهند.

موضوع خاص: آتش (KB 92, BDB 77)

Special Topic: Fire

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

A. مثبت

۱. گرمی (مراجعه شود به اشعیا ۴۴:۱۵، انجیل یوحنا ۱۸:۱۸)
۲. نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰:۱۱، انجیل متی ۲۵:۱ الی ۱۳)
۳. آشپزی (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲:۸، اشعیا ۴۴:۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۲۱:۹)
۴. پاک کننده (مراجعه شود به کتاب اعداد ۳۱:۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷:۳، اشعیا ۱:۲۵، ۶:۶ الی ۸، ارمیا ۶:۲۹، ملاکی ۳:۲ الی ۳)
۵. تقدس خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵:۱۷، کتاب خروج ۳:۲، ۱۹:۱۸، حزقیال ۱:۲۷، عبرانیان ۱۲:۲۹)
۶. رهبری خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳:۲۱، کتاب اعداد ۱۴:۱۴، اول پادشاهان ۱۸:۲۴)
۷. قدرت بخشیدن خدا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۳)
۸. محافظت خدا (مراجعه شود به زکریا ۲:۵)

B. منفی

۱. سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶:۲۴، ۸:۸، ۱۱:۱۱، انجیل متی ۲۲:۷)
 ۲. نابود کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۹:۲۴، لاویان ۱۰:۱ الی ۲)
 ۳. خشم (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۱:۲۸، اشعیا ۱۰:۱۶، زکریا ۱۲:۶)
 ۴. مجازات کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳۸:۲۴، لاویان ۲۰:۱۴، ۲۱:۹، یوشع ۷:۱۵)
 ۵. نشانه های اسکاتولوژیک دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳:۱۳)
- C. خشم خدا در برابر گناه اغلب به صورت تصویری از آتش بیان میشود
۱. خشم او میسوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸:۵، صفتیا ۳:۸)
 ۲. او آتش فرو میریزد (مراجعه شود به نحما ۱:۶)
 ۳. آتش ابدی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵:۱۴، ۱۷:۴، انجیل متی ۲۵:۴۱، یهودا آیه ۷)
 ۴. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۰، ۵:۲۲، ۱۳:۴۰، انجیل یوحنا ۱۵:۶، دوم تسالونیکیان ۱:۷، دوم پطرس ۳:۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸:۷، ۱۶:۸، ۲۰:۱۴ الی ۱۵)

D. آتش اغلب به عنوان تجلی خدا بیان میگردد

۱. کتاب پیدایش ۱۷:۱۵
۲. کتاب خروج ۳:۲
۳. کتاب خروج ۱۹:۱۸
۴. مزامیر ۱۸:۷ الی ۱۵، ۲۹:۷
۵. حزقیال ۱:۴ و ۲۷، ۲:۱۰
۶. عبرانیان ۱:۷، ۱۲:۲۹

E. همانند بسیاری از استعاره ها در انجیل (یعنی خمیرمایه، شیر) آتش میتواند بسته به متن نعمت یا نفرین باشد.

□ "آتشی که جهنم آن را فروخته است" این عبارت دقیقاً بمعنی "آتش زدن توسط جهنم" بوده، که اشاره به دره پسران هین نوم در جنوب اورشلیم دارد. این عبارت استعاره ایست که عیسی برای تنبیه و مکانی که انکار کنندگان خدا را به آنجا تبعید می کردند، استفاده می کرد. این مکان تبدیل به

زباله‌دانی برای اورشلیم شده بود زیرا این دره محلی در عهد عتیق بود که مردم با قربانی کردن فرزندان خود، خدای آتش را پرستش می‌کردند (۲ پادشاهان ۱۶:۳؛ ۱۷:۱۷؛ ۲۱:۶؛ ۲۳:۱۰؛ ۲ تواریخ ۲۸:۳؛ ۳۳:۶؛ ارمیا ۷:۷؛ ۳۱:۱۹؛ ۵۶:۵۶؛ لاویان ۱۸:۲۱). این استعاره اشاره به فعالیت شیطان در زندگی روزمره ما دارد. یعقوب باید شخصاً تأثیر منفی کلام را بر روی انسان تجربه یا مشاهده کرده باشد!

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (Sheol/Hades, Gehenna, Tartarus)

Special Topic: Where are the dead

۱. عهد عتیق

a. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) می‌روند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست، (BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است، بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲، ۱۷:۳۸).

b. مشخصه های شئول (*Sheol*)

- i. با داوری خدا همراه است (آتش)، تثنیه ۳۲:۲۲
- ii. زندانی با دروازه، یعقوب ۱۷:۳۸، مزمور ۹:۱۳، ۱۸:۱۰۷
- iii. سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۹:۷ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
- iv. سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲، ۱۳:۱۷، ۱۸:۱۸
- v. مکان سکوت، مزمور ۱:۲۸، ۱۷:۳۱، ۱۷:۹۴، ۱۷:۱۱۵، اشعیا ۵:۴۷
- vi. همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزمور ۴:۱۸ الی ۵
- vii. همراه با شیطان (تخریب، موضوع خاص: شیطان را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۶:۲۶، مزمور ۱۳۹:۸، عاموس ۲:۹
- viii. همراه با گودال است (قبر)، مزمور ۱۰:۱۶، ۳:۸۸ الی ۴، اشعیا ۱۵:۱۴، حزقیال ۳۱:۱۵ الی ۱۷
- ix. افراد شرور زنده وارد شئول می‌شوند، اعداد ۳۰:۱۶ الی ۳۳، یعقوب ۹:۷، مزمور ۱۵:۵۵
- x. انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۳۰:۱۶، امثال ۱:۱۲، اشعیا ۱۴:۵، حقیق ۵:۲
- xi. به مردم آنجا رفائیم (یعنی روح مردگان) گفته می‌شود، یعقوب ۵:۲۶، امثال ۱۸:۲، ۱۶:۲۱، ۱۴:۲۶، اشعیا ۹:۱۴ الی ۱۱
- xii. با این وجود، حتی در اینجا نیز یهوه حاضر است، یعقوب ۶:۲۶، مزمور ۸:۱۳۹، امثال ۱۱:۱۵

۲. عهد جدید

- a. کلمه عبری شئول در زبان یونانی به *Hades* ترجمه می‌شود (دنیای دیده نشده)
- b. مشخصه‌های *Hades* (همانند شئول است)
 - i. اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۸:۱۶
 - ii. به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱:۱۸، ۸:۶، ۱۳:۲۰ الی ۱۴
 - iii. اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، انجیل متی ۱۱:۲۳ (نقل از عهد عتیق)، انجیل لوقا ۲۳:۴۳
- c. احتمالاً مجزا شده (روحانیون)
 - i. بخش نیکی آن بهشت نامیده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴:۱۲، مکاشفه ۷:۲)، انجیل لوقا ۲۳:۴۳
 - ii. بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می‌شود، مکانی به مراتب پائینتر از *Hades*، دوم پطرس ۴:۲، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (*Abyss*)، انجیل لوقا ۳:۸، رومیان ۷:۱۰، مکاشفه ۱:۹ الی ۲ و ۱۱، ۷:۱۱، ۱۷:۱ و ۸، ۱:۲۰ و ۳
- d. جهنما (جهنم)
 - i. منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591, BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می‌شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۳:۱۶، ۶:۲۱، دوم قرنتیان ۳:۲۸، ۶:۳۳)، که در لاویان ۲۱:۱۸، ۲:۲۰ الی ۵ منع شده بود.

- ii. ارمیا این مکان را از محل عبات کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۳۲:۷، ۱۹:۶ الی ۷).
- این مکان تبدیل به محل داوری آتشین در اول انوش ۲۶:۹۰ الی ۲۷ و خویشان ۱:۱۰۳
- iii. یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله‌دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره‌های داوری جاودانی عیسی از این مکان می‌آیند (آتش، دود، کرمها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹:۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنما/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۳:۶).
- iv. استفاده عیسی از جهنم
۱. آتش، انجیل متی ۵:۲۲، ۱۸:۹، انجیل مرقس ۹:۴۳
 ۲. همیشگی، انجیل مرقس ۹:۴۸ (انجیل متی ۲۵:۴۶)
 ۳. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۱۰:۲۸
 ۴. همسو با شئول، انجیل متی ۵:۲۹ الی ۳۰، ۱۸:۹
 ۵. پلیدی را بیان می‌دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۲۳:۱۵
 ۶. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۲۳:۳۳، انجیل لوقا ۵:۱۲
 ۷. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۲:۱۱، ۶:۲۰ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۴۲ و ۵۰، مکاشفه ۱۹:۲۰، ۱۰:۲۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۸:۲۱). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از شئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۲:۴، یهودا ۶:۱ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۸:۳۱، مکاشفه ۹:۱ الی ۱۱، ۱:۲۰ و ۳) شود.
 ۸. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۲۵:۴۱
- e. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادس و شئول و جهنم که:
- i. همه انسانها به شئول/حادس بروند
 - ii. کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می‌شود، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادس را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.
 - iii. تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۹:۱۶ الی ۳۱ (ایلعازر و مرد ثروتمند) است. شئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تثبیه ۲۲:۳۲، مزمور ۱۸:۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی‌تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.
۳. حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ
- a. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی‌دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می‌کند که:
 - i. روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است
 - ii. روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است
 - iii. اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می‌شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می‌کند
 - b. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می‌کند
 - i. عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می‌کند، انجیل متی ۱۰:۲۸
 - ii. ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۱۲:۲۶ الی ۲۷، انجیل لوقا ۱۶:۲۳
 - iii. موسی و الیاس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷
 - iv. پولس تصریح می‌کند که در زمان آمدن دوم، مومنینی که با عیسی می‌آیند ابتدا بدن جدیدی می‌گیرند، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸
 - v. پولس تصریح می‌کند که مومنین در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می‌گیرند، اول قرنتیان ۱۵:۲۳ و ۵۲
 - vi. پولس تصریح می‌کند که مومنین به حادس نمی‌روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵:۶ و ۸، فیلیپیان ۱:۲۳. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۳:۱۸ الی ۲۲.
۴. بهشت
- a. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است

- i. اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱: ۱ و ۸، اشعیا ۵: ۴۲، ۴۵: ۱۸
- ii. بهشت درخشان، پیدایش ۱۴: ۱، تثنیه ۱۰: ۱۴، مزبور ۴: ۱۴۸، عبرانیان ۴: ۱۴، ۷: ۲۶
- iii. محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۸: ۲۷، مزبور ۴: ۱۴۸، افسسیان ۴: ۱۰، عبرانیان ۹: ۲۴ (بهشت سوم، دوم قرنیتیان ۲: ۱۲)
- b. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی‌کند، احتمالاً به این دلیل که انسان گمراه نمی‌تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۲: ۹)
- c. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۴ الی ۳) و هم فرد (دوم قرنیتیان ۶: ۵ و ۸) است. بهشت می‌تواند باغ احیا شده عدن باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می‌گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۱، رومیان ۸: ۲۱، دوم پطرس ۳: ۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می‌شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر است.
- با این حال، این می‌تواند استعاره‌ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۹: ۲۱ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی. اول قرنیتیان ۱۵ تفاوت‌های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می‌کند. اول قرنیتیان ۹: ۲ (نقل قولی از اشعیا ۴: ۶۴ و ۱۷: ۶۵) وعده بزرگی است. می‌دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳).
۵. منابع مفید

a. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*
 b. Maurice Rawlins, *Beyond Death's Door*

۷:۳ این آیه نشان دهنده ترتیب چهار مرحله‌ای آفرینش گونه‌های حیوانات در پیدایش ۱: ۲۶ و ۲: ۹ می‌باشد.

□ "رام" خداوند به بشر قلمرو عطا کرد (پیدایش ۱: ۲۶، ۲۸؛ جامعه ۱۷: ۴). انسانها هر گونه‌ای از حیوانات را می‌توانند اهلی و رام کنند، بجز خودشان!

۸:۳

NASB, NRSV "شریری خستگی ناپذیر و مملو از زهر کشنده"

NKJV "شریری سرکش، مملو از زهر کشنده"

TEV "شریر و زهری کشنده و مهارنشده"

NJB "آفتی آکنده از زهر کشنده که متوقف نمی‌گردد"

از این عبارت برای نشان دادن حرکت سریع نیش مار (پیدایش ۳: ۱، ۴-۵؛ مزبور ۱۰۴: ۳) و احتمالاً "معلمانی" که از شیطان الهام می‌گرفتند استفاده شده است.

در نسخه‌های یونانی تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

۱. خستگی ناپذیر (akatastaton) در نسخه‌های P، K، B، A، MSS، MS C و برخی نسخه‌های لاتین، Peshitta، Volgate، و ترجمه Coptic.

۲. مهارنشده (akastasheton) در نسخه MS C و برخی نسخه‌ها و کشیش‌های کلیسای اولیه.

این دو ترجمه با متن تطابق دارند. نسخه UBS4 با استناد به نسخه MSS به ترجمه شماره ۱ رتبه B داده است.

۹:۳ "خداوند و پدر را متبارک می‌خوانیم" این ساختار دستوری (یک حرف تعریف و دو اسم "گنگ و مبهم است. هم می‌تواند به عیسی و پدر (یعقوب ۲۷: ۱) و هم به یهوه به تنهایی اشاره داشته باشد. بیشتر ترجمه‌ها به دلیل ذکر انسان که از تصور خداوند آفریده شده، گزینه دوم را ترجیح می‌دهند. فقط در اینجا، عهد جدید است که این عبارت ظاهر می‌گردد.

برکات خداوند در میان یهودیان کنیسه‌ها شامل (۱) برکات مربوط به علم‌العبادات و (۲) دعا‌های فردی می‌گردد. مطمئناً این ساختار پیرو جلسات اولیه مسیحیان بوجود آمده بود. برای مطالعه بیشتر درباره "پدر" به موضوع خاص در یعقوب ۱: ۲۷ مراجعه نمایید.

□ "لعن می‌کنیم" این جمله خبری است (deponent). نفرین به معنای نادیده گرفتن مشکلات و بدی‌ها با استفاده از قدرت نام خدا است (لوقا ۲۸: ۲؛ رومیان ۱۲: ۱۴). در این متن می‌تواند اشاره به رقابت معلمان داشته باشد (یعقوب ۳: ۱۴).

□ "انسانهایی را که به شباهت خدا آفریده شده‌اند" این جمله وجه وصفی معلوم کامل است. بشر از تصویر و شباهت به خداوند آفریده شده (پیدایش ۱: ۲۶، ۲۷؛ ۱: ۵؛ ۶: ۹؛ ۱۱: ۷)، با وجود اخراج از بهشت و سقوط به زمین، همینگونه نیز باقی خواهند ماند (پیدایش ۹: ۶؛ ۱ قرنیتیان ۷: ۱). این آیه منعکس‌کننده ارزش و جایگاه بشر، چه غنی و چه فقیر، برده یا آزاد، مرد یا زن، یهودی یا غیریهودی می‌باشد (۱ قرنیتیان ۱۲: ۱۳؛

غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱). سخن زیان آور و شیربرانه نسبت کسی گفتن، به مثابه نکوهش کردن خدایبست که وی را آفریده است (مزمور ۱۳۹).
 واژه "شباهت" (تصویر) در کتاب پیدایش تعریف نگردیده است. نظریه‌های متعددی پیرامون اجزای تشکیل دهنده "تصویر در نظر خداوند" وجود دارد:
 (۱) حیات هوشمند؛ (۲) قابلیت‌های عقلانی؛ (۳) هوشیاری اخلاقی؛ و/یا (۴) انتخاب آگاهانه و خودخواسته.
 ۳: ۱۰-۱۲ این آیات بازتاب‌دهنده حقیقت نهفته در متی ۷: ۱۵ هستند. کلام انسان دارای پتانسیل نیرومندی برای نیکی کردن است، اما در عین حال از پتانسیل مهلکی نیز برای اعمال شیربرانه برخوردار است.

▣ "برادران من" به یادداشت یعقوب ۱: ۲ و ۱: ۹ مراجعه نمایید.

۱۲: ۳-۱۱ هر دو سؤال در یعقوب ۳: ۱۱ و ۱۲ انتظار پاسخ منفی را از مخاطب خود دارند.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
 این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. چرا باید بحث آموزش برای رفتارهای خاص مطرح گردد؟
۲. آیا درجات خاصی برای تنبیه فرد وجود دارد؟
۳. چرا کلام و سخن انسان حائز اهمیت است؟
۴. جهنم ("Gehenna") را در یعقوب ۳: ۶ تعریف کنید.

دیدگاه‌های متنی نسبت به رساله یعقوب، آیات ۳: ۱۳-۱۸

A. محتوای مرتبط با معلمان از آیات ۳: ۱-۱۲ ادامه یافته است. در اینجا هشدارهای متعددی داده شده است.

۱. داوری محض یک واقعیت است (یعقوب ۳: ۱)
۲. در کلام انسان همواره خطر وجود دارد (یعقوب ۳: ۲)
۳. زندگی باید آموزه‌ها را منعکس نماید (یعقوب ۳: ۱۳)
۴. رفتار و طرز برخورد متعارف انسان، یک الزام محسوب می‌گردد (یعقوب ۳: ۱۵)
۵. همواره جعل شیطانی وجود دارد (یعقوب ۳: ۱۵)

بنظر می‌رسد که این موضوع، مؤید حضور معلمان ناصالح در کلیسای اولیه (حتی امروز) بوده که ادعای روحانیت و بهره‌مند بودن از مکاشفه خاص از سوی خداوند، داشتند. با اینحال، برای ما باید گوشزد شود که باوجود اینکه ممکن است متن کلام خطاب به معلمان گفته شده باشد، اما واقعیت اینست که همه مسیحیان را مخاطب خود قرار داده است. همه مسیحیان باید از خداوند بخواهند که به آنان حکمت عطا نماید (یعقوب ۱۵).

همه مسیحیان باید بواسطه حکمت قدم برداشته و صحبت نمایند.

B. این بخش آزمونی را برای "معلمان" در نظر گرفته است.

C. بخاطر داشته باشید که سبک رساله یعقوب شبیه به ادبیات حکمت در عهد عتیق است. در عهد عتیق "حکمت" هم جهت‌دهی مذهبی داشت و هم برنامه‌ی کاربردی برای زندگی روزانه بود.

D. پولس از "میوه روح" در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ برای تعریف زندگی معقول یک مسیحی استفاده کرده بود، اما یعقوب از حکمت در عهد عتیق بهره برده است (امثال ۱: ۳؛ ۸: ۲۲؛ جامعه ۱: ۱). حکمت بیشتر از محتوا یا دیدگاه‌های اورتدکس بکار برده شده است. این موضوع بشکل جدا نشدنی، با سبک زندگی و انگیزه‌های شایسته افراد ارتباط دارد (متی ۱۱: ۱۹).

موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید

Special Topic: Vices And Virtues In The NT

فهرستهای هم تقواها و هم گناهان در عهد جدید مشترک هستند. اغلب آنها منعکس کننده فهرستهای فرهنگی و ربی هستند. فهرستهای عهد عتیق که مشخصه‌های متضاد آنها را بیان میدارد به شرح زیر است:

تقواها	فسادها
---	۱. پولس
رومیان ۱۲: ۹ الی ۲۱	رومیان ۱: ۲۸ الی ۳۲
	رومیان ۱۳: ۱۳

اول قرن‌تینان ۵: ۹ الی ۱۱	---
اول قرن‌تینان ۶: ۱۰	اول قرن‌تینان ۶: ۶ الی ۹
دوم قرن‌تینان ۱۲: ۲۰	دوم قرن‌تینان ۶: ۴ الی ۱۰
غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱	غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳
افسسیان ۴: ۲۵ الی ۳۲	---
افسسیان ۵: ۳ الی ۵	---
---	فیلیپیان ۴: ۸ الی ۹
کولسیان ۳: ۵ و ۸	کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۴
اول تیموتائوس ۱: ۹ الی ۱۰	---
اول تیموتائوس ۶: ۴ الی ۵	---
دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ الف و ۲۳	دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ ب و ۲۴
تیتوس ۱: ۷ و ۳: ۳	تیتوس ۱: ۸ الی ۹ و ۳: ۱ الی ۲
یعقوب ۳: ۱۵ الی ۱۶	یعقوب ۳: ۱۷ الی ۱۸
اول پطرس ۴: ۳	اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱
دوم پطرس ۱: ۹	دوم پطرس ۱: ۵ الی ۸
مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۲: ۱۵	---
۲. یعقوب	
۳. پطرس	
۴. یوحنا	

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۳: ۱۳-۱۸

۳ "کیست حکیم و خردمند در میان شما؟ بگذارید آن را با شیوه زندگی پسندیده خود نشان دهد، با اعمالی توأم با جلم که از حکمت سرچشمه می‌گیرد. ۴ اما اگر در دل خود حسد تلخ و جاه‌طلبی دارید، به خود مبالید و خلاف حقیقت سخن مگویید. ۵ چنین حکمتی از بالا نازل نمی‌شود، بلکه زمینی و نفسانی و شیطانی است. ۶ زیرا هر جا حسد و جاه‌طلبی باشد، در آنجا آشوب و هر گونه کردار زشت نیز خواهد بود.

۷ اما آن حکمت که از بالاست، نخست پاک است، سپس صلح‌آمیز و ملایم و نصیحت‌پذیر، و سرشار از رحمت و ثمرات نیکو، و بری از تبعیض و ریا! ۸ پارسایی، محصولی است که در صلح و صفا، و به دست صلحجویان کاشته می‌شود.

۱۳:۳ "کیست" بنظر می‌رسد که این عبارت، حکایت از ادامه سخنان انتقادی یعقوب از فصل ۱ باشد.

□ "حکیم و خردمند" این عناوین در عهد عتیق درباره کسی گفته می‌شد که قادر به عمل به حقایق کلام خدا در زندگی روزانه خود باشد. کسی که دارای چنین ویژگی‌هایی بود می‌توانست کاتب یا معلمی حرفه‌ای بوده باشد. "حکیم" و "خردمند" (۱) ممکن است دارای یک معنی (کتاب تثنیه نسخه LXX آیات ۱: ۱۳، ۱۵: ۴؛ ۶: ۲) ممکن است منعکس کننده مرز میان حکمت عملی و خرد عقلانی باشد. بخاطر داشته باشید که ایمانداران همواره باید برای درخواست حکمت و خرد از خداوند، مورد تشویق قرار گیرند (یعقوب ۱: ۵). نعمت "تعلیم" هم یک هدیه، هم سبکی برای زندگی و هم روش و رفتاری معقول و شایسته برای انسان است که از سوی خداوند عطا می‌شود.

□ "بگذارید ... نشان دهد" این یک جمله امری در دستور زبان آئوریست است؛ این موضوع، بحث رساله‌ی یعقوب ۲: ۱۴-۴۶ است.

□ "با شیوه زندگی پسندیده خود" نسخه King James بجای این جمله، عبارت "مکالمه‌ی پسندیده" را ثبت کرده که در سال ۱۶۱۱ پس از میلاد، بمنزله‌ی "سبک زندگی" محسوب می‌گردید. این مثال خوبی برای نشان دادن علت ادامه ارتقای ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس است، زیرا معانی و تواردهای واژگان اصلی در طول زمان دستخوش تغییرات می‌گردد. نسخه NKJV عبارت "سلوک پسندیده" را ترجمه کرده است.

□ "توأم با جلم" این عبارت بمعنی "قدرت مهار شده"ی حیوانات اهلی است. جلم، بمعنی ملایمت و مهربانی بوده و از یکی از ویژگی‌های منحصر بفرد مسیحیان بوده است. این ویژگی، سبک زندگی مسیح را تعریف می‌کند (متی ۱۱: ۲۹؛ ۲ قرن‌تینان ۱۰: ۱؛ فیلیپیان ۲: ۸). این ویژگی مدافع همه ایمانداران است (متی ۵: ۵؛ غلاطیان ۵: ۲۳؛ افسسیان ۴: ۲). مهربانی و فروتنی یکی از صفات‌های حکمت الهی است.

□ "از حکمت" این عبارت دقیقاً به معنی "حکمت مهربانی" است. در واقع این یک پارادوکس متحیر کننده برای بشر رانده شده از بهشت است! معلمان باید با فروتنی زندگی کرده و آموزش دهند.

خردی که یعقوب در مورد آن صحبت می کند، خردی نیست که مربوط به میزان اطلاعات آموخته شده و شدت و صحت استفاده از آنها باشد، بلکه خرد یک قلب و ذهن احیا شده است که به دنبال اراده خداوند بوده تا بتواند آن را انجام دهد.

۱۴:۳ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول بوده که کاربرد آن درست بنظر می رسد. آیات ۱۴-۱۶ از حکمت دروغین سخن می گویند. این آیه از وجود معلمانی سخن می گوید که صلاحیت تعلیم ندارند. کفرگویی و ارتداد معمولاً از سوی ایمانداران صادقی انجام می پذیرد که (۱) با بزرگنمایی یک حقیقت، سایر حقایق کتاب مقدس را نادیده می گیرد و یا (۲) مدعی دارا بودن یک دیدگاه خاص یا نیروی روحانی هستند.

معلمان دروغین دارای خصایص ذیل هستند:

۱. بهره برداری و استثمار مالی
۲. بهره برداری جنسی
۳. ادعای دارا بودن مکاشفه خاص

NASB "حسد تلخ"

NKJV, NRSV "رشک تلخ"

TEV "حسود، تلخ"

NJB "تلخی حسادت"

□ "جاه طلبی" واژه ای که برای این لغت بکار برده شده در واقع بمعنی "بدنبال استخدام بودن" است، اما بعداً این واژه بصورت استعاره ای خشن با اهداف سیاسی بکار برده شد (فیلیپیان ۱:۱۷). این واژه اشاره به یک آرزویی جاه طلبانه و از سر حسادت دارد - عبارتی که در میان رهبران بسیار متداول است: "یا آنچه که من می گویم را باید قبول کنید یا از اینجا بروید".

□ "در دل خود" این عبارت جایگاه شخصیتی یا هوشمندی است. به موضوع خاص در یعقوب ۲:۲۶ مراجعه نمایید.

□ "به خود مبالید و خلاف حقیقت سخن مگویید" اینها دو جمله دستوری با یک بار منفی هستند که بمعنی توقف عملی در حال اجرا می باشند. اعمال و کردار معلمان و رهبران نسبت به کلام آنها کارایی بیشتری دارند (متی ۱:۷-۱۰:۲۳. یعقوب ۲ بر روی متی ۷:۲۴-۲۷ تمرکز کرده است).
۱۵:۳ "از بالا" این بیان غیر مستقیم یکی از شیوه های ربیان برای اشاره به پیهو بوده است. احتمالاً این معلمان با نوای بلندی مدعی داشتن خرد و حکمت آسمانی بوده اند. به یادداشت کاملتر در یعقوب ۱:۱۷ مراجعه نمایید.

□ "زمینی" این عبارت نقطه مقابل آسمانی است.

NASB "طبیعی"

NKJV "حساس"

NRSV, TEV "غیرروحانی"

NJB "انسانی"

این لغت از ریشه یونانی *psuche* گرفته شده (منعکس کننده واژه عبری *nephesh*)، که بخشی از بشر است که در حیوانات نیز مشترک است. این واژه ره می توان طبیعی تعریف کرد که در نقطه مقابل، یا زمینی در نقطه مقابل آسمانی ماورالطبیعه خواهد بود. این امر احتمالاً اشاره به (۱) "نیت شریانه" (مفهوم عبری *yetzer hara*) در ذات بشر، و یا (۲) فردی که زندگی را بواسطه حواس پنجگانه دآوری می نماید، داشته باشد. لذا، می توان آن را در برابر امری روحانی و معنوی قلمداد کرد.

□ "شیطانی" این واژه مرتبط با موضوعی است که جنبه ماورالطبیعه داشته، اما از سوی خداوند نیست (۱ تیموتائوس ۴:۱؛ افسسیان ۶:۱۲). حضور حکمت شیطانی منجر به سردرگمی و در نهایت آموزه ها و اعمال شیطانی نیز می گردد (یعقوب ۳:۱۶). با اینحال، متن اینگونه نشان می دهد که این معلمان نه تنها آموزه هایی مبتنی بر دکنترین دروغین داشته، بلکه اخلاق و انگیزه های شیطانی نیز داشته اند (۲ پطرس ۲). شیاطین رساله ی یعقوب ۱۴:۲ بلحاظ دکنترین درست فکر می کردند، اما آنچه را که می دانستند در اعمال خود لحاظ نمی کردند. به موضوع خاص در یعقوب ۲:۱۹ مراجعه نمایید.

□ **"خالص"** واژه‌ی *hagnos* از ریشه‌ی مشابهی با "مقدس" (*hagios*) گرفته شده است. این واژه دلالت بر عاری بودن از انحراف اخلاقی دارد (یعقوب ۸:۴). همچون آیات ۱۴:۳-۱۶ که به تعریف حکمت غیرآسمانی پرداخته بود، آیات ۱۷-۱۸ نیز شامل فهرستی از حکمت‌های آسمانی می‌باشد. حکمت راستین بواسطه کردار خود شناخته می‌گردد. مفهومی که پولس از حکمت راستین و دروغین ارائه داد را می‌توان در ۱ قرنتیان ۱:۱۸ - ۳:۲۳ مشاهده کرد.

□ **"صلح‌آمیز"** واژه بکار برده شده در نسخه یونانی *eirēnē* است. از این واژه در نسخه Septuagint برای ترجمه واژه عبری *Shalom* استفاده گردیده بود. "صلح" در عهد عتیق معمولاً همراه بود با (۱) آتش‌بس در زمان جنگ و توازن قوا، و (۲) وجود سلامتی، سعادت، و درنهایت به این معنا که سلطنت مسیح و رستگاری فراروی ما قرار دارد (رومان ۱۵:۱۳). شکل کلمه‌ای که در اینجا بکار برده شده نیز در عبرانیان ۱۱:۱۲ دیده می‌شود.

□ **"ملایم"** کلمه یونانی *epiekēs* یعنی "استدلال شیرین" و یا "شکیبایی". این واژه این واژه بمفهوم تحمیل نظرات یا دیدگاه‌ها بودن شنیدن نظرات طرف مقابل و احترام به دیگران نمی‌باشد (فیلیپیان ۴:۵؛ ۱ تیموتائوس ۳:۳؛ تیتوس ۳:۲؛ ۱ پطرس ۲:۱۸).

□ **"نصیحت‌پذیر"** این واژه دلالت بر تمایل به شنیدن و اجابت کردن معقولانه و نه با خودخواهی یا خودپسندی دارد. این واژه فقط در اینجا، در عهد جدید دیده می‌شود (به یادداشت 4Macc. 12:6 مراجعه شود)، اما معنی مشابهی در نسخه پاپیروس مصری نیز دارد (Moulton, Milligan، صفحه ۲۶۳).

□ **"سرشار از رحمت"** این عبارات فقط حکایت از احساسات ندارند بلکه به کردار نیز مربوط می‌گردند. موضوع محبت و دلسوزی در کتاب مقدس در محبت ورزیدن و خدمت فعال تعریف می‌گردد، نه گرایش‌های احساسی. این واژه به متن بعدی وصل بوده و سخن از مراقبت از فقرا، نیازمندان و غریبه‌های گفته شده در یعقوب ۲:۱۵-۱۶ دارد. حکمت بدون عمل به مثابه مرگ است!

□ **"ثمرات نیکو"** این عبارت با "سرشار از رحمت" مرتبط است. این موضوع یکی از دغدغه‌های نیازمندان است. در کتاب فیلیپیان ۱:۹-۱۱ ("میوه پارسایی") با محبت، حکمت و بصیرت متصل است.

NASB	"ناگسستن"
NKJV	"بدون جانبداری"
NRSV, NJB	"عاری از هرگونه اثر از تبعیض"
TEV	"بری از تبعیض و ریا"

این واژه دلالت بر عاری بودن از هرگونه تبعیض و ریا و یا برخوردهای جانبدارانه داشته و می‌تواند به یعقوب ۲:۴ (بی طرف) و یا حتی یعقوب ۱:۶ (ناگسستن) اشاره داشته باشد.

□ **"ریا"** این واژه‌ای بود که در تأثر، و برای افرادی بکار برده می‌گردید که هرگز نقشی را به دلایل شخصی اجرا نکردند. این واژه سخن از اصلاتی شفاف دارد (رومان ۱۲:۹؛ ۲ قرنتیان ۶:۶؛ ۱ تیموتائوس ۱:۵؛ ۲ تیموتائوس ۱:۵؛ ۱ پطرس ۱:۲۲). این دو واژه‌ی آخر همچون دو واژه‌ی پیشین، یک جفت با معانی مرتبط را تشکیل می‌دهند.

□ **۱۸:۳ "پارسایی، محصولی است در صلح و صفا"** توجه داشته باشید که این محصول حکمت نیست؛ حکمت بدون پارسایی حکمت محسوب نمی‌گردد. پارسایی رسیده از خداوند نتیجه پارسایی فرزندان او است. همه‌ی زندگی - سر (دکترین)، قلب (انتخاب)، و دست (سبک زندگی) - تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر مسیر داده می‌شود.

□ **"کاشته می‌شود"** این یک جمله خبری مجهول است. تأکید این جمله بر عطا کردن است و نه گردهم آمدن! همه ما برخی انواع دانه‌ها را می‌کاریم. شما چه می‌کارید؟

□ **"به دست صلحجویان"** این عبارات منعکس کننده اشعیا ۳۲:۱۷ هستند (همچنین به یادداشت ۱۸:۱۱؛ هوشع ۱۰:۱۲ مراجعه نمایید). روشن است که یعقوب ۳:۱۸ در تضاد با یعقوب ۳:۱۶ می‌باشد.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. از کجا می‌توان فهمید که چه کسی از جانب خداوند سخن می‌گوید؟
۲. حکمت راستین و حکمت دروغین را تعریف کنید.
۳. چگونه غلاطیان ۵ و یعقوب ۳: ۱۳-۱۸ به یکدیگر مرتبط می‌گردند؟
۴. چگونه فصل ۳ به فصل ۲ مرتبط می‌گردد؟

يعقوب ۴

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
دوستی با دنیا	غرور منجر به نزاع می‌گردد	تضاد میان دلبستگیهای دنیوی و آسمانی (۱:۴ - ۶:۵)	دوستی با دنیا	اختلاف میان مسیحیان
۱۰ - ۱:۴	۶ - ۱:۴	۱۰ - ۱:۴	۶ - ۱:۴	۳ - ۱:۴ ۱۰ - ۴:۴
		فروتنی درمان دلبستگیهای دنیوی است		
	۱۰ - ۷:۴		۱۰ - ۷:۴	
داوری یک برادر	برادر خود را داوری نکنید		هشدار نسبت به داوری یکدیگر	
۱۲ - ۱۱:۴	۱۲ - ۱۱:۴	۱۲ - ۱۱:۴	۱۲ - ۱۱:۴	۱۱:۴ ۱۲:۴
هشدار در برابر فخرفروشی	فخر فروش فردا نباشید		هشدار در برابر فخرفروشی	هشدار برای ثروتمندان و خیره‌سرا (۱۳:۴ - ۶:۵)
۱۷ - ۱۳:۴	۱۷ - ۱۳:۴	۶:۵ - ۱۳:۴	۱۵ - ۱۳:۴ ۱۷:۴	۶:۵ - ۱۳:۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به آیات ۱:۴-۱۰

- A. سخن انتقادی (بلحاظ ادبی فن استفاده‌ی که فرد مخالف برای بیان پیامی) در بخش پیشین، در یعقوب آیات ۱:۴-۱۰ و به همراه ۲ سؤال که در آیه ۱:۴ مطرح گردیده، ادامه می‌یابد.
- B. این فصل به چالش‌های مسیحیان با ذات انسانی خود بعنوان بشر رانده شده از بهشت پرداخته، و با تأثیر خرد دنیوی در کلیسا تشدید می‌شود (۱ قرن‌تیا ۱-۲). این امر می‌تواند به رقابت رهبران کلیسا (معلمان، همچنین رجوع شود به ۱ قرن‌تیا ۳) در فصل ۳ مربوط بوده، که اعمال آنها بر روی تمام مسیحیان اثرگذار خواهد بود.
- C. این فصل تداوم چالش مسیحیان را با ذات دنیوی خود منعکس می‌کند. مسیحیان در چنین شرایطی "زناکاران"، "گناهکاران"، و "ریاکاران" خطاب گردیده‌اند. سه دشمن بشریت در این فصل معرفی گردیده است:
 ۱. ذات بشر رانده شده از بهشت (یعقوب ۱:۴، ۲، و احتمالاً ۵)
 ۲. نظم جهانی (یعقوب ۴:۴)
 ۳. شیطان (یعقوب ۷:۴)

- این سه دشمن در افسسیان ۲: ۳-۲ نیز دیده می‌شوند (کتاب *Christian Doctorin* نوشته W. T. Conner صفحات ۲۴۸-۲۴۹).
- D. کتاب *The Jerom Biblical Commentary* این آیات را بعنوان (۱) ریشه‌ای که سبب تضاد می‌گردد (یعقوب ۴: ۱-۶) و (۲) چاره‌ی کار (یعقوب ۴: ۷-۱۰) (ص. ۳۷۴) معرفی کرده است. این راهی صحیح برای نشان دادن رؤس مطالب این فصل است. این میحث به روش معقول بکارگیری زبان در فصل ۳ مرتبط می‌باشد.
- E. آیه ۵ به دلایل زیر مبهم است:
۱. مرجع متن مشخص نیست
 ۲. خواننده اصلی مشخص نیست (به کتاب *A Textual Commentary On the Greek NT* نوشته Bruce M. Metzger صفحه ۶۸۳ مراجعه نمایید).
- a. حالت فعل سبب شونده، *katōkisev*، که می‌تواند بمعنی "خدا باعث گردیده تا روح در ایمانداران حلول نماید" باشد (در نسخه‌های MSS P74, 8, A, B این چنین نوشته شده است)
- b. قالب فعل لازم، *katōkēsev*، که بمعنی حلول روح در ایمانداران است (در نسخه‌های MSS K, L, P چنین نوشته شده است)
۳. نشان‌گذارها در متن مشخص نیستند
- a. یک سؤال به نقل قولی نامشخص در نسخه‌های NASB, NKJV, NRSV, TEV, NJB, NAB منتهی می‌گردد (احتمالاً از یک نسخه‌ی دستنوشته یهودی گم شده نشأت گرفته است).
 - b. دو سؤال به نقل قولی در عهد عتیق (امثال ۳: ۳۴ از نسخه Septuagint) در یعقوب ۴: ۶ در نسخه‌های ASV, Moffatt و ترجمه‌های Phillips منتهی می‌گردد
۴. مفهوم "تا به حد حسادت مشتاق ماست" مشخص نیست.
- a. آروزی خداوند این است که روح وی بتواند زندگی ایمانداران را هدایت کند (خروج ۳۴: ۱۴؛ تثنیه ۲: ۲۴؛ ۶: ۱۴-۱۵). این مطلب یک مفهوم مثبت را بوجود می‌آورد، "فدایی" یا "حسود" و "روح بزرگ و نیرومند".
 - b. ذات بشر رانده شده از بهشت بدنبال لذت‌های دنیوی است (رومیان ۸: ۸-۱۰). این مطلب یک مفهوم منفی را بوجود می‌آورد، "رشک" و "روح کوچک و ضعیف".
۵. آیه ممکن است اشاره به یکی از موارد زیر داشته باشد
- a. محبت خداوند برای وفاداری مطلق به او
 - b. فساد کامل نوع بشر (یعقوب ۴: ۵)، اما توأم با رحمت خداوند (یعقوب ۴: ۶) (TEV).
- F. در آیات ۷-۱۰ مجموعه‌ای از ده جمله دستوری آئوریستی دیده می‌شود که فرامین مهمی را متذکر می‌گردند. این ساختار یادآور یکی از معلمان حکمت و انبیای عهد عتیق است.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۴: ۱-۱۰

^۱ از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ ^۲ حسرت چیزی را می‌خورید، اما آن را به دست نمی‌آورید. از طمع مرتکب قتل می‌شوید، اما باز به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید. جنگ و جدال بر پا می‌کنید، اما به دست نمی‌آورید، از آن رو که درخواست نمی‌کنید! ^۳ آنگاه نیز که درخواست می‌کنید، نمی‌یابید، زیرا با نیت بد درخواست می‌کنید تا صرف هوسرانیهای خود کنید.

^۴ ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد. ^۵ آیا گمان می‌برید کتاب بیهوده گفته است: «روحی که خدا در ما ساکن کرده، تا به حد حسادت مشتاق ماست؟» ^۶ اما فیضی که او می‌بخشد، بس فزونتر است. از همین رو کتاب می‌گوید:

«خدا در برابر متکبران می‌ایستد، اما فروتنان را فیض می‌بخشد.»

^۷ پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت. ^۸ به خدا نزدیک شوید، که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را پاک کنید، و ای دو دلان، دل‌های خود را طاهر سازید. ^۹ به حال زار بیفتید و ندبه و زاری کنید. خنده شما به ماتم، و شادی شما به اندوه بدل گردد. ^{۱۰} در حضور خدا فروتن شوید تا شما را سرافراز کند.

۱:۴ "از کجا..." تضاد میان ایمانداران و در کلیسا از خداوند نشأت نگرفته است! این تضادها (سؤال دوم انتظار پاسخ "مثبت" دارد) ریشه در ذات تجربیات بشر رانده شده از بهشت دارد (پیدایش ۳؛ ۶: ۱۱-۱۲، ۱۳).

ایمانداران، همچنین، باید در حالت تدافعی قرار داشته باشند (رومیان ۷-۸). در زمان نجات، نبرد معنوی شدیدی آغاز خواهد گردید!

"زبان" یعقوب ۳:۵ کلیسا را به آتش کشیده است!

۱. حمله به یکدیگر (یعقوب ۴:۱، ۱۱)

۲. دعاهای غیر متعارف و غیر معمول (یعقوب ۴:۲-۳)

۳. داوری یکدیگر (یعقوب ۴:۱۱)

۴. گفتار خصمانه‌ی رو در رو (یعقوب ۴:۱۳، ۱۶)

▣ "جنگ و جدال" اینها واژگان نظامی بوده که با تغییراتی جزعی در معنا بکار برده شده‌اند. واژه اول (*polemos*) اشاره به یک فضای کاملاً ارتشی دارد، در حالیکه واژه دوم (*maxē*) اشاره نبرد تن به تن می‌کند. ترجمه NJB سعی در تلفیق مفهوم این دو واژه دارد: "از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟" این دو جمله هم در اینجا و هم در یعقوب ۲:۴ بصورت استعاره‌ای برای نشان دادن نزاع میان افراد مسیحی بکار برده شده (۲ قرن‌تیا ۷:۵)، در حالیکه در دوم تیموتائوس ۲:۲۳ و تیتوس ۳:۹ به تضاد میان گروه‌های مسیحی اشاره کرده است.

▣ "امیالتان" مشابه همین واژه در آیه ۳ تکرار شده است. ما از این کلمه یونانی، واژه "hedonism" را در زبان انگلیسی گرفته‌ایم که فلسفه خوشی‌پرستی و تمتع از لذایذ زودگذر دنیوی، به هر قیمت می‌باشد! این واژه در عهد جدید سه بار بکار برده شده است؛ لوقا ۸:۱۴؛ تیتوس ۳:۳؛ و ۲ پطرس ۲:۱۳. این واژه همواره در حالتی منفی بکار می‌رود.

NASB "جنگ بپا کردن"

NKJV, NRSV "جنگ"

TEV "نبرد پایدار"

NJB "نبرد"

این جمله یک وجه وصفی حال کامل بوده که بر چالشهای روانی میان ایمانداران تأکید دارد (رومیان ۷). مفهوم اصلی این عبارت "سربازی رفتن" است. از این واژه یونانی ما واژه "استراتژی" را در زبان انگلیسی گرفته‌ایم (۱ پطرس ۲:۱۱).

▣ "درون اعضای شما" بدن فیزیکی ما منشأ شرارت نیست، شرور هم نیست (بر اساس تفکر یونانی)، اما قلمرو نبرد شیاطین محسوب می‌گردد (رومیان ۱۴-۱۲:۶). این موضوع یک مبحث بزرگ هستی‌شناسی میان فلاسفه یونان و مسیحیت انجیلی بوده است. این امکان وجود دارد که "اعضا" اشاره به بدن مسیح، یعنی کلیسا داشته باشد. مشخص نیست که این هشدار نسبت به کدام یک از این موارد داده شده است: (۱) اعضای درونی (ذات و طبیعت انسان)؛ (۲) اعضای بیرونی (مشکلات درون کلیسایی)؛ و یا (۳) هر دو.

۲:۴ نشان‌گذاریهای ادبی در این متن نامشخص است. یک همسوگرایی عمدی دو یا سه جانبه وجود دارد. محور آیه این است که ما در آرزوی چیزهایی هستیم که نمی‌توانیم بدست آوریم، بنابراین به جای اینکه از خدا بخواهیم و به امر او اعتماد نماییم، به اعمال خشونت آمیز متوسل شده تا آنها را به دست آوریم. عهد جدید پنجره‌ای را به خوانندگان امروزی ارائه می‌دهد تا به بحث تنوع و تفرقه در کلیسای اولیه بپردازد. کتاب رومیان تنشهای میان ایمانداران یهودی و رهبری ایمانداران غیریهودی در کلیسای روم باستان را عیان می‌نماید. کتاب اول قرن‌تیا روح تجزیه شده در کلیسای قرن‌تس را عیان می‌نماید. کتاب کولسیان به چالش گنوستیسیم مبتنی به ثنویت می‌پردازد (کولسیان ۲:۱۴-۲۶). در اینجا یعقوب مبارزه درونی هوسرانی و مبارزه بیرونی انتقاد و داوری در مجالس مسیحیان یهودی جهان یونان و روم را آشکار می‌کند.

▣ "هوسرانی" این واژه بمعنی "در آرزوی چیزی بودن"، یا "دل در گرو چیزی یا کسی گذاردن" است. آن چیز می‌توان نیک یا شر باشد. معمولاً در عهد عتیق واژه دارای معنای منفی است. ممکن است، در متن، آن چیزهایی که در ذات خود شر نیستند اما با خواست فرد و برای رسیدن به امیالش تبدیل به شر گردد، اما این به هر شکل از خواست و اراده خداوند بدور است.

▣ "قتل" در نسخه دوم عهد عتیق یونانی (سال ۱۵۱۹)، Erasmus "رشک" را تغییر داد. آنها شبیه و هم‌ریشه افعال "قتل" و "رشک" بوده که باعث بوجود آمدن سردرگمی در ترجمه نسخه‌های مختلف یونانی ۱ پطرس ۲:۱ گردیدند. این راه حل مشکل یعقوب ۴:۲ توسط لوتر و مترجمان امروزی Moffatt و Phillips و New International Commentary بوجود آمد. هیچ نسخه یونانی برای پشتیبانی این اصلاح در رساله یعقوب وجود ندارد!

جهت مقایسه، می‌توان گفت که این واژه ممکن است در حالت "نفرت" همچون متی ۵: ۲۱-۲۶ بکار برده شده باشد. یعقوب اغلب به آموزه‌های عیسی در هنگام موعظه متی بر روی کوه اشاره کرده است (متی ۵-۷).

□ "امیال" این واژه یونانی، همچون "شهوت و هوس‌ران"، یک واژه خنثی بوده که می‌تواند بعنوان "شوق و اشتیاق" یا "میل قوی" بکار برده شود.

۲:۴ - ۳ "درخواست" انگیزه‌هایی که از مسیح نشأت نگرفته و عدم وجود دعا، دو دلیلی هستند که باعث می‌گردند مسیحیان اغلب زندگی پر منفعتی نداشته باشند. اغلب ما از دعا بعنوان ابزاری برای رسیدن به آنچه که می‌خواهیم و نه آنچه که خدا می‌خواهد بهره می‌بریم. در این موقعیت بدترین چیزی که خدا می‌تواند برای ما انجام دهد، اجابت درخواستهای خودخواهانه ما است!

دعا سلاح نیرومند مسیحیان در نبرد با شریر است (افسسین ۶: ۱۸-۱۹). به باور من پادشاهی خداوند اینگونه خواسته تا خود را محدود به دعا‌های معقول فرزندانش نماید. باور، دعا‌های شبیه به آنچه که مسیح انجام می‌داد، ما و موقعیتی که در آن قرار داریم منجر به تحت تأثیر گرفتن خداوند می‌گردد. امان از تراژدی آن مسیحی که دعا نمی‌کند! امان از تراژدی وعده کلیشه‌ای که از متن کلام خدا سرچشمه نگرفته باشد (متی ۷: ۷-۱۱).

موضوع خاص: دعا، نامحدود و با این حال محدود SPECIAL TOPIC: PRAYER, UNLIMITED YET LIMITED

A. سایر اناجیل

۱. از مومنین خواسته می‌شود که دعا کنند و خدا یا "کارهای خوبی" را انجام می‌دهد (متی، انجیل متی ۷: ۱ الی ۱۱) و یا روح را می‌آورد (لوقا، انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳)
۲. در چهار چوب اصول کلیسا، مومنین تشویق می‌شوند که با یکدیگر و به صورت گروهی دعا کنند (انجیل متی ۱۸: ۱۹)
۳. در مورد داوری اورشلیم از مومنین خواسته می‌شود که با ایمان و بدون تردید پاسخگو باشند (انجیل متی ۲۱: ۲۲، انجیل مرقس ۱۱: ۲۳ الی ۲۴)
۴. در مورد دو تمثیل (انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸، داوری غیر منصفانه و انجیل لوقا ۱۸: ۹ الی ۱۴، فریسی و گناهارکار) مومنین تشویق می‌شوند که متمایز از داوران بدور از خدا و فریسیان خودپسند عمل کنند. خدا صدای افراد فروتن و توبه کار را می‌شنود (انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۱۴)

B. نوشته‌های یوحنا

۱. در جایی که عیسی مرد کور مادرزاد را شفا می‌دهد، کوری واقعی فرسیسان آشکار می‌شود. دعا‌های عیسی (همانند دیگران) مستجاب می‌شوند زیرا او خدا را می‌شناخت و در راه او زندگی می‌کرد (انجیل یوحنا ۹: ۳۱)
۲. گفتگوی یوحنا در اتاق طبقه بالا (انجیل یوحنا ۱۳ الی ۱۷)
 - a. انجیل یوحنا ۱۴: ۱۲ الی ۱۴ - دعای از روی ایمان مشخص کننده این است که:
 - ۱) از سوی مومنین می‌آید
 - ۲) بنام عیسی درخواست می‌شود
 - ۳) آرزو می‌شود که خدا جلال یابد
 - ۴) احکام حفظ می‌شوند (آیه ۱۵)
 - b. انجیل یوحنا ۱۵: ۷ الی ۱۰ - مومنینی که دعا می‌کنند نشانه این هستند که:
 - ۱) پیروی از عیسی
 - ۲) کلام او در آنها مانده است
 - ۳) آرزو می‌کنند که خدا جلال یابد
 - ۴) ثمر بیشتری ایجاد می‌شود
 - ۵) احکام حفظ می‌شوند (آیه ۱۰)

- c. انجیل یوحنا ۱۵: ۱۵ الی ۱۷ - دعای مومنین نشانه این است که:
 - ۱) انتخاب آنها
 - ۲) ثمر دادن آنها
 - ۳) درخواست بنام عیسی
 - ۴) حفظ حکم محبت کردن به یکدیگر

d. انجیل یوحنا ۱۶: ۲۳ الی ۲۴ - دعا‌های مومنین نشانه این هستند که:

(۱) درخواست کردن بنام عیسی

(۲) تمایل به اینکه لذت لبریز شود

۳. نامه اول یوحنا (اول یوحنا)

a. اول یوحنا ۳: ۲۲ الی ۲۴ - مشخصه دعای مومنین

(۱) حفظ احکام او (آیات ۲۲ و ۲۴)

(۲) متناسب زندگی کردن

(۳) ایمان داشتن به عیسی

(۴) به یکدیگر محبت کردن

(۵) پیروی کردن از او، و او در ما است

(۶) داشتن نعمت روح

b. اول یوحنا ۵: ۱۴ الی ۱۶ - مشخصه دعای مومنین

(۱) تکیه به خدا

(۲) مطابق اراده او بودن

(۳) دعا کردن مومنین برای یکدیگر دعا

C. یعقوب

۱. یعقوب ۱: ۵ الی ۷ - مومنین به محاکم فراخوانده می‌شوند و از آنان خواسته می‌شود که بدون تردید به خردشان مراجعه کنند

۲. یعقوب ۴: ۲ الی ۳ - از مومنین باید با انگیزه‌های مناسب سوال شود

۳. یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۸ - مومنینی که با مسائل سلامتی درگیر می‌شوند باید

a. از بزرگان بخواهند برایشان دعا کنند

b. از روی ایمان دعا کنند

c. بخواهند که گناهانشان بخشیده شود

d. نزد یکدیگر به گناهانشان اعتراف کنند و برای همدیگر دعا کنند (مشابه اول یوحنا ۵: ۱۶)

کلید دعای موثر شبیه عیسی بودن است. این به معنی بنام عیسی دعا کردن است. بدترین کاری که خدا ممکن است انجام دهد برآورده کردن دعا‌های از روی خودخواهی است. ارزشمندترین جنبه دعا صرف وقت با خدا و اعتماد به خدا است.

۴:۴ "زناکاران" این واژه در حالتی زنانه بکار برده شده و می‌تواند در اشاره به (۱) زنا به مفهوم واقعی کلمه، (۲) استعاره‌ای در عهد عتیق در رابطه با زنا، معنوی بکار رفته باشد (مثالها: اشعیا ۵۴: ۴-۸؛ ارمیا ۳: ۲۰؛ هوشع ۹: ۱؛ متی ۱۲: ۳۹؛ ۱۶: ۴). نسخه KJV عبارت "و زناکاران" را اضافه کرده است. این امر به این دلیل بود که مترجمان مفهوم اصلی کلمه را ترجمه کرده بودند، با اینحال در بیشتر نسخه‌های خطی باستانی (A, B, N*) یا نسخه لاتین Vulgate, Peshitta (سوریه‌ای)، یا Coptic (مصری) چنین چیزی دیده نمی‌شود. این ترجمه بعداً در نسخه اصلاح شده Sinaiticus (N^C) و چندین نسخه خطی یونانی دیگر (بیشتر در نسخه‌های کوچکتر) دیده شده است. UBS⁴ به ترجمه کوتاه‌تر رتبه "A" (کاملاً قابل اطمینان) را داده است.

▣ "دوستی با دنیا" واژه‌ی "دنیا" اغلب برای نشان دادن "جوامع انسانی که بدور از خدا ساماندهی و عمل می‌کند" بصورت استعاره استفاده شده است (یعقوب ۱: ۲۷؛ ۳: ۶؛ متی ۶: ۲۴؛ یوحنا ۱۵: ۱۹؛ یوحنا ۲: ۱۵-۱۷). به موضوع خاص در یعقوب ۱: ۲۷ مراجعه نمایید. حتی دعای مسیحیان می‌تواند ویژگیها و رفتارهای "دنیوی" را به نمایش گذارد.

۵:۴ آیه ۵ به دلایل زیر مبهم است (از بخش دیدگاههای متنی تکرار شده است).

۱. مرجعی که به آن استناد می‌شود نامشخص است.

۲. خواننده اصلی نامشخص است.

a. قالب بوجود آورنده، *karōkisev*، که به این معنا است که احتمالاً خداوند روح خود را در بدن ایمانداران قرار داده است (ترجمه‌های A, B, MSS P⁷⁴, &B).

b. فعل لازم، *katōkēsev*، به این معنا است که روح در ایمانداران حلول کرده است (نسخه‌های MSS K, L, P).

۳. نشانه‌گذار یهای ادبی نامشخص است.

- a. سؤالی که مطرح شده که به یک نقل قول ناشناخته در نسخه‌های NASB, NKJV, NRSV, TEV, NJB, NAB منتهی می‌گردد (احتمالاً از یکی از کتب آسمانی یهود نشأت گرفته است).
- b. دو سؤال مطرح شده که به نقل قولی از عهد عتیق (امثال ۳: ۳۴ از نسخه Septuagint) در یعقوب ۴: ۶ در نسخه ASV و ترجمه‌های Moffatt and Phillips منتهی می‌گردد.
۴. مفهوم "در حد حسادت مشتاق ماست" نامشخص است.
- a. خداوند مشتاق است که روح وی زندگی ایمانداران را به پرستش او، و تنها او هدایت نماید (خروج ۳۴: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۲۴؛ ۶: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۲۷-۸: ۲۶). این امر می‌تواند به مفهومی مثبت اشاره کند - "فدایی" یا "حسود" و "روح‌القدس".
- b. ذات بشر رانده شده از بهشت مشتاق رسیدن به لذات دنیوی است (رومیان ۸: ۱-۸). این امر معنایی منفی در خود دارد - "رشک" و "روح سرد".
۵. آیه ممکن است به هر یک از موارد زیر اشاره داشته باشد:
- a. عشق خداوند برای ایمانداران که تا حد حسادت پیش می‌رود، وفاداری ما به او را تکمیل می‌کند.
- b. فساد مطلق بشر (یعقوب ۴: ۵)، اما با لطف و مرحمت خداوند همراه است (یعقوب ۴: ۶؛ به ترجمه TEV رجوع نمایید).
- ۶: ۴ "اما فیضی که او می‌بخشد" در ارتباط با مسئله گناه بشر، که بنظر می‌رسد در رساله یعقوب ۴: ۵ بصورتی منفی ترجمه گردیده، خداوند رحمت و فیض بیشتری را نثار بندگان خود روا می‌دارد (رومیان ۵: ۲۰-۲۱). این عبارت نباید به صورت اصولی و طبق روال، تبدیل یک مبحث الهیاتی گردیده بلکه باید بعنوان یک تأکید جدی تلقی شود.
- "خدا در برابر متکبران می‌ایستد" این عبارت از کتاب امثال ۳: ۳۴ در نسخه Septuagint گرفته شده است (رجوع شود به ۱ پطرس ۵: ۵-۶). مرزهای نبرد روحانی مشخص گردیده است. واژه "غرور" از دو کلمه یونانی "بالا" و "خود را نشان دادن" گرفته شده است. این عبارت به معلمان متکبر در رساله یعقوب ۳: ۱۴-۱۶ مرتبط می‌گردد.
- "اما فروتنان را فیض می‌بخشد" این واژه به معلمانی که در رساله یعقوب ۳: ۱۷ دارای حکمت الهی بودند مرتبط می‌گردد. این همچنین یک قاعده کلی است.
- ۷: ۴ "پس تسلیم خدا باشید" این یک جمله دستوری در دستور زبان آئوریست است. در عین حال واژه‌ی بکار برده شده، واژه‌ای نظامی بوده که بمعنی "خود را تحت اقتدار کسی درآوردن" است. به دو جنبه تسلیم شدن (تسلیم خداوند) و مقاومت در برابر (شیطان) توجه داشته باشید. اولین قالب فعل (مجهول دستوری آئوریست) سخن از این امر دارد که ایمانداران باید اجازه دهند تا خداوند آنان را قادر به تسلیم مطلق در برابر خواست او نماید. (ذکر این نکته ضروریست که صدای مجهول در نسخه یونانی کوبین با صدای متوسط جایگزین شده بود. این متن و آیه ۴: ۱۰ و ۵: ۱۹ این تغییر را بلحاظ دستور زبانی توجیه می‌کند). قالب فعل دوم (معلوم دستوری آئوریست) سخن از این امر دارد که فرد ایماندار باید کار خداوند را با همکاری مستمر خود ادغام نموده و بطور کامل در برابر ابلیس مقاومت نماید!

موضوع خاص: تسلیم/ارائه (hupotassō)

Special Topic: Submission

انجیل Septuagint از این اصطلاح برای ترجمه ده اصطلاح متفاوت عبری استفاده کرده است. معنی اصلی آن "فرمان دادن" یا "حق فرمان" است. این برگرفته از Septuagint (LXX) است.

۱. فرامین خدا (مراجعه شود به لاویان ۱۰: ۱، یونا ۲: ۱، ۴: ۶ الی ۸)
 ۲. فرامین موسی (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۶: ۶، کتاب تثنیه ۲۷: ۱)
 ۳. فرمان پادشاهان (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۱: ۱۳)
- در عهد جدید این حس تداوم پیدا میکند همانند اعمال رسولان ۱۰: ۴۸، جایی که یکی از شاگردان فرمان صادر میکند. با این حال، مفاهیم جدیدی در عهد جدید بسط یافته اند.
۱. یک جنبه اختیاری بسط می‌یابد (اغلب زمان میانی)
 ۲. این عمل محدود میتواند در دستورات و خواسته های عیسی دیده شود
 - a. به پدر (مراجعه شود به اول قرن‌تیان ۱۵: ۲۵)
 - b. به والدین زمینی خود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۱)

۳. مؤمنان به جنبه های فرهنگی می پردازند تا انجیل تحت تاثیر قرار نگیرد

a. سایر مومنین (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱)

b. همسران مومن (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۸، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، تیتوس ۲: ۵، اول پطرس ۳: ۱)

c. مومنین نسبت به دولتهای کافر (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، اول پطرس ۲: ۱۳)

مومنین بر اساس انگیزه های عشق نسبت به خدا، نسبت به مسیح، نسبت به پادشاهی خدا، و به خاطر دیگران رفتار میکنند.

همانند *agapaō* (عشق) کلیسا این اصطلاح را با معنی جدیدی بر اساس نیازهای پادشاهی و نیازهای دیگران لبریز میسازد. این اصطلاح، یک عالم جدیدی از فروتنی، نه مبتنی بر یک فرمان، بلکه یک رابطه جدید با یک خداوند متعال و مسیح او است. مؤمنان اطاعت می کنند و به خاطر همه و برکت خانواده خداوند استوار می شوند.

□ "در برابر ابلیس ایستادگی کنید" این یک جمله دستوری معلوم در زبان آئوریست است. این عبارت بمفهوم واقعی کلمه یعنی "موضع گرفتن در برابر کسی" (رجوع شود به افسسیان ۶: ۱۳؛ ۱ پطرس ۵: ۹).

موضوع خاص: شیطان فردی Special Topic: Personal Evil

I. شیطان موضوع بسیار سختی است

A. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی دهد، بلکه یک خادم بیهوش که به انسان جایگزینهایی را معرفی کرده و انسان را متهم به بی صداقتی می کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*, صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶).

B. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).

C. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه بندی شده.

اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملاً متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد.

اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعهد بداند (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جبهه بگیرند (یعنی دانت، میلتون) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

II. شیطان در عهد عتیق

در عهد عتیق به نظر می رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

A. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹: ۴، دوم سموئیل ۱۹: ۲۲، اول پادشاهان ۵: ۴ و ۱۱: ۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزمور ۶: ۱۰۶ و ۲۰ و ۲۹)

B. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳، زکریا ۱: ۳)

۱. فرشته خدا - اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳

۲. شیطان - اول تواریخ ۱: ۲۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۱: ۳

C. شیاطین (احتمالاً شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲: ۲۱، زکریا ۲: ۱۳)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲: ۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳: ۳۱)، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به تورات یهودیان Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۶: ۵۴ می شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیت های عهد عتیقی در دوم تواریخ ۳: ۱۱، مکاشفه ۹: ۱۲ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می توان تعیین کرد یا حتی می توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۶:۴ الی ۶، اول پادشاهان ۲۰:۲۲ الی ۲۲، جامعه ۷:۱۴، اشعیا ۷:۴۵، عاموس ۶:۳). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشذیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۴۳، ۶:۴۴ و ۸ و ۲۴، ۵:۴۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳:۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می کند (مراجعه شود به حزقیال ۱۲:۲۸ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می کند. اگر خدا می خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملاً غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

شیطان در عهد جدید

.III

آلفرد ادرسهایم *The Life and Times of Jesus the Messiah*، جلد دوم ضنائم ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶)، می گوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تأثیر دوالیسم پارسی و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کنیسه شدیداً حمله می کرد. من فکر می کنم که مفهوم روحانی وساطت فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷:۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعد اهورمزد گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود

۲. انگرا مینیو که بعد اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آنان بر سر برتری در زمین می جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگان). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۴:۱۲ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱:۴، انجیل لوقا ۳:۳۱ الی ۳۲، اول قرنطیان ۵:۵، اول تیموتائوس ۲:۱).

ما باید محدوده کنجکاو خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخابهایش می باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۱۰:۲۰)!

■ "از شما خواهد گریخت" ابلیس از برابر اراده خداوند (افسسیان ۶:۱۱-۱۸) و ایمان ما خواهد گریخت، اما فقط برای یک فصل (مراجعه شود به لوقا ۱۳:۴) و دوباره باز خواهد گشت.

۸:۴ "به خدا نزدیک شوید" این یک جمله دستوری معلوم در زبان آئوریست است. این آیه منعکس کننده دستورات عهد عتیق برای کاهنان بوده و اکنون شامل حال همه ایمانداران می گردد (خروج ۱۹:۲۲). مجموعه ی عناوین کاهنان لای عهد عتیق اکنون به همه مقدسان در عهد جدید اعمال گردیده است (۱ پطرس ۲:۵، ۹؛ مکاشفه ۱:۶). به ملزومات میان این دو عهد توجه نمایید - ایمانداران بسوی خداوند نزدیک شده و خداوند نیز بسوی آنان نزدیک می شود (۲ تواریخ ۱۵:۲؛ زکریا ۱:۳؛ ملاکی ۳:۷).

■ "دستهای خود را پاک کنید" این نیز جمله دستوری دیگری در دستور زبان آئوریست است (مزمور ۲۴:۳-۶؛ اشعیا ۱:۱۶). توجه داشته باشید که یعقوب همه ی ایمانداران را "گناهکار" خطاب می کند! این عبارات، استعاره ای در عهد عتیق بوده که مربوط به مناسک تشریفاتی تذهیب و تطهیر کاهنان عهد عتیق می باشد (خروج ۳۰:۱۷-۲۱؛ حزقیال ۴۴:۱۵). این استعاره تبدیل به اصطلاحی برای دور شدن و پاک کردن گناه در عهد عتیق گردید (مزمور ۲۴:۴؛ ۲۶:۶). عبارت "دستها" برای نشان دادن "قلب" بکار برده شده است. ما به هر آنچه که فکر کنیم، تبدیل خواهیم شد. ایمانداران نیازمند داشتن قلب و دستهای پاک هستند، همانطور که نیازمند داشتن رابطه ای تبدیلی با خداوند می باشند (که دقیقاً نقطه مقابل انسانهای دو دل و

ریاکار می‌باشد، یعقوب ۱: ۸؛ ۴: ۵). در این رابطه می‌توانید مطلب خوبی را در کتاب *Dictionary of Biblical Imagery* بنام "شستن دستها" ("Washing Hands") صفحات ۳۶۲-۳ مطالعه فرمایید.

▣ "دل‌های خود را ظاهر سازید" این نیز جمله دستوری دیگریست. این عبارت فقط نشان از پاکسازی تشریفاتی بیرونی نیست بلکه بر پاکسازی معنوی درونی نیز اشاره دارد (ارمیا ۴: ۱۴؛ ۱ پطرس ۱: ۲۲؛ ۱ یوحنا ۳: ۳). پیمان خداوند نیازمند ملزوماتی است! به موضوع خاص: قلب در یعقوب ۱: ۲۶ مراجعه نمایید.

▣ "ای دو دلان" این واژه ایست که در رابطه با همه ایماندارانی که دعاهای آنان در یعقوب ۱: ۵-۸ اجابت نگردیده، بیان شده است. در اینجا دوباره برای ایمانداران بکار برده شده است. یعقوب به روشنی تصریح می‌کند که انگیزه‌های ایمانداران و سبک زندگی آنان تفاوتی اساسی در مسیر تجربیات مسیحیان بوجود می‌آورد. صلح، امنیت، نشاط و اثرگذاری مواردی نیستند که بصورت خودکار بوجود آیند.

۹: ۴ "به حال زار بیفتید و ندبه و زاری کنید. خنده شما به ماتم، و شادی شما به اندوه بدل گردد" این جملات شامل چهار عبارت دستوری در دستور زبان آئوریست است (سه دستور اول جمله معلوم بوده و آخری مجهول). بطور مجموع این جملات اشاره به نیاز برای زاری یوحانی بخاطر گناه دارند، همانند متی ۳: ۹. این یکی از شیوه‌های عبرانی برای اشاره به سبک زندگی توأم با توبه بوده است (اشعیا ۳۲: ۱۱-۱۲). این تأسف باید توازنی توأم با نشاط در یعقوب ۱: ۲ و ۵: ۱۳ محسوب گردد. مسیحیت به نوعی شامل هر دو می‌گردد!

۱۰: ۴ "فروتن شوید" این یک جمله دستوری مجهول است، اما بصورت حد متوسط معلوم و مجهول بیان شده است (به ترجمه انگلیسی توجه نمایید، یعقوب ۴: ۶؛ ۱ پطرس ۵: ۶). این موضوع می‌تواند منعکس کننده آموزه‌های عیسی (متی ۲۳: ۱۲؛ لوقا ۱۴: ۱۱؛ ۱۸: ۱۴) و/یا احتمالاً کنایه‌ای در عهد عتیق به اشعیا ۵۷: ۱۵ باشد. فروتنی و توبه ایمانداران پاسخی است که به عهد وعده داده شده از جانب یهوه.

NASB "در حضور خداوند"

NKJV "در نگاه خداوند"

NRSV, TEV,

NJB "در پیشگاه خداوند"

این عبارت یک اصطلاح عبری برای نشان دادن (۱) مراسمی عبادی-پرستشی (تثنیه ۳۳: ۱۰؛ و یا ۲) حکمت عیسی (پیدایش ۱۹: ۱۳؛ داوران ۱۸: ۶). از آنجاییکه بحث در اینجا درباره وضعیت برنامه‌های پرستشی نیست بلکه تأکید بر رفتار توأم با توبه می‌باشد، لذا مورد شماره ۲ بهترین گزینه است.

▣ "تا شما را سرافراز کند" این نیز یک اصطلاح بوده و بمعنی

۱. خداوند روح شما را به عرش رسانده و به شما نشاط عطا خواهد کرد

۲. خداوند شما را در میان همتایان خود سرافراز می‌کند (یعقوب ۴: ۱۱-۱۲؛ متی ۲۳: ۱۲)

۳. امنیت فیزیکی (ایوب ۵: ۱۱؛ ۲۹: ۲۲)

توجه داشته باشید، پیروزی بواسطه توبه و فروتنی بدست خواهد آمد!

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا این فصل منعکس کننده رفتار و کردار ایمانداران بوده یا غیر ایماندارانی که در کنار آنان به دعا مشغول بودند؟

۲. فهرستی از سه دشمن بشریت تهیه و هر یک را تعریف نمایید.

a.

b.

c.

۳. راه‌های مختلفی را که دو آیه درک می‌شوند را به زبان خود توضیح دهید. از ترجمه‌های مختلف به زبان انگلیسی (فارسی) نیز بهره جویید.

۴. تفاوت‌های آیه ۵ را در میان ترجمه‌های مختلف مطالعه کنید.

۵. یعقوب در آیات ۷ تا ۱۰ چه چیز را از ما می‌خواهد؟

- A. ظاهراً یعقوب ۱۱:۴-۱۲ نوعی مؤخره و جمع‌بندی درباره نحوه بکارگیری زبان را بوجود آورده‌اند. این مبحث در یعقوب ۱:۱۹ شروع گردید اما در یعقوب ۳:۱ گسترش پیدا کرد.
- B. یعقوب ۴:۱۷ نیز به نوعی مؤخره محسوب می‌شود، اما مشخص نیست که به این متن چه ارتباطی دارد. A. T. Robertson می‌گوید که این آیه، یک خلاصه آیه‌ی کلیدی در سرتاسر این رساله محسوب می‌گردد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۱۱:۴-۱۲

«ای برادران، از یکدیگر بدگویی مکنید. هر که از برادر خود بد گوید و یا او را محکوم کند، در واقع از شریعت بد گفته و شریعت را محکوم کرده است. و هر گاه شریعت را محکوم کنی، دیگر نه مجری، بلکه داور آن هستی! اما تنها یک شریعتگذار و داور هست، همان که قادر است برهاند یا هلاک کند. پس تو کیستی که همسایه خود را محکوم کنی!»

۱۱:۴ "از یکدیگر بدگویی مکنید" این یک جمله دستوری حال حاضر با بار منفی بوده که معمولاً بمعنی توقف عملی که در گذشته در حال انجام بوده، می‌باشد. ترجمه Tyndale از واژه‌ی "غیبت کردن" استفاده کرده که احتمالاً بدلیل کاربرد واژه‌ی مشابهی به همین حالت در مزمور ۵۰:۲۰ نسخه LXX می‌باشد. کلیسا به این خاطر گناهکار بوده و هست (یعقوب ۵:۹؛ ۲قرنیتیان ۱۲:۲۰؛ ۱ پطرس ۲:۱).

▣ "برادران... برادر" به یادداشت یعقوب ۱:۲ و ۹:۱ مراجعه نمایید.

▣ "هر که از برادر خود بد گوید و یا او را محکوم کند، در واقع از شریعت بد گفته و شریعت را محکوم کرده است" رفتار داورانه در میان مسیحیان یکی از مشکلات عدیده‌ی روحانی در میان مسیحیان است (لاویان ۱۹:۱۶، ۱۷-۱۸؛ متی ۷:۱؛ لوقا ۶:۳۶-۳۸؛ رومیان ۱۴:۱-۱۲). بنظر می‌رسد که واژه‌ی "شریعت" در اینجا اشاره به "شریعت محبت" که در یعقوب ۱:۲۵-۸:۱۲ ذکر گردید اشاره دارد.

▣ "دیگر نه مجری، بلکه داور آن هستی" در رساله‌ی یعقوب ۱:۲۲ در ارتباط با مجریان با ما سخن گفته شد. این یک مرجع دیگر به مبحث اعتقاد به خدای واحد است، همانگونه که در یعقوب ۲:۱۹ و احتمالاً در تثنیه ۴:۶ نیز به آن اشاره گردید. به موضوع خاص: تثلیث در یهودا ۱:۲۰ مراجعه نمایید.

▣ "همان که قادر است برهاند یا هلاک کند" این عبارت اغلب درباره خدای پدر گفته شده است (متی ۱۰:۲۸؛ لوقا ۱۲:۴-۵). در عهد عتیق همه علیتها به یهوه نسبت داده می‌شد. این موضوع مبحثی الهیاتی برای تصریح توحید بود (تثنیه ۳۲:۳۹؛ ۱ سموئیل ۲:۶-۷؛ ۲ پادشاهان ۵:۷).

▣ "تو کیستی که همسایه خود را محکوم کنی" این جمله‌ایست که با تأکید بیان شده است (رومیان ۳:۴-۱۰، ۱۳). محکوم، انتقاد، و یا مقایسه کردن دیگران فقط باعث سرافکنندگی طرف دیگر می‌گردد. این یکی دیگر از کاربردهای غیرمعقول زبان می‌باشد.

در رساله‌ی یعقوب ۴:۱۱، یعقوب شنوندگان خود را "برادران" خطاب کرده و طرف مقابل آنان را که مورد شماتت قرار گرفته بودند را نیز "برادران" می‌خواند (به یعقوب ۱:۲ مراجعه نمایید). روشن است که این امر اشاره به وضعیت مسیحیان داشته (به یعقوب ۱:۹ مراجعه شود)، اما با استفاده از عبارت "همسایه" (یعقوب ۲:۸) در یعقوب ۴:۱۲، وی دامنه‌ی این هشدار خاص را به یک فرمان کلی گسترش می‌دهد.

موضوع خاص: داوری در عهد جدید

Special Topic: Judgment In The NT

داوری قطعی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۶، عبرانیان ۹:۲۷، دوم پطرس ۲:۴ و ۹، ۳:۷).

A. کسی که داوری میکند

۱. خدا است (مراجعه شود به رومیان ۲:۲ الی ۳، ۱۴:۱۰ و ۱۲، اول پطرس ۱:۱۷، ۲:۲۳، مکاشفه ۲:۱۱ الی ۱۵)
۲. مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹:۳۹، انجیل متی ۱۶:۲۷، ۲۵:۳۱ الی ۴۶، اعمال رسولان ۱۰:۴۲، ۱۷:۳۱، دوم قرنیتیان ۵:۱۰، دوم تیموتائوس ۴:۱)
۳. پدر از طریق پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵:۲۲ الی ۲۷، اعمال رسولان ۱۷:۳۱، رومیان ۲:۱۶)

داوری یک موضوع نامطبوع است، ولی یک موضوع تکراری در انجیل میباشد. بر اساس چندین حقیقت انجیلی است

۱. این یک جهان اخلاقی است که توسط یک خدای با اخلاق خلق شده است (هر چه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد، مراجعه شود به غلاطیان ۶:۷)

۲. انسان گمراه و سقوط کرده است، ما شورش کردیم
 ۳. این جهانی نیست که خدا نیت آن را داشت
 ۴. همه مخلوقات آگاه (فرشتگان و انسانها) به خالق خود بابت نعمت زندگی حساب پس میدهند. ما خدمتگزار هستیم.
 ۵. ابدیت همیشه با اعمال و انتخابهای ما در زندگی تعیین میشود
- B. آیا مسیحیان باید یکدیگر را داوری کنند؟ به دو شیوه باید با این مسئله برخورد کرد
۱. به مومنین نصیحت میشود که بر یکدیگر داوری نکنند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱ الی ۵، انجیل لوقا ۶: ۳۷ و ۴۲، رومیان ۲: ۱ الی ۱۱، یعقوب ۴: ۱۱ الی ۱۲)
 ۲. به مومنین نصیحت میشود که رهبران را مورد ارزیابی قرار دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۶ و ۱۵ الی ۱۶، اول قرنتیان ۱۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۲۱، اول تیموتائوس ۳: ۱ الی ۱۳، و اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶)
- برخی شروط ممکن است برای داوری مناسب کمک کننده باشند
۱. ارزیابی باید با هدف تأیید کردن باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ - "آزمودن" با نگرش به سوی موافقت، موضوع خاص: *peirazō and dokimazō*) [را مطالعه کنید]
 ۲. ارزیابی باید با فروتنی و مهربانی انجام شود (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱)
 ۳. ارزیابی نباید بر اساس غرض ورزیهای شخصی باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳)
 ۴. ارزیابی باید آن دسته از رهبران را شناسایی کند که کلیسا یا جامعه "نتواند از آنها انتقاد کند" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳)

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۴: ۱۳-۱۷

۱۳ و اما شما که می‌گویید: «امروز یا فردا به این شهر یا آن شهر خواهیم رفت و سالی را در آنجا به سر خواهیم برد و به تجارت خواهیم پرداخت و سود فراوان خواهیم کرد»، خوب گوش کنید: ۱۴ شما حتی نمی‌دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما چیست؟ همچون بُخاری هستید که کوتاه‌زمانی ظاهر می‌شود و بعد ناپدید می‌گردد. ۱۵ پس باید چنین بگویید: «اگر خداوند بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.» ۱۶ حال آنکه شما با تکبر فخر می‌کنید. هر فخری از این گونه، بد است! ۱۷ بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است.

۱۴:۳ "و اما شما که می‌گویید" مشخص نیست که این عبارت به کدام گروه از شنوندگان اشاره دارد: (۱) یهودیان بی‌ایمان؛ (۲) یهودیان ایماندار؛ و یا (۳) ادامه یک زخم زبان با یک مخالف فرضی.

□ "امروز یا فردا به این شهر یا آن شهر خواهیم رفت و سالی را در آنجا به سر خواهیم برد و به تجارت خواهیم پرداخت و سود فراوان خواهیم کرد" این عبارات به طرح خاص تجار یهودی که خداوند را در کارهای خود مدنظر نداشتند، اشاره دارند. این یک نمونه کاملاً برجسته از خدا ناباوری عملی است.

۱۴:۴ این آیه به امثال ۱:۲۷ مربوط است. همچنین در مَثَلِ عیسی در لوقا ۱۲: ۱۶-۲۱ که مَثَلِ ثروتمند نادان نام دارد، نیز به این مورد اشاره گردیده است.

NASB, NKJV "بخار"

NRSV, NJB "مه"

TEV "همچون باز دم دود"

ما در زبان انگلیسی واژه‌ی "اتمِسفر" را از این واژه یونانی (*atmis*) استخراج کرده‌ایم. در کتاب مقدس اغلب به ضعف و زودگذر بودن زندگی بشر اشاره شده است:

۱. سایه‌ای (ایوب ۸: ۹؛ ۱۴: ۲؛ مزمور ۱۰۲: ۱۱؛ ۱۰۹: ۲۳)
۲. دَمی (ایوب ۷: ۷، ۱۶)
۳. اَبری (ایوب ۷: ۹؛ ۳۰: ۱۵)
۴. گُلّی وحشی (مزمور ۱۰۳: ۱۵؛ اشعیا ۴۰: ۶-۸؛ ۱ پطرس ۱: ۲۴)

۵. مه (جامعه ۱: ۲، ۱۴، ۱: ۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۱۹: ۳، ۴: ۴، ۷، ۸، ۱۶، ۷: ۵، ۱۰، ۲: ۶، ۴، ۹، ۲۲، ۷: ۶، ۱۵، ۸: ۱۰، ۱۴، ۹: ۹؛ ۸: ۱۱، ۱۰: ۱۲).

□ "کوتاه زمانی ظاهر می شود و بعد ناپدید می گردد" اینها دو وجه وصفی حال حاضر که شبیه این مفاهیم هستند: "ظاهر شدن" (*phainomenē*) و "ناپدید شدن" (*aphanizomenē*). برنامه های انسان بوجود می آیند و از بین می روند؛ فقط برنامه خداوند است که ماندگار خواهد بود. ۱۵: ۴ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم بوده که بمعنی احتمال وقوع عملی می باشد.

□ "خداوند بخواهد" اینگونه عبارات اغلب توسط نویسندگان عهد جدید بکار برده می گردید (اعمال رسولان ۲۱: ۱۸؛ رومیان ۱: ۱۰؛ ۱۵: ۳۲؛ ۱ قرنتیان ۴: ۱۹؛ ۷: ۱۶؛ عبرانیان ۳: ۶؛ ۱ پطرس ۳: ۱۷). جهان بینی کتاب مقدس همه حکمت، معرفت و هدایت را به سوی خداوند نسبت می دهد. این اصطلاحی در عهد عتیق است که توحید را تأیید کرده و نباید بلحاظ الهیاتی تقدیر و جبر تلقی گردد. ایمانداران می دانند تصریح می کنند که خداوند در زندگی آنان نقش دارد، اما این مسئله خداوند را به شیطان، تراژدی و یا کارهای طبیعی خشونت آمیز مرتبط نمی کند. بلحاظ معنوی ما در دنیایی منحط و "نفرین شده" زندگی می کنیم. این دنیایی نیست که خداوند قصد بوجود آوردن آن را داشت! او هنوز در حال آفریدن است، اما در نحوه بوجود آوردن زندگی و کارهای فردی، رمز و راز نهفته است.

موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا

Special Topic: The Will (*Thelēma*) Of God

اراده خدا شامل طبقه بندیهای بسیاری می شود

انجیل یوحنا

- عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۰، ۶: ۳۸)
- در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹)
- تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰)
- دعاها پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۱ و اول یوحنا ۵: ۱۴)

سایر انجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰، انجیل مرقس ۳: ۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۲، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲)

نامه های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲)
- مومنینی که از این عصر شیطانی می روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹)
- مومنینی که کامل شده اند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۳)
- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

نامه های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می دهند (مثلا به مقامات ارجاع می دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵)
- مومنینی که رنج می کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۷، ۴: ۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲)

نامه های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۷)
- کلید مومنین در دعاهاى مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۴)

۱۶:۴

NASB, NKJV,

NRSV "شما با تکبری که دارید فخر می‌کنید"

TEV "شما متکبر و فخر فروشید"

NJB "چقدر متکبر پرمدا هستيد"

نقشه‌هایی که بشر بدون در نظر گرفتن خدا می‌کشد، همچون غرور و تکبرش، پوچ و بیهوده است (یوحنا ۱۵: ۵؛ رومیان ۸: ۱۴).

□ "هر فخری از این‌گونه، بد است" پولس نیز نظیر همین واقعیت را در ۱ قرن‌تیاں ۵: ۲ و ۶ مطرح کرده است. مشکلات بشر از ابتدا نشأت گرفته از شوقی بود که برای مستقل زیستن از خداوند در سر داشت. زندگی بدور از خدا گناه و سرکشی است. به موضوع خاص: فخر فروشی در یعقوب ۹: ۱ مراجعه نمایید.

۱۷:۴ به نظر می‌رسد این آیه، یک اظهار نظر مختصر و شگفت‌انگیز است که با متنی پیش روی ارتباط است. این آیه به گناه غفلت اشاره دارد (متی ۲۵: ۳۵ - ۴۰). این امر می‌تواند منعکس کننده کلام عیسی در ارتباط با ارتباط میان حکمت و گناه بوده باشد (متی ۲۳: ۲۳؛ لوقا ۱۲: ۴۷؛ یوحنا ۹: ۴۱؛ ۱۵: ۲۲، ۲۴). به هر روی، بسیار شبیه آیه ۲۳: ۱۴ کتاب رومیان می‌باشد.

Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament* نقطه نظر بسیار جالبی درباره این آیه دارد:

"یعقوب قدیس مفهوم مهمی را درباره گناه ارائه کرده است - 'هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است' (آیه ۴: ۱۷). به نظر می‌رسد که این عبارات دلالت بر این دارند که در جایی که هیچ دانشی از درست یا غلط بودن وجود نداشته باشد، پس هیچ گناهی هم وجود ندارد: و با این جملات، ما با کلام خدایمان که خطاب به فریسیان عنوان شد موافقت می‌کنیم، 'اگر کور بودید گناهی نمی‌داشتید؛ اما حال که ادعا می‌کنید بینابید، گناهکار باقی می‌مانید (یوحنا ۹: ۴۱). علم حکمت شامل مسئولیت‌پذیری بوده، که منجر به محکوم شدن فریسیان بعنوان گناهکاران گردید. جهل مطلق قابل توجیه است، اما اهمال بهیچوجه توجیه‌پذیر نیست (به کتاب عبرانیان ۳: ۲ مراجعه شود)" (صفحه ۸۵).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چرا داوری در میان مسیحیان گناهی جدی تلقی می‌گردد؟

۲. چرا ضعف اخلاقی در زندگی بشر موضوعیست که در کتاب مقدس به کرات به آن اشاره شده است؟

یعقوب ۵

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
هشدار به ثروتمندان	ثروتمندان مستبد مورد داوری قرار خواهند گرفت	تضاد میان خدایی و زمینی ۶:۵ - ۱:۴	هشدار به ثروتمندان	هشدار به ثروتمندان و خیره‌سرا ۶:۵ - ۱۳:۴
۶ - ۱:۵	۶ - ۱:۵		۶ - ۱:۵	
بردباری و دعا	صبر و بردباری داشته باشید	مشوقِ نهایی	بردباری و دعا	آمدن خداوند
۱۱ - ۷:۵	۱۲ - ۷:۵	۱۱ - ۷:۵	۸ - ۷:۵ ۱۱ - ۹:۵	۱۱ - ۷:۵
۱۲:۵	رسیدن به نیازها	۱۲:۵	۱۲:۵	۱۲:۵
۱۸ - ۱۳:۵	۱۸ - ۱۳:۵	۱۸ - ۱۳:۵	۱۸ - ۱۳:۵	۱۸ - ۱۳:۵
	بازگرداندن فرد منحرف			
۲۰ - ۱۹:۵	۲۰ - ۱۹:۵	۲۰ - ۱۹:۵	۲۰ - ۱۹:۵	۲۰ - ۱۹:۵

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به آیات ۶-۱:۵

- A. بحث یعقوب پیرامون ثروت بادآورده و غیرمتعارف از رساله یعقوب ۴:۱۳ آغاز شده و تا ۶:۵ ادامه می‌یابد.
- B. مبحث ثروت از مقایسه‌ی امیال بشر (*yetzers*) برای هر آنچه که خواست اوست و نه خدا، سرچشمه می‌گیرد.
- C. این پاراگراف شامل لغات و واژگان منحصر بفردی نسبت به کل متن می‌باشد. این امر سبب گشته تا مفسرین گمان کنند که ممکن است نقل قول یا دستورات دینی بر گرفته از منابع یهود بوده باشد.

کلیت متن بسیار شبیه به کتاب عاموس است. ساختار به تصویر کشیده شده بروشنی نشان می‌دهد که در عهد عتیق روی داده است.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۶-۱:۵

^۱ و اما شما ای ثروتمندان، زاری و شیون کنید، زیرا مصیبت‌ها در انتظارتان است. ^۲ ثروت شما تباه شده و جامه‌هایتان را بید خورده است! ^۳ زر و سیم شما زنگ زده، و زنگ آنها علیه شما سخن خواهد گفت و همچون آتش، گوشت بدن شما را خواهد خورد. زیرا در روزهای آخر ثروت اندوخته‌اید! ^۴ اینک مزد کارگرانی که در مزارع شما درو کرده‌اند، و شما حبله‌گرانه از پرداخت آن سر باز زده‌اید، بر ضد شما فریاد برمی‌آورد. آری، فریاد دروگران به گوش خداوند لشکرها رسیده است. ^۵ شما بر زمین در تجمل و هوسرانی زندگی کرده‌اید، و دل‌های خود را برای روز کشتار پروار ساخته‌اید! ^۶ مرد پارسا را که با شما مخالفتی نمی‌ورزید محکوم کردید و به قتل رساندید..

۱:۵ "و اما" این آیه به موازات آیه ۴:۱۳ مطرح گردیده است. این یکی از شیوه‌های ادبی در بیان سخنان انتقادی است. یعقوب با بیان و نشان دادن اینکه چگونه برخی نسبت به بیانات وی عکس‌العمل نشان می‌دهند، اظهاراتی تند و بر مبنای حق بیان می‌دارد.

■ "شما ای ثروتمندان" این عبارات می‌تواند اشاره به (۱) ثروتمندان متمول، آنگونه که در یعقوب ۱:۱۰ به آنان پرداخته شده؛ و یا (۲) بی‌ایمانان استعمارگر داشته باشد (یعقوب ۲:۱-۱۳). ثروت و مکنت دغدغه و مصائب خاص خود را دارد (متی ۶:۲-۴؛ لوقا ۶:۲۴؛ ۱ تیموتائوس ۶:۹-۱۰، ۱۷).

■ "شیون" این یک جمله دستوری معلوم در دستور زبان آئوریست بوده که سخن از فوریت انجام کاری دارد. این عبارت اشاره به داوری اسکاتولوژیک دارد. در یعقوب ۴:۹-۱۰ این دستورات مرتبط با فراخوان به توبه و تواضع همچون آیه متی ۵:۳-۹ دارد، اما در این بخش، ۵:۱-۱۲، به بازگشت دوم عیسی و روز داوری بزرگ مرتبط است.

■ "زاری" وجه وصفی معلوم که در یک حالت دستوری بکار رفته، می‌باشد. این واژه در عهد عتیق برای تعریف درد ناشی از داوری قطعی بکار برده شده است (اشعیا ۱۳:۶؛ ۳۱:۱۴؛ ۲:۱۵؛ ۳:۱۶؛ ۷:۲۳؛ ۱۴:۱۴؛ ۶۵:۱۴).

■ "مصیبتها" این واژه‌ای بسیار پر معنا است (رومیان ۷:۲۴؛ مکاشفه ۳:۱۷).

■ "زیرا... در انتظارتان است" این جمله، وجه وصفی حال متوسط است. این عبارات نشان دهنده قطعیت آوردن بشر به پای محکمه الهی، به دلیل رفتار و کردار آنان است! این داوری نه فقط شامل آینده (اسکاتولوژیک) بلکه شامل حال نیز می‌گردد (موقت). ما هر آنچه را که بکاریم، درو خواهیم کرد (غلاطیان ۶:۷-۸).

برای درک کامل این متن، دو جنبه‌ی ثروت باید مورد توجه و درک قرار گیرد: (۱) یهودیان ثروت را مدرکی دال بر پذیرفته شدن از سوی خداوند و نزول برکت می‌دانستند (تثنیه ۱۰:۲۸-۱۳)، و (۲) یهودیان متمول اغلب کسانی بودند که تحت مسیحیان اولیه را تحت ستم قرار می‌دادند. مشخص نیست کسانی که به آنها اشاره شده، یهودیان متمول و ثروتمند هستند و یا ایماندارانی که دل در گرو دنیا دارند. آنان در انتظار برکات خداوند بودند، اما انتظار داوری را نداشتند (اشعیا ۱۳:۶). در واقع آنان خود را برای داوری می‌پروراندند (یعقوب ۵:۵؛ ۳:۱۲؛ ۲۵:۳۴).

۲-۳ "زر و سیم شما" ثروتمندان در جهان باستان دارای سه منبع برای اموال خود بودند: (۱) مواد غذایی ذخیره شده؛ (۲) پوشاک؛ و (۳) فلزات با ارزش. هر سه‌ی این موارد بطور کامل با واژگانی که جنبه‌های مخرب آنها را بتصویر می‌کشند، تعریف شده‌اند: "بید خورده"، "زنگ زده"، خورده شده" (رجوع شود به متی ۱۹:۶-۲۰).

■ "همچون آتش، گوشت بدن شما را خواهد خورد" اغلب از آتش بعنوان نماد داوری خداوند بهره برده شده است. در اینجا آتش به گونه‌ای تخریب مرتبط گردیده که توان از بین بردن ثروت‌های زمینی را دارد. انسانها فکر می‌کنند که ثروت آنان را محافظت و کمک می‌نماید، اما در واقع به منجر به از بین رفتن آنان خواهد گردید (لوقا ۱۲:۱۵-۲۱؛ ۱۶:۱۹-۳۱). به موضوع خاص در یعقوب ۳:۶ مراجعه شود.

■ "روزهای آخر" این عبارات اشاره به مفهوم دو عصر در میان یهودیان دارد، عصر شیطانی و عصر عدالت. این موضوع برای مسیحیان با دوره‌ی تولد مسیح تا بازگشت دوم وی ارتباط دارد. در برنامه‌ی خداوند (اعمال رسولان ۲:۲۳؛ ۳:۱۸؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۲۹) مسیح دو مرتبه می‌آید، یک بار بعنوان منجی (یوحنا ۳:۱۴-۱۵، ۱۶-۲۱) و سپس بعنوان داور (یوحنا ۵:۲۲، ۲۷؛ ۹:۳۹؛ اعمال رسولان ۱۰:۴۲؛ ۱۷:۳۱). روزهای آخر اشاره به این دوره میان تجسم (خداوند تبدیل به انسان می‌گردد) و *Parusia* (بازگشت دوم) دارد.

موضوع خاص: این دوران و دوران پیش رو

Special Topic: This Age and the Age to Come

پیامبران عهد عتیق آینده را در امتداد زمان حاضر می‌دیدند. از منظر آنان، آینده تجدید حیات جغرافیایی اسرائیل می‌بود. با این وجود، آینده را حتی بعنوان روزی جدید می‌پنداشتند (اشعیا ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۲۲). با تکرار نفی مغرضانه یهوه توسط نوادگان ابراهیم (حتی پس از تبعید) پارادایم جدیدی در ادبیات میان دوره‌ای دو عصر جدید و عتیق شکل گرفت (I Enoch, IV Ezra, II Baruch). چنین نوشتاری، تمایزی را میان دو عصر پدید آورد: دوران شریانه امروزی که شیطان بر آن مسلط است و دوران پیش رو که توسط روح القدس و مسیح منجی به حقانیت خواهد رسید. در مبحث کنونی الهیات (آخرت شناسی) پیشرفت مشهودی حادث شده است. الهیات‌دانان آن را "الهام در حال توسعه" می‌خوانند. عهد جدید بر این واقعیت دو دوره الهی صحنه می‌گذارد.

عبرانیان (پولس)

پولس

عیسی

عبرانیان ۱:۲؛ ۶:۵؛ ۱۱:۳

رومیان ۱۲:۲

متی ۱۲:۳۲؛ ۱۳:۲۲؛ ۲۹

اول قرنطیان ۱:۲۰؛ ۲:۶؛ ۸:۳؛ ۱۸:۳

مرقس ۱۰:۳۰

لوقا ۱۶:۸؛ ۱۸:۳۰؛ ۲۰:۳۴-۳۵

دوم قرنطیان ۴:۴

غلاطیان ۱:۴

افسیسیان ۱:۲۱؛ ۲:۲؛ ۷:۶؛ ۱۲:۶

اول تیموتائوس ۶:۱۷

دوم تیموتائوس ۴:۱۰

تیتوس ۲:۱۲

در الهیات عهد جدید این دو دوران یهود به دلیل پیشگویی‌های دو ظهور مسیح موعود، هم‌تراز یکدیگر قرار گرفته‌اند. تجسم دوباره مسیح بیشتر پیشگویی‌های گشایش عهد جدید را تکمیل می‌کند (دانیا ۲:۴۴-۴۵). با این حال، ورود وی را در چارچوب قاضی و فاتح می‌نگرد، در عین اینکه او از ابتدا بشکل خادمی زجر دیده (اشعیا ۵۳؛ زکریا ۱۲:۱۰) و متواضع و فروتن (ذکریا ۹:۹) آمد. وی همانگونه که در عهد عتیق پیشبینی شده بود، به قدرت باز خواهد گشت (مکاشفه ۱۹). تکمیل این دو مرحله منجر به پادشاهی امروز (آغاز شده)، اما آینده (هنوز به نتیجه نرسیده) خواهد گردید.

■ "ثروت اندوخته‌اید" این عبارات بازتاب دهنده مؤعظه عیسی بر روی کوه است (متی ۶). یعقوب اغلب به کلامی که عیسی بر روی این کوه ایراد کرد، اشاراتی می‌کند. به بخش مقدمه، B مراجعه نمایید. گاهی فکر می‌کنم که چه می‌شد اگر وی حاضر بود و یا اگر کلیسای اولیه انجیل متی را در آموزه‌های ایمانداران جدید بکار می‌گرفت (تعالیم و دستورات دینی).

۴:۵ "مزد کارگرانی که ... شما ... از پرداخت آن سر باز زده‌اید" طبقه فقیر جامعه بمنظور فراهم آوردن خوراک برای خانواده، نیاز به دریافت روزمزد خود می‌باشد، اما ثروتمندان برای اینکه از بازگشت کارگران به سر کارهای خود در روز بعد اطمینان حاصل کنند، از پرداخت آن خودداری می‌ورزیدند (مراجعه شود به لاویان ۱۹:۱۳؛ تثنیه ۲۴:۱۴-۱۵). این آیه در میان نسخه‌های خطی دارای تفاوتی بوده که البته نمونه‌ای از سنت رایج میان کاتبان قدیم می‌باشد. یک واژه، *aphustereō*، (که فقط اینجا در عهد جدید دیده می‌شود) در نسخه MSS A و B* یافت شده که بمعنی "تعلیق در پرداخت" می‌باشد، در حالیکه *apostereō* که بمعنی "کسی را از چیزی محروم کردن" است، در نسخه‌های MSS A, B2 و بیشتر نسخه‌های خطی دیگر دیده شده است. بعنوان تفسیر یا درک معنی آنچه که نویسنده اصلی گفته، این گزینه تفاوتی را بوجود می‌آورد. ⁴UBS به گزینه دوم رتبه "A" (مطمئن) داده است.

■ "فریاد برمی‌آورد" این عبارت دقیقاً بمعنی "جیغ کشیدن" است. شیونهای ایماندار تحت ستم و استثمار قرار گرفته به خداوند می‌رسد (تثنیه ۲۴:۱۴-۱۵)!

■ "به گوش ... رسیده است" انجیل اغلب خداوند را با الفاظ انسانی تعریف کرده است: (۱) اجزای بدن انسان؛ (۲) احساسات انسانی؛ و (۳) روابط انسانی. انسانها زبان دیگری جز آنچه که در طبقه‌بندی شخصی خود تعریف نموده‌اند، ندارند. این امر به "انسان‌انگاری"^۲ معروف بوده که از دو کلمه یونانی *anthrōpos* بمعنی مُرد، و *morphē* بمعنی فرم و قالب تشکیل شده است.

چنین زبانی به ما کمک می‌کند که جهان‌بینی خود را از منظر انجیل بیان کنیم، بدین گونه که

۱. خداوند کسی است که بمنظور نشان دادن ذات خود، انسان را بر مبنای تصویر خودش خلق کرد. به همین دلیل است که انسان و خداوند می‌توانند یکدیگر را درک کرده و با هم ارتباط داشته باشند.

۲. بشر در نهایت خدا را درک نمی‌کند. او بمراتب بزرگتر و با عظمت‌تر از چارچوبهای زمینی و دسته‌بندیهای زودگذر ما است. بواقع خدا خود را بر ما عیان ساخت و ما نیز می‌توانیم به مکاشفه‌ی او اعتماد داشته باشیم، ولی او خود را بطور کامل عیان نساخت و این به دلیل محدودیت ظرفیت و گناهکاری نوع بشر است.

موضوع خاص: توصیف خدا به مثابه یک انسان (زبان انسان‌شناسی)

^۲ انسان‌انگاری، انسان‌دینی یا انسان‌وارگی به معنای تعبیر انسانگونه از هر گونه مفهوم یا چیزی است که لزوماً خصلت یا شکل انسانی نداشته باشد. Anthropomorphisms

SPECIAL TOPIC: GOD DESCRIBED AS A HUMAN (ANTHROPOMORPHIC LANGUAGE)

I. نوع زبان که در عهد عتیق بسیار متداول است

A. اندام های فیزیکی بدن

۱. چشم - پیدایش ۱: ۴، ۳۱: ۶؛ ۸: خروج ۳۳: ۱۷؛ اعداد. ۱۴: ۱۴؛ تثنیه ۱۱: ۱۲؛ زکریا. ۴: ۱۰
۲. دست - خروج ۱۵: ۱۷؛ اعداد ۱۱: ۲۳؛ تثنیه ۲: ۱۵
۳. بازو - خروج ۶: ۶؛ ۱۵: ۱۶؛ اعداد ۱۱: ۲۳؛ تثنیه ۴: ۳۴، ۱۵: ۵
۴. گوش - اعداد ۱۱: ۱۸؛ اول سموئیل ۸: ۲۱؛ دوم پادشاهان ۱۹: ۱۶؛ مزامیر ۵: ۱؛ ۱۰: ۱۷؛ ۱۸: ۶
۵. صورت - خروج ۳۲: ۳۰؛ ۳۳: ۱۱؛ اعداد ۶: ۲۵؛ تثنیه ۳۴: ۱۰، مزامیر ۱۱۴: ۷
۶. انگشت - خروج ۸: ۱۹؛ ۳۱: ۱۸؛ تثنیه ۹: ۱۰، مزامیر ۸: ۳
۷. صدا - پیدایش ۳: ۸ و ۱۰، خروج ۱۵: ۲۶؛ ۱۹: ۱۹؛ تثنیه ۲۶: ۱۷، ۲۷: ۱۰
۸. پاهای - خروج ۲۴: ۱۰، حزقیال ۴۳: ۷
۹. حالت انسانی - خروج ۲۴: ۹ الی ۱۱، مزامیر ۴۷، اشعیا ۶: ۱، حزقیال ۱: ۲۶
۱۰. فرشته خدا - پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۲۲: ۱۱ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ الی ۱۶، خروج ۳

B. اعمال و کارهای فیزیکی

۱. صحبت کردن به عنوان مکانیسم خلقت - پیدایش ۱: ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶
۲. پیاده روی (یعنی صدا) در ادن - پیدایش ۳: ۸؛ ۱۸: ۳۳؛ حقیوق ۳: ۱۵
۳. بستن درب قایق نوح - پیدایش ۷: ۱۶
۴. بو کردن قربانیها - پیدایش ۸: ۲۱؛ لاویان ۲۶: ۳۱؛ عاموس ۵: ۲۱
۵. پایین آمدن - پیدایش ۱۱: ۵؛ ۱۸: ۲۱؛ خروج ۳: ۸؛ ۱۹: ۱۱، ۱۸، ۲۰
۶. دفن موسی - تثنیه ۳۴: ۶

C. احساسات انسانی

۱. پشیمانی / توبه - پیدایش ۶: ۶، ۷؛ خروج ۳۲: ۱۴؛ داوران ۲: ۱۸؛ اول سموئیل ۱۵: ۲۹، ۳۵؛ عاموس ۷: ۳، ۶
۲. خشم - خروج ۴: ۱۴؛ ۱۵: ۷؛ اعداد ۱۱: ۱۰؛ ۱۲: ۹؛ ۲۲: ۲۲؛ ۲۵: ۳، ۴؛ ۳۲: ۱۰، ۱۳، ۱۴؛ تثنیه ۶: ۵؛ ۷: ۴؛ ۲۹: ۲۰
۳. حسادت - خروج ۲۰: ۵؛ ۳۴: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۲۴؛ ۵: ۹؛ ۶: ۱۵؛ ۳۲: ۱۶، ۲۱؛ یوشع ۲۴: ۱۹
۴. بی رحمانه / بی حوصله - لاویان ۲۰: ۲۳؛ ۲۶: ۳۰؛ تثنیه ۳۲: ۱۹

D. اصطلاحات خانوادگی

۱. پدر
 - a. اسرائیل - خروج ۴: ۲۲، تثنیه ۱۴: ۱، ۳۹: ۵
 - b. پادشاه - دوم سموئیل ۷: ۱۱ الی ۱۶، مزامیر ۲: ۷
 - c. استعاره ها برای کارهای پدران - تثنیه ۱: ۳۱؛ ۸: ۵؛ ۳۲: ۱؛ مزامیر ۲۷: ۱۰، امثال ۳: ۱۲؛ ارمیا ۳: ۴، ۲۲: ۳۱؛ ۲۰: هوشع ۱۱: ۱-۴؛ ملاکی ۳: ۱۷

۲. والدین - هوشع ۱۱: ۱ الی ۴

۳. مادر - مزامیر ۲۷: ۱۰ (همچون مادر پرستار)، اشعیا ۴۹: ۱۵، ۶۶: ۹ الی ۱۳

۴. معشوق وفادار جوان - هوشع ۱ الی ۳

II. دلایل برای استفاده از این نوع زبان

- A. این ضرورت است که خداوند خود را به انسان نشان دهد. مفهوم فراگیر خدا به عنوان مرد، یک مورد انسان شناسی است؛ زیرا خدا روح است!
- B. خداوند جنبه های معنی دار زندگی انسانی را می گیرد و از آنها برای نشان دادن خود به انسان سقوط کرده و گمراه (پدر، مادر، پدر و مادر، عاشق) استفاده می کند
- C. اگر لازم باشد، خدا نمی خواهد به هیچ گونه شکل فیزیکی محدود شود (به عبارتی Exodus 20: تثنیه ۵)
- D. انطباق نهایی تجسم عیسی است! خدا فیزیکی، قابل لمس شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱-۳). پیام خدا به کلام خدا تبدیل

شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱-۱۸).

III. برای مطالعه بیشتر به کتاب *The Language and Imagery of the Bible* نوشته G. B. Caird فصل ۱۰، "Anthropomorphism"، در *The International Standard Bible Encyclopedia* صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۴ مراجعه نمایید.

- "خداوند لشکرها" این یکی از القاب در عهد عتیق برای خدا بود (*YHWA Sabaoth*)، که بیش از ۲۵۰ مرتبه بکار برده شد، ولی بجز کتاب‌های پیدایش و تثنیه (*Pentateuch*)، این عبارت در عهد عتیق در حالات مختلفی بکار رفته است.
۱. بمنظور بحث پیرامون همه مخلوقات (پیدایش ۲: ۱؛ نحمیا ۹: ۶؛ اشعیا ۴۵: ۱۲)
 ۲. بمنظور تعریف خداوند با توجه به طبقه‌بندی‌های سلطنتی در عهد باستان
 - a. نگهبانان قصر
 - b. خاندان سلطنتی
 - c. اسرائیل بعنوان قوم منحصر بفرد خدا (۲ سموئیل ۷: ۲۶-۲۹؛ مزمور ۷: ۴۶؛ ۸: ۴۸)
 ۳. بمنظور تعریف خداوند با توجه به جنبه‌های نظامی
 - a. فرمانده ارتش اسرائیل (خروج ۱۲: ۴۱؛ ۱ سموئیل ۱۷: ۴۵؛ ۱۲: ۶۰؛ مزمور ۸: ۲۴-۱۰؛ اشعیا ۳۱: ۴)
 - b. فرمانده لشکر فرشتگان آسمانی (یوشع ۵: ۱۴-۱۵؛ مزمور ۱۴۷: ۴؛ اشعیا ۴۰: ۲۶)
 ۴. برای تعریف و تکذیب عقاید باستانی مردمان بین‌النهرین و کنعانی مبنی بر اینکه نورهای آسمانی نمایانگر قدرت فرشتگان هستند که باید مورد عبادت قرار گیرند (تثنیه ۴: ۱۹؛ ۳: ۱۷؛ اشعیا ۲۴: ۲۱-۲۳؛ ۴۰: ۲۶؛ ارمیا ۸: ۲)
- درست است که فرشتگان همچون ستارگان به تصویر کشیده شده‌اند (ایوب ۷: ۳۸؛ داوران ۵: ۲۰ و سایر نوشته‌های ادبی یهودیان)، اما آنان خادمان بیهوش هستند و نه نیروهای مستقل و خود رأی.

موضوع خاص: اسامی خدا

SPECIAL TOPIC: THE NAMES FOR DEITY

A. *El* (BDB 42, KB 48)

۱. ریشه باستانی نام برای خدا قطعی نیست، هر چند، بسیاری از اساتید معتقدند که از ریشه Akkadian به معنی "قوی بودن" یا قدرتمند بودن می‌آید (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱۷، کتاب اعداد ۱۹: ۲۳، کتاب تثنیه ۷: ۲۱، مزمور ۱: ۵۰).
۲. در زیارتگاه کنعانیان بالاترین خدا *El* (متون Ras Shamra) است، به معنی "پدر خدایان" و "ارباب بهشت".
۳. در انجیل *El* اغلب با سایر اصطلاحات ترکیب میشود. این ترکیب‌ها تبدیل به شیوه‌ای برای مشخصه خدا شده‌اند.
 - a. *El-Elyon* (خدای والاترین، BDB 42 & 751 II)، کتاب پیدایش ۱۸: ۱۴ الی ۲۲، کتاب تثنیه ۸: ۳۲، اشعیا ۱۴: ۱۴
 - b. *El-Roi* ("خدایی که میبیند" یا "خدایی که خود را آشکار میکند"، BDB 42 & 909)، کتاب پیدایش ۱۳: ۱۶
 - c. *El-Shaddai* ("خداوند متعال"، یا "خدای تمامی شفقتها" یا "خدای کوه"، BDB 42 & 994)، کتاب پیدایش ۱: ۱۷، ۱۱: ۳۵، ۱۴: ۴۳، ۲۵: ۴۹، کتاب خروج ۳: ۶
 - d. *El-Olam* ("خدای جاویدان"، BDB 42 & 761)، کتاب پیدایش ۳۳: ۲۱. از منظر ایهیات این اصطلاح به وعده خدا به داوود مرتبط است، دوم سموئیل ۷: ۱۳ و ۱۶
 - e. *El-Berit* ("خدای پیمان"، BDB 42 & 136) داوران ۹: ۴۶
۴. *El* برابر با
 - a. بیهوش در اعداد ۸: ۲۳، مزمور ۱: ۱۶ الی ۲، ۸: ۸۵، اشعیا ۵: ۴۲
 - b. الوهیم در کتاب پیدایش ۳: ۴۶، یعقوب ۸: ۵، "من *El* هستم، الوهیم پدر شما"
 - c. *Shaddai* در کتاب پیدایش ۲۵: ۴۹، اعداد ۴: ۲۴ و ۱۶
 - d. "حسادت" در کتاب خروج ۱۴: ۳۴، کتاب تثنیه ۲۴: ۴، ۵: ۹، ۱۵: ۶
 - e. "رحم" در کتاب تثنیه ۳۱: ۴، نحمیا ۳۱: ۹
 - f. "بزرگ و حیرت‌انگیز" در کتاب تثنیه ۲۱: ۷، نحمیا ۵: ۱، ۳۲: ۹، دانیال ۴: ۹
 - g. "آگاهی" در اول سموئیل ۳: ۲

h. "پناهگاه قوی من" در دوم سموئیل ۲۲:۳۳

i. "انتقام گیرنده من" در دوم سموئیل ۲۲:۴۸

j. "آن مقدس" در اشعیا ۵:۱۶

k. "قدرت" در اشعیا ۱۰:۲۱

l. "رستگاری من" در اشعیا ۱۲:۲

m. "قوی و قدرتمند" در ارمیا ۳۲:۱۸

n. "مجازات" در ارمیا ۵۶:۵۱

۵. ترکیب تمامی اسامی مهم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲:۲۲ یافت میشوند (El، الوهیم، یهوه، مجموعه تکرار میشود)

B. *Elyon* (BDB 751, KB 832)

۱. معنی اصلی آن "بالا"، "عالی" یا "بالا برده شده" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷:۴۰، اول پادشاهان ۸:۹، دوم پادشاهان ۱۸:۱۷، نحμία ۳:۲۵، ارمیا ۲:۲۰، ۱۰:۳۶، مزمور ۱۳:۱۸).

۲. از آن به عنوان مفهوم همسو برای چندین اسم دیگر خدا استفاده شده است

a. الوهیم - مزمور ۱:۴۷ الی ۲، ۱۱:۷۳، ۱۱:۱۰۷

b. یهوه - کتاب پیدایش ۲۲:۱۴، دوم سموئیل ۲۲:۱۴

c. *El-Shaddai* - مزمور ۱:۹۱ و ۹

d. *El* - اعداد ۱۶:۲۴

e. اله - اغلب در کتاب دانیال ۲ الی ۶ و عزرا ۴ الی ۷ استفاده شده است، و مرتبط با *Ilair* (اصطلاح آرامی برای "خدای والا") در دانیال ۳:۲۶، ۴:۲، ۵:۱۸ و ۲۱ میباشد.

۳. اغلب توسط غیر اسرائیلیها از آن استفاده می شود

a. ملکیزد، کتاب پیدایش ۱۴:۱۸ الی ۲۲

b. بلام، کتاب اعداد ۱۵:۲۴

c. موسی، زمانی که در کتاب تثنیه ۸:۳۲ از قوم صحبت می کند

d. انجیل لوقا در عهد جدید، هنگامی که خطاب به کفار می نویسد، همچنین از اصطلاح معادل یونانی *Hupsistos*

استفاده می کند (مراجعه شود به ۱:۳۲ و ۳۵ و ۷۶، ۶:۳۵، ۸:۲۸، اعمال رسولان ۷:۴۸، ۱۷:۱۶)

C. الوهیم (حالت جمع) - الوها (حالت مفرد)، اساسا در اشعار استفاده می شود (BDB 43, KB 52).

۱. این اصطلاح در خارج از عهد عتیق دیده نمیشود

۲. این کلمه میتواند به معنی خدای اسرائیل یا خدای اقوام باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳:۶، ۳:۳، ۲۰:۳). خانواده ابراهیم چندین خدا را می پرستیدند (مراجعه شود به یوشع ۲:۲۴).

۳. می تواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱:۶، مزمور ۶:۸۲)

۴. اصطلاح الوهیم در مورد سایر موجودات روحانی (فرشتگان، شیاطین) در کتاب تثنیه ۸:۳۲ (LXX)، مزمور ۵:۸، یعقوب ۶:۱، ۷:۳۸ نیز استفاده شده است

۵. در انجیل این نخستین عنوان/نام برای خدا بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۱). تا کتاب پیدایش ۴:۲ انحصارا از این اصطلاح استفاده شده است، جایی که با یهوه ترکیب میشود. اساسا (از دیدگاه الهیات) اشاره به خدا به عنوان خالق، نگه دارنده، و ایجاد کننده زندگی در این این سیاره دارد (مراجعه شود به مزمور ۱۰۴).

مترادف با *El* است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۵:۳۲ الی ۱۹). همچنین همسو با یهوه در مزمور ۱۴ است (الوهیم، ۱، ۲، ۵، یهوه ۲ و ۶، حتی آدون آیه ۴).

۶. هر چند این کلمه جمع است و در مورد سایر خدایان استفاده میشود، این اصطلاح اغلب به خدای اسرائیل دلالت دارد، ولی معمولا فعل مفرد برای آن استفاده میشود تا دلالت بر کاربرد یکتا پرستی آن داشته باشد (به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود).

۷. خیلی عجیب است که اصطلاح متداول برای خدای یگانه اسرائیل جمع است (همچنین به "ما" در کتاب پیدایش ۱:۲۶، ۳:۲۲، ۱۱:۷ توجه کنید). هر چند هیچ قطعیتی وجود ندارد، نظریاتی وجود دارند:

- a. در زبان عبری کلمات جمع زیادی وجود دارند که از آنها برای تاکید استفاده میشود. چیزی که به این حالت نزدیک است در زبان عبری حالت دستور زبانی است که جمع شاهانه نامیده میشود، که حالت جمع برای بزرگ نمایی مفهوم به کار میرود.
- b. این میتواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد که خدا در بهشت با آنان ملاقات می کند و فرامینش را به آنان می گوید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳، یعقوب ۶:۱، مزمور ۱:۸۲، ۵:۸۹ و ۷)
- c. حتی ممکن است منعکس کننده مکاشفه خدا در عهد جدید در قالب یک خدا به شکل سه فرد باشد. در کتاب پیدایش ۱:۱ خدا خلق می کند، کتاب پیدایش ۲ روح مقدس است و در عهد جدید عیسی نماینده خدای پدر آفریننده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳:۱ و ۱۰، رومیان ۳:۱۱، اول قرنتیان ۶:۸، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۲:۱، ۱۰:۲)
- D. یهوه (BDB 217, KB 394)

۱. این اسمی است که منعکس کننده خدا به عنوان خدای خالق پیمان است، خدا به عنوان ناجی و رهایی بخش. انسانها پیمان شکنی میکنند، ولی خدا به عهد، کلام، وعده و پیمان خود پایبند است (مراجعه شود به مزمور ۱۰۳).
- کتاب پیدایش ۲:۴ الی ۳:۲۴ با مکاشفه خاصی درباره جایگاه برتر و هدف نوع بشر، و همچنین مسئله گناه و شورشی که به واسطه جایگاه خاص او بود، آغاز میشود.
۲. در کتاب پیدایش ۴:۲۶، گفته میشود "انسانها شروع به فراخواندن نام خدا (یهوه) کردند". با این حال، کتاب خروج ۳:۶ دلالت بر این دارد که نخستین انسانهای مطیع پیمان (خان سالاران و خانواده ایشان) خدا را فقط به عنوان *El Shaddai* می شناختند. نام یهوه فقط یک مرتبه در کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ و به خصوص آیه ۱۴ ذکر شده است. با این حال، نوشته های موسی اغلب با استفاده از شیوه های مرسوم بازی با کلمات تفسیر میکند، نه از طریق روشهای ریشه یابی لغات (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۵:۱۷، ۳۶:۲۷، ۱۳:۲۹ الی ۳۵). نظریات متعددی در خصوص معنی این کلمه وجود دارد (به نقل از IDB جلد دوم صفحات ۴۰۹ الی ۴۱۱).

- a. از ریشه عبری "نشان دادن عشق پرشور"
- b. از ریشه عبری "دمیدن" (یهوه به عنوان خدای توفان)
- c. از ریشه اوگاریت (کنعانی) به معنی "سخن گفتن"
- d. بر اساس یک سنگ نبشته فنیقیه ای، صفت فاعلی به معنی "کسی که حمایت میکند"، یا "آن که برپا میکند"
- e. از حالت Qal عبری، "آن یگانه ای که هست..."، یا "آن یگانه ای که حاضر است" (در حالت زمان آینده "آن یگانه ای که خواهد بود")
- f. از Hiphil عبری به معنی "آن که باعث وجود داشتن است"
- g. از ریشه عبری "زندگی کردن" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۲۱)، به معنی "همیشه زنده، آن یگانه ای که همیشه زنده است"
- h. از متن کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ حالت غیر کامل استفاده شده در فعل زمان کامل، "باید به آنچه که قبلا بودم همچنان ادامه دهم" یا "من همانی خواهم بود که همیشه بوده ام" (مراجعه شود به *A Survey of Syntax in the Old Testament* اثر J. Wash Watts صفحه ۶۷). اسم کامل یهوه اغلب به صورت اختصار یا احتمالا به صورت اولیه استفاده می شود.

۱. Yah (به عنوان مثال، Hallelu – yah, BDB 219, Hallelu – yah, مراجعه شود به کتاب خروج ۲:۱۵، ۱۶:۱۷، مزمور ۸:۸۹، ۳۵:۱۰۴)

۲. Yahu ("iah") پسوند اسم مثلا اشعیا (Isaiah)

۳. Yo ("Jo") پیشوند اسم، مثلا جاشوا (Joshua) یا یوئیل (Joel)

۳. بعدا در یهود نام این پیمان بسیار مقدس شد (تتراگرافیتون) که یهودیان از بیان آن وحشت دارند که مبادا فرمان کتاب خروج ۲۰:۷، کتاب تثنیه ۵:۱۱، ۱۳:۶ را بشکنند. بنابراین آنها این نام را با اسامی دیگری همچون "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "سرور" - adonai یا Adonai (به معنی سرورم) جایگزین کردند. وقتی که به نام یهوه در زمان خواندن عهد عتیق میرسند آن را "سرور" تلفظ می کنند. به همین دلیل است که در ترجمه های انگلیسی بجای یهوه "سرور" نوشته میشود.

۴. همانند El، اغلب یهوه با سایر اصطلاحات جهت تاکید بر مشخصه های خاص خدای پیمان اسرائیل ترکیب می شود. ترکیبات زیادی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها می پردازیم:

- a. یهوه - *Yireh* (یهوه ارائه میکند، BDB 217 و 906)، کتاب پیدایش ۲۲:۱۴
- b. یهوه - *Rophekha* (یهوه شفا دهنده شما است، BDB 217 و 950، وجه وصفی *Qal*)، کتاب خروج ۱۵:۲۶
- c. یهوه - *Nissi* (یهوه نشان من است، BDB 217 و 651)، کتاب خروج ۱۷:۱۵
- d. یهوه - *Meqaddishkem* (یهوه تنها کسی که تو را تطهیر میکند، BDB217 و 872، وجه وصفی *Piel*)، کتاب خروج ۳۱:۱۳
- e. یهوه - *Shalom* (یهوه آرامش است، BDB 217 و 1022)، داوران ۶:۲۴
- f. یهوه - *Sabbaoth* (یهوه میزبان، BDB217 و 878)، اول سموئیل ۱:۳ و ۱۱، ۴:۴، ۱۵:۲، اغلب در مورد انبیا
- g. یهوه - *Ro'I* (یهوه چوپان من است، BDB 217 و 944، وجه وصفی *Qal*)، مزمور ۲۳:۱
- h. یهوه - *Sidqenu* (یهوه عدالت است، BDB 217 و 841)، ارمیا ۲۳:۶
- i. یهوه - *Shammah* (یهوه آنجا است، BDB 217 و 1027)، حزقیال ۴۸:۳۵

۵:۵ "شما بر زمین در تجمل و هوسرانی زندگی کرده‌اید" این عبارات به مثابه‌ی تمثیل عیسی در کتاب لوقا ۱۶:۱۹-۳۱ می‌باشد. واژه‌ی بکار برده شده حکایت از خودخواهی و مدل زندگی بر اساس افراط و تفریط دارد (لوقا ۷:۲۵؛ ۱ تیموتائوس ۵:۶؛ ۲ پطرس ۲:۱۳).

▣ "دل‌های خود را برای روز کشتار پروار ساخته‌اید" آنان همچون گاوهای تن پرورده‌ای شده بودند که برای فروش در بازار پروار گردیده بودند. این موضوع یادآور مؤظه عاموس است.

۶:۵ "محکوم گردید" این عبارت به استثمار مالی و قضایی از بیوه‌ها، یتیم‌ها، افراد غیر خودی، فقرا و افراد ناتوان و بی‌بضاعت از نظر اجتماعی اشاره دارد. خداوند حامی نیازمندان و فرودستان است (رجوع شود به تثنیه ۱۰:۱۸؛ ۲۴:۱۷-۲۱؛ ۲۶:۱۲؛ ۲۷:۱۹).

▣ "به قتل رساندید" می‌توان این عبارت را شبیه آیه ۲:۳ و در حالت اعمال خشونت‌آمیز یا گرایش‌های نفرت‌آلود دانست (متی ۵:۲۱-۲۶).

▣ "مرد پارسا" برخی از مفسران معتقدند که این عبارت اشاره به عیسی دارد (بدلیل جمله آخر و اشعیا آیه ۷:۵۳)، اما اینگونه که از متن بر می‌آید، به فرزندان رنج‌دیده خداوند، یعنی مقدسین اشاره می‌کند.

▣ "با شما مخالفتی نمی‌ورزید" بنظر می‌رسد که این قسمت از آیه پرسشی است که انتظار پاسخ مثبت "بلی" را دارد [ترجمه‌های امروزی (۱) *The Twentieth Century New Testament*; (۲) Edgar J. Goodspeed؛ و (۳) J. B. Rotherham] را مطالعه نمایید. اگر چنین باشد، متن را می‌توان به متی آیه ۵:۳۹ مرتبط دانست. قوم خداوند در این عصر نباید عکس‌العمل نشان داده و رفتار انتقام‌جویانه داشته باشند، بلکه باید در روز داوری شهادت دهند!

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح‌القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا تَمَوْلُ گناه محسوب می‌گردد؟

۲. سه گناه این مردمان ثروتمند را نام ببرید.

دیدگاه‌های متنی به آیات ۷:۵-۱۲

A. قطعیت بازگشت دوم

۱. یعقوب و دیگر نویسندگان عهد جدید اینگونه تصور می‌کردند که عیسی بلادرنگ باز خواهد گشت.

۲. در سخنان خود عیسی نیز نسبت به بازگشتش سادگی به چشم نمی‌خورد. اکثر ایمانداران یاد گرفته بودند که عیسی خیلی سریع، ناگهان و بصورت غیر منتظره باز خواهد گشت (متی ۱۰:۲۳؛ ۲۴:۲۷، ۳۴، ۴۴؛ مرقس ۹:۱؛ ۱۳:۳۰). اما تاکنون همه نسلها اشتباه کرده‌اند! نزدیکی زمان (بلادرنگی) بازگشت عیسی قوت قلب هر نسلی تلقی می‌گردد، اما فقط برای یک نسل نامشخص به واقعیت خواهد پیوست (و آن نسل است که تحت ستم فراوان قرار دارد). ایمانداران باید به گونه‌ای زندگی کنند که گویی عیسی فردا قرار است بیاید، اما برنامه‌ریزی آنان برای مأموریت بزرگ باید بگونه‌ای باشد که گویی تأخیر دارد (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۶-۴۷؛ اعمال رسولان ۸:۱).

برخی آیات در اناجیل (مرقس ۱۳: ۱۰؛ لوقا ۱۸: ۸) و اول و دوم تسالونیکیان مبتنی بر تأخیر در بازگشت دوم عیسی نوشته شده‌اند (*Parousia*). برای این بازگشت، ابتدا باید رویدادهای تاریخی بوقوع پیوندند:

a. تبشیر به وسعت جهانی (متی ۲۴: ۱۴؛ مرقس ۱۳: ۱۰)

b. مکاشفه "مرد گناه" (متی ۲۴: ۱۵؛ ۲ تسالونیکیان ۲)

c. رنج و محنت بزرگ (متی ۲۴: ۲۱، ۲۴)

در اینجا ابهامی تعمدی دیده می‌شود (متی ۲۴: ۴۲-۵۱؛ مرقس ۱۳: ۳۲-۲۶)! بگونه‌ای زندگی کنید که گویی آخرین روز حیات شماست، اما تعالیم و برنامه‌های شما برای فردا باشد.

۳. عکس‌العمل شایسته‌ای که یک ایماندار نسبت به بازگشت دوم از خود نشان می‌دهد، باید صبر و شکیبایی باشد. در اینباره ده‌ها مثال وجود دارد:

a. کشاورز (یعقوب ۵: ۷)

b. انبیا (یعقوب ۵: ۱۰)

c. ایوب (یعقوب ۵: ۱۱)

۴. تضمین قطعی و انتظار بازگشت عیسی، امید حیاتی هر نسل از ایمانداران است. H. E. Dana در کتاب *Jewish Christianity* نظر سودمندی در اینباره دارد:

"یعقوب باور داشت که بازگشت دوم مسیح بلادرنگ محقق خواهد گردید. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که اینجا در عهد جدید اشتباهی صورت پذیرفته است. یعقوب کاملاً وفادارانه احساسات آکنده به مذهب خود را ضبط و ثبت می‌کند، و گرچه زمان واقعی بسیار فراتر از هر چیزی بود که وی در آرزوی آن بود، اما او کاملاً احساس صحیحی داشت که باید گوش به زنگ بازگشت عیسی باشد. وحی باید در نظر گرفته شود که، "دانستن زمان و فصلهایی که پدر با اختیار خود در برابر شما قرار داده، در حیطة وظایف شما نیست (اعمال رسولان ۷: ۱). یعقوب نمی‌دانست که تا بازگشت عیسی چقدر باقیمانده است؛ او فقط می‌توانست نزدیکی آن زمان را در ذهن خود منعکس کند - و وی در اینمورد صادق بوده و اشتباه مرتکب نگردید" (صفحات ۱۲۴-۱۲۵).

B. تأکید مستمر بر بکارگیری زبان بصورت منفی (یعقوب ۵: ۹، ۱۲ در حالیکه ۵: ۱۳-۲۰ بکارگیری زبان بصورت مثبت است).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۷: ۵-۱۱

پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبر پیشه کنید. بنگرید چگونه دهقان انتظار می‌کشد تا زمین محصول پرارزش خود را به بار آورد؛ چگونه صبر می‌کند تا بارانهای پاییزی و بهاری بر زمین بیارد. ^۸پس شما نیز صبور باشید و دل قوی دارید، زیرا آمدن خداوند ما نزدیک است! ^۹برادران، از یکدیگر شکایت نکنید، تا بر شما نیز دآوری نشود، زیرا 'داور' بر در ایستاده است. ^{۱۰}برادران، از پیامبرانی که به نام خداوند سخن می‌گفتند، درس صبر در مصائب را فرا گیرید. ^{۱۱}ما بردباران را خجسته می‌خوانیم. شما درباره صبر ایوب شنیده‌اید، و می‌دانید که خداوند سرانجام با او چه کرد، زیرا خداوند به‌غایت مهربان و رحیم است.

۷: ۵ "پس" این عبارت نشان‌دهنده ارتباط این پاراگراف با پاراگراف پیشین می‌باشد. تأکید بر بازگشت دوم عیسی در یعقوب ۵: ۱-۶ ادامه دارد.

▣ "صبر پیشه کنید" این جمله دستوری معلوم است. این موضوع و تأکید این مبحث است (یعقوب ۱: ۴). این کلمه چهار مرتبه بکار برده شده است: یعقوب ۷: ۵ (دو مرتبه)، ۸ و ۱۰. معنای اولیه‌ی آن "رنج طولانی" است. این واژه بمنظور نشان دادن صبر خداوند در برابر بشر بکار برده شده (رومیان ۴: ۲؛ ۱ پطرس ۳: ۲۰)، و همچنین یکی از نتیجه‌های وجود روح‌القدس است (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

▣ "برادران" به یادداشت یعقوب ۱: ۲ و ۹: ۱ مراجعه نمایید.

▣ "تا آمدن خداوند" این عبارت دقیقاً بمعنی "تا زمان *Parousia*" بوده که یعنی "صبر" و برای مفاهیم سلطنتی بکار برده می‌شد. دیگر واژگان عهد جدید در ارتباط با بازگشت دوم عیسی عبارتند از:

۱. *Epiphaneia*، "ظهور بصورت رو در رو"

۲. *Apokalupis*، "پرده کنار زدن"

۳. "روز خداوند" و واژگان دیگری از این دست

مرجع ضمیر "خداوند" در این آیه هم یهوه، همچون یعقوب ۵: ۱۰ و ۱۱، و هم عیسی در یعقوب ۵: ۷، ۸ و ۱۴ است. نویسندگان عهد جدید اغلب از این ابهام در دستور زبان برای تصریح جنبه‌ی خدایی عیسی بهره برده‌اند.

بطور کلی عهد جدید مبتنی بر جهانبینی عهد عتیق نوشته شده که بر موارد زیر تصریح می‌کند

۱. شریر کنونی، دوران و عصر سرکش

۲. عصری از رستگاری که در پیش رو است

۳. بواسطه کاری که مسیح (آن تدهین شده) انجام داد و زمینه‌هایی که روح القدس فراهم نمود، برای ما آماده شده است

در اینجا فرض الهیاتی در ارتباط با مکاشفه‌ی تدریجی لازم است زیرا نویسندگان عهد جدید قدری انتظارات قوم بنی اسرائیل را تغییر می‌دهند. بجای اینکه مسیح همراه با سواره‌نظام و بشیوه‌ای ملی گرایانه (مختص قوم بنی اسرائیل) باز گردد، دو بازگشت بوجود آمده است. اولین مرتبه‌ی آمدن مسیح، تجسم خداوند در مفهوم بدنیا آمدن عیسی ناصری بود. او بدون هیچ سواره‌نظامی و بدون هیچ تشریحی در قالب "خدمتگذاری رنج کشیده"، با تکمیل کردن آیات اشعیا ۵۳ و بصورت سوار بر الاغ (نه یک اسب نظامی، بلکه الاغی شاهانه) با رویی مهربان آمد و زکریا ۹: ۹ را به اتمام رساند. اولین آمدن وی عصر جدید مسیحیایی و پادشاهی خداوند بر روی زمین را آغاز کرد. در یک جمله می‌توان گفت که پادشاهی همینجاست، اما در عین حال تا حصول کامل آن راهی بس طولانی در پیش رو است. تنش میان دو بازگشت مسیح منجر به تقارن دو دوران یهود از عهد عتیق گردید که دیده نشده، یا حداقل واضح نیستند. این دو بار آمدن مسیح مؤکد تعهدی بوده که یهوه به بازسازی و احیای همه نوع بشر داشته است (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۳: ۱۲؛ خروج ۱۹: ۵ و موعظه‌ی رسولان، بویژه اشعیا و یونا).

کلیسا در انتظار به سرانجام رسیدن نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها اشاره به اولین بازگشت دارند (رجوع شود به کتاب *How to Read the Bible for All Its Worth*، صفحه ۱۶۶). آنچه که ایمانداران پیشبینی می‌کنند بازگشت شکوهمند شاه شاهان و سرور سروران است، عصر تاریخی رستگاری پیشبینی شده بر روی زمین، آنگونه که در بهشت وجود دارد (متی ۶: ۱۰). آنچه که عهد عتیق به نمایش گذارد غلط نبود، بلکه ناتمام بود. او دوباره خواهد آمد، درست همانگونه که رسولان پیشگویی کرده بودند - اینبار با قدرت قضایی و با تمام ابزار و اختیارات از سوی یهوه. بازگشت دوم مسیح یک واژه‌ی انجیلی نیست، بلکه مفهوم جهانبینی و چارچوب کاری در سرتاسر عهد جدید است. خداوند خود همه چیز را مرتب خواهد کرد. دوستی میان خداوند و بشر باعث گردید تا تصویری که او از بشر داشت، احیا گردد. نیروی شریر مورد داوری قرار گرفته و کنار زده خواهد شد. آنچه که هدف و مقصود خداوند است، هرگز شکست نخواهد خورد!

■ **"دهقان"** این یکی از سه مثال برای صبر و بردباری است: (۱) یک دهقان (یعقوب ۵: ۷)؛ (۲) رسولان عهد عتیق (آیه ۱۰)؛ و (۳) ایوب (یعقوب ۵: ۱۱). کار یک دهقان کاملاً مبتنی بر وضعیت آب و هواییست که وی هیچ کنترلی بر روی آن ندارد، اما با بوجود این وی با امید فراوان زمین را شخم زده و بذر خود را می‌کارد.

■ **"بارانهای پاییزی و بهاری"** (در متن اصلی "بارانهای زودهنگام و دیرهنگام نوشته شده است") بارش بارانهای زودهنگام در فلسطین در ماه‌های اکتبر و نوامبر شروع می‌گردیدند که برای جوانه زدن بذرها بسیار حیاتی بودند. بارش بارانهای دیرهنگام در ماه‌های آوریل و می شروع می‌گردیدند که برای رسیدن محصولات نقش مهمی را ایفا می‌کردند. این امر گویای این نکته است که شنوندگان یعقوب یا در نزدیکی فلسطین زندگی می‌کردند و یا حداقل از وضعیت آب و هوایی آن منطقه آگاهی داشتند. برخی متون اولیه‌ی یونانی (MSS P74, B) از واژه‌ی باران استفاده نکرده اما نحوه نگارش مطلب، این وضعیت آب و هوایی را متصور می‌نمایاند. بنظر می‌رسد که اولین کاتب این واژه را برای روشن شدن مطلب اضافه نموده است (MSS A, K, L, P).

■ **۸:۵ "شما نیز صبور باشید"** این یک جمله دستوری آئوریست بوده که از یعقوب ۵: ۷ تکرار گردیده است.

■ **"دل قوی دارید"** این نیز جمله‌ی دستوری آئوریست دیگری است (۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳). صبور باشید و ایمان داشته باشید که خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند. به موضوع خاص: قلب در یعقوب ۱: ۲۶ مراجعه نمایید.

■ **"زیرا آمدن خداوند ما نزدیک است"** این یک جمله کامل اخباری بوده و گویای این نکته است که آمدن عیسی بار اول آمد، اثرات آن آمدن هنوز ادامه داشته، و وی دوباره خواهد آمد (۱ پطرس ۴: ۷). نویسندگان عهد جدید (و احتمالاً خود عیسی، با مقایسه متی ۱۶: ۲۸ تا ۲۴: ۳۶) انتظار روی دادن قریب الوقوع دوم را داشتند. قطعیت بازگشت دوم بمنظور بوجود آوردن شوق و وجد در همه نسلهای ایماندارانی که در جهان تحت فشار و رنج قرار دارند، می‌باشد. زمان آن نامشخص، اما بوقوع پیوستن این رویداد قطعی است! ایمانداران هر روز در انتظار بازگشت شکوهمند خدای خود زندگی می‌کنند. پیام بزرگ عهد جدید به تمامی ایمانداران این است که "آماده و فعال باشید".

این یک جمله دستوری حال کامل با بار منفی بوده که بمعنی توقف عملی در حال اجرا بکار برده می‌شود. مفهوم آن می‌تواند به یکی از موارد زیر مرتبط باشد:

۱. شرایط نابرابر زندگی برای ایماندارانی که تحت رنج بودند و دیگران
۲. فشار و ستم غیرمنتظره بر ایمانداران باوفا
۳. حسادت در میان رهبران کلیسا (معلمان)

□ **"تا بر شما نیز داوری نشود"** آیات بعدی شامل هشدارهای تکانه‌دهنده‌ای هستند (متی ۶:۱۴-۱۵؛ ۷:۱-۵؛ ۱۸:۳۵؛ لوقا ۶:۳۸؛ یعقوب ۲:۱۳). ایمانداران تنها با بخشش مورد عفو قرار نمی‌گیرند، بلکه نحوه‌ی بخشش ما است که دل جدید ما را عیان می‌سازد! آیا ما می‌خواهیم که خداوند آنگونه که ما با دیگران رفتار می‌کنیم، با ما رفتار کند؟

□ **"داور بر در ایستاده است"** تأکید این جمله بر بلافاصلگی بازگشت دوم مسیح و ارتباط آن با داوری نهایی است (متی ۲۴:۳۳؛ مرقس ۱۳:۲۹).

□ **"پیامبران"** آنان از یک زندگی ساده و امن بسیار بدور بودند (متی ۵: ۱۰-۱۲، و همچنین به عبرانیان ۱۱ توجه نمایید).

□ **"چه کرد"** این واژه‌ای متفاوت با آن که در یعقوب ۵:۷-۱۰ بکار برده شده هر چند که تأکید آن بر روی یک موضوع است. کلمه بکار برده شده بمعنی "استقامت داوطلبانه و پایدار" و با تأکید بر "زیر بار مسئولیت ماندن" است. صبر ایوب تبدیل به ضرب‌المثلی برای همگان گردیده است. ایمانداران عهد عتیق و جدید مکاشفه‌ی خود را از خداوند دریافت می‌کنند. ما درباره واقعات معنوی و روحانی خیلی چیزها یاد می‌گیریم، اما در تجربیات شخصی خود هنوز رازهای زیادی نهفته داریم.

□ **"خداوند به‌غایت مهربان و رحیم است"** اینها دو فرم بسیار نادر در واژگان یونانی برای "مهربانی کردن" و "رحم کردن" هستند. هر دوی این مفاهیم بیان‌کننده جزئیات عناوین خداوند هستند (خروج ۳۴:۶؛ نمحیا ۹:۱۷؛ یوئیل ۲:۱۳). احتمالاً یعقوب بطور مستقیم اشاره به مزمور ۱۰۳:۸ یا ۱۱۱:۴ داشته است. اگر خداوند با ما چنین رفتاری دارد، پس ما نیز باید به همین‌گونه با دیگران رفتار نماییم (یعقوب ۵:۹).

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۵:۱۲

^{۱۲} اما مهمتر از همه، ای برادران من، سوگند مخورید؛ نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ چیز دیگر. بگذارید 'بله' شما همان بله باشد و 'نه' شما همان نه، مبادا محکوم شوید.

□ **"مهمتر از همه"** این عبارت یک رابط منطقی با یک موضوع جدید، اما مرتبط است. شگفت‌انگیز است که یعقوب این موضوع را "مهمتر از همه چیز" ارزیابی کرده بود (۱ پطرس ۴:۸، اصطلاحی مشابه). این عبارت می‌تواند به شیوه‌ی بکارگیری نامتعارف زبان با بکار بردن نام خداوند ارتباط داشته باشد که بسیار مقدس محسوب می‌گردد (خروج ۲۰:۷؛ تثنیه ۵:۱۱).

□ **"ای برادران من"** به یادداشت یعقوب ۱:۲ و ۹:۱ مراجعه نمایید.

□ **"سوگند مخورید"** بسیاری از مترجمان امروزی آیه ۵:۱۲ را کاملاً مستقل در نظر می‌گیرند (NASB, NRSV, NJB, NIV). این یک جمله دستوری حال کامل با بار منفی بوده که بمعنی توقف عمل در اجرا می‌باشد. این جمله اشاره به کفرگویی نداشته بلکه در اشاره به شیوه‌ی قسم خوردن ریبیان دارد. آنان با قسم خوردن، صداقت و وفاداری خود را تکرار مکرر نام خداوند اظهار می‌داشتند (این مورد می‌تواند اشاره‌ی دیگری به مؤظه بر روی کوه باشد، متی ۵:۳۴-۳۷). آنها سیستم تو در تویی از سوگندهای الزام‌آور و غیرالزام‌آور را بوجود آورده بودند.

□ **"مبادا محکوم شوید"** مشکل عمده این بود که آنان احترام نام خداوند را نگه نمی‌داشتند (خروج ۲۰:۷). کلام ما حائز اهمیت هستند (متی ۱۲:۳۴-۳۷)، و ما ملزم به پاسخگویی بخاطر آنچه که بر زبان می‌آوریم، هستیم (جامعه ۹:۲۳-۱۰). ایمانداران نیز روزی برای پاسخگویی بخاطر اعمال، کردار و آنچه که بر زبان جاری کردند، در برابر عیسی بمنظور ارزیابی و داوری قرار خواهند گرفت (۲قرن‌تیان ۵:۱۰). مرگ مسیح معضل گناه را حل کرد؛ روح او باعث تقویت ایمانداران بمنظور خدمت می‌گردد؛ اما هر یک از ما نیز بابت چگونگی بکارگیری هدایا و عطایا و فرصتهایی که بابت بشارت و خدمت در اختیارمان قرار داده شده، دارای مسئولیت هستیم.

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسمت و قطعیت ندارند.
۱. آیا تأکید یعقوب بر داوری تاریخی بود یا موقت؟
 ۲. عنوان "YHWH Sabaoth" (خداوند میزبان است) را توضیح دهید.
 ۳. یعقوب چه شباهتی با عاموس دارد؟
 ۴. چگونه و چرا یعقوب ۵: ۱-۱۲ با بازگشت دوم مسیح مرتبط شده است؟
 ۵. چرا آیه ۵: ۱۲ مستقل و جداگانه متصور گردیده بود؟

دیدگاه‌های متنی به آیات یعقوب ۵: ۱۳ - ۲۰

- A. نقش کلیسا در شفای فیزیکی (یعقوب ۵: ۱۳-۱۸)
۱. شفا دادن یکی از واقعیات در عهد جدید بود، درست به قطعیت شفای روحی. حقیقت آن نشانه‌ی اوج رستگاری و نجات و عصر جدید بود.
 ۲. شفای فیزیکی حاصل محبت و علاقه‌ی مداوم خداوند برای ایمانداران است. با اینحال، هر کسی در عهد جدید شفا نمی‌یافت:
 - a. پولس (۲ قرن‌تیا ۱۲: ۷-۹)
 - b. اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵-۲۷)
 - c. ثروفیموس (۲ تیموتائوس ۴: ۲۰)
 ۳. سؤال اصلی درباره شفای فیزیکی درباره سرمنشأ یا واقعیت آن مطرح نمی‌شود، بلکه
 - a. دریافت کننده چه کسی باید است؟
 - b. ابزار کار در دست چه کسی باید باشد؟
 - c. از چه فرمول، قالب یا چارچوبی باید بهره‌گیری کرد؟
 - d. چه وقت، کجا و چرا باید انجام پذیرد؟
 ۴. در رابطه با موضوع شفای فیزیکی، یک عنصر روانی نیز دخالت دارد، این عنصر را می‌توان در اینجا و در مرقس ۸: ۲۲-۲۶ نیز مشاهده کرد. در این مورد از برخی فعالیتها و نمادهای فرهنگی بمنظور بالا بردن سطح ایمان بهره گرفته می‌شد.
 - a. تدهین با روغن
 - b. گل و لای درست کردن
 - c. در هنگام دعا بر روی دست قرار دادن
 ۵. برای مطالعه بیشتر به کتاب *The Disease of the Health, Wealth Gosper* نوشته Gordon Fee مراجعه نمایید.
- B. کلیسا دارای نقشی فعال در بازگرداندن کسانی داشت که از حقیقت منحرف گردیده بودند (یعقوب ۵: ۱۹-۲۰)

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۵: ۱۳-۱۸

^{۱۳} اگر کسی از شما در مشکل است، دعا کند؛ اگر کسی شاد است، سرود حمد بخواند. ^{۱۴} اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا را فرا خواند و آنها برایش دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن تدهین نمایند. ^{۱۵} دعای با ایمان، بیمار را شفا می‌بخشد و خداوند او را برمی‌خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده می‌شود. ^{۱۶} پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای شخص پارسا، با قدرت بسیار عمل می‌کند.

^{۱۷} ایلیا انسانی بود همچون ما، اما چون با تمام وجود دعا کرد که باران نیارد، سه سال و نیم باران بر زمین نیارید؛ ^{۱۸} و باز دعا کرد و از آسمان باران بارید و زمین محصول به بار آورد.

۱۳: ۱۷ - تمامی این بخش در وهله اول به اهمیت و نیروی دعا (بعنوان یک جنبه مثبت از کاربرد صحیح زبان) در هر شرایط و نه فقط به جهت شفا دادن، می‌پردازد! این آیه با نشان دادن استفاده صحیح از نام خداوند با یعقوب ۵: ۱۲ به تقابل می‌پردازد.

در این متن سه سؤال در ارتباط با رنج کشیدن، شادی و بیماری مطرح شده که فقط آخرین آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این سه سؤال چارچوبی را برای ایماندارانی که با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند، مشخص کرده است: (۱) دعا کردن؛ (۲) سرودهای پرستشی؛ و (۳) درخواست کمک از مسیحیان باتجربه و مشایخ کلیسا.

■ **"دعا کند ... سرود حمد بخواند"** اینها افعال شامل یک دستور متوسط و یک دستور حال کامل است. در زبان انگلیسی ما کلمه "Psalm" (مزمو) را از "Praises" (دعا و نیایش) اقتباس کرده‌ایم (رومیان ۹:۱۱؛ ۱۴:۱۵؛ افسسیان ۵:۱۹؛ کولسیان ۳:۱۶). آیه ۱۳ می‌تواند به این مفهوم باشد که تحت هر شرایطی که باشیم، دعا و نیایش همیشه مورد قبول خداوند هستند (رومیان ۱۲:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۶-۱۷) (رنج کشیدن یا شادی کردن).

■ **"کسی از شما بیمار است"** مفهوم این عبارت "ناتوان" است. واژه‌ی بکار برده شده *ashteneia* هم برای عدم دارا بودن توانایی فیزیکی (۲قرنیتیان ۱۱:۳۰؛ ۱۲:۵؛ ۱ تیموتائوس ۵:۲۳) و هم نداشتن توانایی روحانی (۱قرنیتیان ۸:۹؛ ۲قرنیتیان ۱۱:۲۹) و یا خلوص (رومیان ۶:۱۹؛ عبرانیان ۴:۱۵) بکار برده شده است. این ابهام در متنی که گناه را با ضعف و بیماری مرتبط می‌داند، می‌تواند تعمدی نوشته شده باشد. بلحاظ ساختار دستور زبان، مشخص نیست که این جمله باید بصورت سؤالی نوشته می‌شد (NASB, NKJV, NRSV, TEV) و یا اظهار نظر (NJB, New Century Version). سؤال الهیاتی که در اینجا وجود می‌آید اینست که (۱) آیا رنج مطرح شده در آیه ۵:۱۳ با بیماری در آیه ۵:۱۴ همتراز است؟ یا (۲) اینها دو تجربه متفاوت برای ایمانداران در این دنیای فانی و رو به انحطاط هستند؟ یعقوب درباره "رنج و صبر" بحث کرده است؛ اکنون او درباره "دعا و بیماری" بحث می‌کند.

موضوع خاص: شفا دادن

SPECIAL TOPIC: HEALING

برای من تکان دهنده است که همه کسانی که در عهد جدید شفا یافتند، نجات نیافتند (به عنوان مثال، اعتماد به مسیح و زندگی ابدی). درمان جسمانی یک جایگزین ضعیف برای نجات معنوی است. اگر ما را به خداوند برساند، معجزات واقعا مفید خواهند بود. همه انسان‌ها در یک جهان سقوط کرده زندگی می‌کنند. چیزهای بد اتفاق می‌افتند خدا اغلب تصمیم می‌گیرد که مداخله نکند، اما چیزی در مورد عشق و نگرانی خود نمی‌گوید. مراقب باشید که از خدا درخواست معجزه‌های برای هر نیازی در این عصر شیطنی کنونی نداشته باشید. او حاکم است و ما مفاهیم کامل هر وضعیت خاص را نمی‌دانیم.

در این نقطه من می‌خواهم یادداشت‌های تفسیری خود را از دوم تیموتائوس ۴: ۲۰ درباره پولس و شفای فیزیکی اضافه کنم. (برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به www.freebiblecommentary.org):

"سؤالات بسیاری وجود دارند که ما می‌خواهیم از نویسندگان عهد جدید بپرسیم. یکی از موضوعاتی که همه مومنین در مورد آن فکر می‌کنند شفای فیزیکی است. در اعمال رسولان (مراجعه شود به ۱۹: ۱۲، ۲۸: ۷-۹) پولس قادر به شفا است، اما در اینجا و در دوم قرنیتیان ۱۲: ۷-۱۰ و فیلیپیان ۲: ۲۵-۳۰، او به نظر می‌رسد ناتوان است. چرا برخی بهبود یافتند و برخی نه، و آیا یک پنجره زمانی متصل به درمان است که بسته شده است؟

من مطمئنا به پدر ماورا الطبیعی و دلسوز اعتقاد دارم که از لحاظ جسمی و روحانی شفا می‌یابد، اما چرا این جنبه شایع ظاهرا وجود دارد و سپس به طور قابل توجهی غایب است؟ من فکر نمی‌کنم که آن به ایمان انسانی متصل شده باشد، زیرا مطمئنا پولس ایمان داشت (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۱۲). من احساس می‌کنم که معجزات شفا و اعتقادی تایید صحت و اعتبار انجیل باشد که هنوز در مناطقی از جهان که در آنجا برای اولین بار اعلام میشود، انجام می‌گردد. با این حال، احساس می‌کنم که خداوند می‌خواهد ما را با ایمان گام برداریم و نه بر اساس چشم انداز. همچنین بیماری فیزیکی اغلب در زندگی مؤمن مجاز می‌باشد:

۱. به عنوان مجازات زمانی برای گناه
۲. به عنوان پیامدهای زندگی در یک جهان افتاده
۳. برای کمک به مؤمنان به لحاظ بلوغ معنوی

مشکل من این است که من هرگز نمی دانم کدام یک درگیر است. نماز من برای اراده خدا در هر مورد انجام می شود، فقدان ایمان نیست، بلکه تلاشی صادقانه برای اجازه دادن به خداوند مهربان و مهربان است تا کار اراده خود را در زندگی هر فردی انجام دهد".

اینها نتیجه گیری من هستند:

۱. شفا بخش مهمی از بشارت عیسی و رسولان بود.
۲. به طور عمده در نظر گرفته شد تا پیام رادیکال جدیدی درباره خداوند و پادشاهی او تأیید شود.
۳. این قلب خدا را برای مردم بیمار نشان می دهد.
۴. خدا تغییر نکرده است (ملاکی ۳: ۶) و او هنوز برای شفا دادن با عشق عمل می کند، (تمام نعمات روحانی ادامه می یابد، مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۲: ۹، ۲۸، ۳۰).
۵. نمونه هایی وجود دارند که در آن درمان کسانی که دارای ایمان بزرگ هستند انجام نمی شود (کتابچه ای که در این زمینه به من کمک کرده است، Gordon Fee، *The Disease of the Health, Wealth Gospel* است).
- a. پولس، دوم قرنیتیان ۱۲: ۷-۱۰
- b. تروفیسوس، دوم تیموتائوس ۴: ۲۰
۶. گناه و بیماری در اندیشه های ربی ها (مراجعه شود به اعداد ۹: ۲، یوحنا ۵: ۱۳-۱۸).
۷. شفا تضمین عهد جدید نیست. این جزء ختنه نیست که در اشعیا توصیف شده است. ۵۳: ۴-۵ و مزامیر ۱۰۳: ۳، جایی که شفا دادن تصویری برای بخشش است (نگاه کنید به: اشعیا ۱: ۵-۶، جایی که بیماری یک استعاره برای گناه است).
۸. رمز و راز واقعی در مورد این است که چرا برخی شفا داده شده و برخی شفا نمی یابند.
۹. ممکن است که هر چند که در هر عصری درمانی وجود داشته باشد، در طول حیات عیسی افزایش قابل توجهی داشته است. این افزایش دوباره قبل از بازگشت او رخ خواهد داد.

نویسنده مدرنی که به من کمک کرد تا متوجه شوم که روایات شیطانی من، کارهای روح را، به خصوص معجزات را، خنثی میکنند، Gordon Fee است. او دارای چندین کتاب است، اما دو کتابی که به این امر میپردازند، به شرح زیر هستند:

۱. *Paul, the Spirit, and the People of God*

۲. *God's Empowering Presence: The Holy Spirit and the Letters of Paul*

همانند بیشتر مسائل کتاب مقدس، دو وضعیت افراطی وجود دارد. ما همه باید در نور خود با عشق گام برداریم، اما همیشه به نور بیشتری از کتاب مقدس و روح نیاز داریم.

■ "مشایخ کلیسا را فرا خواند" این یک جمله دستوری در دستور زبان آتوریست است. توجه داشته باشید که برای یک فرد ضعیف و بیمار این یک مسئولیت تلقی گردیده و وی باید درخواست ملاقات با "مشایخ" کلیسا را نماید. این مراحل برای فرد دارای ضعف می بایست در خانه صورت پذیرفته و نیازی به گردهماییهای کلیسایی نمی باشد، بویژه اگر "تدهین دادن" نیازمند به ماساژ طبی یا مالیدن باشد. همچنین این برنامه نیاز به "شماس" یا "مشایخ" زن را بویژه در خدمت رسانی به زنان نشان می دهد. دقت کنید که واژه "مشایخ" جمع بوده، آنگونه که در عهد جدید بکار رفته است. محتوای رساله ی یعقوب حول محور همزیستی ایمانداران یهودی می گردد؛ لذا، "مشایخ" احتمالاً در چاقوبهای عهد عتیق و در رابطه با "کشیشان" یا "راهبان" بکار برده نشده (اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ تیتوس ۱: ۵، ۷)، بلکه در چارچوب "مشایخ" و بزرگان کنیسه در عهد عتیق می باشد. ربیان و رهبران کنیسه ها اغلب به دیدار فرد بیمار یا ضعیف رفته و وی را تدهین می کردند.

■ "کلیسا" واژه ی یونانی *ekklesia* دقیقاً بمعنی "آن فراخوانده شدگان" می باشد. از این واژه در نسخه Septuagint برای ترجمه کلمه عبری *qahal* یا "انجمن" اسرائیل بکار برده شده بود. در نظام سیاسی یونان این واژه بمعنی انجمن محلی شهر می باشد (اعمال رسولان ۱۹: ۳۲، ۳۹، ۴۱). بلحاظ الهیاتی جالب است که در اینجا تأکید بر روی رهبران محلی بوده و نه شفا دهندگان دوره گرد. شفا دادن یک هدیه روحانی بوده که در اول قرنیتیان ۱۲: ۹، ۲۸ ذکر گردید و سپس بصورت گسترده در عهد جدید و کلیسای اولیه مورد تجربه قرار گرفت. توجه داشته باشید که در صورت درخواست فرد بیمار، مشایخ باید به دیدار وی می شتافتند نه اینکه وی در اجتماعات کلیسا شرکت نماید. این امر یکی از مراحل اجرایی روحانی شخصی محسوب می گردید.

- "آنها برایش دعا کنند" این یک جمله دستوری آئوریست است. فعل اصلی در متن، در اینجا بکار برده شده است. دعا کردن موضوع اصلی در سرتاسر متن می‌باشد
- "باید دعا کند" (یعقوب ۵:۱۳)
- "برایش دعا کنند" (۱۴:۵)
- "دعای با ایمان" (۱۵:۵)
- "دعا برای یکدیگر" (۱۶:۵)
- "دعای با قدرت" (۱۶:۵)
- "دعا با تمام وجود" (۱۷:۵)
- "باز دعا کرد" (۱۸:۵)

- "تدهین" این جمله وجه وصفی کامل در دستور زبان آئوریست است. کلمه *aleiphō* در میان واژگان مختص برنامه‌های کلیسایی، تدهینهای دینی (*chrīō* یا *chrisma*) رایج نیست، اما در رابطه با ماساژهای پزشکی زیاد بکار برده می‌شود. تماس فیزیکی همیشه برای فرد بیمار اهمیت داشته است. بلحاظ فرهنگی این امر می‌تواند طبیعی تلقی گردد همانگونه که در مرقس ۶:۱۳؛ ۷:۳۳؛ ۸:۲۳؛ یوحنا ۹:۶، ۱۱ مطرح گردیده است. در زبان یونانی کلمات متعددی در ارتباط با تدهین و روغن مالیدن وجود دارد.
- A. *Murizō*، در مرقس ۸:۱۴ برای تدهین بمنظور دفن کردن بکار برده شده است. این واژه ریشه عبری برای نام مسیح (آن تدهین شده) است.
- B. *Aleiphō*، نیز برای تدهین بمنظور دفن کردن بکار رفته است (مرقس ۱۶:۱؛ ۱۲:۳، ۷). بعلاوه، برای موارد زیر نیز بکار برده شده است:
۱. تدهین بیمار (مرقس ۶:۱۳؛ لوقا ۱۰:۳۴؛ یعقوب ۵:۱۴)
 ۲. تدهین فردی، که بمنظور آماده شدن در فعالیتهای عمومی، روزانه انجام می‌گرفت (متی ۶:۱۷)
 ۳. تدهین ویژه‌ی عیسی بوسیله زن گناهکار (لوقا ۷:۳۸، ۴۶)
- C. *Chrīō* (*Chrisma*)، حالت طبیعی بکار برده شده این واژه در قواعد دینی اغلب با روح ارتباط پیدا می‌کند:
۱. تدهین عیسی (لوقا ۴:۱۸؛ اعمال رسولان ۴:۲۷؛ ۱۰:۳۸؛ عبرانیان ۱:۹)
 ۲. تدهین ایمانداران (قرنتیان ۱:۲۱؛ یوحنا ۲:۲۰، ۲۷)
- D. *egchriō* و *epichriō* بطور اخص برای مالیدن بر روی مرهم و ضماد بکار برده شده است.

موضوع خاص: تدهین در انجیل (فعل عبری، BDB 602، KB 643 I، اسم BDB 603)

SPECIAL TOPIC: "ANOINTING" IN THE BIBLE (Hebrew verb, BDB 602, KB 643 I; noun, BDB 603)

- A. برای زیبایی استفاده می‌شد (BDB 691 I). مراجعه شود به تثنیه ۴۰:۲۸، روت ۳:۳، دوم سموئیل ۲۰:۱۲، ۲:۱۴، دوم تواریخ ۲۸:۱۵، دانیال ۳:۱۰، میکاه ۶:۱۵)
- B. برای میهمانان استفاده می‌شد (BDB 206). مراجعه شود به مزمور ۲۳:۵، انجیل لوقا ۷:۳۸ و ۷:۴۶، انجیل یوحنا ۲:۱۱)
- C. برای درمان استفاده می‌شد (BDB 602). مراجعه شود به اشعیا ۱:۶۱، انجیل مرقس ۶:۱۳، انجیل لوقا ۴:۳۴، ۱۰:۳۴، یعقوب ۵:۱۴)
- D. برای آماده کردن جسد جهت دفن استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۶، انجیل یوحنا ۳:۱۲ و ۷، ۱۹:۳۰ الی ۴۰). یادداشت دوم تواریخ ۱۴:۱۶ ولی بدون فعل "تدهین"
- E. استفاده در مراسم مذهبی (BDB 602). مراجعه شود به پیدایش ۲۸:۱۸، ۳۱:۱۳ [ستون]، خروج ۲۹:۳۶ [محراب]، خروج ۳۰:۳۰، ۴۰:۹ الی ۱۶، لاویان ۸:۱۰ الی ۱۳، اعداد ۷:۱ [جشن خیمه‌ها]
- F. برای انتصاب رهبران
۱. کشیشان
 - a. آرون (خروج ۲۸:۴۱، ۲۹:۷، ۳۰:۳۰)
 - b. پسران آرون (خروج ۴۰:۱۵، لاویان ۷:۳۶)
 - c. عنوان یا عبارت استاندارد (اعداد ۳:۳، لاویان ۱۶:۳۲)
 ۲. پادشاهان

- a. توسط خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۰:۲، دوم سموئیل ۷:۱۲، دوم پادشاهان ۳:۹ و ۶ و ۱۲، مزبور ۷:۴۵، ۲۰:۸۹)
- b. توسط پیامبران (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۶:۹، ۱۰:۱، ۱۵:۱ و ۱۷، ۱۶:۳ و ۱۲ الی ۱۳، اول پادشاهان ۴۵:۱، ۱۹:۱۵ الی ۱۶)
- c. توسط کشیشان (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱:۳۴ و ۳۹، دوم پادشاهان ۱۱:۱۲)
- d. توسط بزرگان (مراجعه شود به داوران ۸:۹ و ۱۵، دوم سموئیل ۷:۲، ۳:۵، دوم پادشاهان ۳۰:۲۳)
- e. توسط عیسی به عنوان پادشاه مسیحی (مراجعه شود به مزبور ۲:۲، انجیل لوقا ۴:۱۸، [اشعیا ۱:۶۱]، اعمال رسولان ۲۷:۴، ۳۸:۱۰، عبرانیان ۹:۱ [مزبور ۷:۴۵])
- f. پیروان عیسی (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۱:۲۱، اول یوحنا ۲:۲۰ و ۲۷)
۳. احتمالاً پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۶:۱۹، اشعیا ۱:۶۱)
۴. بی‌ایمانانی که ابزار الهی بودند
- a. کوروش (مراجعه شود به اشعیا ۱:۴۵)
- b. پادشاه تیریه (مراجعه شود به حزقیال ۱۴:۲۸، جایی که او از باغ عدن به عنوان استعاره استفاده می‌کند)
۵. اصطلاح "مسیح" یعنی "آن تدهین شده" (BDB 603)، مراجعه شود به مزبور ۲:۲، ۳۸:۸۹، ۱۰:۱۳۲
- اعمال رسولان ۳۸:۱۰ آیه‌ای است که تمامی سه فرد خدا (تثلیث) در تدهین دخیل هستند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۱۸، اعمال رسولان ۲۷:۴، ۳۸:۱۰). این مفهوم بسط یافت تا تمامی مومنین شامل تدهین شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۲۷). "آن تدهین شده" تبدیل "به آن تدهین شدگان" شد! این می‌تواند با ضد مسیح و ضد مسیحیان همسو باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱۸:۲). در عهد عتیق عمل نمادین تدهین با روغن (مراجعه شود به خروج ۷:۲۹، ۲۵:۳۰، ۲۹:۳۷) در رابطه با آنانی است که توسط خدا برای کارهای خاصی فراخوانده شده‌اند (یعنی پیامبران، کشیشان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه اصطلاح عبری آن تدهین شده یا مسیح است.

با روغن" روغن در میان یهودیان قرن اول موارد مصرف متعددی داشت:

۱. مصرف دارویی (اشعیا ۱:۶؛ لوقا ۱۰:۳۴)
۲. بعنوان نمادی از استعداد و توانمندی خدادادی پیامبران، کاهنان و پادشاهان عهد عتیق
۳. بعنوان نماد تشریفاتی از حضور خداوند
۴. بعنوان ابزاری برای آماده شدن جهت حضور در فعالیتهای عمومی یا در زمانهای خاص و یا رویدادهای مفرح و شاد (با قرار دادن آن بر روی صورت فرد)

بنام خداوند" این کاربرد معقول و درست نام خداوند را نشان می‌دهد. اجازه دهید ذکر نکته‌ای را متذکر شوم؛ شفا دادن هدیه‌ای روحانی از سوی خداوند است که برخی از اعضای بدن عیسی برای امور خیرخواهانه و نیکو عطا شده است (۱ قرن‌تبیان ۱۲:۷، ۹، ۱۱، ۲۸ و ۳۰). با اینحال، این متن اشاره به این ایمانداران مورد برکت قرار گرفته نداشته، بلکه به رهبران کلیسا اشاره می‌کند. این کاری است که رهبران کلیسا باید انجام دهند و برکت خاصی نیست که روح آن را عطا کرده باشد.

موضوع خاص: نام خداوند – (عهد جدید)

Special Topic: The Name Of The Lord (NT)

- در کلیسا این اسم متداول عهد جدیدی برای حضور و قدرت فعال خدای تثلیث است. یک فرمول جادویی نیست، بلکه درخواستی برای شخصیت خدا آن طور که در عیسی دیده شد، است.
- اغلب این اصطلاح به عیسی به عنوان سرور اشاره می‌کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱:۲)
۱. در کار ایمان فرد به عیسی (مراجعه شود به رومیان ۹:۱۰ الی ۱۳، اعمال رسولان ۲۱:۲ و ۳۸، ۱۲:۸ و ۱۶، ۴۸:۱۰، ۵:۱۹، ۱۶:۲۲، اول قرن‌تبیان ۱۳:۱ و ۱۵، یعقوب ۷:۲)
 ۲. در زمان جن‌گیری و بیرون راندن دیوها (مراجعه شود به انجیل متی ۷:۲۲، انجیل مرقس ۳۸:۹، انجیل لوقا ۴۳۹:۹، ۱۰:۱۷، اعمال رسولان ۱۳:۱۹)
 ۳. در زمان شفا دادن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶:۳ و ۱۶، ۴:۱۰، ۳۴:۹، یعقوب ۱۴:۵)
 ۴. در زمان بشارت (مراجعه شود به انجیل متی ۴۲:۱۰، ۵:۱۸، انجیل لوقا ۴۸:۹)

۵. در زمان مراسم در کلیسا (مراجعه شود به انجیل متی ۸:۱۵ الی ۲۰)
 ۶. در زمان موعظه برای پیروان سایر ادیان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴:۴۷، اعمال رسولان ۹:۱۵، ۱۵:۱۷، رومیان ۱:۵)
 ۷. در دعا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۱۳ الی ۱۴، ۱۵:۷ و ۱۶، ۱۶:۲۳، اول قرنتیان ۱:۲)
 ۸. راهی برای اشاره به مسیحیت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶:۹، اول قرنتیان ۱:۱۰، دوم تیموتائوس ۲:۱۹، یعقوب ۲:۷، اول پطرس ۴:۱۴)
 هر آنچه به عنوان بشارت‌دهنده، کمک‌کننده، شفا دهنده، بیرون‌کننده دیو و غیره انجام دهیم، در شخصیت او، قدرت او و بنام او انجام می‌دهیم (یعنی فیلیپیان ۲:۹ الی ۱۰)!

۱۵:۵ "دعای با ایمان" این عبارت اشاره به دعای "مشایخ" دارد و نه ایماندار بیمار یا ضعیف. امر شفا همیشه به کسی که در حال شفا یافتن است مربوط نمی‌گردد (مرقس ۵:۲؛ ۵:۵-۳۵-۴۳؛ یوحنا ۵:۵-۹).

واژه‌ی بکار برده شده برای دعا (*euchē*) معنی "سوگند" نیز می‌تواند داشته باشد (اعمال رسولان ۱۸:۱۸؛ ۲۱:۲۳) و همچنین می‌تواند به سوگند فردی از جانب فرد بیمار به داشتن ایمان در ملاً عام نیز معنا دهد؛ در عین حال نیز می‌تواند گویای حضور فرد ایماندار برای خدمت به خداوند محسوب گردد.

□ "برمی‌خیزانند" واژه‌ی یونانی *sozō* در عهد جدید اغلب برای رستگاری روحانی بکار برده شده است (یعقوب ۱:۲۱؛ ۲:۱۴؛ ۴:۱۲). معنی دقیق این واژه "شفا یافتن" است (جسمی و / یا روحی).

□ "اگر گناهی کرده باشد" در این جمله "اگر" از ترکیب "و" (*kai*) بصورت شرطی نوع سوم (*ean*) با وجه شرطی از فعل "بودن" بوجود آمده است. لذا جمله تبدیل می‌شود به وجه وصفی مجهول که مفهوم آن حکایت از دخیل نبودن گناه در بیماری دارد. با اینوجود، در یهودیت قرن اول، گناه و بیماری دارای ارتباط الهیاتی با یکدیگر بودند (۱ قرنتیان ۱۱:۳۰؛ مرقس ۲:۵-۱۱؛ یوحنا ۵:۱۴). با اینحال، آنچه که عیسی در یوحنا ۹:۳ بیان می‌دارد نشان می‌دهد که این موضوع همیشه صدق نمی‌کند.

سرتاسر متن (یعقوب ۵:۱۳-۱۹)، که به موضوع احیای فیزیکی ایمانداران می‌پردازد، چندین مورد را ذکر می‌کند که باعث تشویق ایمانداران قرن اول می‌گردد: (۱) آمدن مشایخ کلیسا؛ (۲) دعا خواندن آنان؛ (۳) دعا به نام پر اقتدار عیسی؛ (۴) تدهین شدن توسط مشایخ؛ و (۵) شنیدن و اعلام برائت از گناه. خداوند برای بازسازی و احیای فیزیکی بشر از روشهای متعددی بهره می‌برد - معجزات، جن‌گیری، دعا توسط دوستان، کنترل بیماری توسط خود فرد، گرایشهای مثبت روانی، اعتراف کردن، دارو، روشهای درمانی، و برداشتن بار سنگین گناه از روی دوش فرد.

۱۶:۵ "به گناهان خود اعتراف کنید" این یک جمله دستوری حال ساده است. "پس" نشان‌دهنده ارتباط یعقوب ۵:۱۶ با مبحث پیشین است. اعتراف بخش مهمی از مراحل شفا یافتن بوده و هست (لاویان ۵:۵؛ اعداد ۵:۷؛ مزبور ۵۱). این یک پادزهر مؤثر برای غرور، خود محوری و گناه است. مشکل بزرگ در ترجمه این قسمت اینست که نمی‌دانیم آیا یعقوب از بحث دعا برای فردی که دارای بیماری جسمی است عبور کرده و به بحث دعا برای فردی که دچار بیماری روحی شده روی آورده، یا اینکه محتوای بیماری جسمی و شفای فیزیکی کماکان ادامه دارد. مشکل در اینجا مفهوم "شفا" است. آیا این واژه اشاره به رهایی جسمانی عهد عتیق، آنگونه که در یعقوب ۵:۱۵ گفته شده دارد، و یا از این وضعیت عبور کرده و به رستگاری روحانی می‌پردازد؟ شاهد مستندی که برای حالت عهد جدید (رستگاری و نجات روحانی) وجود دارد عبارت است از: (۱) عمومیت دادن "مشایخ" به "برای یکدیگر" (یعقوب ۵:۱۶) و (۲) نتیجه کلی یعقوب ۵:۱۹-۲۰.

از طرفی دیگر، ظاهراً متن تأکید خود را بر بیماری جسمانی ادامه می‌دهد (حالت عهد عتیق از احیای جسمانی): (۱) بیماریهای جسمانی توسط دعا و اعتراف شفا می‌یابند؛ (۲) ایلیا نمونه‌ی دیگری از دعای مستجاب شده است (یعقوب ۵:۱۷-۱۸).

موضوع خاص: اعتراف/اقرار

Special Topic: Confession

A. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می‌رود، *exomologō / homologeō*. لفظ مرکب از *homo*، است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.

B. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:

۱. Praise - ستایش

۲. Agree - موافق
۳. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷:۲۳)
۴. Profess - اقرار
۵. Confess اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۴:۱۴ و ۱۰:۲۳)
- C. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد
۱. ستایش کردن (خدا)
 ۲. اقرار به گناه
- اینها ممکن است نشات گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هرکدام تأیید کردن هر دو می باشد.
- D. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می باشند.
۱. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۱۴:۷، اعمال رسولان ۷:۱۷)
 ۲. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۲۰، انجیل لوقا ۶:۲۲، اعمال ۲۴:۱۴، عبرانیان ۱۱:۱۳)
 ۳. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱:۲۵، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۹:۲۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۱، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۳:۵)
 ۴. موافق بودن با
 - a. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۱۰:۳۲، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۹:۲۲، ۱۲:۴۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۱، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۳:۵)
 - b. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۸:۲۳، اول یوحنا ۴:۲)
 ۵. اعلام عمومی کردن (مفهوم قانونی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، رجوع شود به اعمال رسولان ۱۴:۲۴، اول تیموتائوس ۶:۱۳)
 - a. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶:۱۲ و عبرانیان ۱۰:۲۳)
 - b. با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳:۶، اعمال رسولان ۱۹:۱۸، عبرانیان ۴:۱۴، یعقوب ۵:۱۶، اول یوحنا ۹:۱)

- "برای یکدیگر" توجه داشته باشید که برخلاف آنچه که از متن بر می آید، این عبارات مختص "مشایخ" عنوان نشده، بلکه "برای یکدیگر" جنبه عمومیت داده شده است. ممکن است اعتراف برای آنان که دچار اشتباه شده اند بوجود آمده باشد. کلیسای اولیه اغلب بصورت مشترک و در ملأ عام به موضوع گناه می پرداخت (تیموتائوس ۵:۱۹-۲۰).
- "برای یکدیگر دعا کنید" این نیز یک جمله دستوری حال حاضر دیگر است.
- بطور خلاصه، اعتراف در وحله اول به حضور خداوند باید بیان گردد، اما بعد برای (۱) مشایخ در خانه؛ (۲) مردمی که در حق آنان گناه روا شده؛ و (۳) در حضور اعضای کلیسا باید گفته شود. اعتراف قلب را پاک کرده و دیگر ایمانداران را هشدار می دهد!
- در چنین نبرد روحانی که برای خلوص و شفاعت انجام می پذیرد، اعتراف و دعا در کنار دانشی از انجیل و کلام خدا، سلاحهای مهم هر ایماندار محسوب می گردند (افسیان ۶:۱۰-۲۰).
- به نوعی می توان گفت که این موضوع شبیه جنبش "دوازده قدم" امروزی که توسط Alcoholics Anonymous شروع گردید می باشد. در حالیکه ما به اشتباهات خود در حضور خدا و دیگران اعتراف می کنیم، به آرامش رسیده و نیز مورد حمایت قرار می گیریم. در حالیکه ما به دیگران کمک می کنیم که امید داشته باشند و به سایرین نیز کمک کنند، خود نیز همه آن موارد را بدست می آوریم.

موضوع خاص: ضرورت دعا

Special Topic: Intercessory Prayer

I. مقدمه

- A. به دلیل سرمشق بودن عیسی، دعا اهمیت دارد
۱. دعای فردی، انجیل متی ۱:۳۵، انجیل لوقا ۳:۲۱، ۶:۱۲، ۹:۲۹، ۲۲:۳۱ الی ۴۶
 ۲. تطهیر معبد، انجیل متی ۲۱:۱۳، انجیل مرقس ۱۱:۱۷، انجیل لوقا ۱۹:۴۶
 ۳. الگوی دعا، انجیل متی ۶:۵ الی ۱۳، انجیل لوقا ۱۱:۲ الی ۴

- B. دعا محسوس کردن اعتقاد فردی و توجه ما است به خدا که حضور دارد و مایل است از طرف ما و دیگران از طریق دعاهای ما عمل کند.
- C. خدا خود را محدود کرده که فقط بر اساس دعاهای فرزندانش در زمینه‌های مختلف عمل کند (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۲).
- D. هدف اصلی دعا دوستی ما و صرف وقت با تثلیث خدا است
- E. محدوده دعا هر کسی یا هر چیزی است که مورد توجه مومن است. می‌توانیم یک بار دعا کنیم و می‌توانیم بر اساس آنچه در فکر و مورد توجه ما است، بارها و بارها دعا کنیم.
- F. دعا می‌تواند شامل عناصر مختلفی باشد
۱. تشکر و تمجید تثلیث
 ۲. شکرگزاری خدا برای حضورش، دوستی‌اش، و مقرراتش
 ۳. اعتراف به گناهان گذشته و حال
 ۴. درخواست نیازهای احساس شده
 ۵. نماز روحانی که تامین نیازهای دیگران را از خدا می‌خواهیم
- G. نماز روحانی مرموز است. خدا دعاهایی که برای دیگران می‌کنیم را بیشتر از دعاهایی که برای خود می‌کنیم دوست دارد. با این حال، دعاهای ما اغلب منجر به تغییر، پاسخ و یا نیاز نه فقط در ما بلکه در آنها که برایشان دعا می‌کنیم نیز می‌شود.

II. انجیل

A. عهد عتیق

۱. برخی مثالها در مورد نماز روحانی
 - a. ابراهیم برای سدوم دعا می‌کند، پیدایش ۱۸: ۲۲
 - b. دعاهای موسی برای اسرائیل
 - (۱) خروج ۵: ۲۲ الی ۲۳
 - (۲) خروج ۳۲: ۹ الی ۱۴، ۳۱ الی ۳۵
 - (۳) خروج ۳۳: ۱۲ الی ۱۶
 - (۴) خروج ۳۴: ۹
 - (۵) تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵ الی ۲۹
 - c. دعای سموئیل برای اسرائیل
 - (۱) اول سموئیل ۷: ۵ الی ۶ و ۸ الی ۹
 - (۲) اول سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۲۳
 - (۳) اول سموئیل ۱۶ الی ۱۸
 - d. دعای داوود برای فرزندش، دوم سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۱۸
۲. خدا در جستجوی نمازهای روحانی است، اشعیا ۵۹: ۱۶
۳. گناهان شناخته شده و اعتراف نشده و توبه نشده بر دعاهای ما تاثیر می‌گذارند
 - a. مزموور ۶۶: ۱۸
 - b. امثال ۲۸: ۹
 - c. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲، ۶۴: ۷

B. عهد جدید

۱. بشارت نماز روحانی پسر و روح
 - a. عیسی
 - (۱) رومیان ۸: ۳۴
 - (۲) عبرانیان ۷: ۲۵
 - (۳) اول یوحنا ۲: ۱
 - b. روح القدس، رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷

۲. بشارت نماز روحانی پولس

a. دعا برای یهودیان

(۱) رومیان ۹: ۱

(۲) رومیان ۱۰: ۱

b. دعا برای کلیسا

(۳) رومیان ۱: ۹

(۴) افسسیان ۱: ۱۶

(۵) فیلیپیان ۱: ۳ الی ۴ و ۹

(۶) کولسیان ۱: ۳ و ۹

(۷) اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۳

(۸) دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱

(۹) دوم تیموتائوس ۱: ۳

(۱۰) فیلیمون آیه ۴

c. پولس از کلیسا درخواست میکند که برایش دعا کنند

(۱) رومیان ۱۵: ۳۰

(۲) دوم قرنتیان ۱: ۱۱

(۳) افسسیان ۶: ۱۹

(۴) کولسیان ۴: ۳

(۵) اول تسالونیکیان ۵: ۲۵

(۶) دوم تسالونیکیان ۳: ۱

۳. بشارت نماز روحانی کلیسا

a. دعا برای یکدیگر

(۱) افسسیان ۶: ۱۸

(۲) اول تیموتائوس ۲: ۱

(۳) یعقوب ۵: ۱۶

b. درخواست دعا برای گروهی خاص

(۱) دشمنان ما، انجیل متی ۵: ۴۴

(۲) کارگران مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸

(۳) حاکمان، اول تیموتائوس ۲: ۲

(۴) بیماران، یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۶

(۵) دعا برای حمایت و بخشش، اول یوحنا ۵: ۱۶

III. شرایط برای دعاهاى مستجاب شده

A. رابطه ما با مسیح و روح

۱. پایداری در او، انجیل یوحنا ۱۵: ۷

۲. بنام او، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴، ۱۵: ۱۶، ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

۳. در روح، افسسیان ۶: ۱۸، یهودا ۲۰

۴. بر طبق اراده خدا، انجیل متی ۶: ۱۰، اول یوحنا ۳: ۲۲، ۵: ۱۴ الی ۱۵

B. انگیزه‌ها

۱. تردید نداشتن، انجیل متی ۲۱: ۲۲، یعقوب ۱: ۶ الی ۷

۲. فروتنی و توبه، انجیل لوقا ۱۸: ۹ الی ۱۴

۳. درخواست بیمورد، یعقوب ۴: ۳

۴. خودخواهی، یعقوب ۴: ۲ الی ۳

C. سایر جنبه‌ها

۱. استقامت

a. انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸

b. کولسیان ۴: ۲

۲. درخواست مستمر

a. انجیل متی ۷: ۷ الی ۸

b. انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳

c. یعقوب ۱: ۵

۳. اختلاف نظر در خانه، اول پطرس ۳: ۷

۴. نداشتن گناه

a. مزمو ۶۶: ۱۸

b. امثال ۲۸: ۹

c. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲

d. اشعیا ۶۴: ۷

IV. جمع بندی الهیاتی

A. عجب افتخاری. عجب موقعیتی، عجب وظیفه و مسئولیتی

B. عیسی سرمشق ما است. روح راهنمای ما است. پدر مشتاقانه منتظر است.

C. می‌تواند شما، خانواده‌تان و جهان را تغییر دهد.

□ تا شفا یابید" این یک وجه شرطی محبوب است که دارای عنصر احتمالات می‌باشد. آن کسی که شفا می‌دهد خداوند است. در حالیکه در واژه‌ی بکار برده شده برای "بیمار" در نسخه یونانی یعقوب ۵: ۱۴ ابهام وجود داشت، اما حوزه معنایی گسترده‌تری در واژه‌ی "بهبود یافته" نیز دیده می‌شود. این واژه می‌تواند اشاره به شفای جسمانی یا روحانی داشته باشد (متی ۱۳: ۱۵، نقل شده از اشعیا ۶: ۱۰؛ عبرانیان ۱۲: ۱۱-۱۳؛ ۱ پطرس ۲: ۲۴، نقل قول از اشعیا ۳۵: ۵).

"دعای شخص پارسا، می‌تواند مؤثرتر باشد" NASB

"دعا از اعماق دل و تأثیرگذار مرد پارسا فایده‌ی بیشتری دارد" NKJV

"دعای شخص پارسا قوی و مؤثر است" NRSV

"دعای مرد نیکوکار دارای اثر نیرومندی است" TEV

"دعای فرد درستکار با تمام وجود، نتیجه بسیار نیرومندی دارد" NJB

این عبارات دو وضعیت را تشریح می‌کنند: (۱) درستکاری؛ و (۲) ماندگاری (یعقوب ۵: ۱۷ و متی ۷: ۷-۸). تأثیرات دعای فرد دیندار با زندگی روحانی آن فرد (امثال ۱۵: ۲۹) و در وحله اول با خواست و قدرت خداوند ارتباط دارد.

در رابطه با وعده‌های داده شده پیرامون دعای تأثیرگذار سؤالات متعددی مطرح شده است

۱. واژه‌ی "پارسا" به چه کسی اطلاق می‌گردد؟

a. یک ایماندار (نسبت به موقعیتی که در راه مسیح دارد)

b. یک رهبر کلیسا (نسبت به موقعیتی که در کلیسا دارد)

c. یک ایماندار اصیل (کسی که شبیه به مسیح زندگی می‌کند)

۲. "تأثیرگذاری" چگونه است؟

a. همه دعاها بصورت مثبت اجابت گردیده‌اند

b. اگر با خواست خدا دعا کنیم، همه دعا‌های ما اجابت خواهند شد

c. امیدها، رویاها و امیال انسانی ما گفته خواهد شد، اما باید ایمان داشت که خداوند آنچه را که "بهترین" می‌داند به ما عطا خواهد کرد،

آنچه که خواست او برای همه ایمانداران نیازمند می‌باشد (جسمانی و روحانی)

۳. این اظهارات چه ارتباطی با زمان پیدا می کنند؟

- a. دعا واقعی شخص پرهیزگار در طی یک دوره زمانی و بارها و بارها تکرار می گردد (مقاومت و تکرار)
- b. زمان، استقامت و تکرار از فاکتورهای تعیین کننده نیستند
- ۴. در صورتیکه دعا مستجاب نگردد، چه کسی را باید "ملامت" کرد؟
 - a. کسی که برای او دعا می شود (عدم داشتن ایمان کافی یا گناهکار بودن)
 - b. فرد شفاعت کننده (عدم داشتن ایمان کافی یا گناهکار بودن)
 - c. خواست خدا (همیشه خواست خدا نبوده یا زمان آن درست نبوده)
 - d. تلفیقی از موارد بالا (راز اجابت نشدن دعای فرد ایماندار)

۵. آیا ممکن است که این فقط جمله ضرب المثلی بوده که نمی بایست با ذکر جزئیات مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؟
به موضوع خاص در یعقوب ۷:۱ مراجعه شود. برای "پارسایی" به موضوع خاص در یعقوب ۲:۲۱ مراجعه نمایید.

۱۷:۵ "ایلیا" وی بدلیل ارتباطی که مسیح در ملاکی ۴:۵ داشت، یکی از مهمترین رسولان محسوب می گردید. بطور یقین رساله ی یعقوب بر اساس روند دقیق تاریخی نوشته شده است.

NASB, NKJV "با طبعی همچون ما"

NRSV "انسانی چون ما"

TEV "فردی همانگونه که ما هستیم"

NJB "انسانی نحیف مثل خود ما"

توجه داشته باشید که هیچ اثر قدیسی وجود ندارد! همه ما انسان هستیم (اعمال رسولان ۱۴:۱۵). بخاطر داشته باشید که ایلیا نیز ایماندار کاملی نبود. لطفاً پادشاهان ۱۸-۱۹ را مطالعه نمایید.

□ "دعا کرد ... سه سال و نیم" عنصر زمان در اول پادشاهان ۱:۱۷ ثبت نشده، اما بخشی از حدس و گمان ربیان محسوب می گردید (لوقا ۴:۲۵).

۱۸:۵ ایلیا را می توان بعنوان نمونه ای از دعا برای نیاریدن باران، و سپس دعا برای بارش باران، که هر دو نیز توسط خداوند مورد اجابت واقع گردیدند، قلمداد نمود. خداوند از ایلیا برای به سرانجام رساندن خواست و برنامه ی خود استفاده نمود. ایلیا همچون ابزاری در دستان خداوند بود. چنانچه خداوند تمایلی به انجام کاری نداشته باشد، دعاهای ما اثری نخواهند داشت، اما این دعاها همچون کانالی میان فرزندان خداوند و خواست و نیات وی عمل خواهند نمود.

متن NASB (بروز شده): یعقوب ۵:۱۹-۲۰

۱۹ برادران من، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف شود، و دیگری او را بازگرداند، ^{۱۹}آبداند که هر کس گناهکاری را از گمراهی بازگرداند، جان او را از مرگ نجات بخشیده و گناهان بی شماری را پوشانیده است.

۱۹:۵ "برادران من" به یادداشت یعقوب ۱:۲ و ۱:۹ مراجعه نمایید.

□ "اگر" این یک جمله شرطی مشروط از نوع سوم با دو کارکرد است: (۱) یک ایماندار دچار انحراف گردیده و (۲) ایماندار دیگری قصد کمک به وی را دارد.

□ "از حقیقت منحرف شود" انحراف از دو جنبه ی دکتین و اخلاقی مورد بررسی قرار می گیرد (عبرانیان ۵:۲؛ ۲ پطرس ۲:۲). لغت "منحرف شدن" ریشه در لغت یونانی دارد که ما کلمه ی "سیاره" را در زبان انگلیسی از آن گرفته ایم. در زمانی که مردمان باستان آسمان شب را نگاه کرده و نقشه را طراحی می کردند، "ستارگان" خاصی را مشاهده نمودند که بر اساس مدارهای رایج حرکت نمی کردند. ما امروزه این ستارگان را سیارات منظومه ی خورشیدی که در آن زندگی می کنیم، می شناسیم. آنان نام "ستارگان سرگردان" بر رویشان نهاده بودند.

قالب دستور زبانی فعل، وجه شرطی مجهول آتوریستی می باشد. زبان آتوریست از سرگردانی سخن می گوید. زمان مجهول برای تصریح این مطلب که موضوع بر روی چیزی عمل می کند، بکار برده شده است. اکثر مترجمان این بخش را بصورت زمان معلوم یا بین معلوم و مجهول ترجمه نموده اند (NASB, NKJV, NRSV, TEV, NJB, NIV). زمان مجهول در نسخه The Twentieth Century New Testament که توسط Henry Alfor ترجمه گردید، دیده می شود. در نسخه کوبین یونانی زمان مجهول جایگزین زمان میانه گردیده است (A. T. Robertson در کتاب Studies in the Epistle of the James صفحه ۱۹۶، پانویس شماره ۶). این موضوع بدرستی موضوع آیات یعقوب ۴:۷ و ۱۰ را بیان می دارد.

ایمانداران بواسطه (۱) اراده؛ (۲) معلمان دروغین همراه کننده (افسسیان ۴: ۱۴)؛ و (۳) تحت تأثیرات شیاطین (افسسیان ۴: ۱۴) دچار سرگردانی می‌گردند. مهم نیست که چرا سرگردان می‌گردند، بلکه نیاز به اعتراف، توبه، دعا و کمک سایر ایمانداران حائز اهمیت می‌باشد.

■ **"دیگری او را بازگرداند"** ایمانداران در کمک به دیگران دارای مسئولیت می‌باشند (۲قرنیتیان ۲: ۷؛ غلاتیان ۶: ۱؛ افسسیان ۴: ۳۲؛ ۲تسالونیکیان ۳: ۱۵).

۲۰:۵

NASB, NKJV "بداند که"

NRSV "شما باید بدانید که"

TEV "این را بخاطر بسپارید که"

NJB "می‌تواند اطمینان داشته باشد که"

این جمله دارای زمان حال کامل دستوری بوده و بعنوان اصطلاحی برای اطمینان حاصل کردن از اظهاراتی که در پی می‌آید بیان گردیده است.

■ **"بازگرداند"** شگفت‌انگیز است که از کلمه یونانی *epistrephō* در نسخه Septuagint برای ترجمه واژه‌ی عبری "توبه" (*shuv*) استفاده شده است. از آنجاییکه قوم بنی اسرائیل، قوم خدا تلقی گردیده بودند، این "بازگرداندن" بعنوان بازگشت به سوی خدا یا تجدید رابطه پیشین قلمداد گردیده است. همان حالت در این متن در رساله‌ی یعقوب نیز به چشم می‌خورد.

■ **"هر کس گناهکاری را از گمراهی بازگرداند، جان او را از مرگ نجات بخشیده"** با توجه به متن، این عبارات اشاره به این موارد دارد: (۱) ارتباط فرضی میان گناه و بیماری در یعقوب ۵: ۱۵ یا ۲) پیام رساله درباره هشدار مرتبط با مسئولیتهایی که در عهد خداوند بر دوش ما قرار گرفته است. الهیات سیستماتیکی که ما داریم، آیاتی از این دست را (یعقوب ۵: ۱۹-۲۰) به گونه‌ای "قابل قبول" ترجمه می‌نماید. واقعیت اینست که این آیات هشدارهای تکان‌دهنده‌ای برای مسیحیان محسوب می‌گردند. گناه منجر به مرگ می‌گردد، مرگ فیزیکی، مرگ روحانی، مرگ ابدی. گناهی که بدان اعتراف نشده باشد، دشمن بسیار نیرومندی تلقی می‌گردد. از این مورد باید پرهیز شود. به گناه خود اعتراف کنید! یادداشت بسیار جالبی در پانویس کتاب *Hard Sayings of the Bible* چاپ انتشارات IPV منتشر شده است:

"نه یعقوب و نه بقیه عهد جدید به این سوال پاسخ نداده‌اند 'چگونه یک مسیحی زندگی ابدی خود را از دست می‌دهد؟' همه پاسخ‌های الهیاتی داده شده بر اساس نتیجه‌گیریهای الهیاتی گوناگون بوده و یا منکر اختلافات متون گردیده‌اند (مثلاً می‌گویند 'یک مسیحی دچار مرگ ابدی نمی‌گردد، بلکه فقط آنچه را که خداوند به وی عطا کرده از دست می‌دهد') یا متون را بر اساس دیدگاههای الهیاتی خود توضیح می‌دهند (مثلاً کالوانیست‌ها، که اصلاً حطلبان پروتستان فرانسه در قرن شانزدهم بودند، می‌گویند که آنان ظاهراً مسیحی هستند اما پافشاری بر روی دیدگاههایشان نشان می‌دهد که واقعاً تغییری نکرده‌اند، و یا ارمنیان معتقدند که 'بله، مردم می‌توانند از ایمان بدور افتاده و همراه شوند'). یعقوب، همچون سایر نویسندگان عهد جدید، به منظم بودن کلامی علاقه‌ای به نشان نمی‌دهد، بلکه دغدغه وی مسائل مربوط به کشیشان است. وی بجای اینکه بخواهد این مسائل را در چارچوب الهیات خود بگنجاند، بسادگی مشکلات را درک کرده (یک مسیحی که از راه راست دور شده)، خطر را تشخیص داده (مرگ) و به نجات وی می‌شتابد. لذا درحالیکه پاسخهای الهیاتی در این بخش منطقی بنظر می‌رسند، نباید از نویسندگان عهد جدید انتظار داشته باشیم تا از میان آنها یکی را انتخاب نمایند" (صفحه ۷۰۸).

■ **"گناهان بی‌شماری را پوشانیده است"** این عبارات اشاره به بخشش گناهان فرد منحرف اشاره دارد! این جمله می‌تواند اشاره مزبور ۳۲: ۱؛ ۸۵: ۲؛ امثال ۱۰: ۱۲؛ ۱ پطرس ۴: ۸ (یک تمثیل یا واقعیت) و یا ۱قرنیتیان ۷: ۱۳ در جاییکه عشق منجر به ندیدن خطاهای دیگران می‌گردد. مسیحیان، مسیحیان زخم خورده و دلشکسته را دوست می‌دارند. نبرد روحانی تلفاتی در بر خواهد داشت، اما آبادی و احیا نیز در پی دارد.

در این مرحله اجازه دهید تا کاربرد این موضوعات را تا به امروز مورد بحث قرار دهیم. از یعقوب ۵: ۱۵ اینگونه بر می‌آید که یعقوب انتظار یک بازسازی فیزیکی را داشت. آیا بدین معنا است که همه یهودیان ایماندار اولیه شفا یافتند؟ اگر چنین است، پس آنان چگونه وفات یافتند؟ آیات ۲۰-۱۹ می‌توانند بلحاظ الهیاتی تضمین کنند که حتی آنان که فوت کردند، گناهانشان مورد عفو خداوند قرار گرفته و به حیات ابدی دست یافتند.

ایماندارانی که به انجیل ایمان دارند، باور دارند که خداوند بصورت معجزه‌آسایی همه جا حضور داشته، از آنان مراقبت کرده و آنان را شفا خواهد داد! راز این موضوع در اینست که چه زمانی، کجا، چگونه و چه کسی در این ماجرا نقش خواهد داشت و اینکه چرا شفای جسمی اغلب حاصل نمی‌گردد. جهان بینی ما بر اساس کتاب مقدس بر عشق، قدرت و حاکمیت خداوند حتی در میان رنج، بیماری، آزار و اذیت و مرگ تصریح دارد. ایمان حتی پس از مرگ جسم باقی خواهد ماند. اجازه دهید به دعا کردن، باور داشتن، اعتراف کردن، تدهین کردن، تشویق کردن و محبت ورزیدن به یکدیگر ادامه دهیم.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا نویسندگان عصر جدید در طول زندگی خود در انتظار بازگشت دوم فوری مسیح بودند؟ در اینصورت آیا این امر به منزله‌ی وجود خطا در کتاب مقدس است؟
۲. چرا صبر و شکیبایی از جنبه‌های مهم شخصیت هر ایماندار است؟
۳. چه می‌شود که کسی نام خداوند را جدی نگیرد؟
۴. آیا یعقوب ۵: ۱۳-۲۰ به ما مراحل شفا دادن و شفا یافتن را یاد می‌دهد؟
۵. چگونه اعتراف به گناه به شفا یافتن مرتبط می‌گردد؟
۶. مشایخ محلی چه نقشی در شفا دادن دارند؟ این مشایخ چه کسانی هستند؟
۷. آیا دور افتادن از حقیقت منجر به مرگ جسمی یا روحانی می‌گردد؟

معرفی کتاب یهودا

کلام آغازین

- A. یهودا کتاب هولناکی درباره خطر تکرار خطا، سرکشی و داوری است. ایمانداران همیشه باید سپرهای دفاعی خود را بالا نگه دارند. محافظ آنان شامل موارد زیر می‌گردد:
۱. ندای پدر
 ۲. محبت
 ۳. حفظ قوا
 ۴. دانش کلام
 ۵. زندگی در پناه خداوند
 ۶. ترحم در برابر ایمانداران صدمه دیده
- B. با اینحال، حتی در میان این هشدارها، نتیجه حاصل از این کتاب (یهودا ۱: ۲۴-۲۵) یکی از قویترین دعاهایی است که نیروی خداوند را نشان می‌دهد.
- C. رابطه میان یهودا و ۲ پطرس به دلایل زیر نامشخص است:
۱. اینکه کدامیک اول نوشته شدند
 ۲. اینکه چرا این دو کتاب در عین شباهتی که با یکدیگر دارند، متفاوت هستند
 ۳. اینکه چگونه یک یکتا ارتداد پیش رو را روایت می‌کند (۲ پطرس ۲) و دیگری ارتداد فعلی را (یهودا)
 ۴. اینکه آیا سندی درباره یک کلیسای اولیه موجود بوده که هر دو نویسنده از روی آن نسخه برداری کرده‌اند
 ۵. اینکه آیا نمونه‌هایی از سرکشی در میان ایمانداران وجود داشته است
- D. این کتاب توازن الهیاتی میان موارد زیر را به تصویر می‌کشد:
۱. حفظ قدرت خداوند (یهودا ۱: ۱، ۲۴)
 ۲. مراقبت ایمانداران از یکدیگر (یهودا ۱: ۲۰-۲۳)

نویسنده

- A. یهودا (یهودا در زبان عبری و یا یوداس در زبان یونانی تلفظ می‌گردد) شخصیت خود را با دو ویژگی مشخص می‌نماید
۱. "خدمتی سرسپرده برای عیسی مسیح" - این بطور مشخص از ویژگیهای تعیین کننده‌ی پولس نیست، با اینحال آنگونه که در زبان انگلیسی نوشته شده، به یکدیگر شباهت دارند. پولس همیشه ضمیر "برده" را در ابتدا و بدنبال آن عبارات تعریف کننده درباره آن ضمیر را استفاده می‌کرد. این موضوع از حقایق کتاب دوم پطرس نیز محسوب می‌گردد. با وجود این، ترتیب نگارش کلمات در کتاب یهودا شبیه به چیدمان کتاب یعقوب است (عبارات توصیفی تحلیلی در ابتدا نوشته می‌شد).
 ۲. "برادری برای یعقوب" - در عصر جدید افراد متعددی با نام یعقوب دیده می‌شوند (James, Jacob)، اما این نام به خودی خود، و بدون هر گونه توصیفی، یادآور کتاب یعقوب ۱: ۱ است. یعقوب، برادر ناتنی عیسی، در دوران سفرهای بشارتی پولس، رهبری کلیسای اورشلیم را بر عهده داشت (اعمال رسولان ۱۵). گمان می‌رود که، به دور از هر گونه فروتنی، خود را بصورت خانوادگی منتسب به عیسی نمی‌دانستند.
- B. مقدمه‌ی ساده‌ی این کتاب منعکس کننده کسی است که در دوران کلیسای اولیه بسیار شناخته شده و فعال بود (۱ قرن تیان ۵: ۹)، اما متأسفانه درباره این نویسنده هیچ اطلاعاتی در دست نیست. اگر کسی در آینده قصد نوشتن مطلبی درباره‌ی فرد مشهوری که در گذشته زندگی می‌کرد بنویسد (رویدادنگاری وقایع تاریخی)، قدر مسلم یهودا انتخاب مناسبی برای این امر محسوب نمی‌گردد.
- C. آنچه که از اسناد باستانی موجود است نشان می‌دهد که یهودا برادر ناتنی عیسی و مسیحی-یهودی بود (متی ۱۳: ۵۵؛ مرقس ۶: ۳). این نتیجه‌گیری با استناد به موارد زیر حاصل گردیده است:
۱. ارتباطی خانوادگی با یعقوب (یعقوب ۱: ۱)
 ۲. بکارگیری وسیع از منابع عهد عتیق
 ۳. استفاده خاص از سه عنصر در ادبیات عبری
 - a. سه رویداد معروف در عهد عتیق درباره ارتداد
 - b. سه شخصیت در عهد عتیق
 - c. کلام آغازین

۱) سه فعل: "فرا خوانده شده"، "محبوب"، "حفظ شده"

۲) سه درخواست برای دعا: "رحمت"، "صلح"، "محبت"

- D. سبک یونانی و چارچوب کتاب یهودا مبتنی بر ادبیات کوئین یونانی است (کتاب *The Cambridge History of the Bible* جلد ۱، صفحه ۳۳۶). با توجه به این امر می‌توان گفت که زبان یونانی، زبان دوم وی محسوب می‌گردید.
- E. در ارتباط با شخصیت وی می‌توان گفت که بسیار شبیه به یعقوب بود؛ او هیچگونه مطلب نامتعارفی بیان نداشته، بطور مستقیم بر سر اصل مطلب رفته و به الزام به داشتن یک زندگی مبتنی بر خواست خداوند در این جهان گناهکار و سرکش می‌پردازد.

تاریخ

- A. هیچگونه قطعیتی درباره تاریخ این کتاب در دست نیست. هر آنچه که دیده می‌شود فقط حدس و گمان است.
- B. اجازه دهید برخی پارامترها را لحاظ کنیم
۱. در طول دوران حیات یهودا، اگر وی را برادر کوچکتر یعقوب و برادر ناتنی عیسی بدانیم
 ۲. ارتباط ساختار ادبی کتاب یهودا با دوم پطرس. از بیست و پنج آیه در کتاب یهودا، شانزده آیه (یهودا ۱: ۳-۱۸) دارای پیوستگی با دوم پطرس ۱۸-۲: ۱ هستند. اگر پطرس را نگارنده کتاب دوم پطرس بدانیم، پس تاریخ آن بسیار نزدیک به زندگی او می‌باشد (او در سال ۶۴ پس از میلاد از دنیا رفت). با اینحال، مشخص نیست که چه کسی از دیگری نقل قول کرده است:
 - a. ۲ پطرس از یهودا نقل قول آورده است
 - b. یهودا از ۲ پطرس نقل قول آورده است
 - c. هر دو از اسناد مکتوب عالمان مسیحی و یا سنت کلیسا بهره برده‌اند
 - C. از محتوای کتاب اینگونه بر می‌آید که میانه‌ی قرن اول به رشته تحریر در آمده است. به اندازه کافی زمان برای بوجود آمدن بدعت موجود بود. دیگر نیاز به حضور فیزیکی رسولان نبود (آیه ۱۷). با اینحال، یک دکترین مشخص نیز هنوز تألیف نگردیده بود. یهودا سخن از مشکلاتی که بواسطه معلمان دروغین بوجود آمده بود، می‌گوید، اما به بحث درباره دکترین خطاها نمی‌پردازد. او از مثالهای عهد عتیق بهره برده اما به آموزه‌های عیسی اشاره‌ای نمی‌کند (نقل قولها یا روایات).
 - D. Eusebius در کتاب *Historical Ecclesiasticus III: 19:1-20:6* سنتی را متذکر می‌شود. بر اساس این سنت:
 ۱. که نوه‌ی یهودا به جرم خیانت به نزد دومیتیان، امپراتور روم و آخرین امپراتور دودمان فلاوی بین سال‌های ۸۱ تا ۹۶ میلادی برده شد
 ۲. که آنها از نوادگان خاندان سلطنتی یهود بودند
 ۳. که آنها با عیسای ناصری ارتباط خانوادگی داشتند
 - E. برای این کتاب می‌توان تاریخی بین دهه‌ی ۶۰ تا ۸۰ را متصور بود

دریافت کنندگان و مناسبت

۴. کلیسای اولیه بلحاظ الهیاتی دارای یکپارچگی نبود؛ حتی رسولان نیز بر جنبه‌های مختلفی از انجیل تأکید می‌کردند. در حالیکه رسولان یکی پس از دیگری وفات یافتند (یا حداقل هم بلحاظ تعداد محدود بوده و هم بلحاظ فاصله بقدری دور بودند که مشاوره به آنان بسیار دشوار بود) و بازگشت دوم عیسی نیز به تأخیر می‌افتاد، کلیسای اولیه با چالش "معیاری" پارامترهایی برای آموزش انجیل رو برو گردید. عهد عتیق، کلام و روایات عیسی، و موعظه‌ی رسولان مبدل به این معیارها گردید.
۵. کتاب یهودا در روزگاری نوشته شد که اقتدار مشخصی در کلیسا وجود نداشت. ایمانداران (چه در یک کلیسای محلی و چه در یک موقعیت جغرافیایی نامعلوم) با خیل عظیمی از خطاها و بدعت‌گذارها بلحاظ فلسفی یا الهیاتی روبرو بودند. آنچه که در اینباره می‌دانیم:
 ۱. بدعتگذاری بخشی از جلسات کلیسا بود ("ضیافتهای محبت‌آمیز"، یهودا ۱: ۱۲)
 ۲. بدعتگذاران معلمان بی‌اخلاق و گمراه‌کننده‌ای بودند که میان قوم خدا تفرقه ایجاد می‌کردند (یهودا ۱: ۱۹)
 ۳. ظاهراً این بدعتگذاران در الهیاتی که تدریس می‌کردند از "فرشتگان" استفاده یا تدریس می‌کردند
 ۴. ظاهراً این بدعتگذاران بر روی "حکمت" تأکید داشتند (*gnosis*)

اگر کسی با دنیای رومی-یونانی قرن اول و دوم آشنایی داشته باشد، می‌داند که این ویژگیها نشاندهنده حرکت فلسفی/الهیاتی که بنام "غُوصیه" (Gnosticism) معروف هستند، می‌باشد. ما بر مبنای مکتوبات موجود غُوصیه از قرن دوم دکتترین خاصی را می‌شناسیم، اما جنبه‌های نظام الهیاتی آن در میان تفکرات مشرق زمین عنصر رایجی محسوب می‌گردد. عناصر دوالیسم نیز در تفکرات غُوصیه، در طومارهای یافت شده در دریای مرده وجود دارند. بسیاری از کتابهای عهد جدید (انجیل یوحنا، افسسیان، کولسیان، ۱ تیموتائوس، تیتوس، ۲ تیموتائوس، اول، دوم و سوم یوحنا) برای مبارزه با اینگونه معلمان دروغین و آموزه‌های آنان به رشته تحریر در آمده‌اند.

هدف

- A. نویسنده می‌خواست که درباره‌ی رستگاری رایج در آن دوران بنویسد (یهودا ۱:۳).
- B. هجوم گسترده معلمان دروغین و آموزه‌های آنان به گروه‌های درونی کلیسا (یهودا ۱:۱۲) سبب گردید که نویسنده به مشکل سوزنده‌ی "ایمان فقط یکبار و برای همیشه به کلیسا عطا گردیده است" بپردازد (یهودا ۱:۳، ۲۰). هدف وی بوجود آوردن آیین راستین بود، اما رویکرد وی به این موضوع بواسطه‌ی زندگی خدایسندانه بود (Orthopraxy)، و نه دکتین (خیلی شبیه به رساله‌ی یعقوب آیات ۲:۱۴-۲۴). چگونگی زندگی مردم پنجره‌ی روشنی به الهیات آنان بود (متی ۷:۱۵-۲۳؛ ۱۳:۱-۱۹، ۱۹-۲۳؛ اول یوحنا).
- C. نویسنده قصد تشویق و ترغیب ایمانداران را به انجام موارد زیر داشت:
۱. رقابت به جد با یکدیگر برای حصول ایمان (یهودا ۱:۳، ۲۰)
 ۲. آمادگی در برابر تمسخر کنندگان و معلمان دروغین (یهودا ۱:۱۸-۱۹)
 ۳. خودساختگی بر مبنای ایمان الهی و مقدس (یهودا ۱:۲۰)
 ۴. دعا بنام روح القدس (یهودا ۱:۲۰)
 ۵. حفظ خود در راه عشق و محبت خداوند (۱:۲۱)
 ۶. بردباری و صبر برای حصول رحم و شفقت عیسی مسیح در راه رسیدن به زندگی ابدی (یهودا ۱:۲۱)
 ۷. ترحم نسبت به کسانی که دچار تردید و شبهه هستند (۱:۲۲-۲۳)
 ۸. حصول اطمینان از رسیدن به رستگاری (۱:۲۴-۲۵)

تشریح

- A. این کتاب در وحله‌ی اول مورد پذیرش قرار گرفت (نقل قول از کلمنت روم در حدود سال ۹۴ پس از میلاد)، سپس محل اختلاف واقع گردید اما بعد بطور کامل مورد قبول واقع گردید (شورای نیقیه، سال ۳۲۵ میلادی و کارتیج، سال ۳۹۷ میلادی).
- B. بزرگترین مشکلی که این کتاب در جذب موازین شریعتی داشت، نقل قولهای یهودا از کتب غیرتشریعی بود (I Enoch و نتیجه‌گیریهای موسی). این کتب، بویژه I Enoch، بشکل گسترده‌ای در میان ایمانداران قرن اول دست به دست می‌گردید و بلحاظ الهیاتی کاملاً بر روی آنان تأثیرگذار بود.

۱. چرا این امر یک مشکل تلقی می‌گردد؟

- a. عهد عتیق از منابعی نقل قول می‌کند که بواسطه وحی نوشته نشده‌اند (اعداد ۲۱:۱۴-۱۵، ۲۶-۳۰ [نبوتهای بلعم در اعداد ۲۲-۲۳]؛ یوشع ۱۰:۱۳؛ ۲ سموئیل ۱:۱۸؛ پادشاهان ۱:۱۱؛ ۱۴:۱۹، ۲۹؛ ۱۵:۷، ۲۳، ۳۱)
- b. عیسی از منابع غیرشرعی بمنظور بتصویر کشیدن شرایط بهره می‌برد (متی ۲۳:۳۵)
- c. استیفان نیز از منابع غیرشرعی استفاده می‌کرد (اعمال رسولان ۷:۴، ۱۴-۱۶)
- d. پولس اغلب به منابع غیرشرعی رجوع می‌کرد
- ۱) میدراش، تفسیر کتاب مقدس یهودیان از مسیح بعنوان سخره‌ای یاد می‌کند که قوم بنی اسرائیل را در طول دوران سرگردانی در بیابان دنبال می‌کرد (۱ قرن تیان ۱۰:۴)
- ۲) نام جادوگران فرعون از کتاب خروج ۷:۱۱، ۲۲:۸؛ (۲ تیموتائوس ۳:۸) از مکتوبات کتب یهود گرفته شده است
- ۳) نویسندگان یونانی
- a) شعر آراتوس (اعمال رسولان ۱۷:۲۸)
- b) شعر مناندر (۱ قرن تیان ۱۵:۳۳)
- c) شعر Epimenides یا Euripes (تیتوس ۱:۱۲)
- e. یعقوب از سنت ربیان در یعقوب ۵:۱۷ بهره می‌برد
- f. یوحنا از علم اسطوره‌شناسی مختص علوم ستاره‌شناسی شرق باستان در کتاب مکاشفه ۱۲:۳ بهره می‌برد

۲. چرا یهودا از منابع غیرشرعی بهره می‌برد؟

- a. احتمالاً براحتی توسط معلمان دروغین بکار گرفته می‌گردیدند
- b. احتمالاً براحتی توسط شنوندگان خوانده شده و مورد تکریم و احترام واقع می‌گردیدند

C. پشتیبانی از عرفی که یهودا بوجود آورد توسط عوامل زیر صورت گرفت:

۱. نقل قول یا اشاره شده توسط

a. کلمنت روم (سال ۹۴-۹۷ میلادی)

- b. پولیکاریوس (سال ۱۱۰-۵۰ میلادی)
- c. ایرنیوس (سال ۱۳۰-۲۰۲ میلادی)
- d. ترتولیان (سال ۱۵۰-۲۲۰ میلادی)
- e. آتناگوراس (سال ۱۷۷ میلادی)
- f. اوریگن (سال ۱۸۵-۲۵۴ میلادی)

(این موارد از International Critical Commentary صفحات ۳۰۵-۳۰۸ استخراج گردیده است)

۲. بنام یکی از عوامل زیر شناخته شده

- a. کلمنت اسکندریه (سال ۱۵۰-۲۱۵ میلادی)
- b. سریل اورشلیم (سال ۳۱۵-۳۸۶ میلادی)
- c. جروم (سال ۳۴۰-۴۲۰ میلادی)
- d. آگوستین (سال ۴۰۰ میلادی)

۳. در فهرست کتب شرعی زیر قرار گرفته شده

- a. Muratorian Fragment (قدیمی ترین نسخه کتابهای عهد جدید در تاریخ، سال ۲۰۰ میلادی)
- b. Bariccicia (سال ۳۶۷ میلادی)
- c. آتناسیوس (سال ۳۶۷ میلادی)

۴. توسط شوراها زیر تأیید شده

- a. نیقیه (شهری در ترکیه باستان، سال ۳۲۵ میلادی)
- b. هیپو (شهری باستانی در شمال آفریقا، سال ۳۹۳ میلادی)
- c. کارتاژ (شهری باستانی در شمال آفریقا، سال ۳۹۷ و ۴۱۹)

۵. در ترجمه‌های زیر موجود می‌باشند

- a. لاتین قدیمی (سال ۱۷۰-۱۵۰ میلادی)
- b. اصلاحیه سوری، نسخه پیشینا (قرن پنجم پس از میلاد)

D. بعدها کلیسای اولیه نسبت به میزان شریعت یهودا ابراز بی‌اطمینانی کرد. Eusebius این کتاب را در میان کتب مورد اختلاف قرار داده بود (*Hist. Ecc.* III.25). هم کریسوستوم و هم جروم از نقل قولهایی که یهودا از کتابهای غیرشرعی آورده بود، بعنوان دلیلی برای اختلافات شریعتی نام برده‌اند. این کتاب بوسیله کلیسای سوریه در طول دوران دوم پطرس، دوم و سوم یوحنا نفی گردید. این امر احتمالاً به این دلیل بود که آن منطقه از امپراطوری تحت تأثیرات غنوصی الهیات یهود قرار داشت. لذا، رساله‌ی یهودا و ۲ پطرس آتش بحثها و جدلهای معلمان دروغین را شعله‌ورتر کردند.

E. در اینجا لازم است مطلبی را درباره I Enoch بگویم. این کتاب در وحله‌ی اول به زبان عبری نوشته شده (اما اکنون بجز بخشهایی که به زبان آرامی در طومارهای دریای مرده یافت شده، چیزی باقی نمانده است)، سپس به یونانی ترجمه شده (فقط قطعاتی از آن موجود است) و تا سال ۶۰۰ پس از میلاد به زبان اتیوپیایی ترجمه گردید (فقط یک نسخه بدست آمده است). این کتاب در دوره میان عهدهای قدیم و جدید به رشته تحریر در آمد، اما آنگونه که از نسخه اتیوپیایی بر می‌آید، بارها ویرایش گردیده است. این کتاب در کلیسای اولیه بسیار تأثیرگذار بود؛ ترتولیان از این کتاب بعنوان کلام خدا یاد می‌کند. ایرانیوس و کلمنت اسکندریه در رساله‌ی بارنابه (بعنوان متن کلام) به این کتاب استناد کرده‌اند.

یهودا

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
درود	درود بر فراخواندگان	درود	مقدمه	خطاب
۲-۱	۱ قسمت اول	۲-۱	۲-۱	۲-۱
	۱ قسمت دوم - ۲			
داوری معلمان دروغین	ستیز بر سر ایمان	مناسبت نگارش رساله	معلمان دروغین	علت نگارش این رساله
۴-۳	۴-۳	۴-۳	۴-۳	۴-۳
	مرتدان قدیم و جدید	معلمان دروغین		معلمان دروغین: قطعیت
				داوری
۷-۵	۱۱-۵	۷-۵	۷-۵	۷-۵
				زبان خشونت‌آمیز آنان
۱۳-۸		۱۳-۸	۱۳-۸	۱۰-۸
				رفتار حیوان‌صفت آنان
	کسانی که خداوند را انکار کنند محکوم به فنا هستند			۱۶-۱۱
	۱۵-۱۲			
۱۶-۱۴	پیشگویی ارتداد	۱۶-۱۴	۱۵-۱۴	
	۱۹-۱۶		۱۶	
هشدار و نصیحت		نصایح	هشدار و دستورالعمل	هشدار
۲۳-۱۷		۲۳-۱۷	۲۱-۱۷	۱۹-۱۷
	زندگی خود را با خداوند تثبیت کنید			وظیفه‌ی محبت
	۲۳-۲۰			۲۳-۲۰
			۲۳-۲۲	
دعای اختتام	جلال بر خدا		دعای حمد	سرود نیایش
۲۵-۲۴	۲۵-۲۴	۲۵-۲۴	۲۵-۲۴	۲۵-۲۴

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: موضوع خاص: اصطلاحات دستور زبان یونانی - **Error! Reference source not found.** و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

یاد می کند، اما یکی از آن دوازده نفر نبود (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۹؛ اعمال رسولان ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳).
 F. در *Antiquities of the Jews*، ۲۰: ۹: ۱، جوزفوس می گوید که او در سال ۶۲ میلادی به دستور سادوجس های سانهدرین سنگسار شده است، در حالی که روایت دیگری (نویسندگان قرن دوم، کلمنت اسکندریه یا Hegesippus) میگوید که او را از دیوار معبد را هل دادند
 G. برای نسل های بسیاری پس از مرگ عیسی، یکی از اعضای خانواده عیسی رهبر کلیسای اورشلیم میشد.
 H. او نویسنده کتاب عهد جدید "یعقوب" و برادر نویسنده کتاب "یهودا" بود (یهودا آیه ۱).

متن NASB (بروز شده): یهودا ۱: ۱ قسمت دوم - ۲
 به فراخواندگانی که در خدای پدر، محبوبند، و برای عیسی مسیح محفوظ نگاه داشته شده اند:
 ۲ رحمت و سلامتی و محبت، به فرزونی بر شما باد.

■ "فراخواندگانی که" در نسخه یونانی، واژه ی "فراخوانده شده" (*klētos* جمع مفعولی) در انتهای جمله و بمنظور تأکید قرار داده شده است. نسخه ی جدید United Bible Societies می گوید که واژگان حوزه ی مفهومی این عبارت (جلد ۱، صفحات ۴۲۴-۴۲۵) و چارچوبهای مرتبط با آن، بمنظور فراخوان فوری برای انجام وظیفه ی خاص بکار برده شده اند.

۱. خدمت رسول (رومیان ۱: ۱)

۲. زندگی ایماندار (رومیان ۶: ۱-۷؛ افسسیان ۴: ۱)

۳. فراخوان جهت موعظه انجیل (اعمال رسولان ۱۶: ۱۰)

۴. در رساله ی یهودا این فراخوان فوری بمنظور نجات و زندگی در راه ایمان و خداوند، امید و با خلوص تمام بیان شده است.

تأکید الهیاتی بر روی فراخوان خداوند (یوحنا ۶: ۴۴-۶۵) نیز در اول پطرس ۱: ۲ ("برگزیده") و در اغلب نوشته های پولس دیده می شود. نجات یک انتخاب از سوی انسان نیست؛ بلکه پاسخی به دعوت از سوی روح خداوند است. به همین دلیل است که اجابت سریع انسان به "ندای هر چند کم" خداوند با زندگی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است، حتی اگر سرآغاز نجات با مأموریت پر اثر یا توبه همراه باشد. انسانها همیشه اجابت کننده هستند.

■ "محبوبند" این یک وجه وصفی مجهول است (یعنی همانگونه نیز "نگه داشته می شوند"). نسخه King James در پیروی از نسخه های خطی P و K, L و نسخه Textus Receptus که بعداً منتشر شد، عبارت "تقدیس شده اند" را ثبت کرده است. بسیاری از مفسران بر این باورند که این عبارت از جمله بندیهای اول قرن نهم ۲: ۱ نشأت گرفته است. چارچوب واژه ی "محبوب" بلحاظ دستوری (*ēgapēmenoīs*) و "تقدیس شده" (*ēgiasmenoīs*) بسیار شبیه به شیوه بکارگیری آن در دستور زبان یونانی می باشد. مدرک خطی غافلگیرکننده ای در نفی ترجمه King James را می توان نسخه های خطی A, B, P⁷² و مشاهده نمود که از واژه ی "محبوب" استفاده کرده اند. UBS⁴ به "محبوب" رتبه ی "A" (مطمئن) اختصاص داده است. خدای پدر از این عنوان برای در مزامیر ۲؛ متی ۳: ۱۷؛ ۱۷: ۵؛ مرقس ۱: ۱؛ و افسسیان ۶: ۱ برای عیسی استفاده کرده است. اکنون این عنوان برای ایمانداران استفاده می گردد (یهودا ۳: ۱، ۱۷، ۲۰؛ ۱ پطرس ۲: ۱۱؛ ۴: ۱۲؛ ۲ پطرس ۳: ۱، ۸، ۱۴، ۱۷).

■ "خدای پدر" رابطه ی یهوه با قوم بنی اسرائیل را اغلب می توان در استعاره های فامیلی و نسبی مشاهده کرد: (۱) بعنوان شوهر؛ (۲) خویشاوند؛ (۳) پدر یا مادر (والدین). این استعاره ها به بشر رانده شده از بهشت اجازه می دهد تا خداوند مقدس ازلی را درک نمایند. آنان نزدیکی و شدت محبت یهوه را برای اسرائیل و کلیسا عیان می دارند. آنان بنا را بر این ندارند که مفهومی گذرا (اول پدر و سپس پسر) یا هرگونه حالتی را از در نسل پسران یا دختران به تصویر بکشند. تولد در زمان باکرگی تجربه ی یک رابطه جنسی برای خداوند یا مریم نبود.

عیسی با بکارگیری واژه ی *Abba* برای یهوه باب فرصتی را برای همه انسانهایی باز می کند که قصد بازگشت به سوی خداوند را در راه ایمان و توبه داشته و می خواهند محبت را در خانواده تثلیث تجربه نمایند (یوحنا ۱۷).

چشم امید ما بعنوان ایمانداران به ذات تغییرناپذیر پدرمان، خداوند است. او امید ما، ضامن ما، صلح ما، و زندگی ما است (افسسیان ۱: ۳-۱۴؛ ۱ پطرس ۲: ۱).

■ "نگاه داشته شده اند" این عبارت می تواند به معنی "محافظت شده" یا "محفوظ" باشد. ایمانداران همچنان توسط خداوند محافظت می گردند (۱ پطرس ۴: ۱-۵؛ یوحنا ۵: ۱۸). این امر نکته تأکیدی در دعای پایانی رساله ی یهودا آیات ۱: ۲۴-۲۵ است. پولس از واژه ی "فراخوانده شده" و "محبوب" در سرآغاز سخنان خود استفاده نموده ولی هرگز از واژه ی "نگاه داشته شده" بهره نبرده است!

عبارت "نگاه داشته شده اند" هم‌تراز وجه وصفی مجهول "محبوب شده" است. ایمانداران همچنان محبوب نگاه داشته شده اند. این وعده‌ی شگفت‌انگیز است که در کتاب یهودا داده شده، آن هم در زمانی که بسیاری در حال جدا شدن از دین و ایمان هستند! نیروی نگاه‌دارنده‌ی خداوند بواسطه دو شیوه‌ی تشریحی مورد تأکید واقع شده است: (۱) نگاه داشته شده توسط "خداوند" است (یوحنا ۱۷:۱۱؛ ۱ پطرس ۴:۱-۵؛ ۲) باید توسط بشر ایماندار بواسطه توبه اجابت گردد (یهودا ۱:۳، ۲۰-۲۱). هر دوی این شیوه‌ها هم تجربه‌ای منفعل (که بواسطه روح عطا شده و تثبیت می‌گردند؛ فیلیپیان ۱:۶؛ ۲:۱۳) و هم فعال هستند (تلاشی کوشا از جانب فرد ایماندار و خانواده ایمانی، فیلیپیان ۲:۱۲).

کتاب Daniel Arichea and Howard Hatton نظر جالب توجهی درباره سه موضوع تخصیص داده شده دارد:

"فراخوانده شده"، "محبوب شده" و "نگاه داشته شده".

باید توجه داشت که این سه مبحث از آیات اشعیا بنام سرود خدمتگذار برگرفته شده یا حداقل متأثر شده‌اند. در آن سرود اسرائیل به همین گونه تعریف شده؛ فراخوانده شده، محبوب شده و نگاه داشته شده توسط خداوند (برای "فراخوانده شده به اشعیا ۴۱:۹؛ ۴۲:۶؛ ۴۸:۱۲؛ برای "محبوب شده" به ۴۲:۱؛ ۴۴:۴؛ برای "محافظت شده" به ۴۲:۶؛ ۴۹:۸ مراجعه نمایید).

NASB, NJB "برای عیسی مسیح"

NKJV

(پانویس) "در راه عیسی مسیح"

NRSV

(پانویس) "بوسیده عیسی مسیح"

TEV

"از عیسی مسیح"

این ساختار ابزاری است. بنظر می‌رسد که میان ایمانداران "محبوب پدر" و "نگاه داشته شده توسط/برای/در راه پسر" یک برابری وجود داشته باشد. حالت انتصابی (پنج مورد) سه گزینه دیگر نیز محتمل می‌باشد: (۱) "نگاه داشته شده برای عیسی" (کولسیان ۱:۱۶؛ ۲) "نگاه داشته شده در راه عیسی"؛ و یا (۳) "نگاه داشته شده توسط عیسی".

یهودا ۱:۲ "رحمت و سلامتی و محبت" یهودا از عناصر سه‌تایی زیاد استفاده کرده است. پولس معمولاً از سه عنصر رحمت، صلح و محبت بهره جسته است (۱ تیموتائوس ۲:۱). این دعای پر اثری است. این دعا خلاصه‌ی کلیت کتاب است.

■ **"به‌فرونی بر شما باد"** این یک جمله‌ی مختص دعا می‌باشد که به حالت مجهول در دستور زبان آئوریست بکار برده شده و بسیار نادر می‌باشد. همچنین بصورت مفرد بیان شده و همه ایمانداران را بصورت فردی مورد خطاب قرار می‌دهد. این عبارات منعکس کننده دعای یهودا برای خوانندگان است. حالت مجهول جمله نشانگر تولید رحمت، سلامتی و محبت توسط پدر/پسر/روح‌القدس است.

دقیقاً همین حالت از فعل در اول پطرس ۱:۲ و دوم پطرس ۱:۲ دیده شده، اما با "رحمت" و "سلامتی" همراه شده‌اند.

آیات ۱ و ۲ فرم استاندارد مسیحی برای شروع یک نامه را بوجود می‌آورند. بنظر می‌رسد که رساله‌ی یهودا تلفیقی از یک نامه و یک موعظه می‌باشد. هیچ مقدمه و مؤخره خاصی برای آن بوجود ندارد. این نامه‌های یک صفحه‌ای (بر روی یک صفحه پاپیروس نوشته شده‌اند) در دنیای رومی-یونانی بعنوان شیوه‌ی رایج ارتباطی کاملاً رواج داشتند. صدها نسخه از این دست نامه‌های نوشته شده بر روی پاپیروس در مصر یافت شده‌اند، اما فقط سه نسخه از آنها در عهد جدید دیده می‌شوند (دوم و سوم یوحنا و یهودا).

متن NASB (بروز شده): یهودا ۱:۳-۴

ای عزیزان، گرچه اشتیاق بسیار داشتم تا دربارهٔ نجاتی که در آن سهیم هستیم به شما بنویسم، اما لازم دیدم با نوشتن این چند خط، شما را به ادامهٔ مجاهده در راه ایمانی برانگیزم که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است. ^۴ زیرا برخی کسان که محکومیتشان از دیرباز رقم خورده، مخفیانه در میان شما رخنه کرده‌اند. اینان خدانشناسانی هستند که فیض خدای ما را به جواز ارتکاب فجور بدل می‌کنند و عیسی مسیح، یگانه سرور و خداوند ما را انکار می‌نمایند.

یهودا ۱:۳ "عزیزان" یهودا بارها از این عبارت استفاده کرده است (یهودا ۱:۱، ۳، ۱۷، ۲۰). وی از محبت خداوند تقلید کرده و حقیقتاً به خوانندگان اهمیت می‌داد. ده‌ها ریشه‌ی احتمالی را برای این واژه می‌توان متصور بود.

۱. عهد عتیق

a. بکار رفته برای قوم بنی اسرائیل (تثنیه ۳۲:۱۲، که سرکشی می‌کرد)

- b. بکار رفته برای سلیمان نبی (نحمیا ۱۲:۲۶، که سرکشی کرد)
 c. بکار رفته برای همه ایمانداران (مزمور ۶۰:۵؛ ۱۰۸:۶، که باید کلام به گوش آنان برسد)

۲. عهد جدید

- a. عنوانی مرسوم در دوم پطرس (۱:۳، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۷)
 b. عنوانی مرسوم در اول و دوم یوحنا (که به مسئله ارتداد می‌پردازد، یوحنا ۳:۲، ۴:۱، ۲، ۱۱؛ یوحنا ۳:۵، ۱۱)
 c. گاهی نیز برای یعقوب بکار برده شده است (برادر یهودا، یعقوب ۱:۱۶، ۱۹:۲؛ ۵)

NASB	"گرچه اشتیاق بسیار داشتم تا ... به شما بنویسم"
NKJV	"گرچه سخت می‌کوشیدم تا به شما بنویسم"
NRSV	"گرچه مشتاقانه آماده می‌شدم تا به شما بنویسم"
TEV	"گرچه نهایت تلاشم را می‌کردم تا به شما بنویسم"
NJB	"در زمانی که مشتاقانه بدنبال فرصتی بودم تا به شما بنویسم"

واژه‌ی *spoudē* بمعنی خواست یا شوق است. این واژه دو بار بکار برده شده است؛ ۵:۱ و ۱۲:۳. یهودا فوریت در نگارش بر روی یک موضوع را احساس می‌کرد اما روح و شرایط اینگونه ایجاب می‌کردند که درباره موضوع دیگری قلم به دست گیرد.

■ "نجاتی که در آن سهیم هستیم" می‌توان تصور کرد که این واژگان چه معنایی برای خوانندگان یهودا داشته است. این عبارات بسیار شبیه به "ایمانی هم‌تراز با ایمان شما" که در دوم پطرس ۱:۲ و دوم پطرس ۲ گفته شد داشته و بوضوح یهودا از ارتباط ادبی مشابهی بهره برده است. آیا این وجه اشتراک در (۱ شخص عیسی، ۲) انجیل درباره عیسی، (۳) راه پذیرش عیسی، و یا (۴) زندگی برای عیسی می‌باشد؟ ای کاش نویسندگان عهد جدید اطلاعات بیشتری در اختیار ما می‌گذاشتند، اما در هر حال واقعیت اینست که، ما هر گونه اطلاعاتی را که نیاز داشتیم، در اختیار داریم ("ایمان یکبار و برای همیشه به قدیسان تعلق گرفت"، آیات ۳، ۲۰). مشکل این است که آیا ما به چیزی که در اختیارمان گذارده شده، عمل می‌کنیم (مکاشفه).

■ "لازم دیدم با نوشتن این چند خط" این جمله نشان‌دهنده‌ی رهبری روح در نگارش است (رجوع کنید به دوم پطرس ۱:۲۱). توجه داشته باشید که مصدر "نوشتن" دو مرتبه در آیه ۳ تکرار گردیده است. اولین بار بصورت زمان حال است. یهودا قصد نوشتن نامه‌ای درباره نجاتی که در آن سهیم بودند را داشت، اما ناگهان اتفاقی روی داد (یک رویداد، یک پیام، یک احساس شریب نیرومند، یا هر چیز دیگری) و مجبور شد که فوراً نامه را بنویسد (زمان آتوریست)، که اشاره به رساله‌ی یهودا دارد.

■ "ادامه‌ی مجاهده" در دستور زبان آتوریست، این یک مصدر زمان حال میانه (deponent) است. مجاهده واژه‌ای رایج در مسابقات ورزشی بود (این حالت مشدد فقط در اینجا دیده می‌شود). ما کلمه "agony" را در زبان انگلیسی بمعنی "رنج و عذاب"، از همین واژه اقتباس کرده‌ایم (۱ تیموتائوس ۶:۱۲). ایمانداران باید قدرت اعتراف به ایمان خود را در برابر دیگران و بخاطر دیگران داشته باشند (۱ پطرس ۳:۱۵). این عبارت در این متن بمعنی "دفاع از ایمان در برابر معلمان دروغین با جدیت هر چه تمام‌تر است".

■ "ایمان" این واژه در اینجا بمفهوم حقیقت بدنه‌ی مسیحیت است (یهودا ۱:۲۰؛ اعمال رسولان ۷:۶؛ ۱۳:۸؛ ۱۴:۲۲؛ غلاطیان ۱:۲۳؛ ۳:۲۳؛ ۶:۱۰؛ فیلیپیان ۱:۲۷). شگفت‌انگیز است که یهودا درباره بدنه‌ی مسیحیت مطلبی را بیان می‌کند ولی سپس بجای پرداختن به دکنترین آنها، به بحث درباره سبک زندگی معلمان دروغین می‌پردازد. روشن است که مسیحیت هم حقایق درباره مسیح است و هم الگوبرداری از زندگی وی. معلمان دروغین در دوران عهد جدید اغلب سعی در جدا کردن حقیقت (ارتودکسی) از زندگی (ارتوپراکسی) داشتند. مسیحیت فقط آنچه که ما بر آن صحنه می‌گذاریم نیست، بلکه چگونگی زندگی کردن است.

واژه‌ی ایمان (*pistis*) کاربردهای متعددی در کتاب مقدس دارد.

۱. در عهد عتیق سخن از "وفاداری و سرسپردگی" دارد.

۲. در عهد جدید (بسته به متن متفاوت است)

- a. سرآغاز اجابتی از روی باور و اعتماد به خیر خوش انجیل (اعمال رسولان ۱۴:۲۷؛ ۲۰:۲۱)
 b. زندگی روزمره در راه خداوند، همچون مسیح
 c. دکنترینهای برگرفته از آموزه‌ها و موعظه‌های مسیح و سایر رسولان (معمولاً با موضوع مشخص همراه است؛ اعمال رسولان ۷:۶؛ ۱۴:۲۲؛ ۱۶:۵؛ تیموتائوس ۴:۶).



"که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است" این جمله وجه وصفی مجهول در دستور زبان آئوریست است. واژه ی یونانی بکار برده شده برای "سپرده شدن" (*paradidōmi*) سخن از دست به دست شدن بر اساس سنت می گوید (۲ پطرس ۲: ۲۱؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۴؛ ۱ پطرس ۱: ۴) و روزی جوابگوی نحوه واگذار کردن ایمانشان به سایرین خواهند بود (۲ قرنتیان ۵: ۱۰).
 "مقدسین" بجز یکبار در فیلیپیان ۴: ۲۱، همیشه بصورت جمع در عهد جدید دیده می شوند، اما حتی در آنجا هم واژه ی بکار گرفته شده جنبه مشارکتی دارد. نجات یافتن باید بخشی از روابط خانوادگی باشد! ما بدلیل ارتباط با عیسی، مقدس هستیم (۲ قرنتیان ۲: ۳۲). این جایگاه است که در هنگام داوری خواهیم داشت (رومیان ۴). باید امیدوار بود که موقعیت ما در زندگی کردن همچون مسیح دستخوش پیشرفت های اساسی گردد (افسیسیان ۴: ۱؛ ۵: ۲؛ و ۱ یوحنا ۱: ۷).

موضوع خاص: الهام

SPECIAL TOPIC: INSPIRATION

این ادعای ایمان است که خدا توسط روح او به طور فعال در ضبط اعمال او، وعده ها و اراده برای بشر، درگیر شده است. این "خود افشایی الهی" است! این افشای الهی "مکاشفه" نامیده می شود. ضبط آن برای نسل های آینده "الهام بخش" نامیده می شود.
 تنها استفاده از کلمه "الهام" در کتاب مقدس در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ و به معنای واقعی کلمه "خدا دم برآورد" است. توجه داشته باشید "کتاب مقدس" در عهد جدید همیشه به عهد عتیق اشاره دارد (به عنوان مثال، دوم تیموتائوس ۳: ۱۵ اشاره به ترقی یهودیت تیموتائوس). توجه داشته باشید که هدف کتاب مقدس دو وجه دارد.

۱. حکمت که منجر به نجات میشود، دوم تیموتائوس ۳: ۱۵

۲. آموزش در پارسایی، دوم تیموتائوس ۳: ۱۶

توجه کنید که چگونه یوحنا ۵: ۳۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳-۴؛ و اول پطرس ۱: ۱۰-۱۲ عهد عتیق را به عنوان اشاره به مسیح می بینند. عیسی خود در لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ این را تصریح می کند! روح القدس نویسندگان عهد عتیق را هدایت کرد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱). کلیسا تقدس عهد عتیق را قبول کرد (نگاه کنید به موضوع ویژه: تقدس). آن را به طور کامل تحت الهام در نظر گرفتند (متی ۵: ۱۷-۱۹). با این حال، همچنین متوجه شدند که عهد جدید، که شامل کلمات و اعمال عیسی است، وحی نهایی بود (متی ۵: ۲۱-۴۸؛ عبرانیان ۱: ۱-۲). عیسی مظهر کامل، نهایی و کامل یهوه است (یوحنا ۱: ۱-۱۴، ۵؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۶). او قول مسیح عهد عتیق را تحقق بخشید (متی ۲۶: ۳۱، ۵۶؛ ۱۴: ۲۷، ۴۹؛ لوقا ۲۰: ۱۷؛ یوحنا ۱۲: ۱۴-۱۶؛ ۱۳: ۱۸؛ ۱۵: ۲۵؛ ۱۷: ۱۲؛ ۱۹: ۲۴-۳۶؛ اعمال رسولان ۱: ۱۶؛ ۳: ۱۸، ۲۱-۲۶؛ ۴: ۲۵-۲۸).

روح باید ذهن و قلب را باز کند تا فرد بتواند درک کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۸: ۳۴-۳۵؛ ۱۳: ۲۷). روح نویسندگان کتاب مقدس را هدایت کرد تا در قالب کلام، اصطلاحات و تصاویر انسانی، حقایق خود افشایی خدا در عیسی را بیان کنند (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۵: ۲۶-۲۷؛ اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۱، ۱۳-۱۶).

یک بحث خوب کوتاه در Theology Christian، Millard J. Erickson، چاپ دوم، صص ۲۲۴-۲۴۵ است.

همچنین بحث خوبی در مورد فرآیند ادبی از یک جامعه "دهان" به اسناد نوشته شده است جان H. Walton و D. Brent Sandy، The Lost World of Scripture (۲۰۱۳).

موضوع خاص: مقدسین

Special Topic: SAINTS [*hagios*]

این یک لغت هم عرض با واژه عبری *kadosh* می باشد (اسم، BDB871؛ فعل BDB872, KB 1066-1067؛ به موضوع خاص مقدس مراجعه کنید)، که معنی اولیه آن، "شخصی را، چیزی را، مکانی را برای استفاده انحصاری یهوه کنار گذاشتن (بمفهوم ذخیر کردن)" است. در زبان انگلیسی این لغت بعنوان "مقدس" استفاده می شود. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (۱ پطرس ۲: ۹؛ که نقل قولی از خروج آیه ۱۹: ۶ است). یهوه برای بشریت به واسطه ذاتش (ابدی و خلق نشده) و شخصیتش (غایت کمال) کنار گذاشته شد. او استانداردی است که هر آنچه که وجود دارد بر مبنی او قیاس و سنجیده می شوند. او والاتر و بالاتر از هر چیز است، ذاتی مقدس که دیگران را تقدیس می کند.

او آدمیزاد را برای دوستی آفرید، اما اخراج آنان از بهشت (پیدایش ۳) مسبب بوجود آمدی مرزهای دوستی و اخلاقی با خالق عظیم و بشریت گنهکار گردید. خواست خدا بوده که مخلوقات را هشیارانه بیافریند، لذا، مردمش را به تقدیس فرا خواند (لاویان ۱۱:۴۴؛ ۱۹:۲؛ ۲۰:۷، ۲۶:۲۱). بوسه ارتباطی مبتنی بر ایمان با خدای یهوه و با وعده او، مردمان او مقدس می‌شوند، اما در عین حال به ادامه چنین زندگی نیز فراخوانده می‌شوند (به موضوع خاص تحکیم و همینطور متی ۵:۴۸؛ افسسیان ۴:۱، ۱۷:۵-۲، ۳:۱۵؛ ۱ پطرس ۱:۱۵ رجوع شود).

چنین زندگی ممکن است زیرا ایمانداران کاملاً پذیرفته شده و بواسطه (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب آنان، بخشیده شده‌اند.

این موضوع باعث بوجود آمدن تناقضی میان ایمانداران می‌گردد:

۱. مقدس بودن بخاطر حقانیت ذاتی عیسی (رومیان ۴)
 ۲. فراخوانده شدن به زندگی این چنینی بخاطر حضور روح القدس (به موضوع خاص تحکیم مراجعه شود)
- ایمانداران "قدیس" هستند (hagioi) به دلیل:

۱. خواست روح اقدس (پدر، یوحنا ۶:۲۹، ۴۰؛ ۱ پطرس ۱:۱۵-۱۶)
۲. کار پسر مقدس (عیسی، ۲ قرنتیان ۵:۲۱؛ ۱ پطرس ۱:۱۸-۲۱)
۳. حضور دائمی روح القدس (رومیان ۸:۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید این کلمه را بصورت جمع بکار می‌برد، قدیسان (بجز یک جا در فیلیپیان ۴:۲۱، اما حتی در متن آن را تبدیل به جمع می‌کند). نجات یافتن بخشی از یک خانواده است، یک بدن و یک ساختمان! ایمان انجیلی با دریافت شخصی شروع می‌گردد، اما در دوستی مشکلاتی بوجود می‌آورد. همه ما بواسطه سلامتی، رشد و بدن نیکی که از عیسی داریم، یعنی کلیسا (۱ قرنتیان ۱۲:۷) دارای نعمتی خدادادی هستیم (۱ قرنتیان ۱۲:۱۱). ما نجات یافتیم که خدمتگذار باشیم! "تقدس" ساختار خانواده است!

این نام برای ایمانداران بصورت لقب (اعمال رسولان ۹:۱۳، ۳۲، ۴۱، ۲۶:۱۰؛ رومیان ۷:۱؛ ۱ قرنتیان ۲:۱؛ افسسیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱؛ کولسیان ۲:۱) و راهی برای خدمت به دیگران تبدیل شد (رومیان ۱۲:۱۳؛ ۱۶:۲؛ افسسیان ۱:۱۵؛ کولسیان ۱:۴؛ ۱ تیموتائوس ۵:۱۰؛ عبرانیان ۶:۱۰). پولس فقط یک بار چیزی را از کلیساهای بی‌ایمانان فراگرفت و آن را برای کلیسای مادر در اورشلیم استفاده کرد (رومیان ۲۶-۱۵:۲۵؛ ۱ قرنتیان ۱۶:۱؛ ۲ قرنتیان ۸:۴؛ ۹:۱).

یهودا ۱:۴ "زیرا برخی کسان که محکومیتشان از دیرباز رقم خورده" معلمان دروغین معمولاً از درون گروه‌های خاص بیرون می‌آیند (۱ یوحنا ۲:۱۸-۱۹). این عبارات اشاره به معلمان دروغینی دارد که بمنظور فریب قوم خداوند، نقشه‌های حيله‌گرانه در سر دارند (یهودا ۱:۸، ۱۰، ۱۱-۱۲، ۱۶، ۱۸-۱۹). در عهد جدید از دیگر معلمان دروغین در آیاتی که در پی می‌آید صحبت شده است: متی ۷:۱۵-۲۳؛ ۲ قرنتیان ۱۱:۱۳-۱۵؛ غلاطیان ۲:۴؛ افسسیان ۴:۱۴؛ کولسیان ۲:۸-۲۳؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱ و همچنین ۲ پطرس ۲. به موضوع خاص در یهودا ۱۲:۱ نیز توجه نمایید.

▣ "برخی کسان که محکومیتشان از دیرباز رقم خورده" این یک وجه وصفی مجهول کامل است. مفهوم مشابهی را می‌توان در دوم پطرس ۲:۳ مشاهده نمود. این افراد می‌توانند (۱) اشاره‌ای به کتاب غیر دینی I Enoch (یهودا ۱:۱۴)؛ داشته و یا (۲) نمونه‌ای از پیروی یهودا از مثالهای عهد عتیق بوده باشد. معلمان دروغین در طول تاریخ غافل مانده‌اند و این فاجعه همچنان ادامه دارد (افسسیان ۴:۱۴). به موضوع خاص در یهودا ۱۲:۱ نیز توجه نمایید.

▣ "خدانشناسان" واژه‌ی "خدانشناس" از کلمه "خدایی" گرفته شده است (eusebēs، ۲ پطرس ۲:۹ یا eusebeia، ۲ پطرس ۱:۳، ۶، ۷؛ ۱۱:۳) با یک alpha privitive (از حالات دستوری در زبان یونانی) (asebēs، ۲ پطرس ۲:۵؛ ۳:۷؛ یهودا ۱:۴، ۱۵ یا asebeō ۲ پطرس ۲:۶؛ یهودا ۱:۱۵). این واژه در رساله‌ی یهودا (شش بار بکار برده شده است) و در دوم پطرس ۲، یک واژه‌ی کلیدی محسوب می‌گردد. همچنین یکی از مشخصه‌های رایج متمردان از فرامین خداوند در I Enoch بوده است. این معلمان دروغین بلحاظ دکتربین، اشتباه بودند که همین امر آنها را به خدانشناسی هدایت کرده بود. "شما باید آنان را از نتیجه‌ی حاصل از کارشان تشخیص دهید" (متی ۷، ۱۳).

NASB, NKJV "برگشت"
NRSV, NJB "انحراف"
TEV "کج‌رو"

این واژه (metatithēmi) در این متن، سخن از تعبیر چیزی (در انجیل) با جایگزین کردن چیز دیگری می‌گوید (اینجا، از فلسفه یونانی). در اینجا حکایت از تغییری عمدی دارد. معمولاً این کلمه بمعنی حذف یا انتقال چیزی است (عبرانیان ۷:۱۲؛ ۱۱:۵).

□ "فیض خدای ما را به جواز ارتکاب فجور بدل می‌کنند" انکار کنندگان شریعت از فیض خداوند بعنوان مجوزی برای کارهای دنیوی (رومیان ۶: ۱ - ۲۳؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۱۶؛ ۲ پطرس ۱: ۱۹)، و در برخی مواقع بطور مشخص برای بی‌بند و باریهای جنسی بهره می‌برند. واژه‌ی "فیض" را به دو شیوه می‌توان درک نمود. اول، بعنوان ذات خداوند که به بشر رانده شده از بهشت محبت ورزیده و او را بر مبنای پیشبینیها و وعده‌هایی که داده، در آغوش می‌گیرد. این واژه بعنوان محبت، پذیرش و آموزش غیر قابل توصیف و بی‌اندازه خداوند تعریف شده است. مترادف این واژه رحمت می‌باشد. دوم، می‌تواند راه دیگری برای اشاره به ایمان در مسیحیت تلقی گردد، همچون عبارت "ایمان یکبار و و برای همیشه در اختیار مقدسین قرار داده شد".

اگر هر کدام از این موارد را درست تلقی کنیم، معلمان دروغین از ذات بخشنده‌ی خداوند بمنظور نیات خودخواهانه‌ی خود سؤاستفاده می‌کنند. این کار در واقع ذات گناه بوده و از خداوند کاملاً به دور می‌باشد. این افراد گرگهایی هستند در لباس میش (متی ۷: ۱۵). نکته دردناک این است که قوم خداوند اغلب این افراد را تشخیص نداده و حتی خود را در اختیار آنان قرار می‌دهند.

□ "عیسی مسیح، یگانه سرور و خداوند ما را انکار می‌نمایند" این عبارت در دستور زبان ائوریست وجه وصفی حال میانه است که بمعنی "تداوم انکار" توسط این افراد می‌باشد. معنی دقیق آن "رد کردن" چیزی است، که می‌تواند اشاره به رد مسیح در سبک زندگی باشد (۱ تیموتائوس ۵: ۸؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیتوس ۱: ۱۶).

تفکیک حرفه از سبک زندگی بخشی از ویژگیهای معلمان دروغین قرن اول میلادی محسوب می‌گردید. بعدها در فلسفه عرفان (به موضوع خاص زیر توجه فرمایید) تصریح کرد که انسان بوسیله دانش نهانی آسمانی (aeons) در میان خداوند مقدس عظیم‌الشان و آفرینش فیزیکی نجات می‌یابد. نجات دغدغه هوشمندانه‌ای بود که بر سبک زندگی افراد تأثیری بجا نگذاشت. یهودا و یعقوب بشدت به انفصال میان ایمان و زندگی واکنش نشان دادند (پیرو آموزه‌های عیسی در متی ۵-۷).

آیه ۴ در نسخه خطی یونانی دارای تفاوتی است. نسخه NKJV این آیه را "انکار تنها ارباب خداوند و سرور ما عیسی مسیح" نوشته است. قدیمی‌ترین و قابل‌انکارترین نسخه‌های یونانی (P^{72, 78}, A, B, C) از کلمه "خداوند" استفاده نکرده‌اند. در اینجا صحبت درباره یک شخص است که همزمان (۱ سرور، ۲ ارباب و ۳ عیسی مسیح است).

موضوع خاص: عرفان (از کلمه یونانی gnosis، به معنی دانش و آگاهی، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۲۰)

Special Topic: Gnosticism

I. در قرن اول

دنیای روم در قرن اول زمان انتخاب میان ادیان شرقی و غربی بود. خدایان یونان و پانتئون‌های روم خوش نام نبودند. ادیان مرموز بسیار متداول بودند زیرا تاکید آنها بر رابطه فردی با خدا و دانش پنهان بود. فلسفه سکولار یونانی محبوب بود و با دیگر جهانبینی‌ها ادغام می‌شد. در این دنیا مذهب انتخابی ایمان انحصاری مسیحی وارد می‌شود (عیسی تنها راه به سوی خدا است، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴). زمینه دقیق عرفان هر چه باشد، تلاشی شد برای انحصار بخشیدن به مسیحیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴، اول یوحنا ۱۲: ۵) که باورکردنی و از نظر عقلانی برای طیف وسیعی از مخاطبین یونانی-رومی قابل قبول بود. این احتمال هست که تفکر عرفانی از فرقه‌های حاشیه‌ای یهودی ریشه گرفته باشد (مراجعه شود به DSS Sect). این می‌تواند برخی از عناصر یهودی در عهد جدید را که با عرفان رابطه دارند توضیح دهد.

II. برخی از فرضیه‌های ابتدایی ارتداد بر اساس شواهد داخلی از یوحنا ۱

- A. انکار قیام عیسی مسیح از مردگان
- B. انکار مرکزیت عیسی مسیح در رستگاری
- C. فقدان شیوه زندگی مسیحی مناسب
- D. تاکید بر دانش (اغلب رازها و اسرار)
- E. گرایش به انحصار گرایی و نخبه‌گرایی

III. نخستین عرفان قرن اول

- A. آموزشهای عرفان اولیه در قرن نخست به نظر می‌رسد که تأکیدی بر دوالیسم هستی‌شناسی (ابدی) میان روح و جسم بوده باشند. روح (خدای والا) به عنوان نیکی تلقی می‌شد، در حالیکه جسم از نظر ذاتی شیطانی بود. این دوگانگی شبیه:

۱. فلسفه ایده‌آل در مقابل فیزیکی افلاطون

۲. بهشتی در مقابل زمینی
۳. نامرئی در مقابل مرئی؛ (همچنین تاکید زیاده از حدی بر روی اهمیت دانش نهانی (رمزها یا کدهای رمزی که اجازه می‌دهند روح از طریق محیط فرشتگان به سمت بالا و به سوی خدای والا برود) که برای رستگاری لازم بود، می‌شد.
۴. احتمالاً نفوذ زرتشت
- B. دو حالت اولیه عرفان وجود دارند که ظاهراً می‌توانستند زمینه اول یوحنا باشند
۱. عرفان دوکسی (*Docetic*)، که انسان بودن عیسی را نفی می‌کند، زیرا جسم شیطانی است
۲. عرفان سرینتی (*Cerinthian*) که عیسی را در میان فرشتگان خوب و بد ارزیابی می‌کرد. این "روح مسیح" را بدن انسانی عیسی را در زمان تعمید غرق می‌کند و قبل از به صلیب کشیده شدن بدنش را ترک می‌نماید
۳. از این دو گروه برخی ریاضت را تجربه کردند (اگر بدن بخواهد، شیطانی است)، بقیه آنتیسمیسم را (اگر بدن بخواهد، انجام می‌دهم)
- C. هیچ مدرکی در مورد توسعه سیستم عرفان در قرن اول وجود ندارد. در حقیقت تا اواسط قرن دوم که شواهد و مستندات مکتوب وجود دارند (به متون Nag Hammadi مراجعه شود). برای اطلاعات بیشتر در مورد عرفان به منابع زیر مراجعه کنید
۱. *The Gnostic Religion* اثر هانس یوناس، از انتشارات بیکن
۲. *The Gnostic Gospels* اثر ایلین پاگلز، از انتشاران رندم هاوس
۳. *The Nag Hammadi Gnostic Texts and the Bible* اثر اندرو هلمبولد
- IV. ارتداد امروز
- A. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم سعی می‌کنند حقیقت مسیحی را با سایر سیستم‌های فکری ادغام کنند
- B. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم بر دکترین "درست" برای جدا کردن رابطه فردی و سبک زندگی با ایمان تاکید می‌کنند
- C. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم از مسیحیت به سوی نخبگی فکری انحصاری روی می‌آورند
- D. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم مذهبی به سوی عرفان یا آنتیسمیسم به عنوان بهترین راه برای رسیدن به خدا روی می‌آورند.

■ "سرور" معنای دقیق این واژه "حاکم مطلق" است. این واژه همچنین برای عیسی در ۱ پطرس ۲: ۱ بکار برده شده است. زندگی ما متعلق به ما نخواهد بود وقتی که عیسی سرور زندگی ما است (لوقا ۴: ۴۶).

متن NASB (بروز شده): یهودا ۱: ۵-۷

با آنکه شما یک بار از این همه آگاهی یافته‌اید، می‌خواهم یادآور شوم که خداوند قوم خود را از سرزمین مصر رهانید، اما زمانی دیگر آنان را که ایمان نداشتند، هلاک کرد. ^۶ او فرشتگانی را نیز که مقام والای خود را حفظ نکردند، بلکه منزلگاه مناسب خویش را ترک گفتند، به زنجیرهای ابدی کشیده و برای محاکمه در آن روز عظیم، در تاریکی مطلق نگاه داشته است. ^۷ به همین گونه، سدوم و غموزه و شهرهای اطراف، که همانند آنان بی‌عفتی کردند و در پی شهوات غیرطبیعی رفتند، با تحمل مجازات آتش ابدی، چون درس عبرت مقرر گشتند.

یهودا ۱: ۵ "می‌خواهم یادآور شوم" حقایق خداوند، حتی ابتدایی‌ترین‌های آن همیشه باید به ما یادآوری شود (یهودا ۱: ۱۷؛ ۲ پطرس ۱: ۱۲-۱۳). آیات ۱-۷: ۵ یک جمله‌ی کامل را در زبان یونانی تشکیل می‌دهند.

NASB	"با آنکه شما یک بار برای همیشه از این همه آگاهی یافته‌اید"
NKJV	"با آنکه قبلاً این را می‌دانستید"
NRSV	"با آنکه کاملاً از آن مطلع بوده‌اید"
TEV	"حتی با وجود اینکه از این موضوع اطلاع داشتید"
NJB	"حتی با وجود اینکه شما یک بار همه اینها را یاد گرفته‌اید"

در میان مترجمان زبان انگلیسی این سؤال بوجود آمده که "یکبار" (*hapax*) در این آیه با چه موضوعی ارتباط دارد.

۱. با "آگاهی داشتن"
۲. با "نجات دادن یا نجات یافتن"

آیا این آیه به ما می‌آموزد که خوانندگان بطور کامل آگاهی یافته‌اند یا اینکه قوم بنی‌اسرائیل حکایت خروج کاملاً آگاه بودند؟ گزینه اول به دو صورت شرح داده شده است: (۱) یهودا از عبارات مصطلح در زبان یونانی استفاده می‌کند؛ و یا (۲) یهودا به کار روح‌القدس در هدایت ایمانداران به سوی حقیقت اشاره می‌کند (یوحنا ۴:۲۶؛ ۱۳:۱۶؛ یوحنا ۲:۲۰، ۲۷).

دومین گزینه تطابق بهتری دارد؛ (۱) خداوند قوم خود را "رهانید"؛ و (۲) تفاوتی که کاتبان بعدی با حذف واژه‌ی "یکبار" در نسخه‌های خطی در قسمت *hoti* بوجود آوردند.

بنظر می‌رسد که گزینه دوم (UBS⁴, NRSV, TEV) بیشتر در متن می‌گنجد، اما بهترین و قدیمی‌ترین شیوه‌ی سنتی در نسخه‌های خطی محسوب نمی‌گردد. این موضوع را می‌توان اشاره‌ای به "عهد جدید" ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ قلمداد نمود.

■ "خداوند" با عنایت به اینکه نویسندگان عهد جدید اغلب در نوشته‌های خود عیسی را به یهوه که عنوان عهد عتیق برای مقام آسمانی بود، نسبت می‌دادند، همواره این ابهام برای مترجمان بوجود می‌آید که این عنوان کدامیک از سه ضلع تثلیث را مورد خطاب قرار می‌دهد. این امر باعث بوجود آمدن تفاوتی در نسخه خطی یونانی یهودا ۴:۱، ۵ گردیده است. آیه ۴:۱ در برخی نسخه‌های یونانی، "خداوند" پس از "سرور" نوشته شده است (NKJV). این واژه (*despotēn*) معمولاً اشاره به پدر در عهد جدید دارد، اما در ۲ پطرس ۱:۱ اشاره به مسیح می‌کند.

نظیر همین ابهام بر روی یهودا ۵:۱ نیز اثر گذارده است. در این زمینه تفاوتی زیادی در نسخه‌های خطی یونانی دیده می‌شود:

۱. "خداوند مسیح" در نسخه P⁷²

۲. "سرور" در نسخه K

۳. "عیسی" در نسخه A, C

۴. "سرور ما" در نسخه C*

۵. "خداوند" در نسخه ولگاته

بهترین راه حل برای گریز از این ابهام اینست که یهوه را در اشاره به کارهایی که در ماجرای خروج بوجود آمد مرتبط بدانیم، با اینکه برخی الهیات‌دانان معتقدند که "فرشته‌ی خداوند" که قوم بنی‌اسرائیل را هدایت می‌کرد، ممکن است از پیش در مسیح جای گرفته باشد (۱ قرن‌تبیان ۴:۱۰).

موضوع خاص: فرشته خدا

SPECIAL TOPIC: THE ANGEL OF THE LORD (BDB 521 CONSTRUCT BDB 217)

بدیهی است که در عهد عتیق خداوند خود را در قالب فیزیکی انسانی نشان می‌دهد. سوال پیروان تثلیث این است که کدامیک از شخصیت‌های تثلیث در این نقش جا می‌گیرند. از آنجا که خدا، پدر (یهوه) و روح او دارای جسم نیستند، اینطور به نظر می‌رسد که می‌توان گفت که این آشکار شدنها در قالب انسانی بیان‌کننده از پیش وجود داشتن مسیح است.

صورت زیر برای نشان دادن دشواری که فرد برای سعی در تشخیص تمایز میان تجلی خدا به انسان و برخورد با یک فرشته دارد، تدوین شده است:

۱. فرشته خدا در قالب فرشته (اغلب "فرشته او"، "یک فرشته‌ای"، "فرشته"، "فرشته خدا")

a. سفر پیدایش ۷:۲۴ و ۴۰

b. سفر خروج ۲۰:۲۳ الی ۲۳:۲۴، ۳۲

c. اعداد ۲۲:۲۲

d. داوران ۲۳:۵

e. دوم سموئیل ۱۶:۲۴

f. اول قرن‌تبیان ۱۵:۲۱ الی ۳۰

g. زکریا ۱:۱۲ و ۱۳

۲. فرشته خدا به عنوان تجلی خدا بر انسان

a. سفر آفرینش ۷:۱۶ الی ۱۳، ۱۸:۱ الی ۳۳، ۲۲:۱۱ و ۱۵، ۳۱:۱۱ و ۱۳، ۴۸:۱۵ و ۱۶

b. سفر خروج ۲:۳ و ۴، ۱۴:۱۹ (۱۳:۲۱)

c. داوران ۱۵:۲، ۲۲:۶ الی ۳، ۱۳:۲۳

d. هوشع ۳:۱۲ الی ۴

e. زکریا ۱:۳ الی ۵

f. اعمال رسولان ۷:۳۰ و ۳۵ و ۳۸
فقط متن می‌تواند تمایز میان دو گزینه را مشخص نماید

■ "رهانید" اینگونه کاربرد "رها کردن" (*sōzō*) اشاره به عملی فیزیکی دارد (در حالت عهد عتیق؛ یهودا ۱:۵؛ یعقوب ۵:۱۵)، و نه نجات روحانی (در حالت عهد جدید؛ یهودا ۱:۲۳). اسرائیلیان انتخاب شده بودند که قوم خداوند باشند.

■ "اما زمانی دیگر آنان را که ایمان نداشتند، هلاک کرد" واضح است که این عبارات اشاره به برخی دوره‌های تاریخی از کتاب عهد عتیق، از خروج تا اعداد دارند (خروج و دوره سرگردانی در بیابان). عبرانیان ۳-۴ از این دوران بعنوان دوره ارتداد یاد می‌کند. مشکل اینجاست که این عبارات به چه رویدادی اشاره می‌کند.

۱. اولین دوره قیام برای ورود به سرزمین موعود
۲. دوره دیگری از تمرد و سرکشی
۳. شورش قورح
۴. پرستش بعلِ فُغور

آیا "به هلاکت رساندن" در اینجا بمعنی (۱) نابودی فیزیکی؛ و یا (۲) مرگ ابدی است؟ چنانچه منظور مرگ فیزیکی باشد، پس می‌توان گفت که اشاره به کسانی دارد که از ایمان آوردن به دو جاسوس، یوشع و کالب، نسل جنگجویانی (۲۰ تا ۵۰ سال پیش) که مصر را ترک کرده اما وارد سرزمین موعود نگردیده و در بیابان جان دادند، امتناع کرده بودند (اعداد ۱۴). اگر مرگ ابدی را مفروض بداریم، پس احتمالاً اشاره به کسانی دارد که در مرز سرزمین، در دشت موآب موعود جان باختند، جاییکه برخی از قوم بنی اسرائیل با زنان موآبی در دعای باروری مشارکت نمودند. بنظر می‌رسد که هر سه مثالی که یهودا از عهد عتیق آورده بود، گناه‌های جنسی را نیز شامل می‌گردد (۲ پطرس ۲:۲-۱۳-۱۴، ۱۸). از متن اینگونه بر می‌آید که گزینه ۱ بهترین انتخاب است.

موضوع خاص: تخریب (*apollumi*)

Special Topic: Destruction

این اصطلاح مفهوم گسترده‌ای دارد، که منجر به ابهامات بزرگی در مفهوم الهیاتی داوری جاودانی در برابر نابودی شده است. مفهوم پایه‌ای این اصطلاح مرکب از *apo* و *ollumi* خراب کردن، نابود کردن است.

مشکل از کاربرد نمادین این اصطلاح ناشی می‌شود. به وضوح می‌توان این را در *Greek-English Lexicon of the New Testament, Based On Semantic Domains* اثر Louw و Nida، جلد دوم، صفحه ۳۰ دید. این کتاب معانی زیر را برای این اصطلاح فهرست می‌کند:

۱. خراب کردن (انجیل متی ۲۸:۱۰، انجیل لوقا ۳۷:۵، انجیل یوحنا ۱۰:۱۰، ۱۷:۱۲، اعمال رسولان ۳۷:۵، رومیان ۹:۲۲ از جلو ۱، صفحه ۲۳۲)
۲. شکست در بدست آوردن (انجیل متی ۱۰:۴۲، جلد ۱، صفحه ۵۶۶)
۳. از دست دادن (انجیل لوقا ۸:۱۵، جلد اول، صفحه ۵۶۶)
۴. ندانستن مکان (انجیل لوقا ۴:۱۵، جلو اول صفحه ۳۳۰)
۵. مردن (انجیل متی ۱۰:۳۹، جلد اول صفحه ۲۶۶)

Gerhard Kittel در کتاب *Theological Dictionary of the New Testament* جلد اول صفحه ۳۹۴ سعی می‌کند کاربردهای مختلف معانی فهرست شده را ترسیم نماید.

۱. نابود کردن یا کشتن (انجیل متی ۲:۱۳، ۲۰:۲۷، انجیل مرقس ۳:۶، ۹:۲۲، انجیل لوقا ۹:۶، اول قرنیتیان ۱۹:۱)
۲. از دست دادن یا رنج از دست دادن (انجیل مرقس ۹:۴۱، انجیل لوقا ۴:۱۵ و ۸)
۳. از بین بردن (انجیل ۲۶:۵۲، انجیل مرقس ۴:۳۸، انجیل لوقا ۵۱:۱۱، ۱۳:۳ و ۵ و ۳۳، ۱۷:۱۵، انجیل یوحنا ۱۲:۶ و ۲۷، اول قرنیتیان ۱۰:۱۰ الی ۱۰)
۴. گمراه شدن/گم شدن (انجیل متی ۵:۲۹ الی ۳۰، انجیل مرقس ۲:۲۲، انجیل لوقا ۴:۱۵ و ۶ و ۲۴ و ۳۲، ۲۱:۱۸، اعمال رسولان ۲۷:۳۴)

کیتل می‌گوید "در کل، می‌توانیم بگوئیم که شماره ۲ و ۴ زمینه گفته‌های مربوط به این دنیا در اناجیل سینوپتیک هستند در حالی که شماره‌های ۱ و ۳ زمینه مطالبی هستند که در رابطه با دنیای بعدی می‌باشند، همانند پولس و یوحنا" (صفحه ۳۹۴).

ابهام در اینجا قرار می‌گیرد. این اصطلاح معنی مفهومی بسیار گسترده‌ای دارد و هر یک از نویسندگان عهد جدید به شیوه‌های مختلف از مفاهیم مختلف استفاده کرده‌اند. من توضیح Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحات ۲۷۵ الی ۲۷۷ را دوست دارم. او این اصطلاح را به انسانهایی ربط می‌دهد که از نظر اخلاقی نابود شده‌اند و منتظر جدایی ابدی از خدا در برابر کسانی هستند که مسیح را می‌شناسند و در او حیات جاویدان دارند. گروه آخر "نجات" یافته‌اند در حالی که گروه قبلی "نابودشدگان" هستند.

Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament*، صفحه ۲۷۶، اشاره می‌کند که جاهای زیادی هستند که این اصطلاح را نمی‌توان نابودی ترجمه کرد. "بلکه به مفهوم شیی یا چیزی است که دیگر نمی‌توان برای کاربرد و هدف اصلی و اولیه از آن استفاده کرد".

۱. ته مانده‌های روغن مالی و تدهین، انجیل متی ۸:۲۶
۲. خراب شدن لرد شراب، انجیل متی ۹:۱۷
۳. بهم ریختن مو، انجیل لوقا ۲۱:۱۸
۴. فاسد شدن غذا، انجیل یوحنا ۶:۲۷
۵. ذوب شدن طلا، اول پطرس ۱:۷
۶. فاسد شدن فیزیکی بدن، انجیل متی ۱۳:۲، ۲۵:۸، ۱۴:۱۲، ۴۱:۲۱، ۷:۲۲، ۵۲:۲۶، ۲۰:۲۷، رومیان ۱۲:۲، ۱۵:۱۴، و اول قرنتیان ۸:۱۱

این اصطلاح هرگز به نابود شدن انسان یا خراب شدن انسان اشاره نمی‌کند، بلکه به پایان وجود داشتن بدن اشاره دارد. همچنین به صورت متداول در مفهوم اخلاقی استفاده می‌شود. "همه انسانها از نظر اخلاقی نابود شده تلقی می‌گردند، یعنی نتوانستند هدفی را که به خاطر آن نسل آنها خلق شده را تحقق بخشند" (صفحه ۲۷۶). پاسخ خدا به این مسئله گناه، عیسی مسیح بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳:۱۵ الی ۱۶ و دوم پطرس ۳:۹). آنان که انجیل را انکار کنند، اینک محکوم به نابودی بیشتر هستند، که شامل حسم و روح است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۸:۱، دوم قرنتیان ۱۵:۲، ۳:۴، دوم تسالونیکیان ۱۰:۲). برای نظر مخالف به Fudge, *The Fire That Consumes* را مطالعه کنید.

من شخصا (مراجعه شود به R. B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحه ۲۷۶) فکر نمی‌کنم که این اصطلاح به مفهوم نابودی باشد (مراجعه شود به E. Fudge, *The Fire That Consumes*). اصطلاح جاویدان هم برای حیات جاویدان و هم مجازات ابدی در انجیل متی ۴۶:۲۵ استفاده شده است. از بین بردن یکی، از بین بردن دیگری است.

یهودا ۱:۶ "فرشتگان" یهودا "فرشتگان" را به فهرست خود از کسانی که در ابتدا یهوه را پرستش ولی سپس سر به تمرد برداشته ولی متعاقباً مورد داوری قرار گرفته و نابود شدند، اضافه نموده است. اما کدام "فرشتگان" منظور وی بوده است؟ مطابق برخی اطلاعات، گروه‌های خاصی از فرشتگان تعریف شده‌اند. این فرشتگان:

۱. آنان که مقام خود را نتوانستند حفظ کنند
 ۲. آنان مکان زندگی خود را رها کرده بودند
 ۳. آنان تا روز داوری، در سیاهچاله و تاریکی مطلق نگه داشته خواهند شد
 ۴. "گناه کاران" (۲ پطرس ۲:۴)
 ۵. "ایشان را به ته‌هاویه افکند" (۲ پطرس ۲:۴)
 ۶. "در سیاهچالهای تاریک محبوس کرد تا برای داوری نگاه داشته شوند" (۲ پطرس ۲:۴)
- کدام گروه از فرشتگان در عهد عتیق سر به قیام برداشته و گناه کردند؟
۱. فرشتگانی که نیروی تحریک کننده‌ی برنامه‌های پرستشی کافران بودند
 ۲. فرشتگانی که از رده‌های پایین تری برخوردار بوده و در عهد عتیق با عناوین شیطانی از آنان یاد می‌شود. بعنوان مثال: لیلیت (اشعیا ۳۴:۱۴)؛ عزازیل (لاویان ۱۶:۸)، و دیوهای که نیمی بز هستند (لاویان ۱۷:۷).
 ۳. "پسر خداوند" در پیدایش ۶ (اغلب درباره‌ی وی در نوشته‌های یهودیان به بحث پرداخته شده است، I Enoch 86-88; II Enoch 7, 18; II Baruch 56' Jubilees 5)
 ۴. فرشتگانی که در نوشته‌های یهودیان بعنوان نمونه از آنها یاد شده است (بدلیل استفاده یهودا از سایر منابع از این دست در آیات ۹ و ۱۴)

موضوع خاص: "پسران خدا" در پیدایش ۶ Special Topic: "the sons of God" in Genesis 6

- A. جدل بزرگی بر روی هویت عبارت "پسران خدا" وجود دارد. سه ترجمه اصلی در این میان وجود دارد.
۱. عبارت اشاره به سلسله خاندان شیث دارد (رجوع شود به پیدایش ۵، یادداشت ۱۴:۴)
 ۲. عبارت اشاره به گروهی از فرشتگان دارد
 ۳. عبارت اشاره به پادشاهان و سلاطین و یا خاندان قائن دارد (پیدایش ۴)
- B. شواهد برای این عبارت دلالت بر خاندان شیث دارد
۱. نگاهی اجمالی به ادبیات متن پیدایش ۴ و ۵ پیشرفت خط فکری شورشی خاندان قائن و سلسله منتخب شیث را نشان می‌دهد. بنابراین، بنظر می‌رسد که با توجه به شواهدی که از کلام مشهود است، کفه ترازو به نفع خاندان شیث سنگینی می‌کند.
 ۲. میان عالمان یهودی بر سر این عبارت اختلاف افتاده است. برخی تسریح می‌کنند که اشاره آن به شیث است (اما بیشتر به فرشتگان).
 ۳. با اینحال عبارت "پسران خدا" جمع بسته شده بیشتر برای موجودات آسمانی و فرشتگان استفاده می‌شود، و به ندرت درباره نوع بشر بکار می‌رود.
- a. تثنیه ۱:۱۴ - "فرزندان یهوه خدای خود"
 - b. تثنیه ۵:۳۲ - "فرزندان او"
 - c. خروج ۸:۲۲-۹:۲۱؛ ۶:۲۱ - (احتمالاً قضات مد نظر است)
 - d. مزمور ۱۵:۷۲ - "فرزندان تو"
 - e. هوشع ۱:۱۰ - "پسران خدای زنده"
- C. شواهدی برای اشاره به موجودات آسمانی، فرشتگان
۱. این رایج‌ترین درک سنتی از کلام است. بخش اعظم پیدایش می‌تواند این دیدگاه را بعنوان مثالی دیگر از شریر شیطانی که سعی در خنثی کردن اراده خداوند برای نوع بشر دارد، پشتیبانی کند.
 ۲. عبارت جمع بسته شده ("پسران خدا") بصورت چشم‌گیری در عهد عتیق برای فرشتگان استفاده شده است
- a. ایوب ۱:۶
 - b. ایوب ۲:۱
 - c. ایوب ۳۸:۷
 - d. مزمور ۲۹:۱
 - e. مزمور ۸۹:۶، ۷
۳. در کتاب عهد عتیق یهودیان، کتاب I Enoch که در دوره عهد جدید میان ایمانداران بسیار رایج بود، در کنار *Genesis Apocryphon* از کتبی‌های دریای مرده و *Jubilees 5:1*، پسران خدا را بعنوان فرشتگان سرکش یا نافرمان ترجمه می‌کنند (I Enoch 12:4; 19:1; 21:1-10)
۴. ابتدای متن فصل ۶، آیه "اینان پهلوانانی از روزگاران کهن بودند که مردانی نام‌آور شدند" ظاهراً از تلفیق غیر معمول ترتیب الویت مراحل آفرینش نشأت می‌گیرد.
۵. I Enoch حتی تصریح می‌کند که طوفان نوح به منظور نابودی اتحاد انسانی/آسمانی که بر ضد یهوه و برنامه‌اش برای خلقت بود، اتفاق افتاد (رجوع شود به I Enoch 7:1ff; 15:1ff; 86:1ff)
- D. شواهد برای اشاره به پادشاهان یا ستمگران خاندان قائن
۱. ترجمه‌های باستانی متعددی در تایید این نظر موجود است
- a. نسخه آرامی Onlelos در قرن دوم بعد از میلاد، "پسران خدا" را بصورت "پسران اشراف‌زادگان" ترجمه کرده است.
 - b. نسخه یونانی عهد عتیق بنام Symmachus در قرن دوم بعد از میلاد، "پسران خدا" را "پسران پادشاهان" ترجمه کرده است.
 - c. عبارت *Elohim* مورد استفاده رهبران اسرائیل بوده است (خروج ۶:۲۱؛ ۸:۲۲؛ مزمور ۸۲:۱، ۶) به انجیل‌های NIV و NET توجه شود.

d. *Nephtalim* (NIDOTTE، جلد ۳، صفحه ۱۳۰، شماره ۵) مرتبط شده است با *Gibborim* در پیدایش ۴:۶، *Gibborim* از

ریشه *Gibbor* بوده و به معنی "مرد دلیر و شجاع"؛ قوی، ثروتمند یا قدرتمند دارد.

۲. این برداشت و شواهد آن از *Hard Saying of the Bible* صفحات ۱۰۶ و ۱۰۸ گرفته شده است.

E. شواهد تاریخی در دفاع از هر دو مورد کاربرد

۱. این عبارت اشاره به پسران خدای اسرائیل دارد

a. سیریل اسکندریه

b. تئودورت

c. آگوستین

d. جروم

e. کالوین

f. Kyle

g. Gleason Archer

h. واتز

۲. این عبارت اشاره به موجودات آسمانی، فرشتگان دارد

a. نویسندگان نسخه یونانی عهد عتیق

b. فیلون اسکندرانی

c. Josephus (antiquities 1:3:1)

d. ژوستین شهید

e. کلمنت اسکندریه

f. ترتولیان

g. اوریگن

h. لوتر

i. Delitzsch

j. Hengstenberg

k. Olford

l. Westemann

m. Wenham

n. NET Bible

F. چگونه "*Nephtalim*" در پیدایش ۴:۶ به "پسران خدا" و "دختران انسان" در پیدایش ۱:۶-۲ ارتباط دارند؟ به این نظریه‌ها توجه کنید:

۱. آنها برآیند غول‌های (اعداد ۱۳:۳۳) اتحاد فرشتگان و زنان انسان هستند.

۲. هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. آنها فقط بعنوان موجودات روی زمین در دوران رویدادهای پیدایش ۱:۶-۲ و همچنین بعد از آن ذکر شده‌اند.

۳. R.K.Harrison در کتاب *Introduction to the Old Testament* صفحه ۵۵۷ چنین می‌گوید: "دیدگاه‌های باستان‌شناسی بی‌ارزش را باید بطور کامل نادیده گرفت. انسان‌های اولیه و موجودات پیش از انسان در این آیات وجود دارند، برای آن دسته از محققانی که به دنبال آنها هستند، قابل پذیرش است."

من اینگونه متوجه می‌شوم که وی این دو گروه را بعنوان نماینده گروه‌های متنوع شبیه انسان می‌بیند. این می‌تواند به معنای خلقتی بعد از آدم و حوا باشد، ولی همچنین تکامل پیشرفته‌ای از انسان اولیه راست قامت.

G. فقط منصفانه خواهد بود که من درک خودم را درباره این جدل باز کنم. اول، اجازه دهید یادآوری کنم که متن پیدایش، خلاصه و مبهم است. شنوندگان فرامین و سخنان موسی یا باید بصیرت تاریخی اضافه می‌داشتند، و یا موسی نوشته‌ها و گفته‌هایش را از دوره‌ای بر گرفته بود که خود هیچ درک کاملی از آنها نداشت. البته این مسئله، یک موضوع سخت الهیاتی نیست. ما اغلب درباره موضوعاتی که در کتاب مقدس بسیار گنگ و مبهم بوده و فقط گاهی اشاره‌ای به آن می‌شود، کنجکاو هستیم. مایه تاسف خواهد بود که از چنین موضوعی و یا موارد مشابه کوچکتر

در انجیل، الهیاتی دقیق بسازیم. اگر قرار بود که به جزئیات چنین اطلاعاتی دسترسی داشته باشیم، خداوند به شکل کامل تر و واضح تری آن را برابیمان فراهم می کرد. من به شخصه معتقدم که آنان فرشتگان و انسان ها بودند، زیرا:

۱. استفاده محکم و نه انحصاری از عبارت "فرزندان خدا" برای فرشتگان در عهد عتیق
۲. ترجمه یونانی (آلكساندری در قرن اول پیش از میلاد) این عبارت را بصورت "فرشتگان خدا" بکار برده است
۳. کتاب I Enoch (احتمالاً در حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد نوشته شده است) بطور مشخص اشاره به فرشتگان دارد (فصل های ۶-۷)
۴. خط ربط الهیاتی به ۲ پطرس و فرشتگان یهودا که مرتکب گناه شد
۵. من می دانم که برخی از این موارد با متی ۲۲:۳۰ تناقض دارد، اما این فرشتگان بطور اخص نه در بهشت هستند و نه بر روی زمین اما در یک شخص خاص حضور دارند (Tartarus).
۶. من فکر می کنم یک دلیل که بسیاری از رویدادهای پیدایش ۱-۱۱ در دیگر فرهنگ های مشابه دوره های خلقت، یافت می شوند، (نظیر دوره های طوفان، نظیر دوره ای که فرشتگان زنان را می بردند) بخاطر این است که تمام انسان ها در کنار یکدیگر بودند و در این دوره با یهوه قدری آشنایی داشتند، اما بعد از پراکندگی ناشی از ماجرای برج بابل، این آگاهی صدمه دید و به مرور تبدیل به مدل پرستش خدایان مختلف گردید.

مثال خوبی که در این مورد می شود به آن اشاره کرد، اسطوره شناسی یونان باستان است، جایی که غول هایی نیمه انسانی / نیمه مافوق انسان بنام تیتان ها در تارتاروس زندانی شده اند، این نام خاص فقط یکبار در انجیل (۲ پطرس. ۲) برای اشاره به مکانی که فرشتگان را در آن نگهداری می کردند، بکار رفته شده است. در الهیات عالمان یهود Hades به دو بخش تقسیم شده بود، یکی برای حق (بهشت) و بخشی برای شریر (Tartarus).

"مقام خود را حفظ نکردند"	NASB
"مقام والای خود را حفظ نکردند"	NKJV
"جایگاه خود را حفظ نکردند"	NRSV
"در چارچوب اختیاراتی که برای آنان تعریف شده بود، نماندند"	TEV
"اختیاراتی را که داشتند حفظ نکردند"	NJB

در رساله ی یهودا آیه ۱:۶ زمان فعل "نگه داشتن" دارای تغییراتی است. فرشتگان مقام و منزلت خود را حفظ نکردند (وجه وصفی کامل آئوریست) لذا آنان تا زمان روز داوری در حصر نگه داشته شده اند (مجهول کامل اخباری). آن گروه از فرشتگانی که خواست خداوند را به زیر پا نهادند هم با داوری موقت و هم با داوری در طول تاریخ روبرو خواهند گردید، درست همانگونه که طغیان گران در قوم بنی اسرائیل آواره و سرگردان در بیابان شده و یا آنچه که بر سر ساکنان سدوم و گمورا آمد.

موضوع خاص: منشأ (archē) Special Topic: archē

کلمه یونانی archē به معنی "آغاز" یا "منشا" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱، عبرانیان ۱:۱۰)
۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱:۱، فیلیپیان ۴:۱۵، دوم تسالونیکیان ۲:۱۳، عبرانیان ۲:۳، اول یوحنا ۱:۱)
۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱:۲)
۴. شروع نشان ها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱)
۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵:۱۲)
۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳:۱۴)
۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱:۱۸، مکاشفه ۳:۱۴

برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است

۱. در مورد مقامات حاکم
 - a. انجیل لوقا ۱۲:۱۱
 - b. انجیل لوقا ۲۰:۲۰

c. رومیان ۱۳:۳ و تیتوس ۳:۱

۲. مسئولان مبلغین دینی

a. رومیان ۸:۳۸

b. اول قرن نین ۱۵:۲۴

c. افسسیان ۱:۲۱، ۳:۱۰ و ۶:۱۲

d. کولسیان ۱:۱۶، ۲:۱۰ و ۱۵

e. یهودا ۱:۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و ماقبل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می‌دهند.

NASB "بلکه منزل‌لگاه مناسب خویش را ترک گفتند"

NKJV "بلکه سکونتگاه خویش را ترک گفتند"

NRSV "بلکه مسکن مناسب خویش را ترک کردند"

TEV "بلکه منزل‌لگاه مناسبی را که در اختیار داشتند ترک گفتند"

NJB "بلکه فضایی را که در اختیار آنان گذارده شده بود ترک کردند"

این فرشتگان جایگاه آسمانی خود را ترک کرده (وجه وصفی معلوم آئوریست) و به جای دیگری (زمین) نقل مکان کردند. این عبارات با تفسیر آسمانی کتاب پیدایش ۱:۶ - ۴ کاملاً تطابق پیدا می‌کند. این کار، انکار و رد تعمدی خواست و اختیارات خداوند می‌باشد.

□ "زنجیرهای ابدی" (واژه‌ی انگلیسی بکار برده شده "بند" است) در اینجا منظور از بند دقیقاً زنجیر می‌باشد. این زنجیرها در I Enoch برای فرشتگان بکار برده شده و شیطان در مکاشفه ۲۰:۱-۲ در بند "زنجیر بزرگی" است. واژه‌ی "ابد" می‌تواند معنی "نیرومند"، "مناسب"، "مطمئن" داشته و بمفهوم "ابدیت" واقعی استفاده نشده باشد، زیرا این فرشتگان فقط تا روز داوری نگه داشته خواهند شد، لذا مفاهیم حبس باید بکار برده شود (مکاشفه ۲۰:۱۰، ۱۴-۱۵). نکته‌ی قابل توجه در این است که برخی اکنون در حبس قرار گرفته‌اند تا کارهای شیطانی آنان تحت کنترل قرار گیرد.

□ "در تاریکی مطلق" واژه‌ی Tartarus (در کتاب یهودا بکار برده نشده، اما در ۲ پطرس ۲:۴ وجود دارد) در اساطیر یونانی برای نگه داشتن تیتان‌ها، که نیمی انسان‌های غول‌پیکر و نیم دیگر آسمانی بودند، بکار برده می‌شد. این امر کاملاً با تفسیر کتاب پیدایش ۶ سازگار است. کتاب I Enoch محل اقامت جدید این فرشتگان سرکش را (I Enoch 10:5, 12) بشکل تاریکی ابدی تعریف می‌کند. این تعریف چقدر با جلال آسمانی متفاوت است. رایبان عبارت Sheol را به دو عبارت "بهشت" (برای پارسایان) و Tartarus (برای گناهکاران) تفکیک کرده‌اند. واژه‌ی "پرتگاه" (لوقا ۸:۳۱؛ مکاشفه ۹:۱؛ ۷:۱۱؛ ۳:۲۰) مترادف با استعاره‌ی تاریکی که در قسمت دوم آیه ۱۳ بکار برده شده، می‌باشد.

□ "آن روز عظیم" استفاده از عباراتی اینچنین، راه دیگری برای اشاره به روز داوری می‌باشد (متی ۲۵:۳۱-۴۶؛ مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵)، روزی که خداوند همه مخلوقات عالم را مسئول پاسخگویی بخاطر هر آنچه که به آنان هدیه کرده خواهد دانست (فیلیپیان ۲:۱۰-۱۱؛ اشعیا ۴۵:۲۳؛ رومیان ۱۲-۱۴:۱۰).

یهودا ۷:۱ "سُدوم و عموره" این دو نمونه‌ی سوم در عهد عتیق از سرکشی و تمرد است که شامل فساد جنسی، خارج از برنامه ازدواج که خداوند برای بشر تدارک دیده، می‌باشد.

۱. برنامه‌های پرستشی کنعانیان در شطیم (اعداد ۲۵)

۲. تلاش فرشتگان برای بر هم زدن نظم آفرینش (پیدایش ۶:۱-۴؛ ۲ پطرس ۲:۴)

۳. همجنس‌گراییهای سدومیان و عموره نسبت به فرشتگان (پیدایش ۱۹؛ ۲ پطرس ۲:۶)

موضوع خاص: همجنس‌گرایی

Special Topic: HOMOSEXUALITY

در دنیای امروزی فشار زیادی برای پذیرفتن همجنس‌گرایی بعنوان سبک زندگی متعارف، بر روی فرهنگها وارد می‌گردد. انجیل از همجنس‌گرایی بعنوان یک زندگی مخرب که خارج از خواست خداوند برای مخلوقات او یاد می‌کند.

۱. این عمل دستورات کتاب پیدایش ۱ را جهت تولید مثل و تکامل به زیر پا می‌گذارد
۲. این عمل در کتاب پیدایش ۱۹ (۲ پطرس ۲: ۶-۸؛ یهودا ۷) و داوران ۱۹ مورد داوری قرار گرفته است
۳. این عمل فرهنگ و مراسم نیایش کفار را به تصویر می‌کشد (لاویان ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ رومیان ۱: ۱۸-۲۸؛ و یهودا ۱: ۷)
۴. این عمل نشاندهنده استقلال خودخواهانه و دوری از خداوند است (۱ قرنیتیان ۹: ۶-۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۰)

با اینحال اجازه دهید که تصریح کنم خداوند بخشاینده و عاشق همه انسانهایی است که از بهشت رانده شده‌اند. همجنسگرایی یک گناه "غیر قابل بخشایش" نیست. مسیحیان حق ندارند نسبت به این گناه خاص با خشونت و نفرت رفتار کرده و عکس‌العمل زشت از خود نشان دهند، بویژه در زمانی که همه ما به نوعی گناهکار هستیم، و کلام عیسی در هنگام موعظه بر روی کوه (متی ۵: ۲۷-۲۸) نیز تصریح کرده که گناه در فکر و عمل انسان نهفته است، گناهان مربوط به روابط جنسی نیز بطور مضاعف محاسبه خواهند گردید. دعا، نگرانی، شهادت و دلسوزی در این زمینه بسیار بیشتر از محکومیت آن اثرگذار است. کلام خدا و روح او کار لازم را در این زمینه انجام خواهد داد، اگر ما به آنها این اجازه را بدهیم. همه گناهان مربوط به روابط جنسی (قبل از ازدواج، ازدواج زناشویی با بیش از یک نفر، ارتباط با محارم، زنا با محارم)، فقط مختص به همجنس‌گرایی نگشته، و در نزد خداوند زشت تلقی شده و به داوری منتهی خواهند گردید. روابط جنسی متعارف یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند برای بشر و شادی و سلامتی و ثبات جامعه می‌باشد. اما این نیاز خدادادی، گاه تبدیل به اعمال سرکشانه، خودخواهانه، لذت‌جویی و "هر چیزی-به هر قیمت-فقط برای خودم" تبدیل می‌شود (رومیان ۸: ۱-۸؛ غلاطیان ۶: ۷-۸).

مردم اغلب به من می‌گویند که "خداوند من را اینچنین خلق کرده است". این درست است. ما هنوز از علت و منشأ بوجود آمدن همجنسگرایی بی‌اطلاع هستیم (عوامل ژنتیکی یا جامعه)، اما هر چه باشد، انجیل باید انتخابهای ما را هدایت کند؛ انتخابهایی که هر کدام عواقب خود را به‌مراه خواهند داشت. متن کلام نسبت به سلايق و یا احساسات انسانی دارای برتری است. جامعه ما بر مبنای ایمان بوده که توسط مکاشفه‌ی خداوند هدایت می‌گردد و نه حقوق و آزادیهای فردی.

بعنوان کلام پایانی، و بعنوان یک رهبر کلیسا، باید بگویم که می‌دانم درصدی از مسیحیان با این مشکل در چالش هستند. مشکل در اینجا تمایل نیست. برخی دانشجویان در دانشگاهی که من در آنجا تدریس می‌کنم با این چالش روبرو هستند (آنان در این مقطع از زندگی بسیار نیرومند هستند). آنان که محدود شدن تمایلات خود را در این حوزه (تمایلات جنسی)، انتخاب می‌کنند (خودداری می‌کنند) مطمئناً داوطلبان مناسبی برای بشارت هستند. این امر در رابطه با کسانی که با مسئله‌ی همجنسگرایی در چالش هستند نیز صدق می‌کند. مسئله‌ی اصلی عمل است و نه طرز تفکر. اینکه چرا برخی بسوی همجنس خود گرایش پیدا می‌کنند، یک راز پنهان است. اما در این مقطع یک انتخاب وجود دارد (همچون سایر حوزه‌ها). ما همه در برابر انتخابهای خود مسئول هستیم!

خداوند همه مردم را دوست داشته و آرزوی برآورده شدن نیازها، شادی و سلامتی و زنده دلی برای همه کسانی که تجلی او هستند، دارد (کتاب پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ به موضوع خاص: روابط جنسی انسان مراجعه نمایید). همه آن کارهایی که منجر به صدمه زدن به سلامتی و شادی فردی، و متعاقب آن، جامعه می‌گردد، محکوم است. خداوند برای ما آرزوی بهترینها را دارد! اما ما فقط رضایتمندی آنی برای خود می‌خواهیم! خداوند در برابر همه ما رحیم است.

■ "و شهرهای اطراف" نام این شهرها در کتاب تثنیه ۲۹: ۲۳ ذکر شده است.

■ "همانند آنان" این یک حالت مفعولی است که بلحاظ دستوری به فرشتگان ارتباط پیدا می‌کند (یهودا ۱: ۶)، و نه "شهرهای اطراف". گمان می‌رود که یهودا از این تصویرسازیهای عهد عتیق استفاده می‌کرد، زیرا که فرشتگان در پیدایش ۶ زنان را برده بودند، لذا مردان در اینجا سعی در بردن فرشتگان داشتند (پیدایش ۱۸: ۲۲؛ ۱۹: ۱). اگر چنین باشد، پس این مطلب می‌تواند مثال دیگری برای تلاش در زمینه بر هم زدن نظم آفرینش خداوند محسوب گردد. با اینحال، به نظر من ساکنان سدوم نمی‌دانستند که آنها فرشته بوده و تصور می‌کردند که انسان بودند (پیدایش ۱۸: ۲۲).

■ "بی‌عفتی کردند و در پی شهوات غیرطبیعی رفتند" این عبارات اشاره به "نوع دیگری از انسان (*heteros*) دارد. این آیه می‌تواند مرتبط باشد با (۱) فرشتگان و زنان، مطابق آنچه که یوسفوس در کتاب *Antiquities of the Jews* 1.3.1 گفته؛ و یا (۲) همجنس‌گرایی (رومیان ۱: ۲۶-۲۷) که در منطقه سدوم رواج داشت.

■ "با تحمل مجازات آتش ابدی، چون درس عبرت مقرر گشتند" یهودا از مثالهای عهد عتیق بعنوان هشدار برای خوانندگان خود بهره برده است. باید مراقب فساد جنسی از سوی هر کسی بود.

عهد جدید به وضوح درباره مجازات ابدی سخن می‌گوید (متی ۱۸:۸؛ ۲۵:۴۱، ۴۶؛ ۲۳:۱۳؛ ۲۳:۲۵-۳۲؛ مکتشفه ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۱، ۱۵-۱۴؛ و همچنین I Enoch 54:1). بحث درباره این موضوع دشوار است، زیرا انجیل اطلاعات زیادی درباره بهشت و جهنم به ما نمی‌دهد. با آنکه وجود این دو را تأیید می‌کند، اما اطلاعات خاصی را به ما نشان نداده، و معمولاً با زبان استعاره درباره آن سخن می‌گوید. عیسی از "دره پسران هینوم" استفاده کرده، که در جنوب اورشلیم بوده و مکانی بود برای قوم بنی اسرائیل برای پرستش مولوخ، خدای آتش کنعانیان که باید برای آن کودک قربانی می‌کردند. یهودیان از شرم و پشیمانی از حضور خود در این مناسک باروری، این محل را به زباله‌دان اورشلیم تبدیل کردند. استعاره‌های عیسی برای آتش، دود و کرم از همین مکان، بنام جهنم نشأت گرفته است.

این مکان عذاب‌آور توسط بشر بوجود نیامد، بلکه فرشتگان طغیان‌گر آن را آفریدند (متی ۲۵:۴۱). شیطان از هر لایه‌ی آفرینش به بیرون آورده شده و از مخلوقات خداوند جدا خواهد گردید. جهنم یکی از راه‌های انجیل برای نشان دادن این جایگاه جدا شده می‌باشد.

پیش از اینکه بحث را به اتمام برسانم، اجازه دهید دردی را که در مواجهه با این بحث با آن روبرو هستیم، بیان نمایم. این تنها بخش دردآور انجیل است که قابل احیا نیست. این موضوع خواست خداوند برای انسان نمی‌باشد. بلکه در نتیجه تداوم طغیان تعمدی فرشتگان و بشر بوجود آمده است. این زخم باز و در حال خون‌ریزی در قلب خداوند بوده که هرگز التیام نخواهد یافت! خواست خداوند برای آزادی عمل در میان مخلوقاتش منجر به برخی نتایج دردناک شده که درد آن نیز تا ابد ادامه خواهد داشت.

کتاب *The Jerome Biblical Commentary*، جلد دوم صفحه ۳۷۹ ذکر می‌کند که مشخصاتی که یهودا از مجازات این فرشتگان بیان کرده بسیار شبیه به متون کتاب I Enoch 10:4-6, 11, 13; 12:4; 15:3; 19:1 می‌باشد. این نکته می‌تواند مؤید آشنایی یهودا با چنین کارهایی که توسط یهودیان در دوران بین‌العهدین انجام می‌گرفت، باشد.

متن NASB (بروز شده): یهودا ۸:۱-۱۳

^۸با این همه، به گونه‌ای مشابه، این کسان نیز بر پایه خوابهایی که می‌بینند بدنهای خویش را نجس می‌سازند و اقتدار خداوند را رد می‌کنند و به بزرگان آسمانی اهانت می‌ورزند. ^۹حال آنکه حتی میکائیل، فرشته اعظم، نگاه که با ابلیس درباره جسد موسی مجادله می‌کرد، جرأت نکرد خود او را به سبب اهانت محکوم کند، بلکه فقط گفت: «خداوند، تو را توبیخ فرماید!» ^{۱۰}اما اینان به آنچه از آن شناختی ندارند اهانت می‌ورزند، حال آنکه آنچه همچون حیوانات بی‌شعور از روی غریزه می‌فهمند، همان باعث هلاکتشان خواهد شد.

^{۱۱}وای بر آنان، زیرا که به راه قائل رفته‌اند و در پی سود، به گمراهی بلعام گرفتار آمده و در طغیان قوزح هلاک گشته‌اند.

^{۱۲}اینان صخره‌های دریایی خطرناک در ضیافتهای محبت‌آمیز شمایند که بدون کمترین پروا در جشن شما به عیش و نوش می‌پردازند؛ شبانانی هستند که تنها خود را می‌پرورند؛ ابرهای بی‌باران رانده از باد، و درختان پاییزی بی‌میوه‌اند که دو بار مرده و از ریشه به در آمده‌اند. ^{۱۳}آری، اینان همچون امواج خروشان دریایند که اعمال ننگینشان را چون کف برمی‌آورند، و ستارگانی سرگردانند که تاریکی مطلق ابدی برایشان مقرر است.

یهودا ۸:۱ "با این همه، به گونه‌ای مشابه" معلمان دروغین در دوران یهودا مشابهت‌هایی با طغیان‌گران پیشین داشتند. هسته‌ی اصلی این مشابهت‌ها مشخص نگردیده است.

■ "این کسان" این یکی از راه‌هایی بود که یهودا برای اشاره به معلمان دروغینی که کلیسا را تسخیر کرده بودند (یهودا ۸:۱، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۹) استفاده می‌کرد.

■ "نیز بر پایه خوابهایی که می‌بینند" از این واژه برای رسولان دروغین در عهد عتیق استفاده شده بود (تثنیه ۱۳:۱-۵؛ ارمیا ۲۳:۲۵-۳۲)، رسولانی که مدعی دارا بودن مکاشفه خاص از سوی خداوند بودند (کولسیان ۲:۱۸).

■ "بدنهای خویش را نجس می‌سازند" در اینجا از واژه‌ی "لکه‌دار شدن" بصورت استعاره استفاده شده است. روشن است که در آموزه‌ها و یا سبک زندگی این معلمان دروغین، جنبه‌های غیراخلاقی نیز وجود داشت (تیتوس ۱:۱۵). همه مثالهای عهد عتیق شامل برخی نمونه‌ها از گناهان مختص روابط جنسی می‌باشد (۲ تیموتائوس ۳:۱؛ ۲ پطرس ۲).

■ "اقتدار خداوند را رد می‌کنند و به بزرگان آسمانی اهانت می‌ورزند" برای این موارد سه مشخصه وجود دارد:

۱. "نجس کردن بدن"

۲. "رد کردن اقتدار" (NASB, NKJV, NRSV)

"خوار شمردن اقتدار خداوند" (TEV)

"رد اقتدار" (NJB)

۳. "اهانت کردن به بزرگان آسمانی" (NASB)
 "از بزرگان، زشت سخن گفتن" (NKJV)
 "به بزرگان پر جلال تهمت و افترا زدن" (NRSV)
 "بزرگان پر عظمت عالم بالا را توهین کردن" (TEV)
 "بزرگان پر جبروت را سو استفاده کردن" (NJB)

گزینه اول به روشنی به گناه روابط جنسی می‌پردازد، اما گزینه‌های دوم و سوم چه می‌شوند؟ مشخصه‌ی گزینه‌ی دوم، "رد اقتدار"، حداقل به دور روش تفسیر شده است:

۱. واژه‌ی یونانی بکار برده شده برای "اقتدار" *kuriotēta* بوده که با واژه‌ی "سرور" (*kurios*) ارتباط پیدا می‌کند، لذا برخی موضوع رد کردن را (با وجود اینکه افعال آنها متفاوت است) با رد کردن عیسی در آیه ۴ مرتبط می‌دانند (یا رد کردن خدای پدر)
 ۲. واژه‌ی یونانی برای "اقتدار" *kuriotēta* در دوم پطرس ۲: ۱۰ (افسیسیان ۱: ۲۱؛ کولسیان ۱: ۱۶) برای اشاره به فرشتگان بکار برده شده است اما این متن ظاهراً بهترین اشاره را به فرشتگان دارد، لذا گزینه شماره ۲ بهترین حالت ممکن است.
- مشخصه‌ی سوم از واژه "جلال" عهد عتیق (*kabod*)، که برای خداوند (یهودا ۱: ۲۴، ۲۵؛ پطرس ۱: ۳، ۱۷؛ ۱۸: ۳) و هر آنچه که به خداوند وصل باشد، بویژه در آسمان و حیاتی که در پیش رو است، استفاده می‌کند. در این مثال، یهودا تلاش می‌کند تا کتاب مقدس را با استفاده از مفاهیم عهد عتیق تا فرشتگان آسمانی، موجوداتی که به قدرت و اقتدار اشاره می‌کنند، نشر دهد.
- این امر حتی می‌تواند در اشاره به انکار قوانین عهد عتیق صورت گرفته باشد، زیرا یهودیان باور داشتند که فرشتگان بعنوان خادمین یهوه در انتقال شریعت به موسی بر روی کوه سینا نقش بزرگی ایفا کردند (اعمال رسولان ۷: ۳۵).
- این مقطع از کلام بدور از سبک زندگی این معلمان دروغین در حوزه اقتدار و اخلاق بوده است.

یهودا ۹: ۱ "میکائیل" این نام در زبان عبری معنی "کسی که شبیه خداوند است" می‌باشد (دانیال ۱۰: ۱۳؛ ۲۱: ۱۲؛ ۱). وی فرشته نگهبان اسرائیل بود. در نسخه یونانی کتاب تثنیه ۸: ۳۲، همه اقوام دارای فرشته نگهبانی بودند. در کتاب عبرانی I Enoch 20 میکائیل در فهرست یکی از هفت فرشته مُقَرَّب بزرگ نوشته شده است. در نسخه DSS میکائیل فرشته نور در برابر بلعال (شیطان)، فرشته تاریکی قرار گرفته است (NIDOTTE جلد ۱، صفحه ۴۵۲).

▣ "فرشته اعظم" این واژه فقط در این قسمت از عهد عتیق و در ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶ نوشته شده است. در عهد عتیق این واژه به فرشته‌ای که مختص قوم بوده اشاره داشته است (دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۱: ۱۲؛ ۱). روشن است که فرشتگان دارای بلحاظ اقتدار دارای درجات و حدود اختیارات بوده‌اند (رومیان ۸: ۳۸-۳۹؛ افسسیان ۴: ۲۱؛ کولسیان ۱: ۱۶)، اما هیچ متنی هرگز به شرح جزئیات آنان نپرداخته است. باید مراقب متون مبهم و داستان‌سراییهای امروزی باشیم.

▣ "آنگاه که با ابلیس درباره جسد موسی مجادله می‌کرد" این جمله به مرگ موسی و دفن وی بر کوه نیو ارتباط دارد (تثنیه ۳۴: ۶). مشکل (با توجه به سنت یهودیان و نه متن کلام) بدن موسی بوده که شیطان مدعی آن شده بود زیرا وی با بقتل رساندن مصریان گناه مرتکب شده بود (خروج ۲: ۱۲). واضح است که میکائیل توسط یهوه فرستاده شده بود تا جسد موسی را تحویل گیرد، اما فرشته‌ی آسمانی دیگری جلودار وی شده بود (شیطان، ایوب ۲-۱). این آیات ظاهراً به موازات ۲ پطرس ۲: ۱۱ هستند.

▣ "خداوند، تو را توبیخ فرماید" این مشابه عباراتی است که فرشته خداوند در زکریا ۳: ۲ به شیطان گفته بود. شبیه نقل قولی است که در کتاب فریسی *The Assumption of Moses* احتمالاً در قرن اول به رشته تحریر در آمده بود. ما این موضوع را فقط می‌توانیم از بندهای لاتین و نقل قولهایی که از کلمنت اسکندریه، اورینگن و دیدیموس بجای مانده درک نماییم (و همچنین از کتاب تثنیه، Rabbah 10: 11). این عبارت برای نشان دادن احترامی که فرشته‌ی اعظم برای جایگاه شیطان قائل بود، استفاده شده (در کنار پسران خداوند، ایوب ۲، و دست راست فرشته خداوند در زکریا ۳: ۱)، که با نظرات "این" معلمان دروغین درباره اقتداری که فرشتگان آسمانی از آن برخوردار بودند، کاملاً متفاوت است. واژه‌ی "خداوند" اشاره به یهوه داشته، درحالیکه در جای دیگر در کتاب یهودا اشاره به عیسی شده است.

یهودا ۱۰: ۱ درک این آیه بسیار دشوار است. این آیه به موازات ۲ پطرس ۲: ۱۲ می‌باشد. آیه ۱۰ در تضاد با چگونگی مواجهه میکائیل با اقتدار فرشتگان در یهودا ۹: ۱ می‌باشد.

۱. وقتی چیزی را ندانند، بدور آن حصار می‌کشند (یا تکفیر می‌کنند)
۲. وقتی چیزی را بدانند، همچون حیوانات بی‌شعور رفتار می‌کنند
۳. وقتی چیزی را بدانند، نابودش می‌کنند (یا تخریب می‌کنند)

در نهایت غرایز جنسی، گناه و سرکشی آنان (۲ پطرس ۲: ۱۲-۱۴) نابودشان خواهد کرد (فیلیپیان ۳: ۱۹). شگفت آور است که این حکمت خاص، دقیقاً چیزی است که باعث مرگ آنان خواهد گردید ("درخت حکمت نیک و شر"، کتاب پیدایش ۳).

یهودا ۱۱:۱ این آیه نحوه بکارگیری سه (قائن، بلعام، قورح) را توسط یهودا به تصویر می کشد. ساختار آن بر اساس بافت نوحه سرایی در مراسم تدفین عهد عتیق (اشعیا ۳: ۹، ۱۱؛ ۵: ۶؛ حقیق ۲) و یا نفرین نامه (تثنیه ۲۷: ۱۵-۲۶) تشکیل شده است. عیسی اغلب در اناجیل (بویژه لوقا) از "وای" استفاده کرده است. از بین رفتن آنان حتمی است! آنها به حسادت، حرص و طمع و قدرت شهوانی خود این اجازه را دادند تا خود را از بین ببرند (و آموزه های آنان نیز باعث نابودی دیگران گردید، یعقوب ۳: ۱).

F.F. Bruce در کتاب *Answers to Questions* صفحه ۱۳۴ به ما می گوید که سنت مسیحی (یعنی اپیفانیوس) از هر سه نمونه ی ذکر شده در رابطه با گروه های خاص عرفانی که از افراد بسیار معمولی در عهد عتیق به عنوان نماد استفاده می کردند، استفاده کرد.

□ **"رفته اند"** فعل یونانی *poruomai* بارها در این کتاب (و دوم پطرس) در اشاره به زندگی خداپسندانه بصورت استعاره بکار برده شده است.

۱. یهودا ۱۱:۱ "به راه قائن رفته اند"
۲. یهودا ۱:۱۶ "...بدنبال ارضای شهوات خویشند"
۳. یهودا ۱:۱۸ "بنا بر شهوات خود"
۴. ۲ پطرس ۲:۱۰ "تفریط" (بمفهوم بدنبال آن رفتن)
۵. ۲ پطرس ۳:۳ "بدنبال"

(در نسخه ی فارسی از واژگان دیگری استفاده شده اما همان مفهوم را دارد)

□ **"قائن"** دوره ی حسادت قائن به هابیل و قتل او در کتاب پیدایش ۴ ثبت شده است. رابیان از قائن بعنوان نماد ایمانداران مادی گرا و بدبین در تارگوم اورشلیم در پیدایش ۷:۴ و Pirke Aboth 5:19 بهره برده اند. فیلون اسکندرانی از قائن بعنوان نماد خودمحوری یاد کرده است (Post. C. 38, 233).

□ **"بلعام"** اطلاعات مربوط به بلعام بعنوان نبی یهوه در کتاب اعداد ۲۲-۲۵؛ ۳۱: ۸، ۱۶ ثبت شده است. بلعام نمونه ای از یک نبی دنیا دیده بود که قوم بنی اسرائیل را عبادات باروری راهنمایی کرد و این در حالی بود که معلمان دروغین ایمانداران را بسوی روابط جنسی سوق می دادند (۲ پطرس ۲: ۱۵).

□ **"کورح"** گناه کورح این بود که بر علیه هارون و موسی که از سوی خداوند دارای اختیارات بودند، شورید (اعداد ۱: ۱۶، ۳۵).

یهودا ۱۲: ۱-۱۳ یهودا خصوصیات "این" معلمان دروغین را بشرح زیر آورده است

۱. سخره های دریایی پنهان (خطر نادیدنی)
۲. ابرهای بدون باران (وعده های پوچ)
۳. درختان بی میوه (وعده های پوچ)
۴. امواج خروشان (آشوب و آثار تخریبی)
۵. ستارگان سرگردان (استعاره برای خطا و گناه)

کتاب اعداد ۲-۵ را می توان منعکس کننده I Enoch 2:1-5,4 دانست که ترتیب آفرینش را از سوی خداوند تشریح می کند. یهودا از مثالهایی در ارتباط با ترتیب آفرینش بصورتی استفاده می کند که انتظار بوجود نیارد.

موضوع خاص: ارتداد (*APHISTĒMI*)

Special Topic: Apostasy

اصطلاح یونانی *aphistēmi* زمینه معنایی گسترده ای دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح *apostasy* از این اصطلاح مشتق شده و کاربرد آن خوانندگان عصر مدرن را متعصب می کند. همیشه، متن کلید است نه مفهوم عصر حاضر.

این اصطلاح یک کلمه مرکب است که از پیشوند *apo* که به معنی "از" یا "به دور از" و *histēmi* به معنی "نشستن"، "ایستادن" یا "درست کردن" است. به کاربردهای غیر الهیاتی زیر توجه کنید.

۱. پاک کردن/حذف کردن به صورت فیزیکی
 - a. از معبد، انجیل لوقا ۳۷: ۲
 - b. از خانه، انجیل مرقس ۳۴: ۱۳
 - c. از فرد، انجیل مرقس ۱۲: ۱۲، ۱۴: ۵۰، اعمال رسولان ۳۸: ۵
 - d. از همه چیز، انجیل متی ۲۷: ۱۹ و ۲۹

۲. پاک کردن/حذف کردن به صورت سیاسی، اعمال رسولان ۵:۳۷
۳. پاک کردن/حذف کردن به صورت رابطه‌ای، اعمال رسولان ۵:۳۸، ۱۵:۳۸، ۱۹:۹، ۲۲:۲۹
۴. پاک کردن/حذف کردن به صورت قانونی (طلاق)، تثنیه ۱:۲۴ و ۳ (LXX) و عهد جدید، انجیل متی ۵:۳۱، ۱۹:۷، انجیل مرقس ۱۰:۴، اول قرنتیان ۷:۱۱
۵. پاک کردن/حذف کردن بدهی، انجیل متی ۱۸:۷
۶. نشان دادن بی‌توجهی با ترک کردن، انجیل متی ۴:۲۰، انجیل یوحنا ۴:۲۸، ۱۶:۳۲
۷. نشان دادن توجه با ترک نکردن، انجیل یوحنا ۸:۲۹، ۱۴:۱۸
۸. اجازه دادن، انجیل متی ۱۳:۳۰، ۱۹:۱۴، انجیل مرقس ۱۴:۶، انجیل لوقا ۱۳:۸
- در مفهوم الهیاتی این فعال معنی گسترده‌ای دارد
۱. لغو کردن، عفو کردن، بخشیدن از گناه، خروج ۳۲:۳۲ (LXX)، اعداد ۱۹:۱۴، یعقوب ۱۰:۴۲ و عهد جدید انجیل متی ۱۲:۶ و ۱۴
- الی ۱۵، انجیل مرقس ۱۱:۲۵ الی ۲۶
۲. خودداری از گناه، دوم تیموتائوس ۲:۱۹
۳. بی‌توجهی کردن با دوری کردن از
- a. قانون، انجیل متی ۲۳:۲۳، اعمال رسولان ۲۱:۲۱
- b. ایمان، حزقیال ۸:۲۰ (LXX)، انجیل لوقا ۱۳:۸، دوم تسالونیکیان ۲:۳، اول تیموتائوس ۴:۱، عبرانیان ۳:۱۲
- مومنین عصر مدرن سوالات الهیاتی بسیار زیادی می‌پرسند که نویسندگان عهد جدید هرگز راجع به آنها فکر نکرده بودند. یکی از این سوالات در رابطه با گرایش عصر مدرن نسبت به جدا کردن ایمان از وفاداری است.
- افرادی در انجیل هستند که جزو مردمان خدا هستند ولی اتفاقاتی می‌افتند و باعث می‌شوند که آنها بروند.
- I. عهد عتیق
- A. آنان که گزارش جاسوسی دوازده (ده) نفر را شنیدند، اعداد ۱۴ (مراجعه شود به عبرانیان ۳:۱۶ الی ۱۹)
- B. قورح، اعداد ۱۶
- C. پسران القانه، اول سموئیل ۲ و ۴
- D. شائل، اول سموئیل ۱۱ الی ۳۱
- E. پیامبران دروغین مرد
۱. تثنیه ۱:۱۳ الی ۵، ۱۸:۱۹ الی ۲۲ (راه‌های شناختن پیامبران دروغین)
۲. ارمیا ۲۸
۳. حزقیال ۱۳:۱ الی ۷
- F. پیامبران دروغین زن
۱. حزقیال ۱۷:۱۳
۲. نحمیا ۶:۱۴
- G. رهبران شیطانی اسرائیل
۱. ارمیا ۵:۳۰ الی ۳۱، ۸:۱ الی ۲، ۲۳:۱ الی ۴
۲. حزقیال ۲۲:۲۳ الی ۳۱
۳. میکاه ۵:۳ الی ۱۲
- II. عهد جدید
- A. این فعل یونانی به مفهوم "مرتد شدن" (to aposasize) است. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تشدید فعالیت شیطان و تعالیم دروغین قبل از آمدن دوم را تأیید می‌کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۲۴، انجیل مرقس ۱۳:۲۲، اعمال رسولان ۲۰:۲۹ و ۳۰، دوم تسالونیکیان ۲:۹ الی ۱۲، دوم تیموتائوس ۴:۴). این اصطلاح یونانی می‌تواند منعکس کننده حرفهای یهودیان در تمثیل خاک در انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، و انجیل لوقا ۸ باشد. این معلمین دروغین بدیهی است که مسیحی نیستند، ولی از درون آمده‌اند (مراجعه شود به امثال ۲۰:۲۹ الی ۳۰، اول یوحنا ۱۹:۲). با این حال، آنان می‌توانند مومنینی را که از نظر معنوی به بلوغ معنوی نرسیده‌اند، اغوا و گمراه کنند (مراجعه شود به عبرانیان ۳:۱۲).

سوال الهیاتی این است که اصولاً آیا این معلمین دروغین مومن بوده‌اند؟ به این سوال به سختی می‌توان پاسخ داد زیرا این معلمین دروغین در کلیساهای محلی بودند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱۸:۲ الی ۱۹). اغلب سنتها یا نگرش الهیاتی یا مذهبی ما بدون استناد به متن خاصی در انجیل به این سوالات پاسخ می‌دهند (به استثنای روشهای شیوه بررسی و صحت مطلب که از نقل آیه و بطن محتوا می‌توان گرایش کسی را اثبات کرد).

B. ایمان بدیهی

۱. یهودا، انجیل یوحنا ۱۷:۱۲
۲. شمعون جادوگر، اعمال رسولان ۸
۳. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۷:۱۳ الی ۲۳ صحبت می‌شد
۴. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ و انجیل لوقا ۸ صحبت می‌شد
۵. یهودیان انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹
۶. الکساندر و هیمنائوس، اول تیموتائوس ۱:۱۹ الی ۲۰
۷. آنان که در اول تیموتائوس ۶:۲۱ در موردشان صحبت شد
۸. هیمنائوس و فیلتوس، دوم تیموتائوس ۲:۱۶ الی ۱۸
۹. داماس، دوم تیموتائوس ۴:۱۰
۱۰. معلمین دروغین، دوم پطرس ۲:۱۹ الی ۲۲، یهودا ۱:۱۲ الی ۱۹
۱۱. ضد مسیحیان، اول یوحنا ۲:۱۸ الی ۱۹

C. ایمان بی ثمر

۱. اول قرنتیان ۳:۱۰ الی ۱۵
۲. دوم پطرس ۱:۸ الی ۱۱

به دلیل الهیات سیستماتیک (کالوینیسم، ارمنیسم، و غیره) ما به ندرت به این متون فکر می‌کنیم، زیرا اینها پاسخ مجاز را بر ما دیکته می‌کنند. لطفاً در مورد من پیش دآوری نکنید که این مطلب را مطرح می‌کنم. توجه من بر فرایند صحیح مطالعه انجیل است. ما باید اجازه دهیم که انجیل با ما صحبت کند و اینکه سعی نکنیم آن را در یک قالب الهیات از پیش آماده شده بگنجانیم. اغلب این کار به دلیل تعصبات فرهنگی، مذهبی و رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) دردناک و ناراحت کننده است، نه به دلیل تعصبات انجیلی (موضوع خاص: دریافت کردن، ایمان آوردن اعتراف کردن یعنی چه؟ را مطالعه کنید). کسانی که جزو مردمان خدا هستند تبدیل به کسانی می‌شوند که جزو مردمان خدا نیستند (مراجعه شود به رومیان ۹:۶).

NASB	"سخره‌های پنهان"
NKJV	"نقاط"
NRSV	"لکه‌ها"
TEV	"نقاط کثیف"
NJB	"فاجعه‌ی خطرناک"

واژه‌ی یونانی *spilas* دارای دو معنا است (Arndt, Gingrich, Danker) چاپ دوم، صفحه ۷۶۲).

۱. یک معنای قدیمی‌تر در ادبیات یونانی از "سخره‌های پنهان" (نادیدنی، خطر غیرمنتظره)
۲. حالتی که بعدها درباره "لکه"، آلودگی "یا" نقاط چرکین" بکار برده شد (افسیان ۵:۲۷؛ یعقوب ۳:۶؛ ۲ پطرس ۲:۱۳؛ یهودا ۲۳)

گزینه شماره ۱ بهترین حالت در ارتباط با این متن است. نسخه‌های NASB و NRSV عبارت "سخره‌های پنهان" را در پانویس ذکر کرده‌اند، اما کلمه‌ای که در عهد جدید استفاده شده "لکه" است (۲ پطرس ۲:۱۳).

☐ "جشن" جشن‌ها برنامه‌های رایج در هر کلیسا محسوب می‌شدند (۱ قرنتیان ۱۱:۱۷-۲۲). ۲ پطرس ۲:۱۳-۱۴ از دوره‌هایی که در آن بی‌بند و باریهای جنسی و شهوانی، حتی در مراسم شام خداوند توسط این معلمان دروغین برپا می‌گردید، سخن گفته است.

☐ "تنها خود را می‌پرورند" واژه‌ی یونانی بکار برده شده برخلاف نسخه انگلیسی دقیقاً بمعنی "خود را پروراندن" بوده (حزقیال ۲:۳۴، ۸-۱۰)، که از شور اشتیاق زیاد نشأت می‌گرفته، نه اینکه عشق به خداوند را نشان دهند. این امر ذات گناه - استقلال از خداوند و محبت و خواست او برای نوع بشر محسوب می‌گردد. محبت خداوند برای همگان است، شامل همه چیز می‌گردد. محبت بشر رانده شده از بهشت، جنبه‌ی شخصی دارد؛ عبارت معروف "این کار چه سودی برای من دارد؟" نمونه‌ی همین مورد است. یک سویه، خودخواهانه و خود رأی.

- **«ابرهای بی باران... درختان پاییزی بی میوه»** این استعاره‌ها برای تمرکز بر قول دادن چیزی است، اما بدون اینکه آن وعده‌ها حصول شوند، نه آب و نه غذا! معلمان دروغین همه گونه وعده‌ی پوچی می‌دادند (۲ پطرس ۲: ۱۷)
- **«دوبار مرده»** این عبارت ممکن است دو معنی داشته باشد: (۱) استعاره‌ای برای حیات فیزیکی، اما در واقعیت، یک حیات مرده‌ی روحانی؛ (۲) مرجعی برای مرگ دوم در مکاشفه ۲۰: ۱۴؛ و یا (۳) وقتی چیزی هم از ریشه درآمده باشد و محصولی هم ندهد، قطعاً از هر دو لحاظ مرده محسوب می‌گردد.
- **«از ریشه درآمده»** نسخه‌های TEV و NJB دو بخش آخر را بخاطر اشاره‌ی آن به درخت تلفیق کرده‌اند. نسخه‌ی NJB عبارت «همچون درختان پاییزی، بی‌ثمر و از ریشه به درآمده و لذا دو بار مرده است» را نوشته‌اند.
- **یهودا ۱۳: ۱** **«اعمال ننگینشان را چون کف برمی‌آورند»** بنظر می‌رسد که این عبارات به اثرات باقی‌مانده در ساحل پس از یک طوفان اشاره دارد (اشعیا ۵۷: ۲۰). معنای دقیق این استعاره در این متن مشخص نمی‌باشد (فیلیپیان ۳: ۱۹).
- **«ستارگان سرگردان»** این عبارات به ستارگان دنباله‌دار یا سیاراتی که همچون سایر صور فلکی دارای مدار ثابتی نیستند، اشاره می‌کند، بنابراین، بصورت استعاره برای افرادی استفاده می‌گردد که راه خود را گم کرده‌اند. این استعاره در کتاب عبرانی I Enoch به هفت فرشته‌ای که بر زمین فرود آمدند، اشاره کرده است (I Enoch 18-21).
- **«تاریکی مطلق»** بند آخر آیه ۱۳ می‌تواند منعکس کننده آیه ۶ باشد (۲ پطرس ۲: ۱۷)، که به داوری ابدی بعنوان «تاریکی مطلق» اشاره کرده است (I Enoch 10:4-5؛ 63:6؛ عیسی نیز در متی ۸: ۱۲؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۵: ۳۰ از تاریکی بهره برده است).
- **«ابدی برایشان مقرر است»** دوباره یهودا یکی از لغات مورد علاقه خود را در اینجا استفاده کرده است، «نگه داشتن» (مراجعه شود به *tēreō* در یهودا ۱: ۱، ۶، ۱۳، ۲۱ و *phulassō* در یهودا ۱: ۲۴). این یک جمله مجهول کامل خبری است. زمان و حالت جمله اینگونه می‌گوید که خداوند همه آنها را از گذشته در تاریکی حبس کرده و آنان همچنان زندانی باقی خواهند ماند (۲ پطرس ۲: ۱۷).

متن NASB (بروز شده): یهودا ۱: ۱۴ - ۱۶

^{۱۴} **خنوخ**، که هفتم پس از آدم بود، دربارهٔ همینها پیشگویی کرده، می‌گوید: «هان، خداوند با هزاران هزار فرشتهٔ مقدس خود می‌آید تا^{۱۵} بر همگان داوری کند و همهٔ بی‌دینان را به سبب تمامی کارهای خلاف دینداری که در بی‌دینی کرده‌اند، و به سزای جملهٔ سخنان زشتی که گناهکاران بی‌دین بر ضد او گفته‌اند، محکوم سازد.»^{۱۶} اینان گله‌مند و عیب‌جو و غرقه در ارضای شهوات خویشند؛ سخنان تکبرآمیز بر زبان می‌رانند و به نفع خویش مردمان را تملق می‌گویند.

یهودا ۱: ۱۴ «خنوخ» نام خنوخ در فهرست کتاب پیدایش ۵ بعنوان فردی آورده شده که با یهوه راه رفته است. همه بدنیا آمده و از دنیا رفتند ولی خنوخ به دباری نقل مکان یافت تا با خداوند باشد. وی به نمادی از امید، همنشینی و نزدیکی با خداوند تبدیل گشت. در دوره زمانی تقریباً پیش از قرن اول، کتابی یهودی بنام اول خنوخ I Enoch (قسمتی از مجموعه‌ای بنام مجعول‌العنوان) به رشته تحریر در آمد و سپس به کتابی اثرگذار در میان یهودیان و مسیحیان مبدل گردید. نسخه عبری اصلی این کتاب گم شده است. هر آنچه که خوانندگان امروزی در دست دارند، نسخه‌ایست که حدود ۶۰۰ سال پس از میلاد از اتیوپی بدست آمد و توسط مسیحیان ویرایش گردیده بود. وقتی کسی متن این نسخه‌ی طولانی اتیوپیایی را بخواند، روشن می‌گردد که چرا تا آن حد میان مسیحیان و یهودیان محبوب واقع شده بود. این کتاب اکثر رویدادهایی را که در عهد عتیق بوقوع پیوسته بود (نظیر سیل)، و همچنین سایر رویدادهای آینده را (بهشت و جهنم) پیشگویی کرده بود.

یهودا، همچون بیشتر یهودیان قرن اول، با نوشته‌هایی که از سبک پیشگویی آخر زمانی استفاده پیروی می‌کردند، آشنا بود. شیوه بهره‌وری او بصورت متصور کردن برای خواننده به این معنا نیست که او فکر می‌کرد همه چیز به وی الهام شده است. اما شیوه‌ی بکار بردن عبارت «پیشگویی کردن» به محتوای کتاب چنین اعتباری می‌دهد. همین مسئله مؤید این نکته است که رساله‌ی وی دشواری زیادی در قرار گرفتن در فهرست کتب شرعی عهد جدید نداشته است.

پولس از میدراش یهودی نقل قول زیاد آورده است. وی از منابع یهودی بین‌العهدین و اشعار یونانی محسوب می‌شد، اما این امر به این مفهوم نیست که همه چیز به وی وحی شده بود. یهودا می‌توانست از «پیشگویی کردن» در یک حالت غیرفنی استفاده کند.

عبارت «هفتمین» درباره سلاسه‌ی خنوخ از آدم در I Enoch 60:8; 93:3 بکار گرفته شده است. یهودا با این کتاب آشنایی کامل داشت.

- **«پیشگویی کرده»** ظاهراً یهودا کتاب اول خنوخ را بطور کامل پذیرفته بود.

یهودا ۱: ۱۳-۱۵ این آیات نقل قولی از کتاب I Enoch 1:9 (یا خنوخ اتیوپیایی) هستند، که فقط قسمتهایی از آن در طومارهای دریای مرده یافت شده است. در اینجا با واژه «بی‌دین» (در نسخه‌ی انگلیسی «خدانشناس») بازی شده است (*asebeia*). این واژه در خنوخ ۱ در اشاره به مجازات فرشتگان در

کتاب پیدایش ۶ استفاده شده بود (یهودا ۱: ۱۵، ۱۶). نقل قول مستقیم از *The Old Testament Pseudepigrapha* جلد ۱، ویرایش James H. Charlesworth از آیه ۹: ۱ از کتاب I Enoch به شرح زیر است:

"بهوش باشید، او به همراه ده میلیون فرشته‌ی مقدّس برای مجازات همه گناهکاران خواهد آمد. او گناهکاران را نابود و اشرار را بابت گناهی که بر او مرتکب شده بودند محکوم خواهد کرد." (صفحات ۱۳-۱۴).

در میان مثالهای عهد عتیق و جدید از این معلمان دروغین، سلاست بیان دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که این متن با استفاده از اصطلاحات مربوط با ارتداد در کتاب اول خنوخ "هفتمین نسل از آدم" برای بدعتین معاصر صدق می‌کند (I Enoch 60:8; 93:3). بدلیل اینکه کتاب اول خنوخ، کتاب پیدایش ۶ و نوع بشر و زنان و مردان را پیشبینی کرده بود، اما این امر دلیل بر درست بودن کتاب نمی‌باشد. انجیل در بسیاری مقاطع گنگ و نامشخص صحبت کرده، اما هسته‌ی اصلی حقیقت کلام کاملاً مشخص است. مشکل ما بعنوان خوانندگان نسل جدید اینست که ما درباره موضوعات و مشکلاتی که مکاشفه به عمد نامفهوم بیان کرده، می‌خواهیم همه‌ی اطلاعات را با ذکر جزئیات و کاملاً مشخص بدانیم. این موضوعات با وجود جذاب و قابل توجه بودن، اما برای رستگاری و یک زندگی خداپسندانه ضروری نیستند.

■ "هزاران هزار فرشته مقدّس" این عبارات می‌توانند به خادمین آسمانی بی‌شماری که به دور یهوه گرد آمده‌اند، اشاره داشته باشند (تثنیه ۳۲: ۲؛ دانیال ۷: ۱۰). در این نقل قول از کتاب اول خنوخ "خداوند" باید اشاره به یهوه داشته باشد. در عهد جدید اغلب پیشگویی شده که عیسی سوار بر ابرها به همراه فرشتگان زیادی از بهشت خواهد آمد (متی ۱۶: ۲۷؛ ۲۵: ۳۱؛ مرقس ۸: ۳۸؛ لوقا ۲: ۲۶؛ ۲ سالونیکیان ۱: ۷).

■ "بر ضد او گفته‌اند" اسباب تعجب خواهد بود اگر این عبارت از خنوخ ۱، که به توهین به یهوه ارتباط دارد، به نوعی نیز به یهودا ۱: ۸ نیز مربوط می‌گردد، "انکار اقتدار". برخی ترجمه‌های انگلیسی (NASB, NKJV, New Berkley Version) این ضمیر را با حروف بزرگ نوشته‌اند که در اشاره به خداوند می‌باشد. این امکان وجود دارد که گله‌مندان در آیه ۱: ۱۶ به کلام یهودیان در برابر یهوه و فرد منتخب او به رهبری (موسی و هارون) در طول دوران سرگردانی در بیابان ارتباط داشته باشد.

یهودا ۱: ۱۵ "بی‌دین" در نسخه‌ی یونانی این واژه برای اسرائیلیانی که در بیابان سرگردان بودند، بکار برده شده است (خروج ۱۵: ۲۴؛ ۱۷: ۳؛ اعداد ۱۴: ۲۹). احتمالاً این عبارت اشاره به I Enoch 5:5 داشته باشد.

همچون یهودا ۱: ۱۲-۱۳، یهودا این معلمان دروغین را بشرح زیر نشان می‌دهد.

۱. گله‌مندان
۲. عیب‌جویان
۳. غرفه در ارضای شهوات خویش (۲ پطرس ۲: ۲، ۱۴، ۱۸؛ ۳: ۳)
۴. سخنان تکبرآمیز بر زبان آوردگان (۲ پطرس ۲: ۱۰، ۱۸)
۵. کسانی که به نفع خویش مردمان را تملق می‌گویند (حنسی، مالی، یا بواسطه قدرت، ۲ پطرس ۲: ۳)

این خصوصیات در دوران عهد قدیم یا جدید منحصر بفرد نبودند، اما بواسطه بیرون رانده شدن انسان از بهشت (پیدایش ۳) و با تمرکز بر استقلال و آزادی فردی / حقوقی / قدرت بوجود آمدند. هنگامیکه این خصوصیات در رهبری کلیساها نمود پیدا کند، تداوم تأثیرپذیری ذات آدم و شرارت شیطان روشن می‌گردد.

متن NASB (بروز شده): یهودا ۱: ۱۷-۲۳

۱۷ اما شما ای عزیزان، پیشگویی رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به یاد داشته باشید^{۱۸} که به شما گفتند: «در زمانهای آخر، استهزاکنندگانی خواهند آمد که بنا بر شهوات خود که خلاف دینداری است، رفتار خواهند کرد.»^{۱۹} همین‌ها هستند که در میان شما جدایی می‌افکنند و نفسانی و عاری از روحند.

۱۸ اما شما ای عزیزان، خویشتان را بر ایمان بس مقدّس خود بنا کنید و در روح القدس دعا نمایید^{۲۱} و خود را در محبت خدا نگاه دارید، در همان حال که منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح هستید تا شما را به حیات جاویدان رهنمون گردد.^{۲۲} نسبت به برخی که متزلزلند، رحیم باشید؛^{۲۳} برخی را از آتش بیرون کشیده، نجات دهید؛ و بر برخی دیگر با ترس، رحمت نشان دهید. در عین حال، حتی از جامه‌های آلوده به شهوات نفسانی متنفر باشید.

یهودا ۱: ۱۷ "اما شما ای عزیزان" این تناقض منطقی پرمعنا است.

■ "به یاد داشته باشید" این یک جمله دستوری مجهول در دستور زبان آئوریست است. از ایمانداران خواسته شده حقایق معنوی که بوسیله کلام شفاهی در اختیار آنان قرار داده شده (۲ پطرس ۳: ۲ - انبیای عهد عتیق، عیسی و رسولان) و همینطور کلام مکتوب شریعت که بعداً نوشته شد را بخاطر بسپارند (احتمالاً برخی قسمت‌های عهد جدید در این دوران در حال چرخیدن میان ایمانداران بوده است).

■ "رسولان خداوند ما عیسی مسیح" این عبارت به موعظه و خدمت مکتوب گروه منتخبی که "رسول" نامیده می‌شوند، اشاره دارد. این آیه می‌گوید که یهودا دومین نسل ایمانداران را مورد خطاب خویش قرار داده بود. ممکن است برخی خوانندگان صحبت‌های رسولان را شنیده باشند، اما اکنون آن نظر غیر ممکن می‌باشد. این دوره انتقالی از "انجیل کلامی" تا "انجیل مکتوب"، دوره تغییرات بزرگ پی در پی و سردرگمی بود. بسیاری از مردم مدعی بودند که خداوند را شناخته و برای او صحبت می‌کنند. یهودا، همچون عیسی در متی ۷، ایمانداران را با استفاده کلام و سبک زندگی رهبران، به ارزیابی آنان هدایت می‌کند.

موضوع خاص: کاریگما

Special Topic: The Kerygma

نظرات زیادی در مورد مسیحیت وجود دارند. روزگار ما روزگار جمع‌گرایی مذهبی است، درست همانند قرن اول. شخصا، من تمام گروه‌هایی که ادعا میکنند عیسی می‌شناسند و به او ایمان دارند قبول دارم. همه ما در مواردی اتفاق نظر یا اختلاف نظر داریم ولی اساساً مسیحیت تماماً در ارتباط با عیسی است. با این حال، گروه‌هایی هستند که ادعا میکنند مسیحی هستند که ظاهراً ادعایی بیش نیست. چگونه اینها را تشخیص دهیم؟ دوراه وجود دارد:

A. یک کتاب مفید تا بدانیم گروه‌های عصر مدرن به چه ایمان دارند (از داخل متون خودشان) کتاب *The Kingdom of the Cults* اثر Walter Martin است.

B. مונظه‌های کلیسای اولیه، به خصوص آنان که توسط پطرس و پولس شاگرد در کتاب اعمال رسولان گفته شدند، ویژگی‌های برجسته اینکه چگونه نویسندگان تحت الهام کلیسای اولیه مسیحیت را به گروه‌های مختلف معرفی میکردند. به این "اعلام اولیه" یا "مونظه"ها (که کتاب اعمال رسولان خلاصه آن است) کاریگما (کلمه یونانی است) گفته میشود. موارد زیر حقایق پایه ای انجیل در مورد عیسی در کتاب اعمال رسولان است.

۱. بسیاری از نبوت‌های عهد عتیق را تحقق بخشیده است - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۲۱، ۳- الی ۳۱ و ۳۴، ۳: ۱۸ الی ۱۹ و ۲۴.

۲۳: ۱۰، ۱۳: ۱۷ الی ۲۳ و ۲۷، ۳۳: ۳۳ الی ۳۷ و ۴۰ الی ۴۱، ۲۶: ۶ الی ۷ و ۲۲ الی ۲۳

۲. همانطور که توسط یهوه وعده داده شده بود، فرستاده شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۲۶

۳. معجزاتی انجام داد تا پیام خود و محبت خدا را تأیید کند - اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۳: ۱۶، ۱۰: ۳۸

۴. تحویل داده شد - انکار شد - اعمال رسولان ۳: ۱۳ الی ۱۴، ۴: ۱۱

۵. مصلوب شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۴ الی ۱۵، ۴: ۱۰، ۱۰: ۳۹، ۱۳: ۲۸، ۲۶: ۲۳

۶. به زندگی بازگشت - اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳۱ الی ۳۲، ۳: ۱۵ و ۲۶، ۴: ۱۰، ۱۰: ۴۰، ۱۳: ۳۰، ۱۷: ۳۱، ۲۶: ۲۳

۷. در سمت راست خدا نشست - اعمال رسولان ۲: ۳۳ الی ۳۶، ۳: ۱۳ و ۲۱

۸. دوباره خواهد آمد - اعمال رسولان ۳: ۲۰ الی ۲۱

۹. داور منتخب است - اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱

۱۰. روح القدس را فرستاد - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۱۸ و ۳۳ و ۳۸ الی ۳۹، ۱۰: ۴۴ الی ۴۷

۱۱. نجات دهنده همه کسانی است که ایمان می‌آورند - اعمال رسولان ۱۳: ۳۸ الی ۳۹

۱۲. هیچ کس دیگری نجات دهنده نیست - اعمال رسولان ۴: ۱۲، ۳۴: ۱۰ الی ۳۶

اینها برخی از شیوه‌هایی هستند که میتوان به حقایق بنیادی پاسخ داد:

۱. توبه - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۹، ۱۷: ۳۰، ۲۶: ۲۰

۲. ایمان داشتن - اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۱۰: ۴۳، ۱۳: ۳۸ الی ۳۹

۳. تعمید گرفتن - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷ الی ۴۸

۴. پذیرش روح القدس - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷

۵. همه ممکن است با هم بیایند - اعمال رسولان ۲: ۳۹، ۳: ۲۵، ۲۳: ۲۶

این فهرست میتواند به عنوان بیانیه پایه کلیسای اولیه مورد استفاده قرار گیرد، هر چند نویسندگان مختلف عهد جدید ممکن است بخشی از نوشته خود را نادیده بگیرند و بر بخشی دیگر، تاکید بیشتری داشته باشند. تمامی انجیل مرقس از دکتترین کاریگمای پطرس پیروی میکند. به انجیل مرقس اساساً به عنوان ساختار موثله های پطرس در روم نگاه میشود به که صورت انجیل نوشته شده است. هم متی و هم لوقا از ساختار انجیل مرقس پیروی می کنند.

یهودا ۱:۱۸ "که به شما گفتند" این یک جمله معلوم اخباری بوده که به تکرار عملی در گذشته اشاره دارد. مشخص نیست که کدام رسول و دقیقاً کجا این جمله را بیان کرده، اما شبیه ۲ پطرس ۳:۳، اعمال رسولان ۲۰:۲۹؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱۰-۱۴؛ ۳:۴ می باشد. این عبارات می توانند اصطلاحی در ارتباط با واقعیات مربوط به حوزه رسولان باشد (ایمان یکبار و برای همیشه به مقدسین داده شده است).

□ **"در زمانهای آخر"** این عبارات در راستای جمله "در روزهای آخر" در ۲ پطرس ۳:۳ می باشد. یهودا و پطرس (همچون دیگر نویسندگان عهد عتیق) فکر می کردند که در آخرین روزهای زمان زندگی می کنند. تأخیر در بازگشت دوم عیسی همه را شگفت زده کرد (۲ پطرس ۳:۴). ویژگیهای روزهای آخر در یهودا ۱:۱۸-۱۹ درباره همه اعصار تاریخ حیات بشر صدق می کند. زندگی بدور از خدا فقط تنها بودن مطلق است! یهودیان تاریخ را به دو دوره تقسیم کرده بودند: شیطان کنونی و دوره سرکشی، و عصر رستگاری که در پیش رو داریم و بوسیله بازگشت ظفر مندانهای آن تدهین شده (مسیح منجی) بوقوع خواهد پیوست. از زمان مکاشفه عهد جدید، این دو قاب زمانی که بر روی هم قرار گرفته اند، تغییر بوجود آمده است. این دو عصر بصورت غیرمنتظره ای بر روی هم افتاده اند. عیسی ناصری پادشاهی خداوند را بدست آورده، اما تا زمان بازگشت شکوهمند وی، این دوران تکمیل نخواهد شد. این دوره بصورت تجربه ای "قبلاً روی داده ولی هنوز به سرانجام نرسیده" در کلیسا تعریف شده است.

یهودا ۱:۱۸-۱۹ "همینانند که" یهودا باز هم "این" معلمان دروغین را توصیف می کند:

۱. استهزاکنندگان (بصورت کلامی و رفتاری، ۲ پطرس ۳:۳)

۲. جدایی افکنان (کسانی که مرزبندی ها میان ایمانداران جدایی می افکنند)

۳. کسانی که دارای اعمال نفسانی هستند

۴. کسانی که عاری از روحند

چرا بسیاری از این افراد پیروی می کنند؟ اگر هدف از زندگی، خدمت به خویش است، پس مفهوم عبارت "اول خودم" نمود پیدا می کند. چه می شود اگر خدایی وجود داشته باشد که تقاضای حسابرسی بابت نعمت زندگی را کند؟ انجیل ایمانداران را از ستم و ظلمی که به خویش روا می دارد، رهایی داده (رومیان ۶) و آنان را قادر ساخته تا آزادانه فقط یک خدای راستین را خدمت نمایند.

یهودا ۱:۱۹ "عاری از روح" نظریه های متعددی در رابطه با معنی این عبارت وجود دارد اما بنظر می رسد که به این معنا باشد که این افراد در سطح غریزه و اشتهای حیوانات زنده زندگی می کنند (یهودا ۱:۱۰).

یهودا ۱:۲۰ "اما شما" میان "ای عزیزان" که ایمانداران راستین بوده و "اینان" که اشاره به معلمان دروغین دارد، تضاد دیده می شود (یهودا ۱:۱۷)، (بسیار شبیه به عبرانیان ۶:۹). یهودا به ایمانداران راستین فهرستی از انتظارات خود را داده است (یهودا ۱:۲۰-۲۳):

۱. خویشتن را بر ایمان بس مقدس خود بنا کنید

۲. در روح القدس دعا نمایید

۳. خود را در محبت خدا نگاه دارید

۴. منتظر حیات جاودانی باشید

۵. نسبت به متزلزلان، رحیم باشید

۶. برخی را از آتش بیرون کشیده، نجات دهید

۷. بر برخی دیگر با ترس، رحمت نشان دهید

□ **"خویشتن را بنا کنید"** این جمله یک وجه وصفی حال معلوم است که به صورت دستوری بکار برده شده است. این یکی از مجموعه های وجه وصفی بوده که بصورت دستور در جمع بندی این نامه استفاده شده است. آنان مسئولیتهای پیمانی ایمانداران را به نمایش می گذارند. به تضاد میان موارد زیر توجه نمایید:

۱. حفظ قدرت خداوند در بخش مقدمه (آیه ۱) و نیایش نامه (یهودا ۱:۲۴-۲۵)

۲. این اعمال فراخوانی به کارهای شخصی هستند (یهودا ۱:۲۰-۲۳)

ایمانداران بگونه‌ای زندگی و خدمت می‌کنند که گویی همه بر آنان حساب کرده، اما در عین حال باید بدانند که همه آنان بر روی عیسی حساب می‌کنند. نظیر همین قیاس را می‌توان در حزقیال ۱۸:۳۱ و در مقابل ۳۶:۲۶ مشاهده نمود (اعمال رسولان ۲۰:۳۲؛ فیلیپیان ۲:۱۲-۱۳). استعاره‌ی بنا کردن خویشتن برای ایمان در مسیحیت، هم در نوشته‌های پولس (اعمال رسولان ۲۰:۳۲؛ ۱ قرنتیان ۳:۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۷؛ افسسیان ۲:۲۰-۲۲؛ کولسیان ۲:۷) و هم پطرس (۱ پطرس ۲:۵) رایج بوده است. این استعاره به شیوه‌های گوناگونی بیان شده است:

۱. ایماندار همچون یک ساختمان (یا بخشی از ساختمان) و یا معبد
۲. نصیحت برای بنا کردن خویشتن
۳. مفهوم یک ساختار نیک برای بنا کردن خویشتن

□ "بر ایمان بس مقدس خود" این ساختار بلحاظ دستور زبان می‌تواند دارای معانی ذیل باشد:

۱. "بر ایمان مقدس خود" (NASB, NKJV, NRSV, TEV, NJB)
۲. "به مقصود ایمان مقدس خود" (New Century Version)
۳. "در راه ایمان مقدس خود" (NEB, NAB, NIV)

نسخه یونانی، واژه‌ی "ایمان" را به سه معنا به زبان انگلیسی ترجمه نموده است: "ایمان"، "باور"، یا "اعتماد". ایمان به سه حالت در عهد جدید بکار برده شده است:

۱. بعنوان پذیرش شخصی عیسی بعنوان مسیح خداوند
 ۲. بعنوان زندگی با ایمان بخاطر او
 ۳. بعنوان بدنه‌ی حقایق مربوط به او (یهودا ۱:۳؛ غلاطیان ۱:۲۳-۲۵)
- مسیحیت به رشد رسیده شامل هر سه حالت فوق می‌باشد.

یهودا ۱:۲۰ - ۲۱ توجه داشته باشید که تثلیث خداوند چه مواردی را متذکر می‌گردد: روح (یهودا ۱:۲۰)؛ خداوند (یهودا ۱:۱)؛ عیسی مسیح (یهودا ۱:۲۱). واژه "تثلیث" یک واژه‌ی انجیلی نیست، بلکه مفهوم "یک ذات الهی" (تک‌خدایی) است - اما دارای سه ضلع فردی و ابدی می‌باشد. اگر عیسی را الهی و روح را فردی بدانیم، پس "توحید" معنای یک ذات الهی با سه تجلی فردی خواهد داشت - پدر، پسر و روح القدس (متی ۳:۱۶-۱۷؛ ۱۹:۲۸؛ یوحنا ۱۴:۲۶؛ اعمال رسولان ۲:۳۲-۳۳، ۳۸-۳۹؛ رومیان ۱:۴-۵؛ ۱:۵؛ ۸:۱-۴، ۸-۱۰؛ ۱۲:۴-۶؛ ۲ قرنتیان ۱:۲۱-۲۲؛ ۱۳:۱۴؛ غلاطیان ۴:۴-۶؛ افسسیان ۱:۳-۱۴، ۱۷؛ ۲:۱۸؛ ۴:۴-۶؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۱۳؛ تیتوس ۳:۴-۶؛ ۱ پطرس ۱:۲؛ یهودا ۲۰-۲۱) /

موضوع خاص: تثلیث

Special Topic: The Trinity

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین‌ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

A. اناجیل

۱. انجیل متی ۱۶:۳ و ۱۷، ۱۹:۲۸ (و بقیه بطور موازی)
۲. انجیل یوحنا ۱۴:۲۶

B. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲:۳۲ و ۳۸، ۳۳ و ۳۹

C. پولس

۱. رومیان ۱:۴ و ۵، ۵:۱ و ۵، ۸:۱ الی ۴، ۸:۱۰
۲. اول قرنتیان ۲:۸ الی ۱۰، ۴:۱۲ الی ۶
۳. دوم قرنتیان ۱:۲۱ و ۲۲، ۱۳:۱۴
۴. غلاطیان ۴:۴ الی ۶
۵. افسسیان ۱:۳ الی ۱۴ و ۱۷، ۲:۱۸، ۳:۱۴ الی ۱۷، ۴:۴ الی ۶
۶. اول تسالونیکیان ۱:۲ الی ۵
۷. دوم تسالونیکیان ۲:۱۳
۸. تیتوس ۳:۴ الی ۶

D. پیتر - اول پطرس ۱:۲

E. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می‌شود

A. کاربرد به صورت جمع برای خدا

۱. نام الوهیم (*Elohim*) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می‌رود همیشه فعل به صورت مفرد است

۲. "به ما" در سفر پیدایش: ۱:۲۶ و ۲۷، ۳:۲۲، ۱۱:۱۷

B. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

۱. سفر پیدایش ۷:۱۶ الی ۱۳، ۱۱:۲۲ الی ۱۵، ۳۱:۱۱ و ۱۳، ۴۸:۱۵ و ۱۶

۲. خروج ۲:۳ و ۴، ۱۳:۲۱، ۱۴:۱۹

۳. داوران ۱:۲، ۶:۲۲ و ۲۳، ۱۳:۳ الی ۲۲

C. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱:۱ و ۲، مزامیر ۳۰:۱۰۴، اشعیا ۹:۶۳ الی ۱۱، حزقیال ۱۳:۳۷ و ۱۴

D. خدا (یهوه) و مسیح (*Adon*) جدا هستند، مزامیر ۶:۴۵ و ۷، ۱۱۰:۱، زکریا ۸:۲ الی ۱۱، ۱۰:۹ الی ۱۲

E. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۰:۱۲

F. هر سه در اشعیا ۱۶:۴۸ و ۶۱:۱ نام برده شده‌اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سختگیر و مومنین اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می‌دانستند

۲. اورینگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می‌دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می‌کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تثلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱:۱، فیلیپیان

۲:۶، تیتوس ۲:۱۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد

۳. دکترین تثلیث سه گانه به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است

این واقعا یک راز است. ولی عهد جدید یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می‌کند.

یهودا ۱:۲۰ "در روح القدس دعا نمایند" این یک وجه وصفی دیگر حال میانه است که بصورت دستوری بکار برده شده است. معنی در روح القدس دعا

کردن یعنی چه؟

۱. روح القدس برای فرد ایماندار دعا کند (رومیان ۸:۲۶-۲۷)

۲. فرد ایماندار با قدرت و حضور روح القدس دعا کند (افسیان ۶:۱۸)

۳. فرد ایماندار با تکیه بر عطیه‌ی زبان‌ها دعا کند (۱ قرن‌تیا ۱۰:۱۲؛ ۱۴:۱۴، اما توجه داشته باشید که در اول قرن‌تیا ۱۲:۲۹-۳۰، مجموعه‌ای

از سؤالها وجود دارد که انتظار پاسخ "منفی" را دارند و نشان می‌دهند که هدیه‌ی زبانها از آن همه‌ی ایمانداران نیست)

۴. از آنجاییکه هیچ بندی در ارتباط با "روح" موجود نمی‌باشد، قالب یونانی دقیقاً همچون یوحنا ۴:۲۳ عمل کرده و عیسی را بعنوان منبع پرستش

راستین برای زن سامری تعریف نموده است؛ بشکل "در روح و حقیقت" (فیلیپیان ۳:۳).

در میان مجموعه‌ای از فرامین (وجوه وصفی با بندهای دستوری) برای ایمانداران بمنظور نبرد نیکو، ضرورت قدرت روح نمود پیدا کرده تا تعادل کلامی

لازم را بین خدای حاکم و پاسخ بر مبنای پیماناش با بشر بدست آورد. به موضوع خاص: ضرورت دعا در یعقوب ۵:۱۶ مراجعه نمایید.

یعقوب ۱:۲۱ "خود را در محبت خدا نگاه دارید" این فعل اصلی متن بوده (این موضوع برای یهودا بسیار مورد توجه بوده است [یهودا ۱:۱، ۶، ۱۳،

۲۱])، و نیز بلحاظ دستوری، جمله دستوری کامل آتوریست می‌باشد. انسان چگونه می‌تواند خود را در محبت خداوند نگاه دارد؟ زمان آتوریست کامل سخن

از فوریت در انجام عمل دارد. نجات در عهد جدید بشیوه‌های زیر تعریف شده است:

۱. عملی که در گذشته به انجام رسیده (آتوریست اخباری)

۲. حالتی که اکنون وجود دارد (زمان کامل)

۳. عملی در حال اجرا (زمان حال)

۴. نتیجه‌ای که در آینده حاصل خواهد گردید (زمان آینده)

بشارت دهندگان به واسطه تاکید بیش از حد (که ضروری بود) مقصر قلمداد می‌گردیدند و از طرف دیگر، آنان نیز نادیده انگاشتن پارادوکس نعمت رایگان از طریق عیسی در برابر زندگی بر اساس ایمان مداوم و خدمت را بی‌ارزش می‌کردند. خواست خداوند این بود که بوسیله‌ی پیمان، به موضوع بشر بپردازد. در این زمینه ملزومات و منافعی نیز وجود دارد. ما منافع آن را دوست داشته، اما به ملزومات آن بی‌توجهی می‌نماییم. ایمان راستین ایمانی است که پایدار باشد. محبت خداوند در حله‌ی اول ما را بسوی خود جذب کرده (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵) و سپس پایدار می‌نماید، اما ما نیز باید در هر دورانی به این پیمان پاسخ مناسب داده و با خداوند همکاری نماییم (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳؛ ۱ پطرس ۱: ۵-۱۱). انجیل ایده‌آل‌هایی را که یک مسیحی در راه مسیح باید داشته باشد برای ما مشخص نموده ولی ما همواره سعی در کوچک نمودن پاسخ‌های الزامی به آن ایده‌آل‌ها داریم.

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند

SPECIAL TOPIC: GREEK VERB TENSES USED FOR SALVATION

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی‌یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵). در آمریکا ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می‌شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آئوریست)

- اعمال رسولان ۱۱: ۱۵
- رومیان ۲۴: ۸
- دوم تیموتائوس ۱: ۱۹
- تیتوس ۳: ۵
- رومیان ۱۱: ۱۳ (زمان آئوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲: ۵ و ۸

رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲
- دوم قرنتیان ۲: ۱۵
- اول پطرس ۳: ۲۱

رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵: ۹، ۱۰، ۹: ۱۰ و ۱۳
- اول قرنتیان ۳: ۱۵، ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹
- عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸
- اول پطرس ۱: ۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۹: ۱۰ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۲: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه – نجات یافتن از مجازات گناه

۲. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه)

۳. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

NASB	"بی صبرانه منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاویدان هستید"
NKJV	"چشم انتظار رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاویدان هستید"
NRSV	"چشم به راه رحمت خداوند ما عیسی مسیح هستید تا شما را به حیات جاویدان رهنمون گردد"
TEV	"در حالیکه منتظر خداوند ما عیسی مسیح هستید بواسطه‌ی رحمتش هستید تا شما را حیات جاویدان دهد"
NJB	"منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح باشید تا شما را به حیات جاویدان عطا نماید"

این یک وجه وصفی حال میانه (deponent) است. این جمله شبیه آیه دوم پطرس ۳:۱۴ است. ایمانداران باید همواره مشتاقانه در انتظار بازگشت دوم مسیح باشند و این از ویژگیهای آنان است (رومیان ۸:۱۹-۲۵؛ ۱ قرنتیان ۱:۷؛ تیتوس ۲:۱۳). ایمانداران تا زمانی که بدن آنان قیام نکرده باشد بطور کامل نجات یافته محسوب نخواهند گردید (۱ یوحنا ۳:۲). این آیه اشاره به نجات کامل در زمان بازگشت دوم مسیح دارد. مراحل این نجات را می توان بدین صورت تعریف نمود: داور (نجات بعنوان هدیه‌ای که بواسطه کار تمام شده‌ی عیسی مسیح بدست آمده)؛ تقدیس (نجاتی که بواسطه زندگی مسیح‌پسندانه ترسیم می‌گردد - نه بی‌گناهی، بلکه بطور قطع با حداقل گناه)؛ و به جلال رسیدن (نجات از مجازات، قدرت و حتی حضور گناه در انتهای عصر جدید). عبارت "حیات ابدی" اصطلاح عهد جدید درباره عصر جدید پیش رو، پادشاهی خداوند، بهشت، و یا هم‌نشینی رو در رو با خداوند برای همیشه است. این امر در نوشته‌های یوحنا بسیار رایج است، اما در عین حال در دیگر اناجیل و نوشته‌های پولس نیز دیده می‌شود. توجه داشته باشید که حیات ابدی نه تنها با دریافت انجیل مرتبط است، بلکه همچنین با زمان پایانی عصر جدید در زمان بازگشت عیسی مسیح نیز ارتباط مستقیم دارد. لذا هم مختص به زمان حال و هم آینده می‌باشد، همچون پادشاهی!

□ "رحمت" مقدمه‌ی رساله‌ی یهودا بصورت منحصر بفردی از عبارت "رحمت" استفاده کرده است. در یهودا ۱:۲۱ و ۲۲ این کلمه دستخوش تغییراتی داده شده است. رحمتی که به ما عطا گردید (یهودا ۱:۲۲-۲۳؛ متی ۶:۱۴-۱۵؛ ۱۸:۳۵) دستخوش مشکلاتی گردید (یهودا ۱:۲۱).

یهودا ۱:۲۱ "نسبت به برخی که" این قسمت از آیه سخن از سه گروه در خانواده کلیسا می‌گوید که بوسیله‌ی معلمان دروغین همراه شده بودند (ASV, NASB, TEV, NJB, NIV) و متعاقب آن نسخه خطی یونان باستان A و B). یهودا به این سه مورد توجه مبذول داشته است (یهودا ۱:۲، ۴، ۸، ۱۱).

۱. برخی که دچار تردید شده بودند
۲. برخی از پیروان معلمان دروغین
۳. برخی معلمان دروغین

دیگر ترجمه‌ها به دو گروه توجه نشان داده‌اند (KJV, NEB) و نسخه Williams به پیروی از نسخه خطی یونانی (P⁷², B, C, K, L). F. F. Bruce در کتاب *Answers to Questions* می‌نویسد:

"به باور من دو گروه در نظر گرفته شده‌اند؛ آنان که وظیفه حفظ نظم در کلیساها را بر عهده داشته و باید از روشهای مختلفی نسبت به کسانی که تحریک خرابکاران و دکترین بی‌اخلاقی آنان نقش داشته‌اند استفاده کنند و آنان که بوسیله‌ی معلمان دروغین به گمراهی کشانده شده‌اند" (ص. ۱۳۵).

همچنین در نسخه خطی یونان باستان تفاوت دیگری نیز دیده می‌شود. نسخه‌های MSS, B, C² کلمه "رحمت" را بصورت جمع دستوری حال کامل نوشته‌اند، در صورتیکه نسخه‌های MSS A و C¹ از کلمه "متقاعد کردن" یا "رد کردن" بصورت حال کامل دستوری استفاده کرده‌اند (RSV).

□ "که متزلزلند" این امکان وجود دارد که با عنایت به نسخه P⁷² (همچنین متن یونانی که توسط کلمنت و جروم استفاده شد) "تردید" (NASB)؛ "تزلزل" (NRSV, NJB) را بمعنی "مرزبندی" یا "تفکیک‌سازی" ترجمه کرده باشند. نسخه P⁷² از فعل "رحم کردن" استفاده کرده و آن را به واژه‌ی "جداییها" ربط داده تا بتواند ویژگیهای بیشتری برای "برخی" تعریف کند (کفرگویان). به کتاب *The Cambridge History of the Bible* جلد ۱ صفحه ۳۳۶ مراجعه نمایید.

این امر احتمالاً اشاره به آن دسته‌ای که در کلیسا تحت تأثیر معلمان دروغین قرار داشتند، دارد. آنان شروع به از دست دادن تعادل خود در "واقعیت رسالت"، مقدس‌ترین ایمان"، "ایمانی که یکبار برای همیشه به مقدسین عطا گردیده بود" نموده بودند. ایمانداران باید همواره فعال باشند، نه اینکه در احیای و احیای برادران و خواهران ضعیفتر از خود عکس‌العمل نشان دهند. این هشدار نه فقط در برابر پذیرش معلمان دروغین و آموزه‌های آنان، بلکه برای نشان دادن اولویت محبت دلسوزانه و ترحم نسبت به هم‌پیمان خود که در عهد با خداوند دچار تزلزل شده‌اند (۱ غلاطیان ۶:۱) با بازگرداندن آنها به زندگی خدادادی و اعتقاد راستین، بیان شده‌اند.

ساختار موازی با این آیات را احتمالاً می‌توان در ۲ پطرس ۲: ۲۰-۲۱ مشاهده نمود. در اینصورت، عواقب حاصل از تداوم سرکشی بشر فاجعه‌بار است!

یهودا ۱: ۲۳ "برخی را از آتش بیرون کشیده، نجات دهید" معنای این بخش می‌تواند (۱) آتش داوری موقت خداوند یا (۲) آتش داوری خداوند در پایان دنیا باشد. این قسمت از آیه را می‌توان کنایه‌ی عهد عتیق به عاموس ۴: ۱۱ یا زکریا ۱: ۳-۵ دانست. سنت‌های مختلف اغلب تعیین کننده‌ی نوع انتخاب داوری برای افراد هستند. اگر زکریا ۳: ۱-۵ را بعنوان پیشزمینه در نظر بگیریم، با عنایت به موارد زیر اینگونه نیز بنظر می‌رسد

۱. استفاده از واژه‌ی "بیرون کشیدن"
 ۲. کاربرد واژه‌ی "جامه‌های آلوده" بعنوان گناه،
- پس می‌توان گفت که این کنایه انگشت اشاره‌ی خود را به زندگی کاهن اعظم، یوشع گرفته که یار و یاور رزوبابل (۵۳۸ پیش از میلاد)، و بروشنی ایماندار وفاداری نیز بوده است (حتی یک استعاره برای مسیح منجی در زکریا ۴).
با اینحال، روشن است که مسیر کلی مطالب سرتاسر این رساله، آن افرادی است که یکبار به خداوند ایمان آوردند، بعد شوریدند و بعد مورد داوری قرار گرفتند. این امر هشدار ترسناکی تلقی می‌گردد.

■ "با ترس، رحمت نشان دهید" منظور از این عبارت "ترس از آلودگی و ناپاکی" است (۲قرن تیان ۷: ۱؛ غلاطیان ۶: ۱).

■ "جامه" این عبارت اشاره به زیرجامه‌ای است که در قرن اول پوشیده می‌شد. اینگونه استعاره‌ها درباره جامه اغلب برای نشان دادن خصوصیات و ویژگیهای سبک زندگی مردم در انجیل بکار برده می‌گردید (زکریا ۳: ۱-۵؛ اشعیا ۶۱: ۱۰؛ ایوب ۲۹: ۱۴؛ مزمور ۱۰۹: ۲۹؛ افسسیان ۴: ۲۲، ۲۴، ۲۵؛ کولسیان ۳: ۹، ۱۰). زندگی معلمان دروغین آغشته به "آلودگی" بود.

متن NASB (بروز شده): ایوب ۱: ۲۴-۲۵

۲۴ بر او که قادر است شما را از لغزش محفوظ نگاه دارد و در حضور پر جلال خویش بی‌عیب و آکنده از شادی عظیم حاضر سازد،^{۲۵} بر آن خدای یکتا و نجات‌دهنده‌ی ما، به واسطه‌ی عیسی مسیح، خداوند ما، از ازل، حال، و تا ابد، جلال و شکوه و توانایی و قدرت باد! آمین.

یهودا ۱: ۲۴-۲۵ این یکی از پرتوان‌ترین دعا‌های سرتاسر عهد جدید است. چه تفاوت عیانی میان این سخنان مبتنی بر ایمان امن و تضمین شده و ایمان مبتنی بر بی‌اخلاقی معلمان دروغین وجود دارد.

یهودا ۱: ۲۴ "او که قادر است" این عبارت یک وجه وصفی حال میانه (deponent) می‌باشد. خدای پدر به اجرای مقاصد خود در این دنیای شرور کماکان ادامه می‌دهد. قادر، عنوانی شگفت‌انگیز برای خداوند است.

۱. "اکنون او را که قادر است شما را مطابق با انجیل من و موعظه‌ی پیام عیسی مسیح استوار گرداند" (رومیان ۱۶: ۲۵)
۲. "جلال باد بر او که می‌تواند به وسیله‌ی آن نیرو که در ما فعال است، بی‌نهایت فزونتز از هر آنچه بخواهیم یا تصور کنیم، عمل کند" (افسسیان ۳: ۲۰)
۳. "بر او که قادر است شما را از لغزش محفوظ نگاه دارد" (یهودا ۱: ۲۴)

■ "از لغزش محفوظ نگاه دارد" از این استعاره برای نشان دادن مراقبت خداوند از ایمانداران وفادار در مزمور ۱۲۱: ۳ (همچنین مزمور ۱۷: ۵؛ ۶۶: ۹؛ ۱۸-۹۴: ۱۷) و ایمانداران باثبات در ۲ پطرس ۱: ۱۰ استفاده شده است. کتاب یهودا با ویژگیهای آن دسته از ایماندارانی که دچار لغزش شده‌اند شکل گرفته، ولی خداوند همواره قادر به باثبات نمودن ایمانداران واقعی خود بوده است.

■ "شما را محفوظ نگاه دارد" ما "توسط خداوند محفوظ نگه داشته شده‌ایم" تا بتوانیم در راه ایمان خود نیز محفوظ بمانیم (افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۴؛ رومیان ۵: ۲؛ ۱قرن تیان ۱: ۱۵).

موضوع خاص: تضمین مسیحیت

Special Topic: Christian Assurance

تضمین (۱) یک حقیقت انجیلی، (۲) تجربه‌ای در ایمان مومن، و (۳) شاهد شیوه زندگی است.

A. مبنای انجیلی تضمین

۱. شخصیت و هدف خدای پدر

a. خروج ۶: ۲۴ الی ۷ (موضوع خاص: مشخصه خدای اسرائیل را مطالعه کنید)

- b. نحمیا ۱۷:۹
- c. انجیل یوحنا ۱۶:۳، ۲۸:۱۰ الی ۲۹ (موضوع خاص: برنامه رستگاری یهوه را مطالعه کنید)
- d. رومیان ۸:۳۸ الی ۳۹
- e. افسسیان ۱:۳ الی ۱۴، ۵:۲ و ۸ الی ۹
- f. فیلیپیان ۱:۶
- g. دوم تیموتائوس ۱:۱۲
- h. اول پطرس ۱:۳ الی ۵
۲. کار پسر خدا

- a. دعای کشیشانه او، انجیل یوحنا ۹:۱۷ الی ۲۴، بخصوص آیه ۱۲، عبرانیان ۷ الی ۹
- b. قربانی شدن او بجای دیگران (مراجعه شود به اشعیا ۵۳:۱۳ الی ۵۳:۱۲)
- (۱) انجیل مرقس ۱۰:۴۵
- (۲) دوم قرنتیان ۵:۲۱
- (۳) اول یوحنا ۲:۲، ۴:۹ الی ۱۰
- c. نماز روحانی مستمر او
- (۱) رومیان ۸:۳۴
- (۲) عبرانیان ۷:۲۵
- (۳) اول یوحنا ۲:۱

۳. فعال کردن روح خدا
- a. فراخواندن او، انجیل یوحنا ۴:۴ و ۶۵
- b. صحنه گذاشتن او
- (۱) دوم قرنتیان ۱:۲۲، ۵:۵
- (۲) افسسیان ۱:۱۳ الی ۱۴، ۴:۳۰
- c. تضمین شخصی او
- (۱) رومیان ۸:۱۶ الی ۱۷
- (۲) اول یوحنا ۵:۷ الی ۱۳

- B. پاسخ ضروری مبتنی بر پیمان مومن (موضوع خاص: پیمان را مطالعه کنید)
۱. توبه و ایمان اولیه و مستمر (موضوع خاص: دریافت کردن/ایمان/اعتراف یعنی چه؟ را مطالعه کنید)
- a. انجیل مرقس ۱:۱۵
- b. انجیل یوحنا ۱:۱۲
- c. اعمال رسولان ۱۶:۳ و ۲۱:۲۰
- d. رومیان ۹:۱۰ الی ۱۳
۲. بخاطر داشتن اینکه هدف رستگاری شبیه عیسی بودن است
- a. رومیان ۸:۲۸ الی ۲۹
- b. دوم قرنتیان ۳:۱۸
- c. غلاطیان ۴:۱۹
- d. افسسیان ۴:۱، ۲:۱۰، ۲:۱۳
- e. اول تسالونیکیان
- f. دوم تسالونیکیان ۱۳:۳، ۴:۳، ۵:۲۳
- g. تیتوس ۲:۱۴
- h. اول پطرس ۱:۱۵
۳. بخاطر داشتن اینکه شیوه زندگی، تأیید ضمانت است

- a. یعقوب
 b. اول یوحنا
 ۴. به خاطر داشتن اینکه با ایمان و پایداری فعال تضمین می‌شود (موضوع خاص: استقامت را مطالعه کنید)
 a. انجیل مرقس ۱۳:۱۳
 b. اول قرنتیان ۱۵:۲
 c. عبرانیان ۳:۱۴، ۴:۱۴
 d. دوم پطرس ۱:۱۰
 e. یهودا ۱:۲۰ الی ۲۱

□ "در حضور پر جلال خویش" "جلال" واژه‌ای از عهد عتیق برای نشان دادن روشنایی است. حضور خداوند همچون نور تابناک پرشکوهی تعریف گردیده است. بشر گناه کار نمی‌تواند به حضور این نور پرشکوه حاصل از خلوص و تقدس شرفیاب گردد. اما اکنون بواسطه عیسی، ایمانداران بوسیله‌ی رحمت خداوند، کار مسیح، و نیرویی که از روح القدس دریافت می‌کنند می‌توانند به حضور خداوند رسیده و به هم‌نشینی با آن مقدس قوم بنی اسرائیل دست یابند. به موضوع خاص در یعقوب ۱:۲ مراجعه نمایید.

□ "بی‌عیب" این یک واژه در عهد عتیق بوده و برای حیواناتی که بدون لکه‌ی آلوده تقدیم مذبح می‌گردیدند، بکار برده می‌شد. این عبارت برای این موارد بکار رفته است: (۱) عاری از عیب بودن عیسی در اول پطرس ۱:۱۹؛ (۲) عاری از عیب بودن ایمانداران (افسسیان ۱:۴؛ فیلیپیان ۲:۱۵؛ کولسیان ۱:۲۲)، که فقط در انتهای کار عیسی‌ای قربانی شده حاصل خواهد شد (۲) قرنتیان ۵:۲۱؛ کولسیان ۱:۲۲ و (۳) کلیسای جلال یافته در افسسیان ۲۷-۲۰:۵.

موضوع خاص: منزّه و بی‌گناه، بدون تقصیر Special Topic: Blameless, Innocent, Guiltless, Without Reproach

A. آغاز کلام

۱. این مفهوم از منظر الهیاتی، حالت اصل بشریت را تعریف می‌کند (پیدایش ۱، باغ عدن).
 ۲. گناه و شورش علیه خداوند، وضعیت یک دوستی کامل را از بین برده است
 ۳. انسان‌ها (مرد و زن) در حسرت برگرداندن این دوستی با خداوند هستند زیرا که آنان از تصویر او ساخته شده و شبیه او هستند (پیدایش ۱:۲۶-۲۷)
 ۴. خداوند با مسئله گناه بشر به اشکال مختلف کنار آمده است
 - a. با فرستادن رهبران خدا پرست (ابراهیم، موسی، عیسی)
 - b. نظام قربانی کردن (لاویان ۱-۷)
 - c. بوجود آوردن مثال‌های فراوان (نوح و ایوب)
 ۵. در نهایت خداوند عیسی را فرستاد
 - a. بصورت مکاشفه‌ای کامل از خودش (یوحنا ۱:۱-۱۴؛ کولسیان ۱:۱۳-۱۷؛ عبرانیان ۱:۲-۳)
 - b. بصورت قربانی کاملی برای گناه (مرقس ۱۰:۴۵؛ ۲ قرنتیان ۵:۲۱)
 ۶. مسیحیان منزّه هستند
 - a. بشکلی شرعی از طریق پارسایی عیسی (رومیان ۳:۴، ۶، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴؛ یعقوب ۲:۲۳)
 - b. بتدریج از طریق کار روح القدس (یوحنا ۱۶:۸-۱۱)
 - c. هدف مسیحیت، شبیه شدن به مسیح است (رومیان ۸:۲۸-۳۰؛ ۲ قرنتیان ۳:۱۸؛ غلاطیان ۴:۱۹؛ افسسیان ۴:۱-۴؛ ۱۳:۱)
 ۷. تسالونیکیان ۳:۱۳؛ ۴:۳؛ ۵:۲۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۱۳؛ تیتوس ۲:۱۴؛ ۱ پطرس ۱:۱۵، که در واقعیت، ترمیم تصویر خداوند است که پس از اخراج آدم و حوا گم شد.
 ۸. بهشت ترمیم دوستی کامل باغ عدن است. بهشت اورشلیم جدیدی است که از حضور خداوند به پایین می‌آید (۲ پطرس ۳:۱۰).
- کتاب مقدس با همین مضمون شروع و پایان می‌یابد.
- a. یک ارتباط شخصی و صمیمی با خداوند

b. در یک باغ (پیدایش ۱-۲ و مکاشفه ۲۱-۲۲)

c. با اظهارات نبوی، حضور و همراهی حیوانات (اشعیا ۱۱: ۶-۹)

B. عهد عتیق

۱. در زبان عبری لغات فراوانی وجود دارند که دارای مفهوم کمال، منزه و بی‌گناه هستند که نام بردن از همه آنها و ارتباط پیچیده‌ای که با یکدیگر دارند، دشوار است.

۲. واژگان اصلی که حاوی مفهوم کمال، منزه یا بی‌گناه هستند (مطابق کتاب Synobyns of the Old Testament نوشته Rober B. Girdlestone صفحات ۹۴ تا ۹۹) عبارتند از:

a. Shalom (BDB1022, KB 1532)

b. Thamam (BDB1070, KB 1743)

c. Calah (BDB478, KB 476)

۳. نسخه Septuagint (انجیل کلیسای اولیه) این مفاهیم عبری را به واژه‌های یونانی کوبین ترجمه کرده که در عهد جدید استفاده شده است (به بخش C در ادامه توجه کنید).

۴. مفهوم کلیدی به نظام قربانی وصل شده است.

a. Amōmos (BDB1071، خروج ۲۹: ۱؛ لاویان ۳: ۱، ۳: ۱۰؛ اعداد ۶: ۱۴)

b. aspilus و amiantos هر دو دارای معانی متفرقه هستند

C. عهد جدید

۱. مفهوم شرعی

a. مفاهیم شرعی عبری بوسیله amōmos ترجمه می‌گردد (BDB 1071 افسسیان ۵: ۲۷؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹)

b. مفاهیم شرعی یونانی (۱ قرن‌تیا ۸: ۱؛ کولسیان ۱: ۲۲)

۲. مسیح بی‌گناه، منزه و معصوم بود (amōmos عبرانیان ۹: ۱۴؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹)

۳. پیروان مسیح باید وی را شبیه‌سازی کنند (amōmos افسسیان ۱: ۴؛ ۵: ۲۷؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۲۲؛ ۲ پطرس ۳: ۱۴؛ داوران ۱: ۲۴؛ مکاشفه ۵: ۱۴)

۴. این مفهوم برای رهبران کلیسا نیز بکار برده شده است

a. Aneklētos "بدون اتهام" (۱ تیموتائوس ۳: ۱۰؛ تیتوس ۱: ۶-۷)

b. Anepileptos "فراتر از نقد" و یا "جنبه سرزنش نداشتن" (۱ تیموتائوس ۳: ۲؛ ۵: ۷؛ ۶: ۱۴؛ تیتوس ۲: ۸)

۵. مفهوم "طاهر" (amiantos) برای موارد زیر استفاده شده است

a. شخص عیسی مسیح (عبرانیان ۷: ۲۶)

b. میراث مسیحیان (۱ پطرس ۱: ۴)

۶. مفهوم "تمامیت" یا "صحت" (holoklēria) (اعمال رسولان ۳: ۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ یعقوب ۱: ۴)

۷. مفهوم "بدون تقصیر"، "معصومیت بی‌گناه" از لغت amemptos منتقل شده است (لوقا ۱: ۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ ۳: ۶؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۰؛ ۳: ۱۳؛ ۵: ۲۳)

۸. مفهوم "موضوعیت سرزنش نداشتن" از واژه amōmētos منتقل شده است (۲ پطرس ۳: ۱۴)

۹. مفهوم "بی‌عیب"، "بدون شبهه" اغلب در عباراتی استفاده شده است که دارای یکی از واژه‌های بالا هستند (۱ تیموتائوس ۳: ۱۴؛ یعقوب ۱: ۲۷؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹؛ ۲ پطرس ۳: ۱۴)

D. تعداد کلمات یونانی و عبری که به این مفهوم منتقل شده‌اند نشان دهنده اهمیت آن است. خداوند نیازهای ما را بوسیله عیسی فراهم کرده و اکنون ما را فرا می‌خواند که شبیه او شویم.

ایمانداران بصورت موضعی بوسیله عمل عیسی، "محق"، "منصف" و "منزه" اعلام شده‌اند. اکنون ایمانداران باید این موقعیت را تسخیر نمایند. "در نور قدم گذارید زیرا که او در نور است" (۱ یوحنا ۱: ۷). "به شایستگی دعوتی که بعمل آمده" (افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). عیسی تصویر خداوند را ترمیم کرد. رابطه صمیمی اکنون امکان پذیر است، ولی بیاد داشته باشید که خداوند مردمانی را می‌خواهد که شخصیت او را برای دنیای گمشده منعکس نمایند، همانگونه که پسرش انجام داد (قوم‌ها). ما برای چیزی کمتر از تقدیس فرا خوانده نشده‌ایم (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ پطرس ۱: ۱۳-۱۶). تقدس خداوند نه تنها مشروع بوده، بلکه جنبه وجودی نیز دارد!

■ **"آکنده از شادی عظیم"** در این دوره تاریخی، رنج، غم و اندوه، گناه و وسوسه دیگر وجود ندارد. این خواست همیشگی خداوند بوده که مخلوق خاص او (بشر) به نزد او رفته و شادی کند و شکرگزار باشد (مزمور ۱۱۰). ترس بشر نشانه هولناکی از واقعیتیست که در شورش نهفته است.

■ **یهودا ۱:۲۵ "آن خدای یکتا"** این عبارت مرجعی برای توحید است (تثنیه ۶:۴-۵). بلحاظ دستور زبانی همتراز (و زمانی) است با "او که قادر است" در یهودا ۱:۲۴. ما باید به تأیید عهد عتیق نسبت به یگانگی خدا پرداخته اما تأکید عهد جدید را بر خدای عیسی و شخصیت روح القدس نیز لحاظ نماییم. ما یک ذات الهی را اما با سه تجلی شخصی ابدی باور داریم.

■ **"نجات‌دهنده ما"** از این عبارت برای خدای پدر نیز استفاده شده است (لوقا ۱:۴۷؛ تیموتائوس ۱:۱؛ ۳:۲؛ ۴:۱۰؛ تیتوس ۱:۳؛ ۲:۱۰؛ ۳:۴). این عبارت نمونه‌ای از یک عنوان که برای پدر و پسر بکار برده شده می‌باشد. به نحوه استفاده از آن در تیتوس توجه نمایید:

(۱) "نجات‌دهنده ما خدا" (تیتوس ۱:۳)

"نجات‌دهنده ما عیسی مسیح" (تیتوس ۱:۴)

(۲) "نجات‌دهنده ما خدا" (تیتوس ۲:۱۰)

"نجات‌دهنده خویش عیسی مسیح" (تیتوس ۲:۱۳)

(۳) "نجات‌دهنده ما خدا" (تیتوس ۳:۴)

"نجات‌دهنده ما عیسی مسیح" (تیتوس ۳:۶)

■ **"به واسطه عیسی مسیح"** وی تنها راه برای رسیدن به رحمت، محبت و بخشش خداوند در ارتباط با بشر رانده شده از بهشت است (یوحنا ۱۴:۶؛ اعمال رسولان ۴:۱۲؛ تیموتائوس ۲:۵). وی نماینده خدای پدر در آفرینش، نجات و رستگاری و داوری است. هر برکت و نبوتی از او نشأت می‌گیرد (کولسیان ۱:۱۵-۲۲).

جالب است که دوم پطرس ۳:۱۸ با تأییدیهی "جلال" و ابدیت مسیح به پایان می‌رسد، درحالیکه یهودا با تأییدیهی از خدای پدر تمام می‌شود.

■ **"جلال"** این عبارت نشانه‌ی شکوه و عظمت (*kabod* در زبان عبری) قدوسیت خداوند واحد است. این روشنایی شامل هر چیزی که در حضور وی باشد، می‌گردد (۱ پطرس ۴:۱۱). به یادداشت یعقوب ۲:۱ مراجعه نمایید.

■ **"شکوه"** ریشه‌ی این لغت از "عظیم‌الشان" گرفته شده است. این واژه نشان دهنده عظمت خداوند است (عبرانیان ۳:۱؛ ۸:۱). واژه‌ی مرتبط با آن در ارتباط با مسیح در دوم پطرس ۱:۱۶ بکار برده شده است.

NASB, NKJV "سلطه"

NRSV "قدرت"

TEV "توانایی"

NJB "اختیارات"

پولس و پطرس از این واژه برای تعریف از قدرت خداوند در طول اعصار مختلف بهره برده‌اند (رومیان ۱۶:۲۵-۲۷؛ افسسیان ۳:۲۰؛ تیموتائوس ۱:۱۷؛ ۱ پطرس ۴:۱۱؛ ۵:۱۱). این واژه نیروی خداوند را بمنظور به سرانجام رساندن مقاصد خویش به تصویر می‌کشد (اعمال رسولان ۱۹:۲۰؛ افسسیان ۱:۱۹).

■ **"توانایی"** این واژه از ریشه یونانی *exousia* گرفته شده که بمعنی (۱) آزادی عمل؛ (۲) اختیار عمل؛ (۳) حق قانونی برای عملکرد؛ و متعاقب آن (۴) قدرت مطلق برای عملکرد، می‌باشد. این واژه برای خداوند و در حالت مشتق شده درباره فرشتگان و حاکمان انسانی بکار می‌رود.

این مجموعه از واژگان پر معنا، خدایی را به تصویر می‌کشد که قادر به (در برابر آن فرشتگان و معلمان دروغین که هیچ توانایی نداشتند) عمل کردن به وعده‌های خود است.

■ **"حال"** خداوند هنوز هم قادر و آماده است تا هر آنچه را که بواسطه عیسی مسیح نیاز است، به خوانندگان یهودا برساند.

■ **"تا ابد"** خصوصیات خداوند و وعده‌های او قابل اطمینان و مطمئن برای همه اعصار می‌باشند (مزمور ۱۰۲:۲۵-۲۷ [عبرانیان ۱:۱-۱۱]؛ ملاکی ۳:۶؛ عبرانیان ۱۳:۸؛ یعقوب ۱:۱۷).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. یهودا درباره چه موضوعی می‌خواست که بنویسد؟
۲. نوشته‌های وی بر علیه چه کسانی بود؟
۳. ارتباط رساله‌ی یهودا با ۲ پطرس ۲ چیست؟
۴. دو مشخصه‌ی معلمان دروغین را که در یهودا ۴:۱ به آن پرداخته شد، بنویسید.
۵. چرا یهودا تا این حد درباره فرشتگان می‌نوشت؟
۶. "جشن‌های لهو و لعب" چه بودند و چه ارتباطی با شام خداوند داشتند؟
۷. تمسخرکنندگان که بودند؟ آنان چه چیز را به سخره می‌گرفتند؟
۸. آیا این تمسخرکنندگان مسیحی بودند؟
۹. مسیحیان چگونه خود را در محبت خداوند نگاه می‌دارند؟
۱۰. گروه‌های ذکر شده در یهودا ۲۲:۱-۲۳ که ما باید شاهدان آنان باشیم، فهرست‌وار بنویسید.
۱۱. آیا خداوند نگهدار ما است یا اینکه ما خود از خودمان محافظت می‌نماییم؟

آشنایی با ادبیات حکمت

I. سبک

A. نوع ادبیات رایج در شرق نزدیک باستان

۱. بین‌النهرین (پادشاهان ۴:۳۰؛ اشعیا ۴۷:۱۰؛ دانیال ۲:۲)

- a. در زمینه حکمت، سومر هم به لحاظ تمثیلی و هم حماسی، پیشرفت به سزایی داشت (نیپور^۳).
b. حکمت تمثیلی بابل متصل شده بود به کاهنان / جادوگران. بهیچوجه بر روی اخلاق تمرکز نداشت. سبک آن همچون اسرائیلیان پیشرفت نیافته بود.

c. آشور همچنین از طریق آموزه‌های آحیقار حکیم دارای چنین سنتی بود. او مشاور سناخریب بود (۷۰۴-۶۸۱ پیش از میلاد)
۲. مصر (پادشاهان ۴:۳۰)

- a. "درس‌هایی برای پناه‌هتپ" در حدود ۲۴۵۰ سال پیش از میلاد نوشته شد. این درس‌ها بصورت تمثیلی نبوده و بشکل پاراگراف بودند. ساختار آنها بصورت از پدر به پسر بوده است. همینطور "درس‌هایی برای شاه مری کاره"، در حدود ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد.
b. حکمت امینم‌اویت در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد نوشته شد و خیلی شبیه به کتاب امثال ۲۲:۲۴-۱۷:۲۲ می‌باشد.
۳. فینیقیه

- a. آنچه که از اوگاریت کشف شده، ارتباطی نزدیک میان فینیقیان و حکمت عبرانی را نشان می‌دهد. بسیاری از قالب‌های غیرمعمول و لغات نادری که در حکمت ادبی انجیلی وجود دارند، هم اکنون به دلیل کشفیات باستانشناسی در راس‌الشرم (اوگاریت) قابل درک شده‌اند.
b. غزل‌ها بسیار شبیه است به آهنگ‌های عروسی فینیقیان که *wasps* نامیده می‌شد، در حدود ۶۰۰ پیش از میلاد نوشته شده است.
۴. کنعان (ارمیا ۴۹:۷؛ اوباد ۸) - آبرایت شباهت‌های میان عبرانی و حکمت کنعانی را مشخص کرده، بویژه متون راس‌الشرم از اوگاریت که در حدود قرن ۱۵ پیش از میلاد نوشته شده بودند.

a. اغلب لغات مشابه بصورت جفت نوشته شده‌اند

b. وجود کیاموس، که یک ساختار معکوس ادبیات یونانی است

c. دارا بودن عنوان

d. دارا بودن علامات آهنگ‌دار

۵. حکمت انجیلی شامل نوشته‌هایی از ده‌ها نویسنده غیر اسرائیلی است

a. ایوب از ایدوم

b. اغور از مسّا (پادشاهی اسرائیلی در عربستان سعودی - پیدایش ۱۴:۲۵ و اول تواریخ ۱:۳۰)

c. لیومل از مسّا

B. حکمت شخصیت‌پردازی

۱. در وحله اول دو نوع مجزا

a. تمثیلی (در اصل بصورت نقل دهان به دهان)

(۱) کوتاه بوده

(۲) باتوجه به فرهنگ بسادگی قابل درک بوده (تجربیات رایج)

(۳) فکر برانگیز - بیان‌کننده حقایق بوده

(۴) معمولاً از تضادها بهره می‌برد

(۵) عموماً حقیقت داشته اما همیشه قابل باور نبوده است

b. دارای موضوعات خاص بسط یافته و طولانی، کارهای ادیبانه (معمولاً نگارشی) همچون کتاب‌های ایوب، جامعه..

(۱) مونولوگ‌ها

(۲) دیالوگ‌ها

(۳) مقالات

^۳ نیپور شهری باستانی در شمال سومر در بین‌النهرین واقع در عراق امروزی بود.

- ۴) بیشتر به سوالات و رمز و رازهای بزرگ زندگی می‌پردازند
 ۵) حکما علاقمند به چالش کشیدن موقعیت فعلی آن زمان به لحاظ الهیاتی بودند
 c. شخصیت‌پردازی حکمت (همیشه بصورت زن). واژه حکمت در اصل بصورت مؤنث بکار برده می‌شد.

۱) در کتاب امثال، حکمت اغلب بشکل یک زن تعریف شده است

a) بشکل مثبت:

i. ۱:۲۰-۳۳

ii. ۸:۱-۳۶

iii. ۹:۱-۶

b) بشکل منفی

i. ۷:۶-۲۷

ii. ۹:۱۳-۱۸

۲) در امثال ۸:۲۲-۳۱، حکمت بصورت فرزند ارشد خلقت شخصیت‌پردازی شده که بواسطه آن خداوند بقیه را آفرید (۳:۱۹-۲۰). این می‌تواند پیشزمینه یوحنا برای استفاده از "Logos" در یوحنا ۱:۱ بوده باشد که اشاره به مسیح موعود دارد.

۳) این موضوع را نیز می‌توان در جامعه ۲۴ مشاهده کرد.

۲. چنین حکمتی با توجه به شرع و پیامبرانی که بصورت فردی در آن مورد خطاب قرار گرفته‌اند و نه یک قوم، منحصر بفرد می‌باشد. هیچ اشاره تاریخی یا دینی وجود ندارد. این حکمت در وحله اول متمرکز است بر زندگی اخلاقی، با نشاط، موفق و روزانه.

۳. حکمت انجیلی شبیه است به هر آنچه که همسایه‌های اطراف ما در ذات و ساختار خود دارند، نه در ظاهر. خداوند احد و واحد بنیان همه آنچه که حکمت انجیلی بر مبنی آن ساخته شده، می‌باشد (ایوب ۱۲:۱۳؛ ۲۸:۲۸؛ امثال ۱:۷؛ ۹:۱۰؛ مزمور ۱۱۱:۱۰). (در بابل افسوس، ایا یا مردوخ بود. در مصر توت بود).

۴. حکمت عبرانی بسیار عملی بود. این حکمت مبتنی بر تجربه بود و نه مکاشفه خاص. تمرکز آن بر موفقیت فرد در زندگی بود (زندگی در همه ابعاد آن؛ دنیوی و غیر دنیوی). حکمت همچون "عقل سلیم" است اما از جنبه الهی.

۵. بدلیل استفاده از توجیهات، تجربیات و مشاهدات انسانی، حکمت جنبه بین‌المللی و بین فرهنگی داشت. این جهانبینی دینی یکتاپرست بود که حکمت مکاشفه‌آمیز اسرائیل را ساخت، با وجودی که اغلب از آن صحبتی نمی‌شود.

II. ریشه‌های تخمینی

A. حکمت ادبی بعنوان یک جایگزین یا برقرار کننده توازن در میان سایر قالب‌های مکاشفه، در اسرائیل بسط پیدا کرد (ارمیا ۱۸:۱۸؛ حزقیال ۲۶:۷)

۱. کاهن - شرع - قالب (مشترک)

۲. نبی - وحی - انگیزه (مشترک)

۳. حکیم - حکمت - زندگی موفق روزانه، عملی (شخصی)

۴. از آنجایی که در اسرائیل نبی‌های زن نیز وجود داشتند، حکیمان زن نیز زندگی می‌کردند (۲ساموئیل ۱:۱۴-۲۱؛ ۲۰:۱۴-۲۲)

B. بنظر این نوع از ادبیات نیز بسط یافته بود:

۱. همچون داستان‌های محلی که بدور آتش خوانده می‌شدند

۲. همچون سنت‌های خانوادگی که به فرزندان پسر منتقل می‌گشتند

۳. مکتوباتی که مورد حمایت کاخ سلطنتی قرار می‌گرفتند:

a. داوود متصل شده است به مزامیر

b. سلیمان متصل شده است به امثال (۱ پادشاهان ۴:۲۹-۳۴؛ مزمور ۷۲ و ۱۲۷)

c. حزقیال متصل شده است به ویرایش حکمت ادبی

III. مقصود

A. قصد اصلی این نوع حکمت در واقع چگونگی تمرکز بر شادی و موفقیت است. در وحله اول، فرد در مرکز توجه آن قرار دارد. این حکمت مبتنی است بر:

۱. تجربه نسل‌های گذشته

۲. علت و تاثیر روابط در زندگی

- B. روش اجتماع در بیان حقیقت و آموزش نسل بعدی رهبران و شهروندان
- C. حکمت عهد عتیق، با وجود اینکه همیشه بیان نمی‌شود، اما پیمان خداوند را از ورای زندگی می‌بیند.
- D. این حکمت روشی بود برای به چالش کشیدن و برقراری توازن الهیات سنتی. حکما دارای فکری باز بودند و ذهن آنان فقط معطوف به کتاب نبود. آنان شجاعانه سوال می‌پرسیدند، "چرا"، "چگونه" و "اگر چنین شود؟"

.IV

نکات کلیدی برای تفسیر

A. اظهار نظرهای تمثیلی کوتاه

۱. بدنبال عناصر مشترک زندگی برای بیان حقیقت باشید.
۲. قلب حقیقت را در یک جمله رسا بیان کنید.
۳. از آنجا که متن نمی‌تواند کمکی باشد، بدنبال پاراگراف‌های موازی در موضوعات مشترک باشید.

B. قطعات ادبی بزرگتر

۱. اطمینان حاصل کنید که مرکز حقیقت از کل موضوع بیان می‌گردد.
۲. آیات را از درون متن خارج نکنید. (کل آیات را با هم در نظر بگیرید).
۳. وقایع تاریخی و علت نوشتن موضوع را بررسی کنید.

C. برخی ترجمه‌های اشتباه رایج (کتاب *How to Read the Bible for All It Is Worth* نوشته Fee & Stuart صفحه ۲۰۷)

۱. مردم کل کتاب حکمت را نخوانده (همچون ایوب و جامعه) و بدنبال قلب حقیقت نیستند، بلکه قسمت‌هایی از کتاب را از متن جدا کرده و به کل ادبیات و زندگی امروزی اعمال می‌کنند.
۲. مردم منحصر بفردی سبک ادبی را درک نمی‌کنند. این مسئله بشدت ادبیات شرق نزدیک باستان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
۳. امثال حقیقت کلی را بیان می‌دارند. فقط حرکت قلم به این سو و آن سو نیستند، در هر شرایطی و هر زمانی، حقیقت هستند

.V مثال‌هایی از انجیل

A. عهد عتیق

۱. ایوب
۲. مزمور ۱، ۱۹، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۷-۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۴۸
۳. امثال
۴. جامعه
۵. غزل غزل‌ها
۶. مراثی ارمیا
۷. یونس

B. موارد شرعی بیشتر

۱. کتاب توبیاس
۲. حکمت یسوع بن سیراخ (جامعه)
۳. حکمت سلیمان (کتاب حکمت)
۴. ۴ مکابی‌ها

C. عهد جدید

۱. امثال و حکایات عیسی
۲. کتاب یعقوب

موضوع خاص: اصطلاحات دستور زبان یونانی

یونانی کوین (Koine Greek) که اغلب یونانی هلنی (Hellenistic Greek) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود. نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسندگان عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تاثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوین نوشته شده بود. ولی Septuagint توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود. این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) Septuagint، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروسی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمتهای مختلف متن).

I. زمان فعل

A. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناکامل" می‌شود.

۱. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.
۲. فعل زمان ناکامل بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.

B. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد

۱. رخ داد (عمل انجام شد) = اُتوریستی
۲. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل
۳. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید
۴. در حال وقوع است = زمان حال
۵. در حال انجام بود = ناکامل
۶. ظاهر خواهد شد = آینده

یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (save) باشد. این در چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

۱. اُتوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸:۲۴)
۲. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۵:۲ و ۸)
۳. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرنتیان ۱۸:۱، ۲:۱۵)
۴. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۹:۵، ۱۰:۹)

C. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید بدنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" اُتوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گویید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تاکید شده بود. ولی چه؟

۱. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان اُتوریستی و زمان حال است.

- معمولا تمرکز بروی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۵: ۲ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")
۲. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۶: ۱۸ "پطرس پشت در ایستاد".
۳. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولا بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳: ۹ و ۳، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند". "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
۴. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۵: ۳ "مردمان اورشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اورشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند".
۵. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۴: ۵ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد".

II. لحن گفتار

- A. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- B. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- C. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
۱. عامل مستقیم فردی توسط hupo با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۲۲: ۱، اعمال رسولان ۳۰: ۲۲)
 ۲. یک عامل فردی واسطه توسط dia با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۲۲: ۱)
 ۳. یک عامل غیر فردی توسط en با حالت موردی
 ۴. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- D. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد. احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
۱. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۵: ۲۷، "خود را حلق آویز کرد"
 ۲. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنتیان ۱۴: ۱۱، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
 ۳. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۴: ۲۶، "شور کردند"

III. حس گفتار (یا "حالت")

- A. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- B. حالت دلالت کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- C. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیافتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولا با would, could, may و یا might بیان می‌شود.
- D. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۴: ۳ و ۶ و ۳۱، ۲: ۶ و ۱۵، ۷: ۱۳ و ۱۴، ۹: ۱۱ و ۱۱، اول قرنتیان ۱۵: ۶، غلاطیان ۱۷: ۲، ۳: ۲۱، ۶: ۱۴)
- E. حالت دلالت کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تأکید می‌کند، ولی تأکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط، انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آنوریستی در عهد جدید هستند.

- F. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه کرد. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیبر کمک زیادی می‌کند.
- G. زمان آتوریست دلالت کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.
- IV. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کنند:
- A. باربارا و تیموتی فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بیبر، سال ۱۹۸۸
- B. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶
- C. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳
- D. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰
- E. دروس مکاتباتی زبان یونانی کوین که دارای تائید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگوی ایلینویز قابل دسترسی است.

V. اسم

- A. از نظر دستور زبان، اسم‌ها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوین، بسیار از عملکردهای مورد دلالت بر ضمائر مفعولی دارند. از آنجا که حالت مورد می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.
- B. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:
۱. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شود و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شود.
 ۲. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شود و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شود. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.
 ۳. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شود، ولی برای توصیف جداسازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبدأ، منشا یا درجه استفاده می‌شود. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (from) بیان می‌شود.
 ۴. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شود. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (to) بیان می‌شود.
 ۵. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در"، "آن"، "روی"، "میان"، "در طول"، "توسط"، و "باضافه" بیان می‌شود.
 ۶. حالت یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شود. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شود.
 ۷. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شود. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.
 ۸. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شود.

VI. حروف ربط

- A. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.
- B. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند).

۱. حروف ربط زمانی

a. epei, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan (موضوع) - "وقتی که"

- .b heōs "در حالی که"
- .c hotan, epan (موضوع) - "هر وقت"
- .d heōs, achri, mechri (موضوع) - "تا وقتی که"
- .e priv - (مصدر) - "قبل از"
- .f Hōs - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"

۲. حروف ربط منطقی

- a. هدف
 - (۱) hina, hopōs, hōs - به منظور، "که"
 - (۲) hōste (مصدر مفعولی) - "که"
 - (۳) Pros - (مصدر مفعولی) یا eis (مصدر مفعولی) - "که"
- b. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)
 - (۱) hōste (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"
 - (۲) hiva (موضوع) - "تا"
 - (۳) Ara - "بنابراین"
- c. دلیل یا سبب
 - (۱) gar (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"
 - (۲) dioti, hotiy - "از"
 - (۳) dia (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"
- d. استنتاج
 - (۱) ara, poinun, hōste - "بنابراین"
 - (۲) dio (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"
 - (۳) oun - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"
 - (۴) Toinoun - "متعاقبا"
- e. حرف نقض یا مخالف
 - (۱) Alla (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"
 - (۲) De - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"
 - (۳) kai - "اما"
 - (۴) mentoi, oun - "معهدا"
 - (۵) plēn - "با این وجود"
 - (۶) oun - "معهدا"
- f. مقایسه
 - (۱) hōs, kathōs - (معرفی جمله مقایسه‌ای)
 - (۲) kata - (در ترکیب، kathaper, kathōsper, kathoti, katho)
 - (۳) hosos - (در عبرانیان)
 - (۴) ē - "از"
 - (۵) توالی یا سری
 - (۶) de - "و"، "حالا"
 - (۷) kai - "و"
 - (۸) tei - "و"
 - (۹) hina, oun - "که"
 - (۱۰) oun - "بعد" (در انجیل یوحنا)

C. کاربردهای تاکیدی

- a. Alla - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"
- b. ara - "در واقع"، "یقیناً"، "واقعا"
- c. gar - "اما واقعا"، "یقیناً حتما"
- d. de - در واقع
- e. ean - "حتی"
- f. kai - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"
- g. mentoi - "در واقع"
- h. oun - "واقعا"، "با تمام قوا"

VII. جملات شرطی

A. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعل اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.

B. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۴:۳، رومیان ۸:۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲:۲۷).

C. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:

۱. "اگر این مرد براستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷:۳۹)

۲. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۵:۴۶).

۳. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱:۱۰)

D. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولاً بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعل اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۱:۶ الی ۱۰، ۲:۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹، ۳:۲۱، ۴:۲۰، ۵:۱۴ و ۱۶.

E. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۳:۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریباً جمله جمع‌بندی در اعمال رسولان ۸:۲۱ می‌باشد.

VIII. ممانعت‌ها

A. زمان حال امری با پسوند ME اغلب (ولی نه انحصاراً) تاکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۱۹:۶، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶:۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶:۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید" (افسسیان ۴:۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسسیان ۵:۱۸).

B. وجه شرطی آنوریستی با پسوند ME تاکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵:۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶:۳۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱:۸).

C. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملاً محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸:۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرنتیان ۸:۱۳).

IX. حرف تعریف

A. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقاً مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را داشته

باشد

۱. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر
 ۲. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلا معرفی شده
 ۳. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴:۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۵:۱)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۸:۴ و ۱۶)
- B. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:
۱. تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی
 ۲. تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی
 - C. نویسندگان عهد جدید از روشهای کاملا متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.
- X. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی
- A. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملا متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسنده عبرانیان بودند.
- B. پیشتر گفتیم که آئوریست دلالت کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که آئوریست دلالت کننده فعال اغلب برای مفاهیم دستور زبانی مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۱۰:۶ دو مرتبه تکرار شده)
- C. ترتیب کلمه در یونانی کوبین
۱. زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسنده می‌تواند از ترتیبی که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کند
 - a. آنچه که نگارنده می‌خواست به خواننده تاکید کند
 - b. آنچه که نگارنده تصور می‌کرد برای خواننده حیرت‌انگیز باشد
 - c. آنچه نگارنده عمیقا بدان فکر می‌کرد
 ۲. هنور ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است
 - a. برای وصل کردن افعال
 - (۱) فعل
 - (۲) فاعل
 - (۳) متمم
 - b. برای افعال متعدی
 - (۱) فعل
 - (۲) فاعل
 - (۳) مفعول
 - (۴) مفعول با واسطه
 - (۵) حرف اضافه
 - c. برای عبارات اسمی
 - (۱) اسم
 - (۲) تعدیل کننده
 - (۳) حرف اضافه
۳. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:
- a. "دست رفاقت به من و برنابا دادند". عبارت "دست رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۹:۲).
 - b. "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲:۲۰).
 - c. "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱:۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.

D. معمولا مقداری تاکید نشان داده می شود توسط:

۱. تکرار ضمیری که قبلا در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی ۲۸:۲۰)

۲. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می شود. انتظار یک رابط می رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می کند. مثالها:

a. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵:۳ (تاکید در لیست)

b. انجیل یوحنا ۱۴:۱ (موضوع جدید)

c. رومیان ۹:۱ (بخش جدید)

d. دوم قرنتیان ۱۲:۲۰ (تاکید در لیست)

۳. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسیان ۶:۱ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.

۴. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات

a. Euphemisms - کلمات با فاعل های تابو را جایگزین می کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱:۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۷:۳ و ۸، اول سموئیل ۳:۲۴)

b. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۲:۲) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۱۷:۳)

c. حالات سخن گفتن

۱) اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۹:۳، ۲۹:۵ و ۳۰، ۲۴:۱۹)

۲) اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۵:۳، اعمال رسولان ۲:۳۶)

۳) تجسم شخصیت (اول قرنتیان ۵:۵۵)

۴) وارونه گویی (غلاطیان ۵:۱۲)

۵) شعر (فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱)

۶) اصوات میان کلمات

a) کلیسا

i. کلیسا (افسیان ۳:۲۱)

ii. صدا کردن (افسیان ۴:۱ و ۴)

iii. فرا خوانده شدن (افسیان ۴:۱ و ۴)

b) آزاد

i. زن آزاد (غلاطیان ۴:۳۱)

ii. آزادی (غلاطیان ۵:۱)

iii. آزاد (غلاطیان ۵:۱)

d. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است

۱) استفاده تمثیلی از "غذا" (انجیل یوحنا ۴:۳۱ الی ۳۴)

۲) استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲:۱۹، انجیل متی ۲۶:۶۱)

۳) اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۲۹:۳۱، تثنیه ۱۵:۲۱، انجیل لوقا ۲۶:۱۴، انجیل یوحنا ۱۲:۲۵، رومیان ۹:۱۳)

۴) "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۶:۵۳ (همه) را با ۵۳:۱۱ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۵:۱۸ و ۱۹ نشان می دهد.

۵. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".

۶. استفاده خاص autos

a. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد

b. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".

E. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می کند، می تواند تاکیدها را به شیوه های مختلف شناسایی کند:

۱. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی
۲. مقایسه ترجمه های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه هایی از دیدگاه های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا The Bible in Twenty-Six Translations از انتشارات بیکر است.
۳. استفاده از The Emphasized Bible اثر جوزف برایانت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)
۴. استفاده از ترجمه های تحت الفظی

a. The American Standard Version (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱

b. Young's Literal Translation of the Bible از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)

مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند. ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می باشند.

موضوع خاص: نقد متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

۱. منابع انگلیسی انجیل

a. عهد قدیم

b. عهد جدید

۲. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

۳. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

۱. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

a. عهد قدیم

i. منبع مازراتی (Masoretic Text - MT) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (Rabbi Aquiba) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی‌نویسها، علامتگذاریها و نشانه‌گذاریها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشیتا و والگیت استفاده شد.

ii. سپتواگینت (Septuagint - LXX) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی اکویبا (MT) هستند.

iii. کتیبه دریای سیاه (Dead Sea Scrolls - DSS) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (Essenes) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

iv. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

۱. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است تا MT را درک کنند

a. LXX اشعیا ۱۴:۵۲، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

b. MT اشعیا ۱۴:۵۲ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

c. در اشعیا ۱۵:۵۲ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

i. LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

ii. MT پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

۲. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

a. DSS اشعیا ۸:۲۱ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

b. MT اشعیا ۸:۲۱ "و من فریاد زدم، شیر! خداوند، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

۳. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۱۱:۵۳ کمک کرده‌اند

a. DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

b. MT "او خواهد دید.... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

b. عهد جدید

i. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویس حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ نسخه از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوییم.

ii. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین نسخه‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی

بسیاری از اینها برای استفاده داخلی نسخه‌برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

- iii. Codex Sinaiticus که با حرف \aleph (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.
- iv. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.
- v. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.
- vi. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.
- vii. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنج یا شش میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری بوده و شاهد اصلی است برای ترجمه King James.
- viii. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم‌بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

۱. متن اسکندریه‌ای از مصر

- a. P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند
- b. P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند
- c. P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهوذا را ثبت می‌کند
- d. Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است
- e. نقل قول اورینگن از این نوع متن
- f. سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: \aleph , C, L, W, 33

۲. متن غربی از آفریقای شمالی

- a. نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی ترتولیان، ساییریان، و ترجمه قدیمی به لاتین
- b. نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)
- c. نقل قولهایی از تائیان و ترجمه قدیمی سیریاک
- d. Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

۳. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

- a. این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است
- b. نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و تروودورت (Therodoret)

c. Codex A فقط در انجیل

d. Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

۴. نوع احتمالاً چهارم سزازی از فلسطین

- a. عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده می‌شود
- b. برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

۲. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

a. تنوعات چگونه به وجود آمدند

i. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

۱. خطای چشمی در زمان نسخه‌برداری و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف می‌کند (homoioteleuton)
 - a. خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات
 - b. خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی
۲. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای نسخه‌بردار می‌خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می‌گیرد. اغلب غلط‌های املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته‌اند.

۳. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله‌ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد

ii. عمدی

۱. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن نسخه‌برداری شده بهبود یابد
۲. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
۳. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
۴. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۲۷:۱۱ و اول یوحنا ۷:۵ و ۸)
۵. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد‌های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی‌نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۵)

b. فرضیه‌های اولیه نقد متنی (راهنمای‌های منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)

- i. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است
- ii. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
- iii. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می‌شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
- iv. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
- v. متونی که از نظر دکتربین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحث‌های اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۷:۵ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
- vi. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه‌های متفاوت را توضیح دهد
- vii. دو نقل قول که می‌توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه‌های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند

۱. کتاب Introduction to New Testament Textual Criticism اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتربین مسیحی نمی‌تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی‌تری یا از نظر دکتربین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).

۲. W. A. Criswell به Greg Garrison از The Birmingham News گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حداقل نه تمامی کلماتی که طی قرن‌ها مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده‌اند". کریسول گفت: "من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب فکر می‌کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویس‌های بسیار قدیمی را مقایسه می‌کنیم، چنین جمع‌بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."

بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می‌گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می‌کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت‌انگیزی است. زودگذر نیست، بی‌ربط نیست، پویا و مرکز...."

۳. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

a. Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual, اثر آر. اچ. هریسون

b. The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration اثر بروس ام متزگر

c. Introduction to New Testament Textual Criticism اثر جی. اچ. گرینلی

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی - این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساسا این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱) و یا در زمان قیامش از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۱:۴). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۱:۴، فیلیپیان ۲:۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هر چند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثرا روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و اگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, ۱۹۸۷)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطری، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳:۸، اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هر چند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماما الهی و تماما انسانی). توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برجسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱۰:۱، ۱۵:۱)

Apocalyptic literature/ادبیات آخروزمایی. این یک بحث غالب و حتی احتمالاً منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخدادها را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، رویا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۸:۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه‌ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تأکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط/دست‌نوشته. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دست‌نویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دست‌نویس عبری و یونانی باستانی است.

Bezae/بزا. این نسخه دست‌نویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دست‌نویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دست‌نویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضع‌گیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است که صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۵:۱۷ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح

مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۵) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به *Walter Clark's How to Use New Testament Greek Study Aids*, صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطق یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاسپورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's Introduction to the TEV مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد مؤلف اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف مؤلف اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخز زمانی و شریعت.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والنتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شریر کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (ائون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن پیوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند پیوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱:۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شیخ معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۱ الی ۳، ۴:۱ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. شریعت‌گرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تاکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورالعملهای خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القایی. این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/اسطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/شریعت پرستی. این نگرش با تاکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت الفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پائین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text / متن مازروتی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدادار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کتری جوش" در واقع "آب در داخل کتری جوش است".

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱:۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲:۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزمور ۱۹:۱ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریستی. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/مؤلف اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyri/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارتهای همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروشالیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنطقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/فلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کاهنان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کاهنان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و شریعتی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشای. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معانی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است.

Septuagint. این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSS‌های غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/مترادف. به اصطلاحات با معانی دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزمو ۳: ۱۰۳).

Syntax/نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخشهایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساسا این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*، ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بیزانس عملا Textus Receptus است." متن بیزانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیزانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم ۱۵۲۲ Erasmus) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولا این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزمو، عبرانیان، کاهنان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنای "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساسا تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزلها حضور و پرستش یهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهادت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی ببرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان‌بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳:۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "آرباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

- A. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.
- B. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح‌القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.
- C. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.
- D. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.
- E. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.
- F. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.
- G. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.
- H. روح‌القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.
- I. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.
- J. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.
- K. مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"